



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

عملیات میمک (خوارزم)

عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در دی ماه ۱۳۵۹

نویسندگان :

سرهنک توپخانه ستاد احمد احمدی

سرهنک زرهی ستاد ابراهیم باوندپور

سرشناسه	: احمدی، احمد، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: عملیات میمک (خوارزم): عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در دی‌ماه ۱۳۵۹/نویسندگان احمد احمدی، ابراهیم باوندپور؛ بررسی اولیه و نهایی ناصر آراسته، سیدحسام هاشمی؛ ویراستار محتوایی، انتخاب مطالب تکمیلی، آماده‌سازی، نشر نجاتعلی صادقی‌گویا؛ بررسی و بازبینی حمید شکیبا؛ [برای] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: [چهارده]، ۳۴۶ ص.
شابک	: 978-600-7416-73-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: Ahmad Ahmadi, Ibrahim Bavandpour. Meymak operation.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در دی‌ماه ۱۳۵۹.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- عملیات میمک Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Operation Meymak جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- نبردها Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Campaigns جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- نبردها--خاطرات Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Campaigns-- Diaries
شناسه افزوده	: باوندپور، ابراهیم، ۱۳۱۲ -
شناسه افزوده	: آراسته، ناصر، ۱۳۳۱ -
شناسه افزوده	: هاشمی، سیدحسام، ۱۳۲۷ -
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: DSR۱۶۰۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۴۹۰۴۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

عملیات میمک (خوارزم)

نویسنده: سرهنگ توپخانه ستاد احمد احمدی، سرهنگ زرهی ستاد ابراهیم باوندپور

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته، سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

ویراستار محتوایی، انتخاب مطالب تکمیلی، آماده‌سازی، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا

بررسی و بازبینی: سرتیپ ۲ حمید شکیبا

حروف‌نگاری، ویرایش ادبی - فنی: الهه آموزگار

صفحه‌آرایی: حامد خدمتی

نوبت / سال چاپ: اول / ۱۳۹۹

شماره شابک: ۰-۷۳-۷۴۱۶-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز - تهران

قیمت: ۱۰۴۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن ۲۲۴۸۹۰۰۲ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

www.maarefjang.ir

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که
توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست
می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند
و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه
بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را
در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی(ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا
ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن
هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."
"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت
و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از
خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و
مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن
جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیت سراسر کشور
(در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبَهِتِ دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیچی ید واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. این هیئت بعد از سال ۱۳۷۸، همچنان با اجرای آموزش‌های میدانی، نسبت به تکمیل برداشت‌های میدانی عملیات ثامن الائمه^(ع) و سایر عملیات‌ها اقدام نمود. چاپ ۱۹۰ عنوان کتاب مستند از وقایع هشت سال دفاع مقدس از سال ۱۳۷۹ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹ از اقدامات هیئت معارف جنگ می‌باشد.

آموزش معارف جنگ، از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی^(ع) نزا و از سال ۱۳۸۲ نیز برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری هوایی، دریایی و فزاری و از سال ۱۳۹۴ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء^(ص) به اجرا درآمد و تا پایان سال ۱۳۹۹، تعداد ۳۲۷۸۸ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۹، بیش از ۴۷۹ هزار از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای کلیه دانش‌آموزان پایور اجا از سال ۱۳۸۷ در آموزشگاه نظامی جوادالائمه نزاجا برگزار می‌گردد و از سال ۱۳۹۸ این آموزش‌ها در ۵ مرکز آموزش اجا (جوادالائمه^(۴)، نزاجا، تفنگداران دریایی نداجا، باقرالعلوم^(۵)، نداجا، شهید خضایی نهاجا و علی‌اکبر^(۶)، نپاجا) برنامه‌ریزی شد، که بر این اساس تا پایان سال ۱۳۹۹، تعداد ۱۲۳۹۲ نفر دانش‌آموز پایور به مدت ۱۶ ساعت در هر دوره، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دوره‌های عالی رسته‌ای با موضوع نقش رسته مربوطه در دفاع مقدس به مدت ۸ ساعت برگزار شد که از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۹، آموزش‌ها در ۱۸ مرکز برای تعداد ۹۴۹۱ نفر دانشجو برگزار گردیده است.

از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۹، بیش از ۵۶۹ هزار نفر از سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دافوس آجا به مدت ۸ ساعت در ۴ جلسه در سال ۱۳۹۸ برای تعداد ۲۶۴ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد ساحفاجا به مدت ۸ ساعت برای تعداد ۲۲۰ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد عقیدتی سیاسی ارتش برای تعداد ۶۰ نفر در سال ۱۳۹۹ برگزار شد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

سخنی درباره کتاب

عملیات آفندی خوارزم، مشهور به عملیات میمک در روز ۵۹/۱۰/۱۹ در منطقه عملیاتی ارتفاعات میمک و کنجان چم مهران توسط تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی و یگان‌ها و عناصر مأمور به این تیپ آغاز و تا روز ۵۹/۱۰/۲۴ پس از تحکیم هدف با موفقیت پایان یافت. حالت پدافندی طرفین تا روز ۱۲ بهمن ۵۹ ادامه یافت. دشمن از روز ۱۳ بهمن ماه اقدام به پاتک برای تصرف مواضع از دست رفته نمود، اما با مقاومت شدید نیروهای خودی مواجه گردید. این درگیری و نبرد طرفین تا روز ۲۰ بهمن ادامه یافت و بالأخره با پیروزی نیروهای خودی پایان یافت.

درباره این عملیات موفق که در آن روزگار سخت برای خودی و در حالت تجاوز دشمن و موفقیت در تصرف قسمتی از عمق سرزمین ما در خط مرزی طرفین انجام شده بود، در کتاب‌ها کم و بیش گفته شده است. هر چند که تمام مطالب نگارش یافته لازم بوده، اما به یقین می‌توان گفت که نسبت به کار انجام شده کافی نمی‌باشند.

به طور کلی کتاب‌هایی که درباره ۸ سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تهیه و انتشار یافته‌اند، درباره هر عملیات و هر موضوعی از کلیات گفته‌اند و از ورود به جزئیات موضوع به دلیل حجم زیاد مطالب و خارج از حوصله بودن خوانندگان خودداری نموده‌اند. اما باید قبول کنیم که برای اهل علم و تاریخ‌نگاران نظامی حال و آینده، کلی‌گویی چندان قابل بهره‌برداری و برای برداشت‌های علمی نظامی مفید و یا حداقل کافی نخواهند بود.

این کتاب با توجه به بیان فوق، تلاش نموده یک کتاب را که توسط سرهنگ توپخانه ستاد احمد احمدی و سرهنگ زرهی ستاد ابراهیم باوندپور در سال ۱۳۶۳ تهیه و در آن اسناد نظامی مهم قبل و بعد عملیات را ارائه نموده است، به عنوان کتاب پایه منظور نموده و برای جامع‌تر نمودن بیان موضوع از چند کتاب و مدرک دیگر که انتشار یافته و یا در سوابق مرکز اسناد هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» وجود داشت، استفاده و توسط سرتیپ ۲ صادقی گویا آنها را انتخاب و به پیوست کتاب اضافه نماید.

هر چند که باور داریم، هنوز هم با آنچه که درباره این عملیات باید گفته شود و کافی باشد، فاصله زیاد داریم. به عنوان مثال: ما در این کتاب از اثرگذاری‌های هوانیروز، توپخانه، عناصر نیروی مخصوص، عناصر نیروهای داوطلب، مقامات و عشایر محلی، عناصر بهداری و بیمارستانی و بالأخره مقامات بالادستی و غیره مطلب لازم نگفته‌ایم و هنوز مطالب زیادی وجود دارند که باید آنها را جستجو و در کتاب‌ها ماندگار نمود. با این حال آرزو داریم در آنچه

که در توان و در دسترس داشتیم توانسته باشیم تکلیف خود را نسبت به تاریخ نظامی کشور عزیزمان انجام داده باشیم. اگر هم کوتاهی داشتیم، دیگر فرزندان فرهیخته این کشور، آن را جبران نمایند.

نیاز است به چگونگی شکل‌گیری و جمع‌آوری مطالب این کتاب نیز شرحی برای خوانندگان محترم ارائه شود:

۱- کتاب پایه، به قلم سرهنگ ستاد احمد احمدی و سرهنگ ستاد ابراهیم باوندپور از صفحه ۱ تا صفحه ۱۷۹ از مدارک موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ است که در دهه ۶۰ در همان سال‌های جنگ، همراه با کتاب‌های مستند دیگری که توسط مرحوم سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی تنظیم می‌گشت، تهیه شده و در چند نسخه تکثیر و در مراکز مختلف ارتش نظیر دافوس و سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نگهداری و بهره‌برداری می‌شد.

۲- تجزیه و تحلیل عملیات در پایان قسمت پنجم به قلم روانشاد شهید سرتیپ مهدی رسولی رئیس رکن ۳ تیپ ۱ در عملیات میمک با استفاده از سوابق موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ استفاده شده است.

۳- عملیات پاسگاه سنگی در پیوست ۱ این کتاب با استفاده از کتاب «شمشیر پیروزی» به قلم سرهنگ ستاد سورنا کیانی ارائه شده است. این کتاب یکی از منابع اصلی و پرازش عملیات میمک است که توسط نویسندگان محترم آن که یکی از اهالی علم و قلم ارتش ج.ا. ایران می‌باشد تدوین و انتشار یافته است.

۴- خاطرات صوتی و تصویری تعدادی از رزمندگان عملیات در پیوست ۲ این کتاب که توسط تیمی به سرپرستی سرتیپ ۲ ستاد منوچهر صابریان و همکار ایشان سرتیپ ۲ ستاد عبدالعلی فیروزی به صورت میدانی در منطقه عملیات ایلام و کرمانشاه در دی‌ماه سال ۸۰ به مدت ۱۰ روز و بعد از آن، به مدت چند ماه به صورت ستادی و پژوهشی از طرف هیئت معارف جنگ انجام گرفته، در این کتاب ارائه شده است.

۵- عملیات آفندی میمک در پیوست ۳ این کتاب به روایت کتاب «نبردهای صحنه عملیات غرب» به قلم روانشاد مرحوم سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی ارائه شده است که در همان سال‌های دهه ۶۰ ده‌ها کتاب مستند درباره دفاع مقدس تحریر و از خود باقی‌گذارند که اکثر آنها توسط هیئت معارف جنگ انتشار و در دسترس عموم قرار گرفته است.

۶- نمونه مصاحبه با اسرای دشمن و دستور عملیاتی دشمن در پیوست ۴ این کتاب به روایت کتاب «شمشیر پیروزی» ارائه شده است.

۷- در پیوست ۵، اسامی فرماندهان و افسران عمل کننده به روایت کتاب «شمشیر پیروزی» ارائه شده است.

۸- مجموعه مدارک این عملیات که در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ موجود بود، در سال ۱۳۸۱ در دستور کار هیئت معارف جنگ برای تدوین کتاب جامع و مناسب قرار گرفت. به سرتیپ ۲ صابریان از همکاران وقت در هیئت معارف جنگ مأموریت داده شد که به استان کرمانشاه و ایلام، لشکر ۸۱ مراجعه و نسبت به جمع آوری اطلاعات میدانی از دست اندرکاران و رزمندگان عملیات و نیز اسناد مربوطه اقدام نماید. این مأموریت انجام و سوابق صوتی، تصویری و نوشتاری آن به مرکز اسناد هیئت معارف جنگ سپرده شد. آذرماه ۱۳۸۲ کلیه سوابق و اسناد مربوط به عملیات، به سرتیپ ۲ علی متقی که خود در درجه ستوان یکمی از فرماندهان آتشبار گردان ۳۹۶ توپخانه شرکت کننده در این عملیات بود تحویل شد تا نسبت به تدوین کتاب اقدام نماید. ایشان به علت مشغله خدمتی، با آنکه مقداری زحمت را در این کار متحمل شد، تا سال ۱۳۸۵ نتوانست کار را به پایان برساند و در نتیجه، بعد از مدتی، کلیه سوابق و مدارک به مرکز اسناد اعاده شد.

مجدداً از سال ۱۳۹۵ توسط سرتیپ ۲ صادقی گویا کار تدوین و انتخاب مطالب تکمیلی و چیدمان کتاب آغاز و بالأخره پس از مراحل تایپ و اصلاحات به مرحله نهایی رسید و انتشار یافت.

هیئت معارف جنگ

شهید سپهبد علی صیادشیرازی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	قسمت یکم: کلیات
۶	۱- مشخصات کلی عملیات
۹	۲- مأموریت
۱۰	۳- شرح کلی منطقه عملیات
۱۲	۴- سازمان گسترش کلی نیروهای متجاوز
۱۲	۵- سازمان و گسترش کلی نیروهای خودی
۱۳	قسمت دوم: برآوردهای ستادی
۱۴	بررسی منطقه عملیات تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ (میمک)
۲۹	قسمت سوم: طرح ها و دستورات عملیاتی
۳۰	طرح عملیاتی بدر
۳۷	طرح عملیاتی امین شماره (۵)
۴۸	پیوست الف (اطلاعات) به دستور عملیاتی
۵۳	پیوست پ (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۵ امین
۵۸	پیوست ت طرح موانع
۶۰	پیوست ث طرح تخریبات
۶۳	پیوست ج (اداری) به طرح عملیاتی شماره ۵ امین
۶۸	ضمیمه ۱ به پیوست ج پرسنل و غیرارتشیان به طرح عملیات شماره ۵
۷۰	طرح عملیاتی خوارزم شماره ۶ (عملیات میمک)
۷۷	دستور عملیاتی شماره ۷
۸۳	پیوست الف: اطلاعات به دستور عملیاتی شماره ۷
۸۸	پیوست پ (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۷
۹۲	پیوست ت: طرح سد و موانع دستور عملیاتی شماره ۷
۹۵	پیوست ث به دستور عملیاتی شماره ۷ (طرح پانک کلی)
۹۹	قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات
	با توجه به تعداد زیاد پیام‌ها و نامه‌ها، فهرست جزء این قسمت درج نگردیده است
۱۵۵	قسمت پنجم: بررسی و تجزیه و تحلیل
۱۵۶	تجزیه و تحلیل عملیات میمک به قلم روانشاد مرحوم سرهنگ ستاد ابراهیم باوندپور
۱۵۶	هدایت عملیات

۱۵۶	الف- روز یکم ۵۹/۱۰/۱۹
۱۵۷	ب- روز دوم عملیات ۵۹/۱۰/۲۰
۱۵۸	پ- روز سوم عملیات ۵۹/۱۰/۲۱
۱۶۲	بررسی و تجزیه و تحلیل عملیات میمک به قلم شهید سرتیپ ستاد مهدی رسولی
۱۶۴	تپه‌های نظامی و اهمیت ارتفاعات میمک
۱۷۶	تجزیه و تحلیل عملیات

۱۸۱	پیوست ۱: عملیات پاسگاه سنگی در دوم مهرماه ۱۳۵۹
۱۸۲	عملیات پاسگاه سنگی و نقش آن در اجرای موفقیت‌آمیز عملیات میمک
۱۸۲	زمینه‌سازی جهت اجرای عملیات
۱۸۳	سازمان رزمی یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات پاسگاه سنگی و محل استقرار آنها
۱۸۴	چگونگی اجرای عملیات «پاسگاه سنگی»
۱۸۶	نقاط قوت نیروهای دشمن
۱۸۶	نقاط ضعف نیروهای دشمن
۱۸۶	نقاط قوت نیروهای خودی
۱۸۷	نقاط ضعف نیروهای خودی
۱۸۸	تلفات و ضایعات نیروهای خودی
۱۸۸	نتایج حاصل از اجرای عملیات پاسگاه سنگی
۱۸۹	نتیجه‌گیری

۱۹۱	پیوست ۲: خاطرات تعدادی از رزمندگان شرکت‌کننده در عملیات میمک
	توجه: درجات مصاحبه‌کنندگان مربوط به سال ۱۳۸۰ می‌باشد. در زمان عملیات درجات پایین‌تری داشتند که در متن مصاحبه اشاره شده است.

۱۹۲	ستوان سوم زرهی فریدون حیدری، جمعی گردان ۱۹۵ تیپ ۱ لشکر ۸۱
۱۹۳	ستوان یکم عبدالعلی جعفری
۱۹۶	ستوان دوم قاسم فتاحی نیا جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱
۱۹۷	ستوان دوم خیرالله شکری جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ ل زرهی کرمانشاه
۲۰۸	ستوان دوم اسماعیل فلاحی جمعی گردان ۲۱۷ تانک
۲۱۰	ستوان دوم حجت‌الله امیری جمعی گروهان دوم گردان ۱۴۳ تیپ ۳ لشکر ۸۱
۲۱۰	ستوان یکم عبدالجبار باباخانی جمعی گردان ۲۱۷ تانک
۲۱۳	ستوان دوم زرهی بهروز امیری
۲۱۴	ستوان سوم عزیزالله مرادی، جمعی گروهان سوم گردان ۲۱۷
۲۱۴	ستوان یکم زرهی شیخ مراد درویشی جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱
۲۱۶	ستوان یکم زرهی اسد شاهمار جمعی قرارگاه لشکر ۸۱
۲۱۷	سرهنگ یوسف اسماعیلی رئیس رکن ۴ تیپ ۱ لشکر ۸۱

۲۲۲	ستوان یکم قربان ناصری جمعی گردان ۲۱۷ تانک لشکر ۸۱
۲۲۲	ستوان دوم لطف‌الله دریک جمعی گروهان ۲ گردان ۱۲۳ پیاده مکانیزه
۲۲۴	سرهنگ ۲ زرهی فریدون اسفندیاری جمعی گردان ۲۱۷ تانک
۲۲۵	ستوان یکم زرهی مرادعلی فرضی جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱
۲۲۶	ستوان دوم محمدعلی باباخانی جمعی گردان ۲۱۷ تانک
۲۲۷	گزیده نظرات
۲۳۷	پیوست ۳: عملیات آفندی میمک به روایت کتاب نبردهای صحنه عملیات غرب
۲۳۸	عملیات آفندی میمک در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۹
۲۳۸	مقدمه
۲۴۰	طرح‌ریزی عملیات
۲۴۸	اجرای عملیات آفندی در میمک در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۹
۲۸۰	یادداشت‌هایی از خاطرات تعدادی از رزمندگان در عملیات میمک
	توجه: درجات درج شده، در زمان مصاحبه منظور شده است. با درجه زمان عملیات تفاوت دارد.
۲۸۰	۱- سرگرد زرهی علی‌اصغر خوارزمی فرمانده گردان ۲۱۷ تانک
۲۸۲	۲- سرگرد زرهی ستاد عبدالعلی فیروزی
۲۸۵	۳- سرتیپ ۲ پیاده ستاد محمود کروندی، فرمانده گروه رزمی ۱۹۵ پیاده
۲۹۰	۴- از خاطرات سرهنگ ستاد پرویز خلف‌بیگی
۲۹۳	۵- سرگرد پیاده صالح‌زهی افسر عملیات گردان ۱۹۵ مکانیزه
۲۹۶	۷- ستوانیار دوم علی خواجه‌زاده از پرسنل گردان ۲۲۲ تانک
۲۹۸	۸- استواریکم بخشعلی امیریان جمعی گردان ۱۹۵ مکانیزه
۳۰۱	پیوست ۴: نمونه مصاحبه با اسرای دشمن به نقل از کتاب «شمشیر پیروزی»
۳۰۲	مصاحبه با اسرای جنگی
۳۰۷	خاطرات سرلشکر و فیک السامرایبی از عملیات میمک
۳۰۹	دستور عملیاتی شماره (۶) تیپ ۲ پیاده در ۱۱ بهمن ۵۹
۳۲۵	پیوست ۵: اسامی فرماندهان و افسران عمل‌کننده تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی...
۳۳۳	نقشه‌ها
۳۳۵	نمایه

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِ

بگو! در روی زمین بگردید و ببینید پایان کار پیشینیان چگونه بوده است.

(سوره روم، آیه ۴۲)

یادآوری مهم:

از بررسی کنندگان، خوانندگان و استفاده کنندگان این مدارک درخواست می شود قبل از بررسی به نکات زیر توجه فرمایند:

۱- دستورالعمل تهیه مدارک

این مدارک در اجرای امریه ۶۰/۰۲/۱/۸۵ - ۶۱/۴/۳۰ معاونت آموزشی نیروی زمینی جمهوری اسلامی ایران گردآوری و تنظیم و تدوین گردیده است.

۲- هدف های اصلی:

هدف های اصلی تهیه این مدارک طبق دستورالعمل یاد شده بالا به شرح زیر بوده است:

الف- تجزیه و تحلیل هر یک از نبردهای عمده و بررسی علل پیروزی یا شکست آنها.

ب- ایجاد زمینه مطلوب برای تهیه مسائل آموزشی مراکز فرهنگی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

پ- بهره برداری آموزشی از تجربیات به دست آمده از جنگ تحمیلی.

۳- اسناد بهره برداری شده برای تهیه این مدرک:

الف- برآوردهای ستادی، طرح ها و دستورات عملیاتی تهیه شده در ستاد مشترک، نیروی زمینی و لشکرها و تیپ های اجرا کننده عملیات که در پرونده های عملیاتی و اطلاعاتی نیروی زمینی و رده های پایین تر ثبت شده بود.

ب- پیام ها و دستورات و گزارش های مبادله شده بین قرارگاه ها، شامل ستاد مشترک، نیروی زمینی لشکرها و تیپ های اجرا کننده عملیات که در پرونده های عملیاتی و اطلاعاتی این قرارگاه ها ثبت گردیده بود.

* مقدمه درج شده، متن عمومی درباره کلیه کتاب های مستند تهیه شده توسط نویسنده می باشد و خاص این کتاب نمی باشد.

پ- خاطرات شخصی معدودی از فرماندهان و افسران ستاد که شخصاً در طرح‌ریزی و هدایت عملیات شرکت و یا حضور داشتند.

ت- مدارک مورد نظر تا رده قرارگاه، لشکر و تیپ‌های مستقل بوده است و پیام‌ها و دستوراتی که بین قرارگاه تیپ‌ها و گردان‌ها و رده‌های پایین‌تر مبادله شده در بیشتر این مدارک منظور نگردیده است.

۴- درخواست اسناد از سازمان‌های خارج از نزاجا:

از سازمان‌های خارج از رده نیروی زمینی درخواست شد، برای تکمیل این مدارک اسناد و مدارک عملیاتی مربوط به نبردهای جنگ را در اختیار نیروی زمینی قرار دهند ولی تا تکمیل این مجموعه مدارک خواسته شده را ارسال نکردند. این سازمان‌ها عبارتند از:

الف- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که نقش فعال و سهمی بسیار در عملیات داشتند.

ب- ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که در طرح‌ریزی و هدایت جنبه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ تحمیلی، نقش اصلی را داشته است.

پ- ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران که قسمت عمده یگان‌های آن دوش به دوش برادران سرباز خود با یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نبردها شرکت داشتند.

ت- نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در پشتیبانی نزدیک هوایی و ترابری یگان‌های نیروی زمینی عامل مهمی بود.

ث- نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در منطقه آبادان و خرمشهر قسمتی از تلاش‌های پدافندی و آفندی در این منطقه را عهده‌دار بود.

توجه: به تهیه کنندگان تاریخ کامل جنگ تحمیلی توصیه می‌گردد، ضمن بررسی این مجموعه، همکاری سازمان‌های یاد شده بالا را نیز درخواست کنند و مدارک عملیاتی آن سازمان‌ها را دریافت و در جریان حوادث جنگ تحمیلی منظور نمایند.

۵- روش گردآوری مدارک مورد نیاز:

الف- عین پرونده‌های عملیاتی و دستورات و طرح‌های عملیاتی قرارگاه‌های شرکت کننده در عملیات درخواست و دریافت شد و تمام برگ‌های این اسناد و مدارک مورد بررسی قرار گرفت.

ب- از کلیه طرح‌ها و دستورات عملیاتی و برآوردهای ستادی و دستورات جزء بجزء نسخه برداری شد و عیناً در کتاب مربوطه آورده شد.

پ- پرونده‌های ستادی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی، قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب و لشکر ۱۶ و ۲۱ و ۷۷ و ۹۲ و تیپ‌های ۵۵ هواورد و ۸۴ پیاده که در اختیار گروه بررسی قرار داده شد کلاً مطالعه گردید و پیام‌ها و دستوراتی که بین قرارگاه‌های شرکت کننده در عملیات (تارده تیپ داخل) مبادله شده بود و تاثیر قابل ملاحظه‌ای در هدایت نبردها داشت، عیناً نسخه برداری شد و در کتاب‌ها آورده شد. لازم به تذکر است که فقط پیام‌هایی نسخه برداری شد که از نظر افسر بررسی کننده حائز اهمیت تشخیص داده شد و ممکن است پیام‌هایی بوده باشند که از نظر افسران دیگر مهم بوده‌اند، ولی در این کتاب منظور نگردیده‌اند. ت- طی امریه‌ای از طریق ستاد نیروی زمینی از کلیه افسران و درجه‌داران و سربازان و غیر نظامیان شرکت کننده در جنگ تحمیلی درخواست شد، خاطرات خود را بنویسند و برای گروه بررسی ارسال نمایند، تا به نام خود آنان ثبت گردد، ولی پاسخ مثبتی به این خواسته گروه بررسی داده نشد.

۶- نکته قابل توجه خوانندگان

نکته مهمی که لازم است مورد توجه قرار گیرد، مطالب مربوط به استنباط و نظریات و مشاهدات و خاطرات شخصی افسر بررسی کننده از جریان حوادث هر عملیات با توجه به مدارک گردآوری شده و ارتباط دادن حوادث با یکدیگر می‌باشد. لذا به صورت یک نتیجه قطعی و کامل نباید تلقی شود، بلکه ممکن است بررسی کنندگان دیگر مدارک دیگری از هر عملیات به دست آورند، یا شخصاً در عملیاتی حضور داشته‌اند و شاهد عینی جریان حوادث نبردها بوده‌اند که در ارتباط حوادث، نتیجه‌گیری دیگری از هر عملیات بکنند و نظریات کامل‌تری ارائه نمایند. مسلماً مدارک گردآوری شده در این کتاب ثبت و ضبط همه جریانات نیست و چه بسا اسناد و مدارک عملیاتی در پرونده‌های عملیاتی تیپ‌ها و گردان‌ها و گروهان‌ها و سایر سازمان‌ها وجود داشته باشند که می‌توانند جریان وقایع را روشن‌تر ارائه کنند. این گونه مدارک در هنگام تدوین این کتاب در اختیار افسر بررسی کننده نبود. امید است بررسی کنندگان و محققین دیگر تاریخ جنگ تحمیلی برای تکمیل این مدارک گردآوری شده اقدام کنند تا تاریخ نظامی و در صورت امکان تاریخ سیاسی این جنگ تحمیلی که قسمتی از تاریخ میهن اسلامی ما برای نسل‌های آینده ملت ایران عزیز خواهد بود، هر چه کامل‌تر تهیه و تدوین گردد.

افسر تهیه کننده: سرهنگ توپخانه ستاد احمد احمدی

قسمت یکم

کلیات

۱- مشخصات کلی عملیات

الف- عنوان: تایک رده پایین تر از قرارگاه کنترل کننده

- | | |
|--------------------------|----------------|
| (۱) قرارگاه نزاجا | بدر |
| (۲) قرارگاه لشکر ۸۱ زرهی | امین شماره ۵ |
| (۳) قرارگاه تیپ ۱ زرهی | خوارزم شماره ۶ |

ب- منطقه عمومی

ارتفاعات میمک که برابر قرارداد ۱۹۷۵ به دولت عراق واگذار گردید به طول ۱۵ و عرض ۸ کیلومتر از هلاله تا کوه شینو و سرنی امتداد داشته و قابل عبور نفرات پیاده می باشد. به طور کلی در قسمت خاک ایران دارای شیب تند به ویژه در جلو تنگ بینا بوده و در سمت غربی دارای شیب کمتری است. اطراف این ارتفاعات دارای شیارهای عمیق و متعددی می باشد. این ارتفاعات دید و کنترل روی محور تنگ بینا و سرنی دارد و دشت لیک و دشت عراق را کنترل می نماید. از روزگاران قدیم محل علفچر عشایر ایرانی، من جمله ایل خزل بوده و معلوم نیست بنا بر کدام ضوابط در قرارداد ۱۹۷۵ به دولت عراق واگذار گردیده است. از نظر تاکتیکی در دست داشتن این ارتفاعات مزیت قابل ملاحظه برای هریک از طرفین دارد.

پ- تاریخ اجراء: ۵۹/۱۰/۱۹ الی ۵۹/۱۰/۲۴

ت- قرارگاه کنترل کننده

- | |
|--------------------------|
| (۱) قرارگاه مقدم نزاجا |
| (۲) قرارگاه لشکر ۸۱ زرهی |

ث- یگان های عمده شرکت کننده

- | |
|----------------------------------|
| (۱) قرارگاه تیپ یکم لشکر ۸۱ زرهی |
| (۲) گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه |
| (۳) گردان ۱۲۳ مکانیزه |
| (۴) گردان مختلط ۷ سماجا |
| (۵) گردان ۲۱۷ تانک |

(۶) گردان ۲۲۲ تانک

(۷) یک گردان از بسیج عشایری و عناصری از نیروهای ویژه (نیرومخصوص)

(۸) ۳ گردان ۴۳۴ مهن

(۹) گردان ۳۹۶ ت خ ک

(۱۰) آتشبار دوم گردان ۳۷۴ ت کاتیوشا

ج- یگان‌های عمده متجاوز

(۱) قرارگاه تیپ ۲ پیاده کوهستانی لشکر ۲

(۲) دو گروه رزمی پیاده کوهستانی

(۳) یک گردان پیاده کوهستانی

(۴) گردان تانک، منهای ۷ تانک

(۵) گردان ۴۷ توپخانه صحرایی کمک مستقیم تیپ ۲

(۶) آتشبار ضدتانک

چ- اسامی فرماندهان

(۱) فرمانده لشکر ۸۱ زرهی: سرهنگ زرهی ستاد ابراهیم باوندپور

(۲) فرمانده تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱: سرهنگ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

(۳) فرمانده گردان ۱۹۵ مکانیزه: سرگرد پیاده کروندی

(۴) فرمانده گردان ۱۲۳ مکانیزه: سرگرد ابوالقاسم رضایی

(۵) فرمانده گردان ۲۱۷ تانک: سرگرد زرهی ستاد علی اصغر خوارزمی

(۶) فرمانده گردان ۲۲۲ تانک: سرگرد زرهی ستاد عبدالعلی فیروزی

(۷) فرمانده گردان مختلط و داوطلب ۷ سماجا: سرهنگ ۲ علی علیپور

(۸) فرمانده گردان ۳۹۶ توپخانه: سرگرد توپخانه حمید گمرکیان

ح- نتیجه نهایی

عملیات میمک از ساعت ۰۶۲۰ روز ۵۹/۱۰/۱۹ آغاز و در روز ۵۹/۱۰/۲۴ خاتمه یافت.

(۱) روز یکم ۵۹/۱۰/۱۹

(الف) تک اصلی: در یک ساعت اولیه عملیات، یگان‌های پیاده که در طول شب در

مواضع تک و عمق نیروهای دشمن مستقر گردیده بودند، به طور هم‌زمان و برابر طرح

پیش‌بینی شده با وجود میادین مین وسیع و دید و تیر کامل دشمن، اهداف را محاصره و سازماندهی دشمن مختل و یا هرگونه عکس‌العمل سازمان‌یافته را از او سلب و جاده‌های مورد استفاده یگان‌های زرهی را پاکسازی کردند.

در ساعت ۰۶۲۰ روز اول عملیات یگان‌های زرهی برابر طرح پیش‌بینی شده و با هماهنگی کامل، خود را به ارتفاعات میمک نزدیک نمودند. در آغاز الحاق یگان‌های زرهی و پیاده، گروه رزمی ۲۱۷ در جناح چپ با مقاومت دشمن مواجه که توسط هلی‌کوپترهای تک‌ور، این مقاومت در هم شکست و تا بعد از ظهر ۵۹/۱۰/۱۹ هدف‌های تعیین‌شده توسط گروه رزمی ۲۱۷ تصرف گردید. در قسمت گروه رزمی ۱۹۵ با توجه به شکل زمین، مانور یگان‌های رزمی با مشکل و همچنین مقاومت سنگین و شدید دشمن روبه‌رو گردید که به ناچار قسمتی از هدف‌های تعیین‌شده در دشت هلاله و ارتفاعات فسیل حذف و گروهان عمل‌کننده در این محور به منظور تصرف ارتفاع سمت راست میمک به کار گرفته شد. تا پایان روز یکم قسمتی از هدف‌های گردان ۱۹۵ به تصرف درآمد و کلیه پانک‌های محلی دفع گردید.^{۲۱}

(ب) تک پشتیبانی: تک پشتیبانی تیپ در کنجان چم در منطقه‌ای کوهستانی صعب‌العبور، فاقد هرگونه راه ارتباطی بود، که رفت و آمد فقط توسط دواب انجام می‌گرفت. هم‌زمان با تک اصلی آغاز و در ساعت‌های اولیه تک، ارتفاع ۳۱۳ و ارتفاع ۴۰۵ به تصرف نیروهای خودی درآمد و با درگیر نمودن کامل دشمن، مأموریت خود را به نحو مطلوب به اجرا گذاشت و دشمن را از مسیر تک اصلی منحرف نمود.

۱. بعد از آماده شدن این کتاب برای مراحل نشر، کتاب در اختیار امیر سرتیپ ستاد اسماعیل سهرابی قرار داده شد تا نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را اعلام فرمایند. ایشان نیز قبول زحمت نموده و نظرات خود را درج نمودند. بنابراین ضمن تشکر از امیر سهرابی، نظرات و اصلاحات ایشان نیز در این کتاب آمده است. «سرتیپ ۲ صادقی‌گویا»

۲. عملیات از آغاز تاریکی شب ۵۹/۱۰/۱۹ یگان‌های رزمنده از مواضع دفاعی خود شروع به حرکت به سمت مواضع دشمن نمودند و با کمک افراد محلی از کوره‌راه‌ها با دور زدن دشمن به ارتفاعات میمک نفوذ و از پشت مواضع دشمن پس از ایجاد موانع مین (جهت عدم انجام تقویت دشمن) به مواضع و سنگرهای دشمن به صورت پیاده تاختند و جبهه دشمن ۱۸۰ درجه تغییر و از این فرصت توسط دسته‌های مهندس میادین مین در جاده‌های شمالی میمک در دشت لیک برداشت و جمع‌آوری شده و لذا تانک‌ها و نفربرها توانستند از دو جاده منتهی به ارتفاعات میمک بالا بروند و دشمن از شمال و جنوب محاصره و سپس بر آنها بتازند و نفرات و ادوات زرهی دشمن چاره‌ای جز منهدم شدن نداشتند. البته گروه رزمی ۱۹۵ در آغاز حرکت دورانی با مقاومت شدید دشمن در مسیر دشت هلاله روبه‌رو که به ناچار موفق به دور زدن دشمن نشد (فرمانده گروهان یکم به شهادت رسید) و به یگان پیاده گروه رزمی ۲۱۷ دستور داده شد که به حرکت خود ادامه و حلقه محاصره را کامل نمایند. لذا در ساعت ۰۵۲۰ رزم شدید بین نیروهای خودی و نیروهای عراقی شروع شد. «سرتیپ ستاد اسماعیل سهرابی»

(۲) روز دوم عملیات ۵۹/۱۰/۲۰

(الف) تک اصلی: عملیات به منظور پاکسازی و تصرف کامل هدف‌های گروه رزمی ۱۹۵ در روز دوم پیگیری و در ساعات اولیه روز ۵۹/۱۰/۲۰ بلندترین قله میمک ارتفاع ۶۷۰ معروف به کله‌قندی به تصرف یگان‌های ۱۹۵ درآمد.

در ساعات اولیه روز ۵۹/۱۰/۲۰ دشمن در جناح راست منطقه عملیات فسیل اقدام به پیاده نمودن نیرو توسط هلی کوپتر نمود که با انهدام یک فروند هلی کوپتر حامل نفرات، توسط موشک زمینی مجبور به ترک منطقه گردید. حمله هوایی دشمن در منطقه عملیات در پیش از ظهر روز دوم عملیات با سقوط یک فروند هواپیما در دشت هلاله با ناکامی مواجه گردید. در این روز چندین پاتک محلی دشمن در مناطق گروه‌های رزمی ۱۹۵ و ۲۱۷ با موفقیت دفع گردید.

(ب) تک پشتیبانی: در آغاز روز دوم با تقویت نیروهای دشمن و اجرای پاتک‌های سنگین و عدم وجود راه‌های ارتباطی و کوهستانی و کمبود نیروهای خودی، هدف‌های تصرف‌شده در منطقه کنجان‌چم، در طول روز ۵۹/۱۰/۱۹ توسط دشمن بازپس گرفته شد و یگان‌ها مجبور به مراجعت به مواضع اولیه خود شدند. البته در شرایط دفاعی بهتری قرار گرفتند. در این عملیات فرمانده گروهان ۲ گردان ۱۲۳ به شهادت رسید.

(۳) روز سوم عملیات ۵۹/۱۰/۲۱

پاکسازی هدف ادامه یافت. با تخلیه تدریجی منطقه توسط عشایر شرکت‌کننده در عملیات که فقط تعهد شرکت در تک را داده بودند و همچنین گسترده‌گی هدف و پاتک‌های متوالی دشمن در منطقه گروه رزمی ۲۱۷ به منظور حفظ هدف‌های به‌دست‌آمده، در روز سوم عملیات احتیاط در این منطقه به کار برده شد. بدین ترتیب هدف میمک با یاری خداوند بزرگ به تصرف نیروهای خودی درآمد و در روزهای بعد با تجدید سازمان و تحکیم هدف و صدور دستور عملیاتی پدافندی آماده مقابله با پاتک عمده دشمن که در روزهای بعد به وقوع پیوست گردیدند.

۲- مأموریت

الف- مأموریت لشکر

لشکر ۸۱ زرهی و نیروهای شبه‌نظامی وزیر امر ضمن عملیات پدافندی داخلی علیه عوامل مسلح مزدور داخلی، حملات نیروهای مزدور بعث را در منطقه متوقف و در مقدم‌ترین مواضع

پدافندی ممکنه آن را سد می‌نماید و از هم‌اکنون با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات زرهی محدود، دشمن را تضعیف کرده سپس در ساعت «س» روز «ر» نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرزی بین‌المللی را ترمیم می‌نماید و آماده می‌شود بنا به دستور تک را جهت سرنگونی رژیم صدام حسین کافر به خاک کشور عراق ادامه دهد.

ب- مأموریت تیپ^۱

تیپ ۱ زرهی به منظور درهم کوبیدن نیروهای متجاوز بعث عراق و اجرای مرحله به مرحله رسیدن به مرزهای بین‌المللی، در ساعت «س» روز «ر» در محور کنجان چم دشمن را درگیر و در محورهای سرنی و تنگ بینا تک نموده، ارتفاعات میمک را تصرف و آماده می‌گردد بنا به دستور تک را به منظور ترمیم مرز بین‌المللی به سمت جنوب غرب ادامه دهد.

۳- شرح کلی منطقه عملیات

الف- ارتفاعات میمک

ارتفاعات میمک به طول ۱۵، عرض ۸ کیلومتر از هلاله تا کوه شینو و رودخانه شور شیرین امتداد دارد و قابل عبور نفرات پیاده می‌باشد. با استفاده از دو جاده که روی آن کشیده شده امکان دسترسی با خودروهای چرخدار و شنی‌دار روی آن می‌رود. در قسمت خاک ایران دارای شیب تند ولی در قسمت جنوب غربی شیب کمتری است. اطراف این ارتفاعات دارای شیارهای عمیق و متعدد می‌باشد. این ارتفاعات دید و کنترل روی محور تنگ بینا و سرنی داشته و روی دشت لیک و دشت عراق دید و تیر و کنترل دارد و از نظر پدافندی موضع مناسبی می‌باشد.

ب- کوه شینو

این ارتفاعات در جنوب شرقی و دامنه ارتفاعات میمک قرار گرفته و یک عارضه بسیار مهم بعد از میمک به شمار می‌آید که بر دشت عراق و مسیر رودخانه خوش تا دشت لیک دید و

۱. لشکر طرح ابلاغیه‌ای در مورد تیپ ۱ جهت عملیات میمک نداشته است. «سرتیپ ستاد سهرابی»

کنترل دارد و همچنین آبادی‌های قلعه رشید عباس و ترساق و میدان را کنترل نموده و جاده مرزی عراق را زیر نظر دارد. این ارتفاعات از نظر پدافند از مرز بسیار مهم و حساس می‌باشد.^۱

پ- ارتفاعات کولک

این ارتفاع بزرگ‌ترین مانع منطقه محسوب و از همه ارتفاعات بلندتر می‌باشد. از رودخانه کنجان چم تا رودخانه خوش امتداد دارد و در جنوب رودخانه تنگ تپکه به نام ارتفاعات میش خاص خوانده می‌شود که مجدداً تا رودخانه خوش به نام کولک می‌باشد. در قسمت‌های شمالی تا اندازه‌ای قابل عبور پیاده بوده و در قسمت جنوبی مطلقاً غیرقابل عبور است.

ت- ارتفاعات زیل

این ارتفاعات در جنوب غربی کولک و مشرف به دشت مهران و تا کوه سیاه اردن ادامه دارد و همه‌جا غیرقابل عبور و دارای نقاط دیده‌بانی مناسب است.

ث- ارتفاعات ورزنو

قسمتی از کولک محسوب می‌گردد و برای پدافند از مرز ایران در مقابل عناصر پیاده کوهستانی عراق بسیار مناسب و از حساسیت خاصی برخوردار و فاقد جنگل است.

ج- ارتفاعات خلیفه

در غرب امامزاده خاص علی صالح‌آباد قرار دارد و دارای تیغه بلند و غیرقابل عبور از سرنی تا تنگ آقامیر امتداد دارد و قسمت شمالی آن روی دشت لیک و قسمتی از ارتفاعات میمک و دید و کنترل دارد.

چ- ارتفاعات چگر

مانع بزرگی از منطقه بوده و از تنگ بینا تا رودخانه خوش امتداد دارد و در همه‌جا غیرقابل عبور ادوات خودرویی بوده و قسمت جنوبی آن روی دشت لیک و میمک دید دارد.

۱. با در دست داشتن ارتفاعات میمک، کوه شینو اهمیت خود را از دست می‌دهد. چنانچه ما امکانات بیشتری داشتیم و شینو را تصرف می‌نمودیم، می‌توانستیم بر جاده مرزی داخل کانال عراق دست یابیم و مانع عبور یگان‌های عراق شویم. البته با بودن ارتفاعات میمک، این ارتفاع زیر دید و تیر می‌باشد، ولی جاده مرزی عراق را در کنترل دارد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

ح- کوه جک بور

از تنگ بیجار تا تنگ بینا امتداد دارد و مانع بزرگی محسوب می‌گردد و فقط جهت نفرات پیاده کوهستانی قابل عبور می‌باشد. قسمت حاشیه جنوب غربی آن به نام کوه گچ نامیده می‌شود که دارای نقاط دیده‌بانی خوبی بر قسمتی از خاک عراق و هلاله و ضلع شمالی میمک و دشت لیک می‌باشد و در صورت تک به میمک بایستی قبلاً این نقاط دیده‌بانی اشغال گردد.

۴- سازمان گسترش کلی نیروهای متجاوز

الف- نیروهای درگیر

(۱) قرارگاه تیپ ۲ پیاده کوهستانی لشکر ۲ مستقر در ترساق

(۲) دو گروه رزمی پیاده کوهستانی در ارتفاعات میمک

(۳) یک آتشبار ضدتانک مستقر در ارتفاعات میمک

(۴) گردان ۴۷ توپخانه صحرایی کمک مستقیم تیپ ۲

ب- نیروهای تقویت

(۱) یک گردان پیاده کوهستانی احتیاط تیپ در بین هلاله و نی خزر

(۲) گردان تانک، منهای ۷ تانک از لشکر ۲ احتیاط تیپ در حوالی ترساق

۵- سازمان و گسترش کلی نیروهای خودی

الف- قرارگاه تیپ یکم لشکر ۸۱ زرهی در منطقه صالح آباد

ب- گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه در منطقه گنجوان شمال تنگ بینا

پ- گردان ۲۱۷ تانک در سرنی

ت- گردان ۱۲۳ مکانیزه در منطقه کنجان چم مهران

ث- گردان مختلط ۷ سماجا در منطقه کنجان چم مهران

ج- گردان ۲۲۲ تانک در منطقه کنجان چم مهران

ج- آتشبار دوم گردان ۳۷۴ توپخانه در منطقه صالح آباد

چ- گردان ۳۹۶ توپخانه در منطقه سرنی و کنجان چم

ح- آتشبار دوم گردان ۳۷۴ توپخانه در منطقه صالح آباد

قسمت دوم

برآوردهای ستادی

نسخه ... از ... نسخه

رکن ۲

قلاجه

دی ماه ۱۳۵۹

بررسی منطقه عملیات تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ (میمک)

مدرک: نقشه ۵۰۰۰:۱ منطقه صالح آباد و میمک و مهران

۱- منظور و سایر ملاحظات محدودکننده

- الف- منظور: بررسی تاکتیکی منطقه تیپ ۱ زرهی میمک - کنجان چم و مهران.
- ب- ملاحظات محدودکننده: درگیر کردن دشمن در محور کنجان چم با نمایش تک در ساعت «س» روز «ر» و تک در محور سرنی میمک و محور تنگ بینا، ضمناً دشمن توانایی تک پدافند را دارد.

۲- شرح کلی منطقه عملیات

الف- شرایط جوّی

(۱) آب و هوا

این منطقه به علت مجاورت با جلگه بین النهرین، نسبتاً گرم و خشک بوده و در تابستان در معرض بادهای سوزان می باشد، ولی در این فصل، هوا معتدل و جهت باد در بعدازظهر از شمال غربی به جنوب شرقی می باشد.

(۲) پیش بینی هوا

(الف) بارندگی پیش بینی نمی شود.

(ب) درجه حرارت ۲۰ درجه.

(پ) سمت باد تا ظهر از جنوب به شمال و در بعدازظهر از شمال به جنوب می وزد.

(ت) مهتاب: در شب اول عملیات، ماه در محاق خواهد بود.

(ث) ۱۳ آذر..... آتاد..... پاتاد.....

ب- زمین

(۱) زه کشی و برجستگی ها:

(الف) رودخانه ها:

«۱» رودخانه تلخاب شمالی در تنگ بیجار: شاخه اصلی این رودخانه از کوه های شماره سرچشمه گرفته و شاخه دیگر آن از کوه های کچ بوتی سرچشمه می گیرد و در آسیاب موتوری در ابتدای تنگ حمام به هم ملحق و پس از عبور از تنگ بیجار در جنوب غربی کاسه کاف عراق وارد خاک عراق می گردد. سواحل این رودخانه در داخل تنگ بیجار دارای بریدگی های سخت و هرچه به دشت عراق نزدیک می شود، ساحل آن قابل عبور می گردد، ولی ارتفاعات اطراف این رودخانه کوه بوتی در شمال و جک بور در جنوب غیرقابل عبور می باشد. چاه نفت در وسط این تنگ بیجار کنده شده است و تا سر جاده، جاده شوسه کشید شده است.

«۲» رودخانه تلخاب جنوبی: این رودخانه از دامنه جنوبی ارتفاعات چغال زرد سیاه کوه سرچشمه گرفته، پس از عبور از تنگ بینا از شمال ارتفاعات میمک عبور و در جنوب غربی هلاله به خاک عراق می ریزد و پس از خروج از تنگ بینا قابلیت عبور آن زیاده تر می شود، ولی در داخل تنگ بینا به علت ساحل بریده و مسیر پر پیچ و خم قابل عبور نبوده و همه جا جاده به موازات رودخانه کشیده شده است. ارتفاعات اطراف یعنی جک بور در شمال و چگر در جنوب قابل عبور نمی باشد.

«۳» رودخانه خوش: رودخانه گیلان رود در شمال کوه کوه سر به رودخانه خوش تغییر نام می دهد و رودخانه چوار در ۳ کیلومتری شرق گانی چرل و جنوب کوه کبود هادیان با آن مخلوط و از شمال کوه تلوان عبور نموده و در مختصات ۹۳۱۲ آب شیرین می گذرد و از جنوب ارتفاعات میمک و شمال کوه شینو عبور و در جنوب نی خزر به خاک عراق می ریزد. از سرچشمه تا سرنی، دره های عمیق و سواحلی بریده و غیرقابل عبور دارد و از سرنی تا مرز چندین گذار داشته و قابل عبور می باشد و در مواقع سیلابی عبور غیرممکن می گردد و در خاک عراق آبادی های قلعه رشیدعباس، ترساق و میدان را مشروب می سازد.

«۴» رودخانه کنجان چم: این رودخانه از الحاق آب های گردلان گل گل تشکیل و پس از عبور از داخل ارتفاعات غیرقابل عبور کوه انجیر و کوه مخمیل وارد دشت

گولان و از داخل ارتفاعات نخجیر به امیرآباد جاری و از حاشیه غربی ارتفاعات کپرگه عبور و در مشرق کوه سیاول رودخانه چشمه فلک به داخل آن می‌ریزد. سپس از شرق آبادی کنجان‌چم عبور و در دامنه شرقی ارتفاعات کولک گذشته تا به سد کنجان‌چم که بین دو ارتفاع کوه زیل و کوه لولک بسته شده است می‌رسد و از آن پس وارد دشت مهران می‌گردد و تقریباً از جنوب تپه ۳۲۵ در زالوآب تا مختصات ۱۱۷۲ نوار مرز ایران و عراق را تشکیل و سپس تا پاسگاه فرخ‌آباد داخل خاک ایران جاری و از آن به بعد وارد خاک عراق می‌گردد. این رودخانه از دره‌های پر پیچ و خم و سواحل بسیار بریده، عبور و اکثراً غیرقابل عبور و در مختصات ۱۶۸۲ دارای گذار بوده و در دشت مهران قابل عبور می‌باشد و آبادی‌های ورمه‌زاد و خشم و تعان عراق را مشروب می‌سازد.

«۵» رودخانه شورشیرین: چشمه آب گرم به نام چشمه سرخ که در ارتفاعات جنوب امامزاده خاص علی صالح‌آباد سرچشمه گرفته، به نام رودخانه سرخ از شمال ارتفاعات میش خاص عبور و در دامنه شمالی این ارتفاعات به رودخانه تنگ تپیکه تغییر نام می‌دهد و پس از عبور از جنوب تپه ۴۴۵ در سه کیلومتری جنوب وزرنو به شورشیرین تبدیل و وارد خاک عراق می‌گردد. این رودخانه تا جنوب تپه ۴۴۵ از دره‌های عمیق و سواحل بریده غیرقابل عبور گذشته ولی در خاک عراق قابل عبور می‌باشد. در مواقع سیلابی و بارندگی شدید مطلقاً در خاک ایران قابل عبور نمی‌باشد.

(ب) برجستگی‌ها:

«۱» ارتفاعات

«الف» ارتفاعات میمک: این ارتفاعات که برابر قرارداد ۱۹۷۵ به دولت عراق واگذار گردیده بود، به طول ۱۵ و عرض ۸ کیلومتر از هلاله تا کوه شینو و سرنی امتداد داشته و قابل عبور نفرات پیاده می‌باشد و با استفاده از دو جاده که روی آن کشیده شده امکان دسترسی با خودروهای چرخدار و شنی روی آن می‌رود، ولی در قسمت خاک ایران دارای شیب تند به ویژه در جلو تنگ بینا بوده و در سمت جنوب غربی دارای شیب کمتری است. اطراف این ارتفاعات دارای شیارهای عمیق و متعددی می‌باشد. این ارتفاعات دید و کنترل روی محور تنگ

بینا و سرنی داشته و روی دشت لیک و دشت عراق نیز دید و تیر و کنترل دارد و برای پدافند در این محل دارای حساسیت و اهمیت به سزائی می باشد و از روزگاران گذشته محل علفچر عشایر منطقه من جمله ایل خزل بوده که معلوم نیست بنا بر کدام ضوابط در قرارداد ۱۹۷۵ به دولت عراق واگذار گردیده است. به طور کلی در دست داشتن این ارتفاعات، دارای مزیتی قابل ملاحظه برای هریک از طرفین می باشد و به همین دلیل بود که در ابتدای جنگ، عراقی ها این ارتفاعات را اشغال و مواضع محکمی روی آن برقرار ساختند.

«ب» کوه شینو: این ارتفاع در جنوب شرقی ارتفاعات میمک قرار گرفته و یک عارضه بسیار مهم بعد از میمک به شمار می آید که بر دشت عراق و مسیر رودخانه خوش دید و کنترل دارد و همچنین بر آبادی های قلعه رشیدعباس و ترساق و میدان کنترل دارد و جاده مرزی عراق را زیر نظر دارد. این ارتفاع از نظر پدافند از مرز، بسیار مهم و حساس می باشد.

«پ» ارتفاعات کولک: این ارتفاع بزرگترین مانع منطقه محسوب و از همه ارتفاعات بلندتر می باشد از رودخانه کنجان چم تا رودخانه خوش امتداد دارد و در جنوب رودخانه تنگ تیکه به نام ارتفاعات میش خاص نام گذاری شده که مجدداً تا رودخانه خوش به نام کولک می باشد. در قسمت های شمالی تا اندازه ای قابل عبور نفرات پیاده و در قسمت جنوبی مطلقاً غیرقابل عبور است، ولی نقاط دیده بانی آن برای کنترل منطقه دشت مهران و زرباطیه دارای اهمیت به سزائی است. در دامنه جنوب غربی آن تپه های مهمی از قبیل تپه ۳۲۵ و ۳۴۰ به ویژه تپه ۳۴۳ که مشرف به زالوآب و دهانه تنگ و سد کنجان چم می باشد همچنین تپه های نمه کلان بو از قبیل ۳۳۰ و ۳۲۷ و تپه های متعددی که در غرب ارتفاعات کولک که تا کانی سخت امتداد دارد و از کانی سخت نیز یک رشته ممتد کوه از کولک تا رودخانه شور شیرین ادامه دارد و در صورت دور زدن کولک دارای مواضع خوبی برای دفاع از دشت مهران می باشند.

«ت» ارتفاعات زیل: این ارتفاعات در جنوب کولک و مشرف به دشت مهران و تا کوه سیاه اردن ادامه دارد و همه جا غیرقابل عبور و دارای نقاط دیده بانی مناسب که دشمن این نقاط را اشغال نموده است.

«ث» ارتفاعات وزرتن که قسمتی از کولک محسوب می‌گردد و برای پدافند از مرز ایران در مقابل عناصر پیاده کوهستانی عراق بسیار مناسب و از حساسیت خاصی برخوردار است و فاقد جنگل می‌باشد.

«ج» ارتفاعات خلیفه که در غرب امامزاده خاص علی صالح‌آباد قرار دارد، دارای تیغه بلند و غیرقابل عبور از سرنی تا تنگ آقامیر امتداد دارد و قسمت شمالی آن روی قسمتی از ارتفاعات میمک دید و کنترل دارد و مانع محسوب می‌گردد.

«چ» ارتفاعات چگر که مانع بزرگی در منطقه بوده و از تنگ بینا تا رودخانه خوش امتداد دارد و همه‌جا غیرقابل عبور ولی در قسمت‌های غربی آن روی دشت لیک و میمک دید دارد. شیارهای آن قابل عبور پیاده بوده و برای خودرو غیرقابل عبور است.

«ح» کوه جک بور: از تنگ بیجار تا تنگ بینا امتداد دارد و مانع بزرگی است. قابلیت عبور ندارد، مگر برای نفرات پیاده کوهستانی. در حاشیه غربی آن که به نام کوه گچ نامیده می‌شود دارای نقاط دیده‌بانی خوبی برای کنترل قسمتی از خاک عراق و هلاله و ضلع شمالی میمک و دشت لیک در صورت تک به میمک بایستی قبلاً این نقاط دیده‌بانی را اشغال نمود.

(۲) روئیدنی‌ها:

هیچ‌گونه جنگلی در منطقه وجود ندارد که اختفاء و پوشش ایجاد نماید، فقط در قسمتی از ارتفاعات چگر و شرق تنگ بینا و تنگ بیجار روی ارتفاعات چغال‌زرد سیاه‌کوه و کوه توزآب و قسمتی از کوه شاه‌لنگ، روئیدنی به طور پراکنده به چشم می‌خورد و بقیه مناطق به ویژه از دهانه غربی تنگ بیجار، رودخانه غربی تنگ بینا تا سرنی و صالح‌آباد به طرف مرز هیچ‌گونه روئیدنی جنگلی دیده نمی‌شود.

(۳) جنس زمین:

زمین در این منطقه به طور کلی صخره‌ای و شنی است و در دامنه بعضی ارتفاعات و دشت مهران و صالح‌آباد زمین‌های زراعتی دیده می‌شود و همچنین در وسط ارتفاعات چگر قسمتی به نام کانی سن رسن و توزآب زمین زراعتی به چشم می‌خورد.

(۴) عوارض مصنوعی:

(الف) جاده‌ها:

«۱» جاده آسفالتی ایلام - صالح آباد - مهران که جاده اصلی منطقه و محور تدارکات لشکر و تیپ می‌باشد و فقط از یک محل از روی رودخانه کنجان چم عبور می‌نماید.

«۲» جاده شوسه صالح آباد به سرنی و دشت لیک و هلاله که قابل عبور خودروهای شنی‌دار و چرخدار است، ولی منطقه در اغلب نقاط باریک و عبور منحصر به جاده می‌گردد.

در دشت لیک این جاده از دو قسمت یکی در جلو سرنی و یکی در جلو تنگ بینا به ارتفاعات میمک وصل می‌گردد و در شمال دشت لیک به جاده تنگ بینا وصل می‌شود و در سرنی به جاده نی خزر متصل می‌گردد.

«۳» جاده شوسه مرزی که از هلاله به تنگ بینا و سپس به شرق تنگ بیجار و تا چاه نفت ادامه دارد و در تمام مسیر حرکت متکی به جاده می‌باشد.

«۴» جاده خاکی سرنی به شرق ارتفاعات چگر و تنگ بینا که اخیراً به کمک استانداری و بسیج جهادگر احداث شده که ابتدا از ارتفاعات مسیر مینگا و سپس از شمال چگر عبور به پشت تنگ بینا وصل شده است و مرتباً مشغول تکمیل کردن این جاده هستند و حرکت یگان‌ها، همه‌جا متکی به جاده است.

«۵» جاده شوسه سد کنجان چم به کانی‌سخت و شورشیرین که از داخل ارتفاعات کولک احداث و به پاسگاه ژاندارمری کانی‌سخت متصل می‌گردد. این جاده قابل عبور خودروهای شنی‌دار و چرخدار می‌باشد و ارتفاعات اطراف این جاده غیرقابل عبور است، مگر برای یگان‌های پیاده کوهستانی و رنجر.

(ب) شهرهای منطقه:

«۱» شهر مهران که تخلیه شده و فعلاً [زمان عملیات] در دست دشمن است.

«۲» شهر صالح آباد که عده معدودی ساکن هستند.

(پ) بجز سد کنجان چم، سد دیگری در منطقه وجود ندارد و آب آنچنانی در پشت سد جمع نشده است.

(ت) سیستم ترابری:

«۱» جاده اسلام‌آباد - ایلام - صالح‌آباد - مهران - خط ارتباطی و محور اصلی تدارکات منطقه بوده و غیر از آن جاده دیگری وجود ندارد، لذا حفظ و نگهداری پل‌های این جاده کمال اهمیت را دارد. در قسمت غربی میمک جاده مرزی عراق کشیده شده، آسفالت‌ه و محور تدارکات یگان‌های مرزی عراق محسوب می‌گردد.

«۲» جاده شوسه صالح‌آباد به سرنی از نظر یگان‌های خط مقدم و یگان‌های مستقر در محور تنگ بینا و تنگ بیجار مهم است، زیرا جاده خاکی که اخیراً کشیده شده و یگان‌های تنگ بینا را تدارک می‌نماید از این محل می‌گذرد و حفظ این جاده کمال اهمیت را دارد و هرچه زودتر بایستی در ترمیم و تکمیل این جاده کوشش و هرگونه کمک را به نیروهای جهادگر و بسیج جاده‌سازی دریغ نشود.

پ- مشخصات دیگر منطقه

(۱) اجتماعی: پرسنل باقیمانده در بعضی از نقاط منطقه مشکلی برای یگان‌های تک‌ور ایجاد نخواهند کرد و عشایر منطقه به ویژه عشایر ایل خزل که ارتفاعات میمک را علفچر زمستانی خود می‌دانند، نسبت به میمک حساسیت داشته و حاضر به همه‌گونه همکاری و شرکت در عملیات تعرضی می‌باشند.

(۲) عشایر منطقه به ویژه عشایر ایل خزل و ملک شاهی شیعه بوده و علائق خاصی نسبت به جمهوری اسلامی ایران داشته و در انقلاب و بعد از انقلاب خدمات زیادی انجام داده‌اند. به ویژه در حمله عراق در خردادماه ۱۳۵۹ به شهر مهران که منجر به فرار اکثر مردم شهر و بمباران این شهر گردید، عشایر منطقه با رشادت بی‌نظیری نیروهای نظامی منطقه و سپاه را کمک و یاری نمودند که در ظرف کمتر از یک هفته، امنیت در منطقه برقرار و مجدداً مردم شهر به مهران بازگشته و زندگی عادی خود را ادامه دادند. لذا در صورت عملیات تعرضی برای به هدف رساندن آرمان‌های انقلاب تا حد از جان گذشتگی ایثار خواهند نمود.

(۳) نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای در منطقه عملیات وجود ندارد. وسایل مهمی نیز در منطقه وجود ندارد که مورد استفاده یگان‌ها باشد و وسیله مهم منطقه رادار سایت نخجیر است که بایستی از هر نوع کمک برای حفاظت آن دریغ نگردد.

(۴) منابع آب یگان‌های عمل‌کننده در سرنی و رودخانه تلخاب جنوبی و شهر صالح‌آباد و رودخانه کنجان‌چم در گولان و امیرآباد از رودخانه چشمه فلک استفاده می‌شود.

(۵) شیارهای اطراف میمک، به ویژه شیارهای سرنی و اطراف شینو و وزرتن و دهانه سد کنجان‌چم و شیارهای کانی‌سخت برای به کار بردن عوامل ش.م.ر مناسب و باعث کند کردن حرکات و یا متوقف شدن آن می‌گردد. در بعدازظهرها با توجه به سمت باد به کار بردن آن به ضرر یگان‌های خودی است چه از طرف دشمن باشد و چه از طرف خودی.

۳- جنبه‌های نظامی منطقه

الف- جنبه‌های تاکتیکی

(۱) اختفاء و پوشش:

(الف) اثرجوی: هنگامی که بارندگی نباشد، هوا اجازه دیده‌بانی خوب زمینی و هوایی را می‌دهد، در صورت وزش بادهای سریع به ویژه هنگام حرکت خودروها، به علت گرد و غبار، دید محدود و حتی به چند متر می‌رسد، بعد از هر بارندگی میزان دید بسیار خوب خواهد بود و در صبح‌ها میدان دید بهتر از بعدازظهر و معمولاً در بعدازظهرها به علت وزیدن باد و ایجاد گرد و غبار دید به نفع دشمن است.

(ب) به علت برجستگی‌های زمین که ناشی از کوهستانی بودن منطقه به ویژه در جنوب منطقه دید از ضعیف به متوسط متغیر است ولی به محض رسیدن روی ارتفاعات میدان دید به نفع یگان خودی است. میدان تیر تا رسیدن به ارتفاعات برای جنگ‌افزارهای با تیر مستقیم عموماً کوتاه و از خط‌الرأس نظامی به طرف دشت عراق از خوب تا عالی می‌رسد. ارتفاع میمک روی دشت لیک و دهانه تنگ بینا و سرنی دید کامل دارد و میدان تیر خوبی روی این معبرها وجود دارد.

(پ) روئیدنی‌ها: روئیدنی مهمی که بتوان از آن به عنوان اختفاء و پوشش استفاده نمود در منطقه وجود ندارد.

(ت) عوارض مصنوعی: عوارض مصنوعی که بتوان از آن به عنوان اختفاء و پوشش استفاده نمود در منطقه وجود ندارد. سنگرهای مهمی که دشمن روی ارتفاعات به ویژه ارتفاعات میمک احداث نموده، دید و تیر خوبی روی معابر وصولی دارد. بایستی عملیات تعرضی خودی در شب انجام گیرد و از تاریکی شب برای اختفاء کامل استفاده شود.

(۲) دید و تیر:

(الف) اثر شرایط جوّی روی دید و تیر: دید در صبح‌ها به نفع خودی و در بعدازظهرها به علت باد و ایجاد گرد و غبار به نفع دشمن است. از نظر دیده‌بانی توپخانه نیز محدودیت ایجاد می‌گردد. از نظر میدان تیر برد سلاح‌های با تیر مستقیم در خط مقدم کاهش می‌یابد و اگر هوا بارانی نباشد اجازه دیده‌بانی و زمینی خوبی را می‌دهد و پس از هر بارندگی میزان دید به حداکثر خود می‌رسد.

(ب) اثر برجستگی‌ها در دید و تیر: دید به علت کوهستانی بودن منطقه از ضعیف به متوسط متغیر است ولی به محض رسیدن روی ارتفاعات به ویژه میمک، دید به نفع یگان‌های خودی است. میدان تیر تا رسیدن به ارتفاعات برای جنگ‌افزارهای با تیر مستقیم کوتاه و از خط‌الرأس نظامی به طرف دشت عراق از خوب تا عالی می‌رسد.

(پ) اثر روئیدنی‌ها: روئیدنی مهمی در منطقه وجود ندارد که مانع دید و تیر شود و بایستی اصول استتار کاملاً رعایت گردد.

(ت) اثر عوارض مصنوعی: عوارض مصنوعی مهمی که مانع دید و تیر باشد وجود ندارد، ولی سنگرهای مهمی که روی ارتفاعات میمک و دو طرف سد کنجان چم و کوه زیل ایجاد شده است دید و تیر خوبی روی معابر وصولی خودی دارد و بایستی عملیات در تاریکی شب انجام شود.

(۳) موانع:

(الف) اثر جوّی روی مواضع

در صورت بارندگی بالا رفتن از ارتفاعات، مشکل و کند می‌گردد. در داخل دشت و زمین‌های زراعتی حرکت خودروها کند می‌گردد.

(ب) اثر زه‌کشی‌ها و برجستگی‌ها روی موانع

«۱» رودخانه‌ها:

«الف» رودخانه تلخاب شمالی تا دشت لیک به علت بریدگی ساحل به جز چند گذار قابل عبور نبوده و در صورت بارندگی و سیلاب مطلقاً نمی‌توان از آن عبور نمود و عبور از تنگ بینا منحصر به جاده می‌باشد ولی از دشت لیک به بعد هرچه به طرف دشت عراق جلوتر می‌رود قابلیت عبور آن افزایش می‌یابد.

«ب» رودخانه خوش تا سرنی قابل عبور نبوده و از سرنی به بعد در اغلب نقاط با هم به علت بریدگی ساحل قابل عبور نیست ولی از جنوب شرقی ارتفاعات میمک هرچه به طرف دشت عراق جلو برود، قابل عبورتر می‌گردد و اگر هوا بارانی و سیل ایجاد شد بیشتر در حرکات مؤثر است.

«۲» اثر برجستگی‌ها در موانع:

«الف» ارتفاعات جک بور و کوه گچ در شمال تنگ بینا مانع حرکت و غیرقابل عبور است.

«ب» ارتفاعات کولک و میش خاص و زرتن مانع خوبی برای پیشروی دشمن و حرکت تعرض به یگان‌های خودی می‌باشند.

«پ» کوه زیل یک مانع بزرگ و غیرقابل عبور است، ولی عناصر دیده‌بان عراقی و نیروهای تقویتی آن روی نقاط مهم این ارتفاع مستقر شده‌اند.

«ت» کوه خلیفه نیز یک مانع محسوب ولی در قسمت شمالی آن قابل دور زدن می‌باشد.

«۳» اثر روئیدنی‌ها:

روئیدنی مهمی که مانع حرکت یگان‌ها گردد در منطقه وجود ندارد.

«۴» اثر عوارض مصنوعی:

«الف» عوارض مصنوعی مهمی در منطقه وجود ندارد ولی میدان‌های مین و سیم خاردار احداث‌شده روی دامنه‌های میمک و کوه شینو و ضلع جنوبی کولک و کوه زیل و هلاله و نی خزر مانع خوبی برای سد کردن پیشروی خودی فراهم نموده و حتی در نی خزر و هلاله میدان مین ضدتانک احداث گردیده که دور زدن از ارتفاعات را محدود می‌نماید.

«ب» شیارهای شرقی ارتفاعات روی میمک و زرتن و کوه شینو و کولک و زیل برای گازهای ش.م.ر مناسب و در صورت اعمال، مانع حرکت و باعث کند کردن حرکات می‌گردد.

(۴) عوارض حساس:

(الف) ارتفاعات میمک که به دشت عراق و دشت لیک و تنگ بینا و سرنی دید و کنترل دارد به دشت مهران و زرباطیه نیز تا حدودی کنترل دارد و از پشت آن سایت

صالح آباد و شهر صالح آباد مورد تهدید موشک‌های فراک عراق می‌باشد. تصرف این ارتفاع، عملیات تعرضی آینده را تسهیل و امکان دور زدن نیروی دشمن را از محور تنگ بینا و سرنی غیرممکن می‌سازد، لذا در دست داشتن این ارتفاعات، مزیتی قابل توجه برای هریک از طرفین متخاصم دارد.

(ب) ارتفاعات شینو: که بعد از میمک در درجه دوم اهمیت قرار دارد و از نظر پدافند از مرز دارای موقعیت حساسی است، محور سرنی و قسمتی از دشت لیک و دشت عراق را تحت کنترل دارد و تصرف آن نیز برای عملیات عرضی در داخل دشت عراق حائز اهمیت است.

(پ) ارتفاعات وزرتن ضمن اینکه قابل عبور نمی‌باشد ولی نقاط دیده‌بانی آن حائز اهمیت و بایستی هنگام عملیات تعرضی از آنها استفاده شود.

(ت) تپه‌های ۳۲۵ و ۳۴۰ به ویژه تپه ۳۴۳ در دهانه سد کنجان چم دارای حساسیت زیادی بوده و تپه ۳۴۳ چندین بار در زمان‌های گذشته بین قوای ایران و عراق دست به دست گشته است و از نظر پدافند از سد کنجان چم و آبادی‌های تعان و ورمه‌زاد تا زرباطیه حائز اهمیت می‌باشند.

(ث) ارتفاعات لبه جنوبی کولک که دید و تیر روی محور کنجان چم دارد، در دست داشتن آن مزیتی به شمار آمده و حساسیت این ارتفاعات را نشان می‌دهد.

(ج) ارتفاعات غربی کوه زیل مشرف به رودخانه کنجان چم به علت تسلط بر محور کنجان چم حائز اهمیت و در دست داشتن آن، امکان عملیات تعرضی را در این محور عملی می‌سازد.

(چ) تپه‌های ۳۲۵ و ۳۳۷ و ۳۳۰ نمکلان‌بو که در دامنه جنوبی بعد از کولک قرار گرفته و تا کانی‌سخت و رودخانه شور شیرین ادامه دارد، برای دفاع از دشت مهران و زرباطیه حائز اهمیت می‌باشد.

(۵) معابر وصولی:

(الف) معابر وصولی دشمن

(۱) «معبور میمک - سرنی - صالح آباد

(۲) «معبور میمک - تنگ بینا - غرب چگر - سرنی - صالح آباد

(۳) «معبور کاسه کاف - تنگ بیجار - تنگ بینا و چگر - سرنی

«۴» معبر کوه شینو - انجیره - سرنی

«۵» معبر مهران - سد کنجان چم - گولان - صالح آباد

«۶» معبر محور مهران - ملک شاهی

(ب) معابر وصولی خودی

«۱» معبر سرنی - انجیره - شینو

این معبر گنجایش یک گردان پیاده تقویت شده را دارد.

«۲» معبر سرنی - قلل ارتفاعات جنوبی میمک - نی خزر

این معبر گنجایش یک یگان پیاده زرهی را دارد، ولی در نزدیک ارتفاعات فقط یک جاده امکان دسترسی به قلل را فراهم می سازد و بایستی ابتدا به وسیله نفرات پیاده تصرف گردد.

«۳» معبر تنگ بینا - دشت لیک - جاده شمالی ارتفاعات میمک - هلاله

این معبر ستونی و تا دشت لیک متکی به جاده و در نتیجه بایستی از تاریکی شب استفاده گردد و از دشت لیک به بعد معبر گردانی و یگان پیاده بایستی عمل نماید و نزدیک قلل، شیب ارتفاعات بسیار تند و به سختی قابل دسترسی می باشد.

«۴» معبر تنگ بیجار - کاسه کاف

این معبر فقط برای عناصر چریکی و پارتیزانی خوب می باشد، زیرا جاده فقط تا چاه نفت امتداد دارد و از چاه نفت تا دشت عراق ساحل رودخانه بریده و امکان عبور بسیار سخت است. با توجه به اینکه عارضه حساس در مقابل ندارد و بایستی ۹۰ درجه به جنوب تغییر داده شود تا به میمک برسد، بهتر است از این معبر فقط تا چاه نفت عناصر پدافندی گمارده شود.

«۵» معبر صالح آباد - کنجان چم - مهران

این معبر تا سه کیلومتر جنوب امیرآباد امکان عمل یک گردان تانک یا پیاده مکانیزه را دارد و از آن به بعد پیشروی متکی به جاده و بایستی با یگان کوهستانی ارتفاعات جنوبی کولک و ارتفاعات شمالی کوه زیل را تصرف و حفظ گردد تا امکان پیشروی ستونی در محور، عملی باشد. پس از عبور از سد کنجان چم و وارد دشت مهران شدن بایستی محور توسعه داده شود. تپه رضاآباد

از یک طرف و تپه‌های ۳۲۵ و ۳۴۰ و ۳۴۳ در شمال رودخانه کنجان چم تصرف گردد و از آن به بعد منطقه گنجایش عمل یک لشکر را برای تصرف ارتفاعات حمیرین خواهد داشت و در صورت تغییر سمت معبر به طرف زرباطیه می‌توان با دو تیپ در خط پیشروی ادامه داد. در این پیشروی ارتفاعات نمکلان بو به طرف کانی سخت و شورشیرین بایستی به ترتیب به تصرف درآید تا امکان پیشروی برای یگان‌ها عملی گردد.

ب- جنبه‌های پشتیبانی خدمات رزمی

(۱) پرسنل: شرایط بد زمین امکان پشتیبانی به موقع خدمات رزمی را محدود و در بعضی نقاط مشکل می‌سازد و روی انضباط و قوانین اثر می‌گذارد، لذا دستورات کافی و توجیه کامل پرسنل جهت عملیات تعرضی و پیش‌بینی‌های لازم یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی و جایگزینی با هلی‌کوپتر را ضروری می‌نماید.

(۲) لجستیکی: به علت نامساعد بودن زمین، احتیاج به نیازمندی‌های لجستیکی اضافی را روشن می‌سازد، لذا پیش‌بینی‌های لازم در مورد رساندن نیازمندی‌ها مهمات و غذا و آب با هلی‌کوپتر بایستی به عمل آید. شرایط اجتماعی به ویژه کمک‌های مردمی و استانداری روی پاسداران و افراد بسیج اثر مطلوبی داشته و محورهای تدارکاتی به ویژه جاده ایلام صالح‌آباد و پل‌های آن بایستی حفظ گردد.

(۳) نیازمندی‌های عملیات ارتش و مردم: به علت تخلیه شدن اکثر شهرها و آبادی‌های منطقه، مشکلی از نظر مردم برای ارتش وجود ندارد.

۴- اثرات مشخصات منطقه

الف- اثر منطقه روی راه‌های کار دشمن

(۱) زمین منطقه برای تک دشمن مناسب نیست، زیرا بایستی ارتفاعات سرکوب را رها و بایستی از دره‌ها و معبرهای خطرناک با نیروهای زیاد عبور نماید و بالأخره در ابتدای شرقی صالح‌آباد به بن‌بست می‌رسد و تمام محورها به جاده ایلام ختم و سایر نقاط قابلیت عبور برای ادامه پیشروی ندارد.

(۲) دید: به علت در دست داشتن مواضع سرکوب به ویژه در میمک، دید به نفع دشمن

است.

(۳) زمین منطقه و سمت باد برای پدافند دشمن مناسب می‌باشد.

- (۴) اثر منطقه در ارتفاعات برای نیروی هوایی دشمن محدودیت ایجاد می‌نماید.
- (۵) اثر منطقه در عملیات تأخیری دشمن بسیار نامطلوب است زیرا در صورت تخلیه مواضع فعلی، مواضع و نقاط دیده‌بانی مناسبی در رده عقب‌تر ندارد که بتواند در آن موضع بگیرد.
- (۶) اثر منطقه روی عملیات زرهی دشمن: در صورت تک دشمن، زمین مناسبی برای عملیات زرهی جز در صورت موفقیت در محور مهران - صالح‌آباد در دشت صالح‌آباد می‌تواند یگان زرهی را وارد عمل نماید و در سایر محورها نمی‌تواند، ولی در صورت موفقیت نیروی خودی و وارد خاک عراق شدن، دشمن در مهران و دشت زرباطیه می‌تواند یگان‌های زرهی خود را به کار گیرد.
- (۷) اثر منطقه بر عملیات شیمیایی دشمن: شیارهای متعدد روی ارتفاعات زیل و کولک و همچنین میمک و شینو به ویژه در بعدازظهرها برای به کار بردن عوامل ش.م.ر مناسب و به نفع دشمن است.
- (۸) اثر منطقه بر روی جنگ‌های الکترونیکی: اثر منطقه در جنگ‌های الکترونیکی به نفع دشمن است زیرا تمام قتل و ارتفاعات مسلط در منطقه را در اختیار دارد. تنها ارتفاعات کولک در اختیار خودی است، که با توجه به شیارها در وسط منطقه اثر چندانی ندارد.
- (۹) عملیات چریکی: به علت تخلیه بودن منطقه از مردم و عشایر، هیچ‌گونه عمل چریکی به نفع دشمن انجام نمی‌گیرد.
- (۱۰) بهترین مناطق پدافندی دشمن مواضع فعلی خط مقدم خواهد بود و از همه مهم‌تر ارتفاعات میمک می‌باشد.
- (۱۱) بهترین معبر تک دشمن، میمک به سرنی - صالح‌آباد است.
- ب- اثر منطقه روی راه‌های کار خودی
- (۱) شرایط جوّی و زمین به نفع تک ما نیست و توانایی حرکات ما را به طرف دشمن محدود می‌نماید و عملیات بایستی در شب انجام شود ولی به علت حساسیت عوارض حساس و تصرف مواضع دفاعی فعلی دشمن، عملیات آینده را تسهیل می‌نماید و ناچاراً بایستی تک انجام شود و نقاط دیده‌بانی روی کولک و کوه زیل و کوه شینو تصرف، تا برتری و تسلط کامل دید و تیر روی دشمن عملی باشد.

(۲) اثر منطقه برای پدافند ما نامطلوب است و به ضرر ماست، زیرا مواضع خوب و سرکوب و نقاط مسلط دیده‌بانی در اختیار دشمن و پدافند در منطقه به جز تلفات زیاد نتیجه‌ای برای یگان‌های خودی ندارد.

(۳) وضعیت منطقه برای عملیات هوایی خودی محدودیت ایجاد می‌نماید.

(۴) در دشت لیک و قسمتی از صالح‌آباد امکان به کار گرفتن یگان‌های زرهی هست ولی پس از عبور از سد کنجان‌چم و تصرف ارتفاعات میمک به نحو مطلوب می‌توان یگان‌های زرهی را به کار برد.

(۵) در شیارهای غربی میمک و کوه شینو و کولک و کوه زیل امکان به کار بردن عوامل شیمیایی هست به شرطی که در صبح‌ها استفاده شود، زیرا در بعدازظهر، به علت سمت باد، به ضرر خودی است.

(۶) عملیات چریکی را با استفاده از عشایر و افراد محلی تخلیه شده و با کمک سپاه پاسداران و یا نیروهای ویژه می‌توان به نفع یگان‌های خودی وارد عمل نمود.

(۷) بهترین معبر تک، معبرهای تنگ بینا و سرنی می‌باشد، به شرطی که در اختفای کامل و در تاریکی شب انجام شود.

(۸) معبر کنجان‌چم به علت مشکل عبور و طولانی بودن مسیر بهتر است به عنوان تلاش فرعی و برای سرگرم کردن دشمن مورد استفاده قرار گیرد.

قسمت سوم

طرح‌ها و دستورات عملیاتی

نسخه ۲۹ از ۲۳ نسخه

قرارگاه تاکتیکی رده مقدم نزاچا در جنوب

دزفول

۳۰ آبان ماه ۱۳۵۹

ق - خ - ۳۴

طرح عملیاتی بدر

مدرک: نقشه ۱/۵۰۰۰۰

سازمان رزمی:

لشکر ۹۲ زرهی

لشکر ۲۱ پیاده

لشکر ۱۶ زرهی

تیپ ۸۴ پیاده

قرارگاه مقدم نزاچا در غرب

فرماندهی مخصوص غرب در کردستان

لشکر ۶۴ پیاده

گروه های توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران

سپاهیان پاسدار: خوزستان، ایلام، کرمانشاهان، آذربایجان غربی

نیروهای مردمی و عشایری با استعدادهای مختلف

۱- وضعیت

الف- دشمن: پیوست الف اطلاعات

ب- خودی

(۱) ارتش جمهوری اسلامی ایران ابتدا تجاوز ارتش مزدور بعثی عراق را به خاک کشور

جمهوری اسلامی ایران در مقدم ترین مواضع پدافندی ممکنه متوقف کرده و سد می کند و

سپس با هدایت عملیات نامنظم در جبهه و جناحین و عمق، سازمان و گسترش دشمن

متجاوز را تضعیف کرده و در نهایت، با اجرای عملیات آفندی نیروهای وی را در منطقه

منهدم و خط مرزی بین‌المللی را ترمیم و آماده می‌شود تعرض خود را برای سرنگون کردن رژیم منحط بعثی عراق به داخل خاک عراق هدایت نماید.

(۲) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران حملات هوایی خود را علیه هدف‌های نظامی و سیستم اقتصادی رژیم خصم ادامه داده و با برقراری پوشش هوایی، سیستم تدارکاتی متجاوز را در منطقه اشغالی بر هم زده و عملیات نیروی زمینی را در سراسر کشور همچنان پشتیبانی می‌نماید.

(۳) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران خطوط مرزی آبی کشور را در خلیج فارس محافظت و تنگه هرمز را به منظور بستن راه دریایی به روی کشتی‌های تجاری و نظامی خصم کنترل کرده و عملیات نیروی زمینی را در بنادر خلیج فارس پشتیبانی می‌نماید.

(۴) ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران ضمن انجام وظایف قانونی در داخل کشور، یگان‌های مستقر در مناطق عملیات را در کنترل واحدهای عمده نیروی زمینی قرار داده و با این ترتیب در سرکوبی و انهدام نیروهای متجاوز شرکت می‌کند.

(۵) فرماندهی ابروند به فرماندهی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران با دریافت یگان‌های لازم از نیروی زمینی و عناصری از نیروی ژاندارمری، همچنان دفاع خرمشهر، آبادان و ماهشهر را ادامه می‌دهد.

پ- زیر امر و جداشده (سازمان رزمی)

ت- فرض‌ها:

(۱) تلفات و خسارات وارده به دشمن، طی عملیات چریکی و هدایت عملیات چریکی و عملیات رزمی محدود شبانه و روزانه، حملات هوایی و آتش توپخانه، سازمان متجاوز را بر هم زده و نیروهای وی را در مقابل حملات نیروهای خودی مخصوصاً در ناحیه خوزستان آسیب‌پذیر ساخته است.

(۲) استعداد نیروهای خودی در سراسر منطقه، تغییرات عمده‌ای نکرده و در منطقه دزفول به حدی کمتر از یک لشکر پیاده و یک لشکر زرهی تنزل نکرده است.

(۳) استعداد کلی دشمن در منطقه دزفول در مجموع در حدود یک لشکر کامل است.

(۴) شرایط جوئی برای اجرای پشتیبانی نزدیک هوایی و پشتیبانی توپخانه مناسب بوده و همچنین شرایط جوئی، اجازه مانور لشکر زرهی را در منطقه دزفول می‌دهد.

۲- مأموریت

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران عملیات پدافند داخلی را همچنان در مناطق استان‌های ارومیه، کردستان و کرمانشاهان علیه عوامل مسلح مزدور داخلی ادامه داده و حملات نیروهای مزدور بعثی عراق را در مناطق کرمانشاه، ایلام و خوزستان متوقف کرده و در مقدم‌ترین مواضع دفاعی ممکنه آن را سد می‌کند و از هم اکنون با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود، دشمن را تضعیف کرده و سپس در ساعت «س» روز «ر» با هدایت عملیات آفندی در محورهای اندیمشک - عین خوش و اندیمشک - دوسلک نیروهای دشمن را در منطقه نابود کرده و با گسترش عملیات در سایر جبهه‌ها خط مرز بین‌المللی را ترمیم و آماده می‌شود بنا به دستور، عملیات را به منظور سرنگون کردن رژیم کافر صدام حسین به داخل خاک کشور عراق بکشاند.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات

(۱) مانور

(الف) این عملیات شامل دو قسمت کلی است:

«۱» قسمت اول: هدایت عملیات پدافند داخلی در مناطق آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان به منظور پاکسازی منطقه از وجود کثیف عوامل مسلح مزدور دولت‌های جنایتکار بین‌المللی که علیه انقلاب اسلامی ایران مجهز شده‌اند، به منظور استقرار کامل قانون و اقتدار حکومت جمهوری اسلامی ایران در مناطق مورد اشاره، در این عملیات لشکر ۶۴ و فرماندهی مخصوص عملیات کردستان شامل لشکر ۲۸ تقویت شده و عناصری از تیپ ۲۳ نوهده و هوانیروز و یگان‌های دیگر و قسمتی از عناصر لشکر ۸۱ زرهی هرکدام به همراهی سپاهیان پاسدار و نیروهای عشایر و نیروهای شبه‌نظامی مناطق شرکت داشته و خواهند داشت.

«۲» قسمت دوم: هدایت عملیات منظم علیه ارتش مزدور بعثی عراق با به کار بردن لشکرهای ۸۱، ۹۲، ۱۶ زرهی و ۲۱ پیاده تقویت شده، با عناصری از لشکر ۷۷ پیاده و سایر یگان‌ها و نیروهای پاسدار و مردم.

اساس این عملیات عبارت است از متوقف نمودن و سد کردن تعرض دشمن در مقدم‌ترین مواضع مناسب، سپس وارد کردن تلفات و خسارات عمده

و جزئی همه‌جانبه از جبهه، جناحین و عمق سازمان رزمی و تدارکاتی دشمن به منظور تضعیف او در منطقه و کاهش توانایی‌های رزمی متجاوز با هدایت عملیات چریکی، حملات محدود شبانه و روزانه نظامی و حملات مداوم آتش توپخانه هوایی، در نهایت هدایت عملیات تعرضی در دزفول (خطرناک‌ترین معبر وصولی دشمن) و توسعه آن در سایر مناطق به منظور انهدام و نابودی دشمن در داخل کشور و در نتیجه آزاد کردن مناطق اشغالی و ترمیم خط مرزی بین‌المللی و تسهیل عملیات آفندی جهت سرنگون کردن رژیم صدام حسین کافر به داخل عراق.

(ب) عملیات آفندی در دزفول ابتدا در دو مرحله اجرا می‌شود (پیوست ب کالک عملیات)

مرحله ۱

x x x x

مرحله ۲

x x x x

(۲) آتش: پیوست ب: طرح پشتیبانی آتش

ب- لشکر ۶۴ زیر امر: x x x

پ- فرماندهی مخصوص عملیات کردستان: x x

ت- قرارگاه تاکتیکی رده مقدم نزاچا در غرب

زیر امر: عناصر شبه‌نظامی منطقه در کنترل عملیاتی لشکر ۸۱ با عناصر تقویتی از لشکر ۷۷ و سایر یگان‌ها. سپاهیان پاسدار منطقه.

(۱) تعرض ارتش مزدور بعثی عراق را در منطقه همچنان متوقف کنید.

(۲) با هدایت عملیات چریکی مداوم بر جبهه، جناحین و عمق سازمان دشمن و معابر تدارکاتی وی و وارد کردن تلفات و خسارات به نیروهای وی دشمن را در منطقه تضعیف و توان رزمی او را کاهش دهید.

(۳) با هدایت عملیات تعرضی شبانه و روزانه محلی و محدود مداوم توسط نیروهای تحت امر از جبهه و جناحین و عمق گسترش و معابر تدارکاتی و وارد کردن تلفات و خسارات توان رزمی وی را کاهش دهید.

- (۴) با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن مناطق کلیدی منطقه را با آتش کنترل کنید.
- (۵) متناسب با توسعه ناتوانایی‌های دشمن در منطقه، نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرزی بین‌المللی را ترمیم کنید.
- (۶) آماده باشید بنا به دستور حمله را جهت سرنگون کردن رژیم صدام حسین کافر به خاک کشور عراق ادامه دهید.

ث- قرارگاه تاکتیکی رده مقدم در جنوب

	x	x	x	x
(۱) تیپ ۸۴ زیر امر	x	x	x	x
(۲) لشکر ۲۱ پیاده	x	x	x	x
(۳) لشکر ۱۶ زرهی	x	x	x	x
(۴) لشکر ۹۲ زرهی	x	x	x	x

ج- دستورات هماهنگی

- (۱) ساعت «س» توسط قرارگاه تاکتیکی رده مقدم نزاچا در جنوب و یا قرارگاه اصلی نیروی زمینی در مرکز تعیین و ابلاغ خواهد شد.
- (۲) در صورت لزوم، هرگونه تغییرات لازم برای تکمیل و یا اصلاح این طرح از طریق قرارگاه تاکتیکی رده مقدم نزاچا در جنوب یا قرارگاه اصلی نزاچا در مرکز طی دستورات جزء به جزء ابلاغ خواهد شد.
- (۳) فعالیت‌های شناسایی برای کسب اطلاع از استعداد و توانایی‌های دشمن و وضعیت زمین و محورهای پیشروی و قابلیت زمین برای مانور، گذارها و معابر رودخانه و نقاط مناسب برای پل زدن به طور مداوم هدایت گردد.
- (۴) در هر زمان و مکان مناسب، طرح به وسیله یگان‌های عمل‌کننده تمرین گردد و آموزش‌های مربوطه تکمیل شود.
- (۵) ارتباط و مخابرات بین یگان‌ها و عناصر مربوطه از هم اکنون برقرار و آزمایش گردد.
- (۶) هماهنگی‌های لازم بین فرماندهان و دیده‌بانان جلو توپخانه و ناظرین مقدم هوایی قبل از عمل انجام گیرد که در تمام عملیات یگان از پشتیبانی مؤثر توپخانه و هوایی بی‌بهره نماند.

(۷) اهمیت حیاتی این عملیات برای عموم پرسنل تفهیم گردد و بستگی به سرنوشت ملت و مملکت و انقلاب اسلامی ایران با این رزم به طور مداوم طی سخنرانی‌های مؤثر به پرسنل گوشزد گردد و تلاش همه‌جانبه یک یک افراد خواسته شود و طی تمرینات و آموزش‌های روزانه افزایش میل جنگجویی افراد ارزیابی و گزارش گردد.

(۸) هیچ‌یک از موارد این طرح با هیچ‌یک از وسایل مخابراتی جز تماس مستقیم و امربر مطمئن نباید بین مقامات مبادله شود.

(۹) استفاده از عوارض زمین، آماده کردن زمین برای سنگر و پناهگاه، استتار وسایل و سیم‌های تلفن، کنترل آتش و انضباط آتش تأکید می‌گردد.

۴- دستورات اداری و لجستیکی

الف) پرسنل: پیوست ت طرح اداری (قسمت پرسنل)

ب) لجستیک

(۱) فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی مسئولیت هدایت عملیات لجستیک را به عهده دارد.

(۲) آمادگاه دزفول، دوکوهه، خرم‌آباد زیر نظر فرماندهی پشتیبانی منطقه مربوطه مداومت عملیات لجستیکی را از هر لحاظ برقرار می‌سازند.

(۳) پیوست ت طرح اداری (قسمت لجستیکی)

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات

(۱) دستورات مخابراتی مطمئن برای این طرح قبلاً طرح‌ریزی و به محض ابلاغ ساعت «س» و یا بنا به دستور منتشر گردد.

(۲) در رده یگان‌های حمله‌ور و در جریان رزم در هر جا که سرعت مبادله پیام ضرورت حیاتی داشته باشد از حفاظت چشم‌پوشی شود.

(۳) در هر جا که امکان داشته باشد ارتباط دیده‌بانان و عوامل تأمینی ثابت دوبله (باسیم و بی‌سیم) برقرار گردد.

ب- فرماندهی

(۱) پست فرماندهی اصلی قرارگاه تاکتیکی رده مقدم نزا جا در جنوب در دزفول مستقر است.

(۲) پست فرماندهی یدکی یا فرعی به محض تشکیل و افتتاح به موقع اطلاع داده می شود.

(۳) محل پست های فرماندهی تا رده تیپ (داخل) به قرارگاه گزارش گردد.

رسید اطلاع دهید.

ف نزا جا - سرتیپ ظهیرنژاد

گیرندگان: پیوست ث

نسخه از نسخه
ل ۸۱ ز رهی - ۳
قلاجه (۳۴۰۲-۴۶۱۷) اسلام‌آباد
۰۹۱۴۰۰ آذرماه ۱۳۵۹
م - س - ۱۷

طرح عملیاتی امین شماره (۵)

مدرك: نقشه ۱/۵۰۰۰۰ منطقه غرب

سازمان رزمی

تیپ ۱

آتشبار ۲ گردان ۳۷۶ توپخانه کاتیوشا	قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۱
آتشبار پدافند هوایی ۲۳ م گردان ۳۱۶	گردان ۱۲۳ پیاده مکانیزه
دسته جلویی گردان ۴۹۵ مخ	گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه
گروهان سوم گردان ۴۳۴ مهن	گروهان ژاندارمری
گروهان یکم گردان ۵۰۶ بهداری	گردان ۲۱۷ تانک (۲-)
گروهان یکم گردان ۵۰۵ نگهداری	گردان ۲۲۲ تانک (۲-)
رسد آماد از گردان آماد و ترابری	گردان ۷ پیاده سماجا
گردان ۳۹۶ توپخانه خ ک تقویت شده با دو قبضه توپ ۱۳۰ م	
دسته دژبان از گر ۸۱ دژبان	آتشبار ۳ گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م ک
	آتشبار ۱ گردان ۳۸۶ ت ۱۷۵ م خ ک

تیپ ۲ زرهی

دسته مهن از گروهان ۲ گردان ۴۳۴ مهن	قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۲
دسته جلویی گردان ۴۹۵ مخ	گردان ۱۱۹ پیاده مکانیزه تیپ ۱
گروهان دوم گردان ۵۰۵ نگهداری	گردان ۲۹۰ تانک (۲-)
گروهان ۲ گردان ۵۰۶ بهی	گردان ۲۴۶ تانک ل ۷۷
رسد آماد از گردان آماد و ترابری	آتشبار ۲ گردان ۳۵۰ ت ۱۵۵ م خ ک
تیم اطلاعات نظامی از گروه اطلاعات	آتشبار ۳ گردان ۳۳۲ ت ۱۳۰ م ک
نظامی وابسته	آتشبار ۳ گردان ۳۸۶ توپخانه ۱۷۵ م

گر پدافند هوایی (-)

دسته دژبان از گر ل ۸۱ دژبان

تیپ ۳ مشهد ل ۷۷

گردان ۱۱۰ پیاده (-)

گر ژاندارمری از هنگ قصر شیرین

گردان مهدی (۲-)

گردان ۳۱۷ ت ۱۵۵ م خ ک

گردان ۲۸۵ تانک (۱-)

آتشبار ۲ گردان ۳۸۶ ت ۱۷۵ م خ ک

گردان ۲۰۶ ژاندارمری مشکین شهر

گر ۲ گردان ۴۳۴ مهن (۱-)

تیپ ۳ زرهی ل ۸۱

قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۳

گردان ۳۷۳ ت ۱۵۵ م خ ک زیر امر

گردان ۱۴۳ پیاده مکانیزه ۵

آتشبار ۲ گردان ۳۸۶ ت ۱۷۵ م زیر امر

گردان ۱۸۴ پیاده مکانیزه

آتشبار گردان ۳۳۱ ت ۱۳۰ م زیر امر از گروه ۱۱

گردان پیاده امید (جدیدالتأسیس)

گردان ۳۱۱ (۱-) توپخانه ۱۵۵ م ک زیر امر

گردان پیاده نور (جدیدالتأسیس)

آتشبار ۱ گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵ م ک زیر امر

گروهان ۳ هوابرد گردان ۱۳۵

یک آتشبار ۱ گردان ۳۱۵ ت ک ۱۰۵ م زیر امر

تیم نیرومخصوص از گردان ۲

آتشبار ۱ گردان ۳۷۴ کاتیوشا زیر امر از گ ۴۴

گردان ۲۱۱ تانک (۲-)

آتشبار سوم گردان ۳۱۶ پدافند هوایی

گردان ۲۱۵ تانک (۲-)

گروهان یکم گردان ۴۳۴ مهن

گردان ۲۶۵ سوار زرهی (-)

دو گروه مین بردار از گروه مهندسی رزمی بروجرد

گروهان یکم گردان ۲۴۶ تانک ل ۷۷

دسته جلویی گردان ۴۹۵ مخ

گروهان یکم گردان ۲۵۰ تانک چیفتن

گروهان سوم گردان ۵۰۵ نگهداری

گردان ۳۴۰ ت ۱۵۵ م خ ک زیر امر

گروهان سوم گردان ۵۰۶ بهی

دسته دژبان

رسد آماد از گردان ۵۰۴ آماد و ترابری

تیم اطلاعات نظامی از گروه اطلاعات نظامی *

*. گردان ۱۶۳ لشکر ۷۷ در این زمان مأمور به لشکر ۸۱ بوده که در این سازمان رزم نام برده نشده است. «سرتیپ اسماعیل

پشتیبانی لشکر

ارکان و گروهان ارکان پشتیبانی لشکر

گروهان اداری

گردان ۵۰۵ نگهداری (-)

گردان ۵۰۶ بهی (-)

گردان ۵۰۴ آماد و ترابری (-)

عده‌های لشکر

قرارگاه و گروهان قرارگاه لشکر

گردان ۴۳۴ مهن (-)

گردان ۴۹۵ مخ (-)

گروهان دژبان (-)

گروه اطلاعات وابسته (-)

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن: پیوست الف (اطلاعات)

ب- نیروهای خودی

(۱) ارتش جمهوری اسلامی ایران ابتدا تجاوز ارتش مزدور بعثی عراق را به خاک کشور جمهوری اسلامی ایران در مقدم‌ترین مواضع پدافندی ممکنه متوقف کرده و سد می‌کند و سپس با هدایت عملیات نامنظم در جبهه، جناحین، عمق سازمان و گسترش دشمن متجاوز را تضعیف کرده در نهایت با اجرای عملیات آفندی، نیروهای وی را در منطقه منهدم و خط مرزی بین‌المللی را ترمیم و آماده می‌شود تعرض خود را برای سرنگونی رژیم منحط بعثی عراق به داخل خاک عراق هدایت نماید.

(۲) فرماندهی مخصوص عملیات کردستان در شمال (سمت راست) در منطقه مربوطه پدافند می‌نماید.

(۳) تیپ ۸۴ خرم‌آباد در جنوب (سمت چپ) معابر وصولی دشمن را به دهلران از هر چه دورتر سد نموده و عملیات چریکی و عملیات تعرضی محدود شبانه و روزانه را در جبهه جناحین و عمق سازمان دشمن و معابر تقویتی و لجستیکی او جهت وارد کردن تلفات و خسارات عمده در منطقه طرح‌ریزی و هدایت می‌نماید و آماده می‌شود بنا به دستور جهت تصرف عین خوش و تپه‌های علی‌گره‌زد تک نماید.

پ- زیر امر و جداشده

(۱) زیر امر

الف) گردان ۱۱۰ تیپ ۳ لشکر ۷۷

ب) گردان ۱۶۳ تیپ ۳ لشکر ۷۷

پ) گر ۱ و ۲ گردان ۲۴۶ ل ۷۷

- (ت) ۳ گردان ۲۵۰ تانک ل ۲۱
 - (ث) ۳ گردان ۱۳۵ هوابرد
 - (ج) تیم نیروی مخصوص از گردان ۲ نوهده
 - (چ) گردان ۳۱۱ توپخانه ۱۵۵ مم ک (-)
 - (ح) آت ۱ گردان ۳۱۳ ت ۱۵۵ مم ک
 - (خ) آتشبار ۱ گردان ۳۷۴ کاتیوشا گروه ۴۴ (واگذار به تیپ ۳ لشکر)
 - (د) آتشبار ۲ گردان ۳۷۶ کاتیوشا گروه ۵۵ (واگذار به تیپ ۱ لشکر)
 - (ذ) گردان ۳۸۶ ت ۱۷۵ مم گروه ۱۱
 - (ر) آتشبار ۲ گردان ۳۹۹ ت ۱۳۰ مم گ ۵۵
 - (ز) آت ۳ گردان ۳۹۹ ت ۱۳۰ مم گ ۵۵
 - (س) آتشبار ۲ گردان ۳۳۲ ت ۱۳۰ مم به تیپ ۲
 - (ش) آتشبار ۱ گردان ۳۳۱ ت ۱۳۰ مم به تیپ ۳
 - (ص) آتشبار ۲ گردان ۳۵۰ ت ۱۵۵ مم خ ک
 - (ض) آتشبار ۱ گردان ۳۱۵ ت ۱۰۵ مم ک
- (۲) جدا شده

مجموعاً یک گروهان تانک و یک گروهان پیاده مکانیزه و دو قبضه توپ ۱۵۵ مم از تیپ ۲ و یک آتشبار ۱۰۵ به عملیات غرب مأمور گردیده است.

ت- فرضیات

- (۱) تلفات و خسارات وارده به دشمن طی عملیات چریکی و هدایت عملیات رزمی محدود شبانه و روزانه، حملات آتش هوایی و توپخانه، سازمان متجاوز را بر هم زده و نیروهای وی را در مقابل حملات نیروهای خودی آسیبپذیر سازد.
- (۲) استعداد نیروهای خودی در سراسر منطقه تغییر عمده ای نکرده است.
- (۳) شرایط جوّی برای اجرای پشتیبانی نزدیک هوایی و پشتیبانی توپخانه مناسب بوده و همچنین شرایط جوّی اجازه مانور لشکر را در منطقه می دهد.

۲- مأموریت

لشکر ۸۱ رزمی و نیروهای شبه نظامی و زیر امر، ضمن عملیات پدافندی داخلی علیه عوامل مسلح مزدور و داخلی، حملات نیروهای مزدور بعث را در منطقه متوقف و در مقدم ترین

مواضع پدافندی ممکنه آن را سد می‌نماید و از هم اکنون با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود، دشمن را تضعیف کرده، سپس در ساعت «س» روز «ر» نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرزی بین المللی را ترمیم می‌نماید و آماده می‌شود بنا به دستور تک را جهت سرنگونی رژیم صدام حسین کافر به خاک کشور عراق ادامه دهد.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات: پیوست ب (کالک عملیات)

(۱) مانور: لشکر این عملیات را در دو مرحله با چهار تیپ و یک گروه رزمی در خط به ترتیب از شمال به جنوب، تیپ سوم در شمال (راست) تیپ ۳ مشهد و تیپ ۲ در وسط و تیپ یکم در جنوب (چپ) انجام می‌دهد.

الف- مرحله یکم: لشکر ضمن هدایت عملیات پدافندی داخلی در مناطق مربوطه به منظور پاکسازی منطقه از وجود کثیف عوامل مسلح مزدور دولت‌های جنایتکار بین‌المللی که علیه انقلاب اسلامی ایران مجهز شده‌اند، به منظور استقرار کامل قانون و اقتدار حکومت جمهوری اسلامی ایران دشمن را در مقدم‌ترین مواضع سدکننده مناسب سد نموده، سپس با وارد نمودن تلفات و خسارات عمده و جزئی همه‌جانبه از جبهه، جناحین و عمق سازمان رزمی و تدارکاتی دشمن به منظور تضعیف او در منطقه و کاهش توانایی‌های رزمی وی مبادرت به عملیات چریکی، حملات محدود شبانه و روزانه نظامی و حملات مداوم آتش توپخانه و هوایی می‌نماید.

ب- مرحله دوم: لشکر در ساعت «س» روز «ر» تک نموده، باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین‌المللی را ترمیم و سپس آماده می‌شود تک را جهت سرنگونی رژیم صدام حسین به خاک کشور عراق ادامه دهد.

(۲) آتش: پیوست پ طرح پشتیبانی آتش

(الف) هوایی: پشتیبانی نزدیک هوایی بنا به درخواست اجرا می‌شود.

(ب) توپخانه

(۱) «توپخانه صحرائی»

مرحله یکم: بنا به درخواست پشتیبانی می‌شود.

مرحله دوم: آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه اجرا خواهد شد.

«۲» توپخانه پدافند هوایی

پادگان هر تیپ را با یک آتشبار از گردان ۳۱۶ حفاظت نمائید و در محورها
تقدم پدافند هوایی با پاسگاه فرماندهی سپس با احتیاط و بالأخره با یگان‌های
در خط می‌باشد.

ب- تیپ یکم

(۱) مرحله یکم

(الف) تعرض ارتش مزدور بعثی عراق را در منطقه همچنان متوقف کنید.
(ب) با هدایت عملیات چریکی مداوم بر جبهه جناحین و عمق سازمان دشمن و
معاير تدارکاتی وی و وارد کردن تلفات و خسارات به نیروهای وی دشمن را در منطقه
تضعیف و توان رزمی او را کاهش دهید.
(پ) با هدایت عملیات تعرضی شبانه و روزانه محلی و محدود مداوم توسط نیروهای
تحت امر از جبهه و جناحین و عمق گسترش و معاير تدارکاتی دشمن و وارد کردن تلفات
و خسارات توان رزمی وی را کاهش دهید.
(ت) با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن مناطق کلیدی منطقه را با آتش کنترل کنید.

(۲) مرحله دوم

(الف) در منطقه تک کنید و نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرزی
بین‌المللی را ترمیم کنید.
(ب) آماده باشید بنا به دستور حمله را جهت سرنگون کردن رژیم صدام حسین به
خاک کشور عراق ادامه دهید.

پ- تیپ دوم

(۱) مرحله یکم

(الف) تعرض ارتش بعثی عراق را در منطقه همچنان متوقف کنید.
(ب) با هدایت عملیات چریکی مداوم بر جبهه، جناحین و عمق سازمان دشمن و
معاير تدارکاتی وی و وارد کردن تلفات و خسارات به نیروهای وی، دشمن را در منطقه
تضعیف و توان رزمی او را کاهش دهید.

(پ) با هدایت عملیات تعرضی شبانه و روزانه محلی محدود مداوم توسط نیروهای تحت امر از جبهه و جناحین و عمق گسترش و معابر تدارکاتی دشمن و وارد کردن تلفات و خسارات توان رزمی وی را کاهش دهید.

(ت) با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن مناطق کلیدی منطقه را با آتش کنترل کنید.

(۲) مرحله دوم

(الف) در منطقه تک کنید و نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین‌المللی را ترمیم کنید.

(ب) آماده باشید بنا به دستور حمله را جهت سرنگون کردن رژیم صدام به خاک عراق ادامه دهید.

ت- تیپ سوم

(۱) مرحله یکم

(الف) تعرض ارتش بعثی عراق را در منطقه همچنان متوقف کنید.

(ب) با هدایت عملیات چریکی مداوم بر جبهه، جناحین و عمق سازمان دشمن و معابر تدارکاتی و وارد کردن تلفات و خسارات به نیروهای وی دشمن را در منطقه تضعیف و توان رزمی وی را کاهش دهید.

(پ) با هدایت عملیات تعرضی شبانه و روزانه محل محدود مداوم توسط نیروهای تحت امر از جبهه و جناحین و عمق گسترش و معابر تدارکاتی دشمن و وارد کردن تلفات و خسارات توان رزمی وی را کاهش دهید.

(ت) با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن مناطق کلیدی منطقه را با آتش کنترل کنید.

(۲) مرحله دوم

(الف) در منطقه تک کنید و نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرزی بین‌المللی را ترمیم کنید.

(ب) آماده باشید بنا به دستور حمله را جهت سرنگونی رژیم صدام به خاک کشور عراق ادامه دهید.

ث- تیپ ۳ مشهد

(۱) مرحله یکم

(الف) تعرض ارتش مزدور بعثی عراق را در منطقه همچنان متوقف کنید.

(ب) با هدایت عملیات چریکی مداوم بر جبهه، جناحین و عمق سازمان دشمن و معابر تدارکاتی وی و وارد کردن تلفات و خسارات به نیروهای دشمن را در منطقه تضعیف و توان رزمی وی را کاهش دهید.

(پ) با هدایت عملیات تعرضی شبانه و روزانه محلی محدود مداوم توسط نیروهای تحت امر از جبهه و جناحین و عمق گسترش و معابر تدارکاتی دشمن وارد کردن تلفات و خسارات توان رزمی وی را کاهش دهید.

(ث) با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن مناطق کلیدی منطقه را با آتش کنترل کنید.

(۲) مرحله دوم

(الف) در منطقه تک کنید و نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز را ترمیم کنید.

(ب) آماده باشید بنا به دستور حمله را جهت سرنگون کردن رژیم صدام به خاک کشور عراق ادامه دهید.

(ج) گردان ۲۶۵ سوارزرهی - زیر امر تیپ ۳ قرار گیرید.

(چ) توپخانه لشکری

گردان ۳۱۷ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک زیر امر گروه رزمی کبیر

گردان ۳۹۶ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک زیر امر تیپ ۱

گردان ۳۷۳ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک زیر امر تیپ ۳

گردان ۳۴۰ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک زیر امر تیپ ۳

گردان ۳۱۶ پدافند هوایی هریک از تیپ‌ها را با یک آتشبار پشتیبانی کنید.

ح- هوانیروز

هریک از تیم‌ها و گروه رزمی در خط را بر طبق سهمیه واگذاری پشتیبانی کنید.

خ- گردان ۴۳۴ مهن

(۱) دسته‌های جلویی را برابر سازمان رزمی زیر امر تیپ‌ها قرار دهید.

(۲) در پشتیبانی عمومی لشکر

د- یگان‌های ژاندارمری منطقه

- (۱) یگان‌های ژاندارمری مستقر در منطقه عملیات هریک از تیم‌ها و گروه رزمی کبیر در کنترل عملیاتی فرماندهان منطقه قرار گیرید.
- (۲) آماده باشید بجز یگان‌های در بند ۱ در مناطق عقب در کنترل عملیاتی، به منظور تأمین منطقه عقب به کار روید.
- ذ- شهربانی‌های سرزمین نگهبانی لشکر
- (۱) آماده باشید بنا به دستور یگان‌های شهربانی هر منطقه را در کنترل عملیات فرماندهان تیپ‌ها و گروه رزمی کبیر قرار دهید.
- ر- احتیاط
- یگان‌ها ضمن در نظر گرفتن یک احتیاط کافی و متحرک فقط با اجازه لشکر می‌توانند آن را به کار برند.
- ز- دستورات هماهنگی
- (۱) این طرح به محض دریافت برای طرح‌ریزی معتبر است.
- (۲) ساعت «س» روز «ر» توسط این قرارگاه متعاقباً اعلام می‌شود.
- (۳) در صورت لزوم هرگونه تغییرات لازم برای تکمیل و یا اصلاح این طرح از طریق لشکر طی دستورات جزء به جزء ابلاغ خواهد شد.
- (۴) یگان‌ها موظفند در هر محور با توجه به وضع زمین و موقعیت هر منطقه احتیاط مناسبی را در نظر بگیرند.
- (۵) فعالیت‌های شناسایی برای کسب اطلاع از استعداد و توانایی‌های دشمن و وضعیت زمین و محورهای پیشروی قابلیت زمین برای مانور، گذارها و معابر رودخانه و نقاط مناسب برای پل زدن به طور مداوم هدایت گردد.
- (۶) در هر زمان و مکان مناسب طرح به وسیله یگان‌های عمل‌کننده تمرین گردد و آموزش‌های مربوطه تکمیل شود.
- (۷) ارتباط و مخابرات بین یگان‌ها و عناصر مربوطه از هم‌اکنون برقرار و آزمایش گردد.
- (۸) هماهنگی‌های لازم بین فرماندهان و دیده‌بانان جلو و ناظرین مقدم هوایی قبل از عمل انجام گردد که در تمام عملیات یگان از پشتیبانی مؤثر توپخانه و هوایی بهره‌برداری نماید.

(۹) با استفاده از عناصر پاسدار و بسیج در منطقه مربوطه عملیات کمین و دستبرد را علیه یگان‌های دشمن اجرا و در عملیات پدافندی و آفندی تا حد امکان آنها را به کار برید.

(۱۰) اهمیت حیاتی این عملیات برای عموم پرسنل تفهیم گردد و بستگی سرنوشت مملکت و انقلاب اسلامی ایران با این رزم به طور مداوم طی سخنرانی‌های مؤثر به پرسنل گوشزد گردد. تلاش همه‌جانبه یک یک افراد خواسته شود و طی تمرینات و آموزش‌های روزانه افزایش میل جنگجویی افراد ارزیابی و گزارش شود.

(۱۱) هیچ‌یک از موارد این طرح با هیچ یک از وسایل مخابراتی جز تماس مستقیم و سیم‌های تلفن نباید بین مقامات مبادله شود.

(۱۲) استفاده از عوارض زمین، آماده کردن زمین برای سنگر و پناهگاه، استتار وسایل و سیم‌های تلفن، کنترل و انضباط آتش تأکید می‌گردد.

(۱۳) در طرح پدافندی به پدافند در عمق توجه کامل بشود به طوری که به نیروی متجاوز تا وصول به مواضع سدکننده حداکثر تلفات و خسارات وارد گردد.

(۱۴) هرگونه خبر مکتسبه در مورد دشمن و ضدانقلابیون داخلی را با سریع‌ترین وسیله گزارش نمایید.

۴- اداری لجستیکی: پیوست (ج اداری لجستیکی)

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات پیوست چ مخابرات

(۱) دستورات مخابراتی مطمئن برای این طرح قبلاً طرح‌ریزی و به محض ابلاغ ساعت «س» یا بنا به دستور منتشر گردد.

(۲) در رده یگان‌های حمله‌ور و در جریان رزم در هر جا که سرعت مبادله پیام ضرورت حیاتی داشته باشد از حفاظت چشم‌پوشی شود.

(۳) در هر جا که امکان داشته باشد ارتباط دیده بانان و عوامل تأمینی ثابت دوبله (باسیم و بی سیم) برقرار گردد.

ب) فرماندهی

(۱) پست فرماندهی قرارگاه تاکتیکی رده مقدم لشکر در گواور (۳۴۰۲-۴۶۱۷) مستقر و در صورت تغییر مکان متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

(۲) محل‌های پست فرماندهی تیپ‌ها به قرارگاه لشکر گزارش شود.

ف ل ۸۱ - سرهنگ ستاد باوندپور

پیوست‌ها

الف) اطلاعات

ب) کالک عملیات

پ) پشتیبانی آتش

ت) موانع

ث) تخریبات

ج) اداری لجستیکی

چ) مخابرات

پیوست الف (اطلاعات) به دستور عملیاتی

مدرك: نقشه ۱/۵۰۰۰۰ منطقه غرب

۱- خلاصه وضعیت دشمن

به کالک گسترش پیوست «الف» اطلاعات به طرح عملیاتی مازیار ۳ مراجعه شود. تغییرات ابلاغ خواهد شد.

۲- عناصر اصلی اخبار و سایر نیازمندی‌های اطلاعاتی

الف- عناصر اصلی اخبار

(۱) آیا دشمن قبل از ساعت «س» روز «ر» در تمام یا هریک از معابر زیر آفند می‌نماید؟

اگر چنین است کی؟ کجا؟ با چه استعدادی؟

(الف) میدان باویسی، بزمیرآباد، گورزان، چهارزبر

(ب) میدان باویسی، سرپل ذهاب، پاتاق

(پ) خانقین، خسروی، قصرشیرین، سرپل ذهاب

(ت) خانقین، قصرشیرین، گیلانغرب، کاسه‌گران، قلاچه

(ث) مندلی، سومار، زرنه، قلاچه

(ج) هلاله، نی‌خزر، سرنی، صالح‌آباد ایلام

(چ) بدره، مهران، صالح‌آباد، ایلام

(۲) آیا دشمن در خط تماس فعالی در امتداد معابر مندرج در پاراگراف ۱ بند الف ماده

۲ پدافند خواهد نمود؟ اگر چنین است کی؟ کجا؟ با چه استعدادی؟ توجه ویژه به فعالیت‌های دشمن در تهیه مواضع ضدتانک، استحکامات، میادین مین و شناسایی مداوم زمین بشود.

(۳) آیا دشمن در معابر مندرج در پاراگراف ۱ بند الف ماده ۲ عملیات تأخیری خواهد

نمود؟ اگر چنین است کی؟ کجا؟ با چه استعدادی؟

ب- سایر نیازمندی‌های اطلاعاتی

(۱) آیا دشمن در معابر مندرج در پاراگراف ۱ بند الف ماده ۲ عملیات تأخیری خواهد

نمود؟ اگر چنین است کی؟ کجا؟ با چه استعدادی؟

(۲) آیا دشمن در پهلوی راست لشکر با توجه به پشتیبانی ضدانقلابیون داخلی و خارجی عملیات غیرمنظم خواهد نمود؟ اگر چنین است کی؟ کجا؟ چگونه؟ با چه استعدادی؟

توجه ویژه به شناسایی پایگاه‌های چریکی و نقاط آمادی و تبلیغات و فعالیت عناصر متواری و ناراضیان در مناطق زیر بشود.

(الف) منطقه اورامانات

(ب) منطقه دالاهو، بزمیرآباد، بیوینج

(پ) منطقه گورزان، باباجانی، قلخانی، سنجابی

(۳) آیا متجاوز عوامل شیمیایی، میکروبی، بیولوژیکی به کار خواهد برد؟ اگر چنین است چه عواملی، چه وقت؟ چگونه؟ کجا؟

(۴) تعیین محل پاسگاه‌های فرماندهی تا رده تیپ دشمن

(۵) گسترش و استعداد یگان‌های دشمن

۳- دستورات و درخواست‌ها

الف- دستور به یگان‌های زیردست و زیر امر

(۱) تیپ‌های ۲۰۱ و ۳ لشکر ۸۱، تیپ ۳ لشکر ۷۷، گروه رزمی گیلانغرب و توپخانه لشکری به محض دریافت گزارش نمایند.

(الف) حرکت عده‌های دشمن به طرف جلو

(ب) تغییر مکان توپخانه دشمن به طرف جلو

(پ) فعالیت‌های گشت‌زنی دشمن

(ت) تغییر مکان پاسگاه‌های فرماندهی و تأسیسات تدارکاتی جلو

(ث) ازدیاد فعالیت‌های شناسایی هوایی

(ج) آرایش واحدهای پیاده در زمین‌های دفاعی مناسب

(چ) تخلیه اقلام و تجهیزات مهندسی در جلو و خطر مواضع برپا کردن سیم خاردار

(ح) آرایش توپخانه و سلاح‌های تانک در عمق

(خ) تغییر مکان پست‌های فرماندهی و تأسیسات تدارکاتی به عقب

(د) اضافه شدن عبور و مرور به طرف مواضع فعلی

(ذ) تعیین هویت یگان‌های جدید در منطقه رزم

(ر) پست فرماندهی و تأسیسات تدارکاتی اضافی
 (ز) جابجا شدن عناصر دشمن در یک جبهه وسیع و با عمق کم
 (س) ساختمان یا اشغال چندین موضع تأخیری در عمق و در یک زمان در عقب
 خط تماس

(ش) توزیع جنگ افزار بین اهالی بومی آبادی های مناطق پهلوها و عقبه لشکر
 (ص) نفوذ افراد بومی مسلح در منطقه
 (ض) هرگونه انفجار گلوله توپخانه یا بمب گذاری دودانگیز بر روی مواضع خودی
 (ط) مشاهده یگان های در خط دشمن که از ماسک ضدگاز استفاده می نمایند
 (ظ) محل پاسگاه فرماندهی تا رده تیپ با ذکر مختصات جغرافیایی
 (ع) گسترش و استعداد یگان های دشمن

ب- درخواست ها:

(۱) از رده مقدم نزاجا درخواست می شود موارد زیر را ابلاغ نمایند.
 (الف) هرگونه تغییر مکان دشمن به جلو
 (ب) تغییر مکان یگان های توپخانه دشمن در منطقه لشکر
 (پ) محل سکوهای پرتاب موشک در منطقه
 (ت) تعیین هویت یگان های جدید در منطقه
 (ث) محل پست های فرماندهی و تأسیسات تدارکاتی
 (ج) فعالیت های جاده سازی و ساختمان استحکامات در منطقه
 (چ) به کار بردن عوامل ش.م.ر به وسیله دشمن در منطقه
 (۲) از لشکر ۹۲ درخواست می شود موارد زیر را اعلام نمایند.
 (الف) حرکت یگان های دشمن از جنوب به شمال
 (ب) تغییر مکان پست های فرماندهی و تأسیسات آمادی در منطقه بین مهران و
 دهلران

(پ) تغییر مکان یگان های توپخانه دشمن از جنوب به شمال
 (ت) تعیین و اعلام هویت یگان های جدید دشمن در منطقه بین مهران و
 دهلران

(ث) فعالیت های چریکی دشمن در منطقه

- (ج) به کار بردن عوامل ش.م.ر به وسیله دشمن در منطقه
(چ) جابجایی عوامل دشمن در منطقه در عرض و عمق در منطقه بین مهران-دهلران
(ح) فعالیت‌های هوایی دشمن در منطقه بین مهران و دهلران

۴- روش جابجا کردن پرسنل، اسناد و وسایل

الف- زندانیان جنگی

- (۱) کلیه اسرای جنگی اعم از فراریان، پناهدگان، دستگیرشدگان، پس از تفکیک بر حسب درجه و انجام بازجویی مختصر و مقدماتی به لشکر تخلیه شوند.
(۲) افراد مظنون و غیرنظامیان پس از بازجویی مقدماتی، به سپاهیان پاسدار تحویل داده شوند.
(۳) امرا، افسران ارشد و خلبانان دشمن و شخصیت‌ها سیاسی دستگیر شده بدون بازجوئی فوراً به لشکر تخلیه گردند.
(۴) نگهداری و تخلیه زندانیان جنگی برابر مقررات و قوانین خواهد بود.

ب- مدارک و وسایل اغتنامی

- (۱) تمام اسناد و مدارک اغتنامی از دشمن و اسرای جنگی پس از تشخیص هویت افراد بدون درنگ به لشکر تخلیه گردد.
(۲) قطعات هواپیما، کاتالوگ‌ها، دستورالعمل‌های فنی مربوط به وسایل و تجهیزات دشمن از قبیل هواپیماها، موشک‌های ضدهوایی و ماسوره‌های زمانی جهت بهره‌برداری بدون درنگ از مجرای اطلاعاتی به لشکر تخلیه گردد.

۵- اسناد و مدارک مورد نیاز

- الف- نقشه: یگان‌ها از سهمیه واگذاری نقشه‌های ۱/۲۵۰۰۰ و ۱/۵۰۰۰ استفاده نمایند و چنانچه نیاز مجدد به نقشه داشته باشند، برابر روش جاری آماد نقشه اقدامات لازم به عمل آورند تا اقدام گردد.
ب- عکس‌ها: برابر روش جاری اطلاعاتی طبق سهمیه واگذار شده.
پ- شناسایی هوایی: برابر سهمیه واگذار خواهد شد.

۶- حفاظت اطلاعات

- الف- اتخاذ تدابیر حفاظتی اسناد و مدارک و امنیت مخابرات برابر دستورالعمل‌های ابلاغی

ب- یگان‌ها از تردد غیرمجاز پرسنل نظامی قویاً جلوگیری نمایند.

۷- گزارشات

الف- در زمان عملیات گزارش نوبه‌ای و خلاصه‌های اطلاعاتی هر ۲۴ ساعت یک بار منتشر می‌گردد.

ب- کلیه گزارشات با سریع‌ترین وسیله ممکن؛ ضمن رعایت ملاحظات حفاظتی به لشکر گزارش شود.

فل ۸۱ زرهی - سرهنگ ستاد باوندپور

۵۹/۹/۹

چهار فقره کالک به پیوست

- ۱- طرح عملیاتی امین - مدرک. نقشه ۱/۲۵۰۰۰۰ منطقه غرب
- ۲- کالک عملیاتی به طرح عملیاتی امین - مدرک نقشه ۱/۲۵۰۰۰۰ منطقه غرب
- ۳- کالک عملیاتی به طرح عملیاتی امین - مدرک نقشه ۱/۲۵۰۰۰۰ منطقه غرب
- ۴- کالک عملیاتی به طرح عملیاتی امین - مدرک نقشه ۱/۲۵۰۰۰۰ منطقه غرب

نسخه از نسخه
لشکر ۸۱ زرهی
قلاجه (۰۳۴۳۰-۴۶۱۷)
۹۱۴۰۰ آذرماه ۵۹
م س ۷

پیوست پ (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۵ امین

مدرک: نقشه ۱/۵۰۰۰ منطقه غرب کشور

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن

- (۱) پیوست الف (اطلاعات) به دستور عملیاتی شماره ۵ امین
- (۲) دشمن قادر است با استفاده از توپخانه‌های سنگین و احتمالاً موشک‌های برد متوسط خود یگان‌های خودی را زیر آتش قرار دهد.
- (۳) دشمن قادر است با استفاده از امکانات نیروی هوایی خود (با توجه به محدودیت پدافند هوایی) یگان‌های توپخانه خودی را زیر آتش قرار دهد.
- (۴) امکانات پدافند هوایی دشمن قابل ملاحظه می‌باشد؟
- (۵) دشمن احتمالاً از امکانات شیمیایی خود استفاده می‌کند.

ب- نیروهای خودی

- (۱) ارتش جمهوری اسلامی ایران ابتدا متجاوز ارتش مزدور بعثی عراق را به خاک کشور جمهوری اسلامی ایران متوقف کرده و سپس با گسترش عملیات نامنظم دشمن را تضعیف و در نهایت با اجرای عملیات آفندی نیروهای سرنگونی رژیم منحط بعث عراق هدایت می‌نماید.

- (۲) فرماندهی مخصوص کردستان در شمال (سمت راست) در منطقه پدافند می‌نماید.
- (۳) تیپ ۸۴ خرم‌آباد در جنوب (سمت چپ) یک عملیات چریکی و عملیات تعرضی محدود را به منظور وارد آوردن حداکثر تلفات و خسارات را به معابر وصولی، معابر لجستیکی دشمن طرح‌ریزی و اجرا می‌نماید.

- (۴) پایگاه نوژه عملیات را پشتیبانی می‌نماید. پیوست (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۵ امین
- (۵) پشتیبانی توپخانه صحرایی
- نیروی زمینی به غیر از یگان‌ها و توپخانه سازمانی و زیر امر که در سازمان برای رزم آورده می‌شوند هیچ‌گونه امکانات توپخانه صحرایی که بتوان از آن استفاده کرد را ندارد.
- (۶) توپخانه دریایی
- امکان استفاده نیروی زمینی از توپخانه نیروی دریایی بسیار محدود می‌باشد.
- پ- زیر امر و جدا شده
- (۱) گروه ۴۴ توپخانه (-)
- (۲) یک آتشبار از گردان ۳۵۰ ت (۱۵۵م خ ک)
- (۳) یک آتشبار از گردان ۳۰۵ ت (۱۵۵م)
- (۴) گردان ۳۸۶ ت (۱۷۵م)
- توجه: دو قبضه از هویتزرها گردان ۳۷۳ به منطقه پاهو اعزام شده است.

۲- مأموریت

توپخانه لشکر و سایر وسایل پشتیبانی عملیات لشکر را برای تأمین مرز با اجرای آتش‌های معمولی توپخانه صحرایی پدافند هوایی، پشتیبانی نزدیک هوایی پشتیبانی می‌کند.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات

(۱) مانور: لشکر ۸۱ زرهی این عملیات را در دو مرحله به شرح زیر انجام می‌دهد.

(الف) مرحله یکم: لشکر ضمن هدایت عملیات پدافند داخلی در مناطق مربوطه، دشمن را در مقدم‌ترین مواضع سدکننده سد می‌کند و سپس با وارد آوردن تلفات و خسارات همه‌جانبه از جبهه، جناحین و عمق به منظور تضعیف و کاهش توانایی‌های رزمی مبادرت به عملیات چریکی و حملات محدود شبانه و روزانه و حملات مداوم آتش توپخانه و هوایی می‌نماید.

پیوست (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۵ امین

(ب) مرحله دوم: لشکر متناسب با توسعه توانایی‌های دشمن در ساعت «س» روز «ر» باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین‌المللی را ترمیم و سپس آماده می‌شود تک را جهت سرنگونی حکومت کنونی به خاک عراق ادامه دهد.

(۲) آتش در مرحله یکم عملیات بنا به درخواست انجام خواهد شد.

در مرحله دوم، آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه از ۱۵ - س الی ۱۵ + س اجرا می‌شود.

تقدم آتش هر تیپ و گروه رزمی بنا به صلاحدید فرمانده تیپ و گروه رزمی انجام می‌شود.

ب- پشتیبانی نزدیک هوایی

(۱) پشتیبانی نزدیک هوایی در مرحله یکم و دوم بنا به درخواست اجرا می‌شود.

(۲) تقدم آتش علیه یگان‌های در خط تماس و توپخانه‌های دشمن خواهد بود.

(۳) تقاضای طرح‌ریزی قبلی آتش هوایی در مرکز تطبیق آتش‌ها تا ساعت ۲۰۰۰ هر روز برای روز بعد انجام خواهد شد (ضمیمه) پشتیبانی آتش هوایی حذف شده است.

پ- پشتیبانی توپخانه صحرایی

(۱) کلیات

(الف) یک آتش تهیه از ۱۵- س الی ۱۵ + س به مدت ۳۰ دقیقه اجرا خواهد شد.

(ب) تقدم آتش در تیپ و گروه رزمی تعیین خواهد شد.

(پ) تقدم ضدآتش با خمپاره‌اندازها و توپخانه‌های دشمن که حرکات یگان‌های خودی را کند می‌کند خواهد بود.

(۲) سازمان برای رزم

(الف) تیپ ۱ زرهی

گردان ۳۹۶ ت (-) ۱۵۵م خ ک (ک م) گروه رزمی مستقر در محور سرنی

آتشبار دوم گردان ۳۷۶ ت (۱۲۲م کاتیوشا) تقویت گردان ۳۹۶ ت (-)

آتشبار سوم گردان ۳۹۶ ت (۱۵۵م خ ک) ک م گروه رزمی مستقر در محور

کنجان چم - صالح آباد

پیوست پشتیبانی آتش به دستور عملیاتی شماره ۵ امین

گردان ۳۹۹ ت (-) ۱۳۰م تقویت آتش آتشبار سوم گردان ۳۹۶ ت

کلیه سلاح‌های پدافند هوایی (۲۳م و سهند) عمل کلی (پدافند هوایی تیپ)

(ب) تیپ ۲ زرهی

آتشبار دوم گردان ۳۵۰ ت (۱۵۵ م خ ک) ک م تیپ (محور سومار)
 آتشبار سوم گردان ۳۳۲ ت (۱۳۰ م) تقویت آتش آتشبار دوم گردان ۳۵۰ ت
 آتشبار سوم گردان ۳۸۶ ت (۱۷۵ م) زیر امر تیپ
 کلیه سلاح‌های پدافند هوایی (۲۳ م و سهند) عمل کلی (پدافند هوایی تیپ)

(پ) تیپ ۳ زرهی

قرارگاه گروه ۴۴ توپخانه شامل یگان‌های زیر امر تیپ ۳ زرهی
 گردان ۳۷۳ ت ۱۵۵ خ ک
 گردان ۳۴۰ ت ۱۵۵ م خ ک م گروه رزمی
 گردان ۳۱۱ ت مختلط (۱۵۵ م) و (۱۰۵ م)
 آتشبار سوم گردان ۳۳۱ ت ۱۳۰ م
 آتشبار دوم گردان ۳۸۶ ت ۱۷۵ م
 آتشبار یکم گردان ۳۷۴ ت ۱۲۲ م
 آتشبار یکم گردان ۳۱۳ ت ۱۵۵ م ک
 کلیه سلاح‌های پدافند هوایی ۲۳ م، سهند، عمل کلی پدافند هوایی تیپ

ت- دستورات هماهنگی

(۱) طرح‌های آتش را ۴۸ ساعت قبل از شروع مرحله دوم به عنصر پشتیبانی آتش ارسال دارید.

(۲) مشی عملیات ضدآتشبار فعال خواهد بود.

(۳) یگان‌های کمک مستقیم نقاط ثبت تیر خود را در اختیار یگان‌های مأمور تقویت بگذارند.

(۴) یگان‌های مأمور تقویت آتش کلیه دیده‌بان‌های خود را در اختیار یگان‌های کمک مستقیم بگذارند تا با نظر فرمانده یگان‌های کمک مستقیم به محل دیده‌بانی خود اعزام شوند.

۴- اداری و لجستیکی

الف- کلیات: پیوست ت (خدمات به دستور عملیاتی شماره ۵ امین)

ب- آماد طبقه ۵ بجز در مورد جنگ‌افزار روسی کاتیوشا هیچ‌گونه محدودیتی ندارد.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات: پیوست ج (دستور کار ثابت مخابرات) به دستور مخابراتی شماره ۵ امین

ب- فرماندهی

(۱) محل عنصر پشتیبانی آتش و پاسگاه فرماندهی اصلی لشکر می‌باشد.

(۲) پاسگاه فرماندهی توپخانه لشکر در جوار پاسگاه فرماندهی لشکر می‌باشد.

رسید اطلاع دهید.

فل ۱۸ ز هـ- سرهنگ ستاد باوندپور

پیوست ت طرح موانع

نقشه: ۱/۵۰۰۰ منطقه غرب

سازمان رزمی: به طرح عملیات امین مراجعه شود.

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن

پیوست اطلاعات طرح عملیات امین

ب- نیروهای خودی - به طرح عملیاتی مراجعه شود.

۲- مأموریت

لشکر ۸۱ زرهی و نیروهای شبه نظامی وزیر امر ضمن عملیات پدافند داخلی علیه عوامل مسلح مزدور داخلی حملات نیروی مزدور بعث را در منطقه متوقف و در مقدم ترین مواضع پدافندی ممکنه آن را سد می نماید و از هم اکنون با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود، دشمن را تضعیف و متناسب با توسعه ناتوانایی های دشمن در منطقه در ساعت «س» روز «ر» نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین المللی را ترمیم می نماید و سپس آماده می شود. بنا به دستور تک را جهت سرنگونی رژیم صدام به خاک کشور عراق ادامه دارد.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات

(۱) به علت وسعت منطقه عملیات لشکر با ایجاد موانع مصنوعی و ترکیب آنها با مواضع طبیعی در حرکات پدافندی سدهای موانع هماهنگ کننده ای را که با آتش پوشیده می شود روی آن انجام می گیرد. برای کند کردن و منحرف کردن و متوقف کردن پیشروی دشمن به وجود خواهد آمد.

(۲) تقدم ساختمان سدها به ترتیب عبارتست از سدهای

(الف) پوششی

(ب) جلویی

(پ) جناحی

(ت) میانی

(ث) عقبی

ب- تیپ ۱ زرهی

- (۱) با عامل کردن مین‌های کلیه محورهای نفوذی منطقه تیپ آرایش عناصر هجومی دشمن را به هم زده و حرکت او را به تأخیر انداخته و حداکثر تلفات را به دشمن وارد سازید.
- (۲) ایجاد موانع در دو محور سرنی و مهران را در تقدم یک قرار دهید.

پ) تیپ ۲ زرهی

- (۱) با عامل کردن کلیه محورهای نفوذی منطقه تیپ آرایش دشمن را به هم زده و حرکت او را به تأخیر انداخته و حداکثر تلفات را به دشمن وارد سازید.
- (۲) ایجاد موانع در محور سومار را در تقدم یک قرار دهید.

ت) تیپ ۳ زرهی

- (۱) با عامل کردن کلیه محورهای نفوذی منطقه تیپ آرایش دشمن را به هم زده و حرکت او را به تأخیر انداخته و حداکثر تلفات را به دشمن وارد سازید.
- (۲) ایجاد موانع در دو محور سگان، قصرشیرین را در تقدم یک قرار دهید.

ث) دستورات هماهنگی

- (۱) کلیه سدهای موانع با آتش و در صورت محدودیت حتی با آتش‌های سبک پوشیده شود.
- (۲) این طرح از رده تیپ به پایین فرستاده نشود و به گردان‌ها به صورت دستور جزء به جزء ابلاغ گردد.
- (۳) ایجاد میدان‌های مین تدافعی و سدکننده با اجازه لشکر خواهد بود.

۴- اداری لجستیکی

به پیوست اداری طرح عملیاتی امین مراجعه شود.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات: به طرح مخابرات مراجعه شود.

ب- گزارشات

- (۱) محل دقیق میدان‌های مین، موقعیت، وسعت و زمان لازم برای مین‌گذاری متعاقباً ارسال خواهد شد.
- (۲) کالک موانع به محض دریافت از نزاجا ارسال خواهد شد.
- رسید اطلاع دهید.

ف ل ۸۱ ز ه- سرهنگ باوندپور

پیوست ث طرح تخریبات

نقشه: ۱/۲۵۰۰۰۰ منطقه غرب

سازمان رزمی: به طرح عملیات امین مراجعه شود.

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن (پیوست اطلاعات)

ب- نیروهای خودی طرح عملیات مراجعه شود.

پ- فرضیات طرح عملیات مراجعه شود.

۲- مأموریت

الف- لشکر ۸۱ زرهی و نیروهای شبه نظامی و زیر امر، ضمن عملیات پدافند داخلی علیه عوامل مسلح مزدور بعث را در منطقه و در مقدم ترین مواضع پدافندی ممکنه آن را سد می نماید و از هم اکنون با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود دشمن را تضعیف و متناسب با توسعه ناتوانایی های دشمن در منطقه در ساعت «س» روز «ر» نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین المللی را ترمیم می نماید، سپس آماده می شود بنا به دستور تک را جهت سرنگونی رژیم صدام به خاک کشور عراق ادامه دهد.

ب- گردان ۴۳۴ مهن لشکر عملیات پدافند داخلی لشکر را در منطقه عملیات با اجرای تخریبات و برقراری موانع و ایجاد پل های مورد لزوم و نگهداری جاده ها پشتیبانی نموده و ضمن تهیه مواضع پدافندی آماده خنثی سازی موانع دشمن می گردد.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیاتی

(۱) تیپ های تابعه لشکر هدف های تخریب را که در منطقه آنها قرار دارد و قبلاً شناسایی شده برابر دستورالعمل های صادره با استفاده از پرسنل متخصص تخریب، گروهان های رزمی مهندسی را در زمان عملیات زیر امر آنها قرار دارد آماده کرده و خرج گذاری و عامل می نماید و بنا به دستور و یا هنگامی که عبور نیروهای دشمن نزدیک است تخریب نمایید.

- (۲) هدف‌های تخریبی حتی‌المقدور عامل شوند تا تأخیر بیشتر به وجود آورند.
- (۳) گردان مهن لشکر تیپ‌ها را پشتیبانی نموده و ترتیب در پشتیبانی عمومی توپخانه و عده‌های لشکر قرار می‌گیرد.
- ب- تیپ ۱ زرهی
- (۱) هدف‌های تخریبی انتخاب‌شده را در دو محور سرنی و مهران در تقدم یک آماده نمائید.
- (۲) هدف‌های تخریبی انتخاب‌شده را در محور اسلام‌آباد - ایلام با تقدم ۲ آماده نمائید.
- (۳) برای کلیه معابر اجباری پیش‌بینی تخریبات نمائید.
- پ- تیپ ۲ زرهی
- (۱) هدف‌های تخریبی انتخاب‌شده را در دو محور زرنه سومار در گردنه چولزن (چهل زرهی) با تقدم ۲ آماده نمائید.
- (۲) برای کلیه معابر اجباری پیش‌بینی تخریبات نمائید.
- ت- تیپ ۳ زرهی
- (۱) هدف‌های تخریبی انتخاب‌شده را در دو محور سگان و قصرشیرین با تقدم یک آماده نمائید.
- (۲) هدف‌های تخریبی در محور کرمانشاه - قصرشیرین و در گردنه پاتاق را در تقدم ۲ آماده نمائید.
- (۳) برای کلیه معابر اجباری پیش‌بینی تخریبات نمائید.
- ث- گردان ۴۳۴ مهندسی
- (۱) تیپ‌های ۱ و ۲ و ۳ را با یک گروهان مهندسی رزمی پشتیبانی نمائید.
- (۲) عملیات مهندسی و کارهای تخریبات و موانع را در منطقه لشکر هماهنگی کنید.
- (۳) عملیات مهندسی یگان‌های مهندسی غیرلشکر را هماهنگ نمائید.
- ج- دستورات هماهنگی
- (۱) ارتباط پرسنل مأمور تخریبات با تیپ‌ها و لشکر برقرار گردد.
- (۲) برقراری ارتباط مستقیم گردان مهندسی با لشکر مجاز است.
- (۳) پیش‌بینی‌های لازم به منظور حمل مواد منفجره و وسایل مورد لزوم به محل هدف‌های تخریبی بشود.

- (۴) چاشنی گذاری هدف های تخریبی با دستور لشکر انجام می گیرد.
- (۵) تخریبات به صورتی اجرا شود که حداقل خسارات ممکنه به افراد و اموال غیرارتشی وارد شود.

۴- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات

ب- فرماندهی پاسگاه فرماندهی گردان مهندسی در مجاورت پاسگاه فرماندهی لشکر خواهد بود.

رسید اطلاع دهید.

فل ۸۱ ز ه- سرهنگ ستاد باوندپور

پیوست (ج) اداری به طرح عملیاتی شماره ۵ امین

نقشه: ۵۰۰۰۰ / ۱ منطقه غرب کشور

۱- کلیات

الف- این طرح به منظور پشتیبانی لجستیکی یگان‌های تابعه و زیر امر لشکر ۸۱ زرهی در طرح عملیاتی ۵ امین تهیه و تنظیم گردیده است.

ب- پشتیبانی لشکر ۸۱ زرهی در کرمانشاه (سربازخانه سراوان) و گروهان‌های جلویی و رسدهای آماد مقدم پشتیبانی لشکر در تیپ‌های ۱ و ۲ و ۳، آماده همه‌گونه پشتیبانی لجستیکی و نگهداری می‌باشد. ضمناً نقاط آمادی منطقه بان‌روشان و سرچله آماد طبقات ۱ و ۳ وسیله پشتیبانی لشکر تشکیل و یگان‌هایی که در منطقه تیپ ۱ و ۲ و گروه رزمی کبیر و یگان‌هایی که بعداً به آن مناطق اعزام می‌شوند تدارک خواهند شد.

پ- پشتیبانی منطقه ۱ در کرمانشاه مستقر و نقاط آمادی طبقات ۱ و ۳ و ۵ را در ایلام و دو نقطه آماد طبقه ۵ به ترتیب در پادگان ابوذر و جاده کرمانشاه - ایلام واقع بین چهارمله و جاده زرنه دایر و پشتیبانی لجستیکی لشکر را تدارک خواهد نمود.

۲- آماد و خدمات

الف- آماد

(۱) طبقه ۱ [جیره و علیق]

(الف) یگان‌ها ۴۸ ساعت جیره عملیاتی خود را دریافت و در اختیار خواهند داشت و خواربار مصرفی را برای مدت ۱۵ روز قبلاً از نقاط آمادی مربوطه دریافت داشته فاسدشدنی و سایر اقلام طبقه ۱ برابر روش جاری آمادی.

(ب) در مدت عملیات جز در مورد اضطراری از جیره طبخی استفاده شود.

(۲) طبقه ۲ [اقلام غیرعمده جداول سازمان و تجهیزات]

یگان‌ها کلیه آماد طبقه ۲ را بایستی همراه داشته باشند و درخواست اقلام مزبور برابر روش آمادی انجام خواهد گرفت.

(۳) طبقه ۳ [مواد نفتی]

(الف) کلیه باک‌ها و گالن‌ها و تانکرهای سوخت باید پر باشد.

(ب) رسد آماد مستقر در تیپ‌ها و نقاط آمادی طبقه ۳ موظفند هرگونه نیازمندی مواد سوختی یگان‌های مستقر در منطقه خود را تأمین نمایند.

(پ) پشتیبانی لشکر با نظارت مداوم نیازمندی تانکرهای سوختی نقاط آمادی را تهیه و در اختیار خواهد گذاشت.

(ت) سوخت تحویلی به یگان‌ها در مقابل باک و گالن و تانکر خالی تحویل می‌گردد و نیاز به صدور حواله در این مورد نمی‌باشد.

(ث) آماد طبقه ۳ الف (سوخت هلی کوپتر) برابر روش قبلی انجام خواهد گرفت.

(۴) طبقه ۴ [مواد و مصالح ساختمانی]

یگان‌ها بار مبنا مربوطه را برابر جدول سازمانی همراه خواهند داشت و در صورت نیاز از عوامل مهندسی غیرنظامی استفاده خواهد شد.

(۵) طبقه ۵ [مهمات]

(الف) یگان‌ها مهمات بار مبنای خود را با استفاده از خودروهای سازمانی و یا درخواستی از لشکر همراه خواهند داشت.

(ب) نقاط آمادی طبقه ۵ پیش م ۱ در اعظم پناه و پادگان ابوذر و ایلام و جاده کرمانشاه ایلام بین چهارمله و جاده زرنه فعال می‌باشد.

(پ) مهمات مشروحه ذیل دارای محدودیت نسبی بوده و میزان مصرف (روزآمد) آن به شرح زیر است و در مصرف آن بایستی صرفه‌جویی و نهایت دقت بشود.

روزآمد ۴۰ گلوله «۱» مهمات کاتیوشا

$\frac{1}{6}$ ذخیره عملیاتی ۱۰ تیر «۲» موشک مالیوتکا

روزآمد ۲۵ گلوله، ۲۰٪ «۳» مهمات خ ۱۲۰ م با خرج موشکی

روزآمد $\frac{1}{8}$ موشک «۴» موشک تاو

روزآمد ۳ تیر «۵» آر پی جی ۷

روزآمد $\frac{1}{3}$ موشک ذخیره عملیاتی، ۲۰ تیر «۶» موشک دراگون

روزآمد $\frac{1}{3}$ موشک ذخیره عملیاتی «۷» سه‌دند ۳

روزآمد ۱۶ تیر، ۱۷٪ «۸» گلوله ثابت ۹۰ م

روزآمد هر لشکر ۶۰۰ عدد «۹» نارنجک دستی جنگی

۲۷۵ تیر «۱۰» فشنگ تیربار ۷/۶۲

- «۱۱» گلوله ۱۳۰م با خرج قوی روزآمد ۴۴ گلوله، ۴۶٪
«۱۲» گلوله توپ ۵۷م از همه نوع روزآمد ۵۰ گلوله
«۱۳» فشنگ تیربار ۱۲/۷ اثرگذار روزآمد ۸ گلوله
«۱۴» گلوله توپ ۱۲۰م چیفتن روزآمد ۱۰ تیر
«۱۵» گلوله منور هویتزر روزآمد ۵۱ تیر
«۱۶» نارنجک تفنگی ژ ۳ فسفر سفید روزآمد ۵۱ نارنجک
«۱۷» گلوله هویتزر ۱۵۵م شدید روزآمد ۵۸ تیر، ۸۶٪
«۱۸» گلوله توپ ۷۳م نفربر پی ام پی ۱ روزآمد ۲۶ تیر
«۱۹» گلوله توپ ۷۶م ۲۶ تیر دودانگیز ۳٪ شدید
رسام ۲۱٪ ضد نفر ۲٪ روزآمد ۴۰ تیر
«۲۰» فشنگ تیربار ۱۲/۷م چیفتن اثرگذار
(۶) طبقه ۶ [اقدام مورد نیاز شخصی]
آمد طبقه ۶ وسیله مردم مؤمن به انقلاب تهیه و از طریق آمدگاه ۵۱۱ صحرایی و سایر نقاط آمادی به یگان‌ها تحویل خواهد شد.
(۷) طبقه ۷ [اقدام عمده سازمانی]
یگان‌ها کلیه اقدام عمده سازمانی را همراه خواهند داشت و در صورت نیاز به اقدام مزبور برابر روش جاری اقدام خواهند نمود.
(۸) طبقه ۸ [اقدام بهداری]
هر یگانی سهمیه دارویی خود را باید همراه داشته و نیازمندی‌های دارویی خود را از گروهان‌های بهداری مستقر در تیپ‌ها درخواست نمایند. دریافت وسایل برابر روش جاری انجام خواهد گرفت.
(۹) طبقه ۹ [قطعات یدکی وسایل بجز قطعات یدکی اقدام بهداری]
دریافت قطعات یدکی برابر روش جاری و دستورالعمل‌های صادره انجام خواهد گرفت و اقدام تند مصرف را همیشه در اختیار داشته باشند.
(۱۰) طبقه ۱۰ [نیازمندی‌های غیرنظامی که در طبقات ۱ تا ۹ منظور نشده‌اند]
نیازمندی خود را در صورت ضرورت از این قرارگاه درخواست نمایید.

(۱۱) آماد آب

- (الف) کلیه تانک‌های سازمانی و گالن‌های آب و قمقمه‌های افراد پر باشد.
- (ب) حتی‌الامکان از مصرف آب‌های جاری و راکد نامطمئن خودداری نمایند و قرص هالوژن به مقدار کافی در اختیار افراد قرار دهید تا موقع مصرف آب‌های محلی از آن استفاده نمایند.
- (پ) نقاط آمادی آب گردان مهندسی لشکر در گوآور و سومار و کاسه‌گران دائر شده است. گردان مهندسی موظف است در صورت نیاز نسبت به دائر نمودن نقاط آمادی آب جدید اقدام نماید.
- (۱۲) آماد نقشه

آماد نقشه برابر روش جاری انجام خواهد گرفت.

ب- خدمات

(۱) تعمیر و نگهداری

- (الف) تعمیر و نگهداری سازمانی را یگان‌ها رأساً انجام خواهند داد.
- (ب) اکیپ‌های تعمیر و نگهداری اعزامی از دیو تهران و مسجد سلیمان در پادگان اسلام‌آباد غرب مستقر و تعمیرات رده ۴ و ۵ را انجام خواهند داد.
- (پ) بازیافتی: اقلام مزبور به پیش ل ۸۱ ز ه، وسیله گردان نگهداری تعمیر و بنا به دستور مورد استفاده قرار خواهد گرفت.
- (ت) اغتنامی: یگان‌ها وسایل اغتنامی را به گروهان‌های نگهداری جلو تخلیه و یگان‌های مزبور به آمادگاه ۲۱۱ صحرایی تخلیه می‌نمایند.
- (ث) پشتیبانی لشکر تعمیرات رده ۳ را با ایجاد نقاط تعمیراتی در مناطق سرچله، کله‌چوب و سراب قله شاهین و هر تیپ توسط گروهان‌های ۱ و گر اصلی و گر ۲ و گر ۳ انجام می‌دهد.
- (ج) خدمات گرمابه‌ای: یگان‌های مستقر در کورسومار از حمام صحرایی واقع در جاده سومار و زرنه استفاده نموده و سایر یگان‌ها با استفاده از اعتبار واگذاری از امکانات شهری نزدیک به یگان‌ها استفاده خواهند نمود.
- (چ) ترابری: یگان‌ها با استفاده از خودروهای سازمانی موجود، ترابری پرسنل و وسایل و مهمات خود را انجام داده و در صورت نیاز به خودرو به رکن ۴ لشکر مراجعه

خواهند نمود و پشتیبانی لشکر با استفاده از امکانات موجود و اخذ دستور از لشکر، نیازمندی‌های ترابری یگان‌ها را تأمین و در صورت کمبود وسایل با هماهنگی فرماندهی پش م ۱ ترابری یگان‌های تابعه و زیر امر لشکر را انجام خواهد داد.

۳- تخلیه و بستری کردن

الف- یگان‌ها وسایل سازمانی بهداری خود را همراه خواهند داشت.

ب- تخلیه: بیماران و مجروحین یگان‌های مستقر در محور گیلانغرب، سومار، سرنی صالح‌آباد، مهران به بیمارستان‌های صحرایی درایوان، چهارمله، اسلام‌آباد تخلیه نموده و یگان‌های محور تیپ ۳ از بیمارستان مستقر در پادگان ابوذر استفاده نمایند. در صورت نیاز، بیماران و مجروحین را به بیمارستان ۵۲۰ تخلیه نمایند و در صورت لزوم از بیمارستان‌های غیرنظامی در منطقه که آماده پذیرایی می‌باشند استفاده کنند.

ضمناً بیمارستان صحرایی مستقر در چهارمله آماده است در صورت نیاز به گامه‌گردن تغییر مکان دهد.

۴- پرسنل: به ضمیمه پرسنلی مراجعه شود.

۵- همکاری ارتش با مردم: به ضمیمه ۱ مراجعه شود.

۶- امور متفرقه

الف- ضایعات و خساراتی که در اثر عملیات ایجاد می‌گردد بلافاصله به رکن ۴ لشکر گزارش نمایند.

ب- خلاصه وضعیت لجستیکی را هر ۲۴ ساعت یک بار گزارش نمایند.

پ- آمادراه اصلی شماره ۱ کرمانشاه: اسلام‌آباد، سرچله و ایلام می‌باشند.

آمادراه اصلی شماره ۲ کرمانشاه: گوآور و قله شاهین می‌باشد.

ف ل ۸۱ ز هـ. سرهنگ ستاد باوندپور

اصل به امضاء فرمانده لشکر ۸۱ زرهی رسیده و معتبر است.

سرهنگ ستاد کریم‌زاده

ضمیمه ۱ به پیوست ج پرسنل و غیرارتشیان به طرح عملیات شماره ۵

۱- پرسنل

الف- در طول دوره از روز «ر» تا روز «ر+۱» خلاصه آمار پرسنل تا ساعت ۰۷۰۰ را طوری ارسال دارند که تا ساعت ۱۱۰۰ روز مزبور به این قرارگاه رسیده باشد.

ب- تهیه و جایگزینی: با یادآوری نیاز یگان‌ها از یگان جایگزینی سازمانی لشکر و در صورت نیاز یگان جایگزینی به استعداد ۳۰۰ نفر در پشتیبانی منطقه ۱ پیش‌بینی که می‌توان در صورت نیاز به استعداد مزبور یگان‌ها را پشتیبانی و این عمل را نیز حداقل در هر ۷۲ ساعت ادامه دهد.

ت- زندانیان جنگی در منطقه عملیات، با گارد پاسوری می‌شوند تا رسیدن به نقطه جمع‌آوری زندانیان جنگی (کرمانشاه) و تحویل به دژبان مرکز (مستقر در کرمانشاه) که تا تخلیه به مرکز تحت کنترل دژبان مرکز خواهد بود. نقطه جمع‌آوری زندانیان جنگی در پادگان صالح‌آباد کرمانشاه می‌باشد.

ث- دفن اجساد در گورستان عمومی کرمانشاه (باغ فردوس) در محل مشخص شده به نام گورستان شهدا انجام خواهد گرفت.

ج- اجساد آلوده، جامانده، جدا شده را با وسایل ترابری جداگانه به عقب فرستاده شود. چ- استفاده از اماکن و غذاخوری‌های محلی ممنوع است.

۲- همکاری ارتش و مردم

الف- روحیه عناصر چریکی بالا است زیرا مطمئن هستند در محلی عمل می‌کنند که از کمک برادران نظامی برخوردار هستند.

ب- عناصر چریکی از نظر آمادی خودکفا بوده و در صورت نیاز، به وسیله نقاط آمادی مستقر در منطقه پشتیبانی می‌شوند.

پ- مردم بومی دهکده‌ها یا چریک‌ها موافقت و به هر حال به علت وجود همکاری و همگانی ارتش و عناصر شبه‌نظامی از نظر کلی نگرانی وجود ندارد.

ت- عملیات مردم‌یاری و همچنین عملیات روانی در طول عملیات تاکتیکی و انجام تبلیغات به وسیله گروه‌های آموزش داده شده و علیه دشمنان متجاوز و کافر بعثی باید تداوم داشته باشد.

- ج- با تأسیس پایگاه عملیاتی امور غیرنظامی، عملیات مردم‌یاری را بازرسی کنید.
- چ- تخلیه و مداوای اضطراری برای آن دسته از مردم محلی که در نتیجه عملیات صدمه دیده در صورتی که در اجرای مأموریت لطمه وارد نیاورد بلامانع است.
- ح- اقلام و مواد غذایی پنهانی دشمن که به چنگ می‌افتد استفاده نشود و منهدم گردد.
- خ- پروژه‌های عملیات مردم‌یاری پیشنهادی را با هماهنگی مقامات محلی برای تصویب به این قرارگاه ارسال دارید.

نسخه ۲ از ۷ نسخه

تیپ ۱ زرهی

صالح آباد ایلام ۴۶۱۲ شرقی ۳۲ ۳۳ شرقی

۲۲۱۸۰۰ آذرماه ۵۹

م-س- ۲۲

طرح عملیاتی خوارزم شماره ۶ (عملیات میمک)

مدرك: نقشه ۱/۲۵۰۰۰ منطقه

سازمان رزمی

گروه رزمی ۱۹۵

- گردان ۱۹۵ (-)

- گروهان ۲ گردان ۲۱۷ تانک

- گروهان ۲ مختلط (بسیج عشایری از ایل خزل، عناصری از نیروهای ویژه، پرسنل داوطلب گروه رزمی ۱۹۵ به استعداد ۱۵۰ نفر)

- دسته ۲ گروهان ۳ گردان ۴۳۴ مهندسی رزمی (پ ع)

گروه رزمی ۲۱۷

- گردان ۲۱۷ (-)

- گروهان دوم گردان ۱۹۵

- گروهان یک مختلط (بسیج عشایری از ایل خزل، عناصری از نیروهای ویژه، پرسنل داوطلب گروه رزمی ۲۱۷ به استعداد ۱۵۰ نفر)

- دسته ۳ گروهان ۳ گردان ۴۳۴ مهندسی رزمی (پ ع)

گروه رزمی ۲۲۲

- گردان ۲۲۲ تانک (-)

- گردان ۱۲۳ مکانیزه

- گروهان ژاندارمری صالح آباد

- یک گروهان از گردان ۷ پیاده سماجا

تحت کنترل تیپ

- قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۱
- گروهان ژاندارمری صالح آباد
- عنصری از تیپ ۲۳ نوه
- آتشبار ۳ گردان ۳۹۹ توپخانه -۴ قبضه توپ ۳۰ ام م
- آتشبار ۲ گردان ۳۷۶ توپخانه کاتیوشا از گروه ۳۳ توپخانه
- یک آتشبار ۱۷۵ م م (-) از گروه ۱۱ توپخانه
- آتشبار یکم پدافند هوایی ۲۳ م م از گردان ۳۱۶ (پ ه)
- گروهان ۳ از گردان ۴۳۴ مهن
- گروهان یکم بهداری از گردان ۵۰۶ بهداری
- گروهان یکم گردان ۵۰۵ تعمیر و نگهداری
- رسد آماد از گردان آماد و ترابری
- دسته جلویی مخابرات از گردان ۴۹۵ مخابرات
- دسته دژبان
- تیم هوانیروز
- تیم اطلاعات نظامی از گپار وابسته به لشکر ۸۱ زرهی

ماده ۱: وضعیت

- الف- نیروهای دشمن (به گزارشات نوبه‌ای اطلاعاتی و برگه‌های خبر ارسالی مراجعه شود)
- ب- نیروهای خودی
- برابر بند ب ماده ۱ طرح عملیاتی امین
- پ- زیر امر و جدانشده: تغییری حاصل نشده است.
- ت- فرضیات
- (۱) استعداد و گسترش نیروهای دشمن تا لحظه نهایی و آغاز تک تغییر نمی‌نماید.
- (۲) استعداد نیروهای خودی در منطقه تغییری نکرده است.
- (۳) پیشروی دشمن در کلیه مناطق سد شده است.

(۴) این عملیات تا ساعت «س» روز «ر» برای دشمن کشف نشده باشد و عمل غافلگیری از بین نرفته باشد.

ماده ۲: مأموریت

تیپ ۱ زرهی به منظور درهم کوبیدن نیروهای متجاوز بعث عراق و اجرای مرحله به مرحله رسیدن به مرزهای بین‌المللی در ساعت «س» روز «ر» در محور کنجان چم دشمن را درگیر و در محورهای سرنی و تنگ بینا تک نموده ارتفاعات میمک را تصرف و آماده می‌گردد بنا به دستور تک را به منظور ترمیم مرز بین‌المللی به سمت غرب ادامه دهد.

ماده ۳: اجراء

الف- تدبیر عملیات پیوست الف (کالک عملیات)

(۱) مانور: تیپ ۱ این عملیات را با سه گروه رزمی در خط در دو مرحله به ترتیب گروه رزمی ۲۱۷ در مرکز (تلاش اصلی) گروه رزمی ۱۹۵، ۲۲۲ به ترتیب در راست و چپ انجام می‌دهد.

(الف) مرحله یکم

«۱» گروه رزمی ۱۹۵ در راست با نفوذ حداقل سه گروه چریکی در تنگ بیجار به ارتفاعات تلخاب در غرب دشت لیک در ساعت «س» روز «ر» به طور هم‌زمان با اجرای تک فریبنده و تظاهر به نیرو دشمن را در این منطقه درگیر می‌نماید.

«۲» گروه رزمی ۲۱۷ با به کار بردن دو گروهان مختلط پیاده مجهز به سلاح‌های ضدتانک از دو قسمت جنوب‌شرقی و شمال‌غربی ارتفاعات میمک به صورت غافلگیری به دشمن نزدیک و در ساعت «س» روز «ر» با یک یورش هم‌زمان دشمن را محاصره و در محل نابود و یا اسیر می‌نماید و جاده‌های منتهی به ارتفاعات میمک را پاکسازی و آماده برای تک یگان‌های زرهی می‌نماید.

«۳» گروه رزمی ۲۲۲ در چپ (جنوب) به وسیله آتش توپخانه و خمپاره‌اندازها و درگیری نزدیک دشمن را به شدت درگیر و در صورت مناسب نسبت به انهدام دشمن و تصرف ارتفاعات جلو اقدام می‌نماید.

(ب) مرحله دوم: به محض تصرف ارتفاعات میمک و آماده شدن جاده‌های وصولی هم‌زمان در محور سرنی، یگان‌های زرهی گروه رزمی ۲۱۷ به سرعت خود را به بالای

ارتفاعات میمک و یگان‌های زرهی گروه ۱۹۵ به غرب ارتفاعات میمک رسانده و در نگهداری زمین و جلوگیری از پاتک دشمن به منظور حفظ زمین به نیروهای پیاده کمک می‌نماید. گروه رزمی ۲۲۲ مأموریت خود را در مرحله یکم دنبال می‌نماید. (۲) آتش: پیوست پ طرح آتش پشتیبانی به طرح امین بجز تغییراتی که در بند «ب» توپخانه داده شده است.

(الف) هوایی بنا به درخواست اجرا می‌گردد.

(ب) توپخانه

«۱» توپخانه صحرائی

«الف» مرحله یکم: پس از آغاز و کشف تک بنا به درخواست پشتیبانی می‌شود (بدون تهیه آتش) طرح‌ریزی و اجرا بنا به دستور. «ب» مرحله دوم: آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه روی هدف‌های تعیین‌شده به غیر از ارتفاعات میمک برابر طرح پشتیبانی پیوست طرح امین اجرا خواهد شد.

«۲» توپخانه پدافند هوایی برابر طرح امین

ب- گروه رزمی ۱۹۵

(۱) مرحله یکم:

(الف) گروهان ۲ مکانیزه را آماده نموده و حداکثر در روز «۴-ر» در زیر امر گروه رزمی ۲۱۷ قرار دهید.

(ب) حداقل سه گروه چریکی مجهز به ارتفاعات غرب دشت لیک اعزام و دشمن را در این منطقه درگیر و از تقویت نیروهای دشمن روی ارتفاعات میمک جلوگیری کنید. (۲) مرحله دوم:

به محض اشغال ارتفاعات میمک و آماده شدن مسیر عبور تانک‌ها و نفربرها تک زرهی خود را شروع و سریعاً باقیمانده نیروهای دشمن را در منطقه پاکسازی و غرب ارتفاعات میمک را اشغال نمائید (هدف گربه را تصرف کنید)، آماده باشید تک را به منظور ترمیم مرز بین‌المللی به سمت غرب ادامه دهید.

پ- گروه رزمی ۲۱۷

(۱) مرحله یکم

- (الف) گروهان ۲ تانک زیرامر گردان ۱۹۵ قرار دهید حداکثر تا روز ۴-ر
- (ب) یگان‌های پیاده خود را با استفاده از تاریکی شب و اختفاء و پوشش طوری حرکت دهید که قبل از ساعت «س» روز «ر» در مواضع تک مستقر شده باشند.
- (پ) توسط یگان‌های پیاده با یورش غافلگیرانه ارتفاعات میمک را اشغال و دشمن را در محل منهدم و یا اسیر کنید.
- (ت) جاده‌های وصولی به هدف را از مواضع پاکسازی و توسط سلاح‌های ضدتانک از نفوذ دشمن به ارتفاعات میمک جلوگیری نمائید.

(۲) مرحله دوم

- به محض اشغال هدف و آماده نمودن جاده‌های وصولی تک زرهی خود را شروع باقیمانده نیروهای دشمن را در منطقه پاکسازی و بالای ارتفاعات میمک (هدف سگ) را اشغال نمائید و آماده باشید بنا به دستور تک را به منظور ترمیم مرز بین‌المللی به سمت غرب ادامه دهید.

- ت- گروه رزمی ۲۲۲: تک را در کنجان چم و ارتفاع زیل اجرا و دشمن را ضمن وارد کردن تلفات و ضایعات درگیر نمایید.

(۱) توپخانه صحرائی

(الف) گردان ۳۹۶ (-)

- کمک مستقیم گروه رزمی ۱۹۵ و ۲۱۷ تقدم آتش با گروه رزمی ۲۱۷ سایر موارد مواد مندرج در طرح امین به قوت خود باقی است.

ث- گروهان سوم گردان ۴۳۴ مهن

برابر دستورات طرح امین اقدام کنید.

ج- احتیاط:

- (۱) گروه رزمی ۲۲۲: گردان ۲۲۲ را بنا به دستور این قرارگاه به کار برید.
- (۲) گردان ۱۲۳: احتیاط تیپ را تشکیل و آماده باشید مأموریت هر یک از مأموریت‌های یگان‌ها را برعهده بگیرید و یا در صورت نیاز هر نوع مأموریت ارجاعی را انجام دهید.

چ- دستورات هماهنگی

- (۱) این طرح از لحظه دریافت قابل طرح‌ریزی است.
- (۲) کلیه هماهنگی‌های لازم بین فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌ها و دسته‌های عمل‌کننده قبلاً بایستی انجام گیرد.
- (۳) مسیرهای پیشروی نفرات پیاده را قبلاً شناسایی و تا حد امکان تمرین نمایید.
- (۴) به عمل غافلگیری نهایت اهمیت داده شود.
- (۵) هماهنگی کامل بین نیروهای عمل‌کننده از نظر شناسایی روی هدف انجام گیرد.
- (۶) با افسران رابط و دیده‌بان‌های توپخانه نهایت هماهنگی‌ها به عمل آید.
- (۷) دستورات هماهنگی مندرج در طرح امین و طرح مازیار به قوت خود باقی است.
- (۸) در جمع‌آوری اطلاعات از دشمن تلاش نمایید تا حداکثر اطلاعات عینی جمع‌آوری و به این قرارگاه قبل از «۱-ر» ارسال دارند.
- (۹) در ترکیب یگان‌های پیاده از پرسنل داوطلب و سلاح‌های ضدتانک و سازمانی و سلاح‌های پشتیبانی سبک گلوله آر پی جی ۷ ضد نفر و نارنجک تفنگی و دستی و تیربار حداکثر استفاده به عمل آید.

ماده ۴: اداری و لجستیکی

به پیوست اداری و لجستیکی طرح امین مراجعه شود.

ماده ۵: فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات (به پیوست کار مخابرات مراجعه شود)

ب- فرماندهی

(۱) پاسگاه فرماندهی اصلی (ارتفاعات خلیفه) مستقر و به محض تغییر مکان ابلاغ خواهد شد.

(۲) پاسگاه فرماندهی یدکی در گردان ۳۹۶ تشکیل گردیده است.

فرمانده تیپ ۱ زرهی: سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

رسید اطلاع دهید.

پیوست‌ها

پیوست الف: کالک عملیات

گیرندگان:

- | | |
|------------------|--------------------------|
| نسخه ۲ از ۷ نسخه | ۱- قرارگاه مقدم لشکر ۸۱ |
| نسخه ۳ از ۷ نسخه | ۲- قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲ |
| نسخه ۴ از ۷ نسخه | ۳- گروه رزمی ۱۹۵ |
| نسخه ۵ از ۷ نسخه | ۴- گروه رزمی ۲۱۷ |
| نسخه ۶ از ۷ نسخه | ۵- گروه رزمی ۲۲۲ |
| نسخه ۷ از ۷ نسخه | ۶- گردان ۳۹۶ |
| نسخه ۱ از ۷ نسخه | ۷- بایگانی |

نسخه ۲ از ۲ نسخه

تیپ ۱ زرهی

قلعه نیاز (صالح‌آباد)

۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه شرقی

۳۴ درجه و ۳۴ دقیقه شمالی

۱۸۰۰ روز ۱۳۵۹/۱۰/۲۹

دستور عملیاتی شماره ۷

مدرک: نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ منطقه

سازمان رزمی

گروه رزمی ۱۹۵

گردان ۱۹۵ (-)

گروهان دوم گردان ۲۱۷ تانک

دسته مهندسی (پ ع)

دو قبضه پدافند هوایی ۲۳م

یک تیم نیروی مخصوص

عناصر بسیج عشایری

گروه رزمی ۲۱۷

گردان ۲۱۷ (-)

گروهان دوم گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه

یک تیم ضروری مخصوص

دو قبضه ضد هوایی ۲۳م

عناصر بسیج عشایری

گروه رزمی ۲۲۲

گردان ۱۲۳ (-)

گردان ۲۲۲ (-)

گروهان یکم گردان ۷ پیاده سماجا

گردان ۳۹۹ (-) توپخانه ۱۳۰م تقویت*

آتشبار سوم گردان ۳۹۶ توپخانه ۱۵۵م (کم)

دسته مهندس (پ ع)

گروهان ژاندارمری کانی سخت**

دو تیم نیروی مخصوص

عناصر بسیج عشایری

سرتیپ ستاد سهرابی:

* ۴ قبضه توپ

** گروهان در کنترل تیپ

تحت کنترل تیپ

گروه رزمی ۷ سماجا

قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ
گردان ۳۹۶ (-) (کم)
آتشبار کاتیوشا (تقویت)
۴ قبضه توپ ۱۳۰ مم (تقویت)
آتشبار ۱۷۵ مم (عمل کلی)
۵ قبضه توپ ضد هوایی ۲۳ مم
گروهان ژاندارمری صالح آباد (-)
یک تیم نیروی مخصوص و ستاد عملیات نامنظم

گردان ۷ پیاده سماجا (۲-)
گروهان دوم گردان ۲۲۲ تانک
۶ دستگاه پی ام پی از گروهان سوم گردان ۱۲۳
گروهان ژاندارمری شور شیرین
دو دسته ژاندارمری
یک تیم نیروی ویژه

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن: پیوست الف (اطلاعات)

ب- نیروهای خودی

(۱) لشکر ۸۱ زرهی و نیروهای شبه نظامی و زیر امر ضمن عملیات پدافند داخلی علیه عوامل مسلح مزدور داخلی، حملات نیروهای مزدور بعث را در منطقه متوقف و در مقدم ترین مواضع پدافندی ممکن آن را سد می نمایند و با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود، دشمن را تضعیف و متناسب با توسعه ناتوانی ها دشمن در منطقه در ساعت «س» روز «ر» نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین المللی را ترمیم می نماید و سپس آماده می شوند بنا به دستور، تک را جهت سرنگونی رژیم صدام حسین کافر به خاک کشور عراق ادامه دهد.

(۲) تیپ ۸۴ خرم آباد در جنوب (سمت چپ) ضمن قطع معابر نفوذی دشمن با عملیات چریکی و عملیات تعرضی محدود شبانه و روزانه را در جبهه ها و جناحین دشمن و معابر تقویتی و لجستیکی دشمن جهت وارد کردن حداکثر تلفات و خسارات عمده در منطقه طرح ریزی و اجرا می نمایند.

(۳) تیپ ۲ در شمال (راست) در منطقه مربوطه پدافند نموده و با عملیات چریکی و عملیات تعرضی محدود شبانه و روزانه در جبهه جناحین دشمن و معابر تقویتی و لجستیکی دشمن جهت وارد کردن حداکثر تلفات و خسارات عمده به او در منطقه

طرح‌ریزی و اجرا نموده و ضمن ترمیم مرز آماده می‌کرد و بنا به دستور تک را به داخل خاک کشور عراق ادامه دهد.

(۴) پایگاه هوایی نوژه عملیات لشکر را پشتیبانی می‌نماید.

(۵) هلی‌کوپترهای هوانیروز با استعداد واگذاری عملیات تیپ را پشتیبانی می‌نمایند.

پ- زیر امر و جداشده: به سازمان رزمی مراجعه شود.

۲- مأموریت

تیپ ۱ زرهی از ساعت ۰۶۰۰ روز ۵۹/۱۰/۳۰، به منظور جلوگیری از پیشروی و درهم شکستن نیروهای مهاجم آن در منطقه استقرار فعلی پدافند می‌نماید.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات پیوست ب (کالک عملیات)

(۱) مانور

تیپ ۱ زرهی در منطقه مربوطه با به‌کار بردن سه گروه رزمی در خط گروه رزمی ۱۹۵ در راست (شمال) گروه رزمی ۲۱۷ (مرکز) گروه رزمی ۲۲۲ در جنوب (چپ) در امتداد لجمن و گردان ۷ پیاده سماجا (۲-) پیاده به عنوان احتیاط تیپ پدافند می‌نماید.

(۲) آتش

(الف) هوایی: بنا به درخواست اجرا می‌گردد.

(ب) توپخانه

«۱» توپخانه صحرائی

«الف» تقدم آتش ابتدا با گروه رزمی ۲۱۷ و سپس با گروه رزمی ۱۹۵ خواهد

بود.

«ب» پیوست ب: آتش پشتیبانی

«۲» توپخانه پدافند هوایی

«الف» پادگان اسلام‌آباد با استفاده از آتشبار سوم گردان ۲۱۶ حفاظت

می‌گردد.

«ب» یگان‌های پدافند هوایی مستقر در منطقه، منطقه استقرار را با تقدم

پاسگاه فرماندهی، احتیاط و توپخانه و یگان‌های در خط را حفاظت نمایند.

ب - گروه رزمی ۱۹۵

- (۱) در منطقه مربوطه پدافند کنید.
- (۲) مواضع سدکننده (۱) و (۲) را تکمیل و اشغال کنید.
- (۳) مواضع سدکننده (۲۰) را آماده و بنا به دستور اشغال نمایند.

پ - گروه رزمی ۲۱۷

- (۱) در منطقه مربوطه پدافند کنید.
- (۲) مواضع سدکننده (۳) و (۴) را تکمیل و اشغال کنید.
- (۳) مواضع سدکننده (۲۱) را آماده و بنا به دستور اشغال نمایید.

ت - گروه رزمی ۲۲۲

- (۱) گروهان دوم گردان ۲۲۲ تانک را زیر امر گردان ۷ پیاده سماجا قرار دهید.
- (۲) در منطقه مربوطه پدافند کنید.
- (۳) مواضع سدکننده ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ را تکمیل و اشغال نمایید.
- (۴) مواضع سدکننده ۲۴ و ۲۵ را آماده و بنا به دستور اشغال نمایید.
- (۵) احتیاط خود را بنا به دستور این قرارگاه به کار برید.

ث - توپخانه

(۱) توپخانه صحرایی

- (الف) گردان ۳۹۶ (-) کمک مستقیم گروه رزمی ۱۹۵ و ۲۱۷
- (ب) آتشبار کاتیوشا تقویت گردان ۳۹۶
- (پ) آتشبار ۱۷۵م (-) عمل کلی
- (ت) آتشبار سوم ۳۹۶ کمک مستقیم گروه رزمی ۲۲۲
- (ث) گردان ۳۹۹ (-) تقویت آتشبار سوم ۳۹۶ *

ج - توپخانه پدافند هوایی یگان‌های پدافند هوایی مستقر در منطقه، منطقه استقرار را با تقدم پاسگاه فرماندهی احتیاط و توپخانه و یگان‌های در خط را حفاظت نمایید.

چ - گروهان سوم گردان ۴۳۴ مهن

- (۱) هریک از گروه‌های رزمی را با اعزام یک دسته با وسایل کافی پشتیبانی نمایید.
- (۲) پیوست ت طرح سد و موانع.

* سرتیپ سهرابی: آتشبار (-) گردان ۳۹۹ با ۴ قبضه توپ ۱۳۰ م

- (۳) تقدم ایجاد سد و موانع و تخریبات با گروه رزمی ۱۹۵ و سپس با ۲۱۷ خواهد بود.
- ح - گروهان ژاندارمری صالح آباد
- (۱) ارتفاعات کانی سخت و قسمت‌هایی از کولک در مجاورت پاسگاه شورشیرین جدید و قدیم را پوشش نماید.
- (۲) آماده باشید بنا به دستور پس از تصرف و تأمین پاسگاه‌ها آنها را اشغال نمایید.
- خ - احتیاط گردان ۷ پیاده سماجا (۲-)
- (۱) با زیر امر گرفتن گروهان دوم گردان ۲۲۲ و ۶ دستگاه پی‌ام‌پی گروهان سوم گردان ۱۲۳ گروه رزمی ۷ سماجا را تشکیل دهید.
- (۲) با اعزام سه دستگاه تانک و دو دستگاه پی‌ام‌پی ۱ در قسمت تنگ تاریکه جناح چپ میمک و محور انجیره را تأمین کنید.
- (۳) با زیر امر گرفتن گروهان ژاندارمری شورشیرین تأمین سمت چپ (ارتفاعات کولک) را برقرار کنید.
- (۴) مواضع سدکنند ۲۲ و ۲۳ را آماده نمایید.
- (۵) آماده باشید علیه عناصر هواپرد و عناصر نفوذ داده شده دشمن وارد عمل شوید.
- (۶) آماده باشید بنا به دستور مأموریت هریک از یگان‌های در خط را عهده دار شوید.
- د - دستورات هماهنگی
- (۱) پیوست ۳ طرح پاتک
- (۲) پیوست ۴ طرح سد و موانع
- (۳) منطقه هر یگان بایستی بین عناصر زیر امر تقسیم و مسئولیت هر نفر مشخص گردد.
- (۴) با استفاده از مصالح موجود غنیمتی از دشمن، سنگرها و پناهگاه‌های سرپوشیده سریعاً تهیه گردد.
- (۵) کلیه جنگ افزارهای ضدزره را آماده کنید.
- (۶) کلیه جنگ افزارهای ضدزره و ضدهوایی در محل‌های مناسب مستقر نمایید.
- (۷) کلیه خمپاره اندازهای موجود در هر یگان بایستی به کار گرفته شود.
- (۸) برای کلیه تانک‌ها و سلاح‌های اجتماعی کارت تیر تهیه کنید.
- (۹) طرح و تعلیق کلیه آتش‌ها را تهیه و حداکثر بهره‌برداری از آنها را بنمایید.
- (۱۰) دیدگاه‌های مناسب و متعدد تعیین و گماردن دیده‌بان در کلیه دیدگاه‌ها را همیشه مد نظر داشته و پیگیری نمایید.

(۱۱) سریعاً نسبت به تجدید سازمان یگان و تفویض مسئولیت به پرسنل جایگزین اقدام نمایید.

(۱۲) فرماندهان بایستی به طور مداوم و مکرر به پرسنل سرکشی و از سنگرها و مواضع بازدید نمایند.

(۱۳) تشکیل شبکه‌های مخابراتی و هماهنگی و ارتباط با سیم بین مواضع و دیده‌بان‌ها در سراسر منطقه برقرار گردد.

۴- اداری و لجستیکی

به دستور اداری و لجستیکی پیوست طرح امین مراجعه شود.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات

(۱) به دستور کار مخابراتی مراجعه شود.

(۲) حداکثر استفاده از ارتباط باسیم بشود.

(۳) به تأمین مخابرات و استفاده از کد نهایت اهمیت داده شود.

ب- فرماندهی

(۱) پایگاه فرماندهی در محل فعلی در قلعه نیاز مختصات ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه شمالی و ۲۲ درجه و ۲۲ دقیقه شرقی مستقر می‌باشد.

(۲) به محض تغییر متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

(۳) یگان‌ها محل پاسگاه فرماندهی خود را سریعاً گزارش نمایند.

فرمانده تیپ ۱ زرهی: سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

رسید اطلاع دهید.

پیوست‌ها:

(۱) پیوست الف اطلاعات

(۲) پیوست ب کالک عملیات

(۳) پیوست پ طرح آتش پشتیبانی

(۴) پیوست ت سد و موانع

(۵) پیوست ث طرح پاتک

گیرنده: قرارگاه مقدم لشکر ۸۱ زرهی

پیوست الف: اطلاعات به دستور عملیاتی شماره ۷

مدرک: نقشه ۵۰۰۰۰: ۱ منطقه

۱ - خلاصه وضعیت دشمن

الف - نیروی دشمن

(۱) استعداد پرسنلی دشمن (عراق) به علت درگیری در جنوب و شرق با ایران و در شمال با اکراد و ناراضیان داخلی و بروز نارضائی در داخل ارتش و ضربات اخیر یگان‌های ایرانی به یگان‌های عراق به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است و در شرایط فعلی به منظور بالا بردن استعداد پرسنلی خود، با جایگزین کردن یگان‌های احتیاط و قرار دادن یگانی زیر امر یگان دیگر و وارد عمل نمودن یگان‌های نیروی مخصوص و گارد جمهوری کوشش می‌نماید که استعداد قابل قبول یگان‌های خود را حفظ نماید.

(۲) ترکیبات

- (الف) تیپ ۳۷ زرهی با دو گردان ۱۵ و ۱۶ زرهی
- (ب) تیپ ۳۶ پیاده کوهستانی با سه گردان ۱ و ۲ و ۳ پیاده کوهستانی
- (پ) تیپ ۴ پیاده کوهستانی با دو گردان ۱ و ۲ و ۳ پیاده کوهستانی
- (ت) تیپ ۲ پیاده کوهستانی با دو گردان ۱ و ۳ پیاده کوهستانی
- (ث) گردان ۶ نیروی مخصوص تابعه تیپ ۳۲
- (ج) گردان ۷ مستقل تانک تابعه لشکر ۲
- (چ) گردان ۰۴ توپخانه با سه آتشبار
- (ح) گردان ۴۷ توپخانه صحرایی ۱۲۲م منهای آتشبار ۲
- (خ) گروهان‌های کماندو طلحه و الوطن
- (د) یک آتشبار از گردان ۵۳ توپخانه
- (ذ) آتشبار ۱ گ ۸۱ توپخانه لشکر ۶ زرهی
- (ر) گردان ۳۷ توپخانه لشکر ۲
- (ز) گردان ۸۱ (-) توپخانه لشکر ۶ زرهی زیر امر لشکر ۲ (ز)
- (ژ) قرارگاه لشکر ۲ پیاده کوهستانی
- (س) گردان ۱۳۹ موشکی لشکر ۳ (از نوع فراگ)
- (ش) گردان ۵۸ ضدهوایی

- (ص) یک آتشبار موشکی سام ۲
- (ض) قرارگاه لشکر ۱۲
- (ط) گردان ۵ (-) نیروی مخصوص تیپ ۳۲
- (ظ) گردان ۲۷ توپخانه لشکر ۶ (۱۲۲م)
- (ع) آتشبار ۱۲ سبک لشکر ۴ پیاده کوهستانی
- (غ) پاتک ضد هوایی تحت امر لشکر ۱۲ زرهی
- (ف) آتشبار ۶ گردان ۴۲ ضد هوایی لشکر ۶ زرهی

ب - نیروی هوایی

(۱) گسترش به (کالک گسترش) مراجعه شود.

(الف) با توجه به اینکه از ابتدای درگیری تاکنون، تعداد زیادی از هواپیماها و خلبانان خود را از دست داده است، لذا استعداد پرسنلی نیروی هوای ارتش عراق به طور قابل ملاحظه ای کاهش یافته است، ولی با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی موجود بین عراق و اردن و بعضی از کشورهای عربی دیگر، امکان استفاده از وجود خلبانان آن کشورها محتمل است.

(ب) هواپیماها و هلی کوپترهای موجود در نیروی هوایی ارتش عراق عبارتند از:

- «۱» هواپیماهای شکاری میگ ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳ و هانت
- «۲» هواپیماهای شکاری بمباران سوخوی ۷ و ۲۰ و ۲۲
- «۳» هواپیمای بمب افکن توپولف ۱۶ و ایولیشن ۲۸
- «۴» هواپیماهای حمل و نقل آ-ان، آ-ان ۱۲، آ-ان ۲۴، آ-ان ۱۲۴
- «۵» هواپیمای آموزشی ال ۴۹۰ و ال ۳۹
- «۶» هلی کوپتر ام آی ۶، ام آی ۸، آلوت، سوپرفرلن
- «۷» توپ پدافند هوایی شامل ۲۳م و ۳۷م و ۱۰۰م
- «۸» موشک های ضد هوایی سام ۲ و سام ۳ و سام ۶ و سام ۷ که در هر گردان مانوری و گردان پشتیبانی رزمی ۶ قبضه سام ۷ وجود دارد.

پ - رادارها

نیروی هوایی عراق دارای ۶ دستگاه رادار ثابت و متحرک در منطقه عملیاتی این تیپ می باشد.

- (۱) ایستگاه رادار علی غربی
- (۲) ایستگاه رادار بعقوبه
- (۳) ایستگاه رادار بلدروز
- (۴) ایستگاه رادار متحرک در شورشیرین
- (۵) ایستگاه رادار متحرک (محور خانقین - نفت‌خانه)
- (۶) ایستگاه رادار در جنگل‌های شمال مندلی

۲- عناصر اصلی اخبار

الف - عناصر اصلی اخبار

(۱) آیا دشمن در مواضع فعلی در امتداد معابر مشروحه زیر آفند خواهد کرد؟ اگر چنین است کی؟ کجا؟ با چه استعدادی؟

(الف) مهران رضاآباد - صالح آباد ایلام

(ب) ترساق - هلاله - میمک - سرنی - صالح آباد ایلام

(پ) ترساق - شینو - نی خزر - میمک

(۲) آیا دشمن در خط تماس فعلی در امتداد معابر مندرج در بند ۱ پدافند خواهد نمود؟ اگر چنین است، کی؟ کجا؟ و با چه استعدادی؟ توجه ویژه به فعالیت‌های دشمن در تهیه مواضع و استحکامات و میادین مین و شناسایی مداوم زمین بشود.

(۳) آیا دشمن در معابر بند ۱ مبادرت به تک‌های محلی و محدود خواهد کرد؟ اگر چنین است، کی؟ کجا؟ و با چه استعدادی؟

ب - سایر نیازمندی‌های اطلاعاتی

(۱) آیا دشمن در معابر مندرج در بند ۱ الف اقدام به اجرای عملیات تأخیری خواهد نمود؟ اگر چنین است، کجا و با چه استعدادی؟

(۲) تغییرات در سازمان و تجهیزات یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی دشمن.

(۳) فعالیت ارتش دشمن برای بالا بردن بهره کار یگان‌های مهندس

(۴) آیا متجاوز عوامل شیمیایی و میکروبی به کار خواهد برد؟ اگر چنین است چه عواملی؟ چه وقت؟ چگونه و کجا؟

(۵) آیا متجاوز از پارازیت یا عملیات فریبنده جنگ الکترونیکی استفاده خواهد کرد؟

(۶) وسایل مخابراتی و فریبنده‌های متجاوز کجا مستقر هستند؟

۳- جمع‌آوری اطلاعات

الف- دستور به یگان‌ها

قرارگاه تیپ ۱ و گروه‌های رزمی ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۲۲، گردان‌های ۳۹۶، ۳۹۹ (آتشبار)، گردان ۷ سماجا و گروهان ۳ مهندسی گردان ۴۳۴ مهندس لشکر ۸۱ مأمور به تیپ و دسته دژبان مأمور اطلاعات مربوط به موارد زیرین را در منطقه مسئولیت خود به محض دریافت گزارش نمایند.

ب- گزارشات منفی هر دو ساعت یک بار شروع زمان ابلاغ دستور عملیاتی:

(۱) مواضع پدافندی یگان‌های پیاده، زرهی، مکانیزه، توپخانه، ضدهوایی، ضدتانک و به ویژه موشک‌های زمین به هوا، زمین به زمین دشمن در طول معابر وصولی مقابل منطقه مربوطه.

(۲) گسترش یگان‌های دشمن با ذکر محل دقیق با رده، رسته و شماره یگان

(۳) محل پست‌های فرماندهی یگان‌های دشمن تا رده گروهان

(۴) فعالیت‌های گشت‌زنی و شناسایی زمینی، هوایی که به وسیله یگان‌های دشمن در منطقه عملیات انجام می‌شود.

(۵) یگان‌های جدید در مناطق عملیاتی تا تعیین رده، رسته، شماره سلاح‌های پشتیبانی

(۶) فعالیت‌های یگان‌های دشمن برای اجرای عملیات عبور از رودخانه با ذکر مشخصات رودخانه

(۷) میدان‌های مین و شبکه‌های سیم خاردار که توسط دشمن در معابر و گذرگاه‌ها نصب می‌شود.

(۸) تخریبات توسط دشمن جهت مسدود کردن معابر و خرابکار کردن پل‌ها و تونل‌ها

(۹) فعالیت‌های دشمن برای تهیه مواضع جدید و ساختمان و سنگرهای مستحکم و استتار آنها

(۱۰) تعیین محل دقیق سنگر جنگ‌افزارهای اجتماعی دشمن به خصوص یگان‌های موشکی سام و موشک‌های فراگ و اسکاد.

(۱۱) محل انبارهای مهمات - نقاط آمادی و آمادگاه‌های صحرائی

(۱۲) فعالیت‌های چریکی دشمن در منطقه با ذکر تمرکز از جنگ‌افزارهای مربوطه

(۱۳) محل ایستگاه‌های رادار ثابت و متحرک دشمن

(۱۴) نقاط ضعف و برجسته و سطح روحیه یگان‌های دشمن

(۱۵) نحوه انجام پشتیبانی‌های لجستیکی و آمادراه اصلی دشمن

پ- درخواست‌ها

از لشکر ۸۱ درخواست می‌شود اطلاعات مربوط به موارد زیر را به محض دریافت به تیپ ۱ ابلاغ نمایند.

(۱) تغییر مکان یگان‌های دشمن به سمت منطقه تیپ ۱

(۲) محل مواضع دشمن در امتداد معابر وصولی منطقه تیپ ۱

(۳) فعالیت‌های هوایی دشمن اعم از تبلیغاتی نزدیک و شناسایی

(۴) محل میادین مین، شبکه‌های سیم خاردار، سایر موانع مصنوعی که به وسیله یگان‌های دشمن ایجاد می‌گردد.

(۵) اطلاعات دقیق در مورد تأسیسات حیاتی دشمن

(۶) هرگونه اخبار مربوط به منطقه تیپ ۱ در اسرع وقت

(۷) تعیین محل دقیق استقرار جنگ افزارهای دشمن که می‌تواند عملیات دشمن را در منطقه تیپ ۱ پشتیبانی نماید.

(۸) فعالیت‌های یگان‌های دشمن در انجام جنگ‌های روانی و نشر اکاذیب

(۹) اقدامات تأمینی دشمن برای جابه‌جایی مدارک و وسایل و شخصیت‌ها

ت- از سپاه پاسداران درخواست می‌شود اخبار و اطلاعات زیر را به محض دریافت اعلام دارد.

(۱) محل استقرار یگان‌های رزمی (پیاده، زرهی، توپخانه) دشمن

(۲) محل استقرار رادارهای دشمن

(۳) فعالیت‌های جاسوسی و براندازی دشمن در منطقه

(۴) نحوه همکاری ضدانقلابیون و نیروهای دشمن در منطقه.

فرمانده تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱: سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

نسخه از نسخه
تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی
صالح آباد (۱۱۹۰۰-۱۲۰۰)
بهمن ماه ۱۳۵۹

پیوست پ (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۷

مدرک: نقشه ۵۰۰۰: ۱ منطقه صالح آباد - مهران - سرنی

۱- وضعیت

الف - نیروهای دشمن

- (۱) پیوست الف اطلاعات به دستور عملیاتی شماره ۷ خوارزم مراجعه شود.
- (۲) دشمن قادر است با استفاده از توپخانه سنگین و احتمالاً موشک‌های برد متوسط یگان‌های خودی را زیر آتش بگیرد.
- (۳) دشمن قادر است با استفاده از امکانات نیروی هوایی خود (با توجه به محدودیت پدافند هوایی) یگان‌های توپخانه را زیر آتش قرار دهد.
- (۴) امکانات پدافند هوایی دشمن قابل ملاحظه می‌باشد.
- (۵) دشمن احتمالاً از امکانات شیمیایی استفاده می‌کند.

ب - نیروی خودی

- (۱) لشکر ۸۱ زرهی: لشکر ۸۱ زرهی و نیروهای شبه‌نظامی و زیر امر ضمن عملیات پدافند داخلی علیه عوامل مسلح مزدور داخلی حملات نیروهای مزدور بعث را در منطقه متوقف و در مقدم‌ترین مواضع پدافندی ممکن آن را سد می‌نمایند و با هدایت عملیات چریکی و اجرای عملیات رزمی محدود، دشمن را تضعیف و متناسب با توسعه ناتوانی‌ها دشمن در منطقه در ساعت «س» و روز «ر» نیروهای باقیمانده خصم را در منطقه نابود و خط مرز بین‌المللی را ترمیم می‌نمایند و سپس آماده می‌شود بنا به دستور، تک را جهت سرنگونی رژیم صدام حسین کافر به خاک کشور عراق ادامه دهد.
- (۲) تیپ ۲ زرهی: در شمال (سمت راست) قادر خواهد بود در منطقه پدافند نماید.

(۳) تیپ ۸۴ خرم‌آباد در جنوب (سمت چپ) یک عملیات چریکی تعرضی محدود را به منظور وارد آوردن حداکثر تلفات و خسارات به معابر وصولی و معابر لجستیکی دشمن را طرح‌ریزی و اجرا نماید.

(۴) پایگاه نوژه عملیات را پشتیبانی می‌نماید

(۵) پشتیبانی توپخانه صحرایی: لشکر ۸۱ زرهی به غیر از یگان‌های توپخانه سازمانی و زیر امر که در سازمان برای رزم آورده می‌شود، امکانات مازاد را برای یگان‌ها ندارد.

پ- زیر امر

(۱) گردان ۳۹۹ (آتشبار ۱۳۰م) (-) با ۴ قبضه توپ ۱۳۰ م م کششی

(۲) آتشبار دوم گردان ۳۷۶ کاتیوشا

(۳) آتشبار دوم گردان ۳۸۶ ت ۱۷۵ م خ ک (سه توپ)

۲- مأموریت

گردان ۳۹۹ توپخانه و سایر یگان‌های توپخانه و وسایل پشتیبانی عملیات تیپ را برای تأمین مرز با اجرای آتش‌های توپخانه صحرایی با پدافند هوایی پشتیبانی نزدیک هوایی پشتیبانی می‌کند.

۳- اجراء

الف- تدبیر عملیات

(۱) دستور عملیاتی شماره ۷ و طرح پاتک کلی

(۲) تقدم آتش با گروه رزمی ۱۹۵ و ۷ سماجا خواهد بود.

(۳) پیوست پ (پشتیبانی آتش) به دستور عملیاتی شماره ۷

ب- پشتیبانی نزدیک هوایی

(۱) پشتیبانی نزدیک هوایی را بنا به درخواست خواهد بود.

(۲) تقدم آتش علیه یگان‌های در خط تماس و توپخانه دشمن خواهد بود.

(۳) تقاضای طرح‌ریزی قبلی آتش هوایی در مرکز تطبیق آتش‌ها تا ساعت ۲۰۰۰ هر

روز برای روز بعد انجام خواهد شد.

(ضمیمه پشتیبانی آتش هوایی حذف شده است)

پ - پشتیبانی توپخانه صحرایی

(۱) کلیات

(الف) یک آتش تهیه به هنگام پاتک دشمن از (۱۰- س) تا (۵+ س) به مدت ۱۵ دقیقه اجرا خواهد شد.

(ب) تقدم آتش با گروه رزمی ۲۱۷ و سپس با گروه رزمی ۱۹۵ می باشد و هنگام اجرای آخرین آتش های حفاظتی ابتدا با گروه رزمی ۱۹۵ و سپس با ۲۱۷ خواهد بود. (پ) تقدم ضد آتش با خمپاره اندازها و توپخانه دشمن که حرکت یگان های خودی را کند می کند خواهد بود.

(۲) سازمان برای رزم

گردان ۳۹۶ ت- (آتشبار ۱۵۵ م خ ک) کمک مستقیم گروه رزمی ۲۱۷ و ۱۹۵

آتشبار دوم گردان ۳۷۶ توپخانه (کاتیوشا) تقویت گردان ۳۹۶ ت- (آتشبار دوم گردان ۳۸۶ (۱۷۵ م) عمل کلی

گردان ۳۹۹ ت- (۱۳۰ م) تقویت آتشبار سوم گردان ۳۹۶ ت محور مهران

کلیه سلاح های پدافند هوایی (۲۳ م و سهند) عمل کلی پدافند هوایی تیپ ۱)

ت- دستورات هماهنگی

(۱) طرح های آتش را بعد از ۴۸ ساعت از ابلاغ این طرح به مرکز تطبیق آتش تیپ ارسال دارند.

(۲) مشی عملیاتی ضد آتش فعال خواهد بود.

(۳) یگان های کمک مستقیم نقاط ثبت تیر خود را در اختیار یگان های مأمور تقویت بگذارند.

(۴) یگان های مأمور تقویت آتش کلیه دیده بان های خود را در اختیار یگان های کمک مستقیم بگذارند تا با نظر فرمانده یگان های کمک مستقیم به محل دیده بانی خود اعزام شود.

(۵) فرمانده یگان کمک مستقیم موظف است از کلیه دیده بان های سازمانی استفاده نموده و در محل های دیده بانی با هماهنگی فرمانده گروه رزمی و فرماندهان گروهان مانوری مستقر نمایند.

۴- دستورات اداری و لجستیکی

الف - کلیات: پیوست ت (خدمات به دستور عملیاتی شماره ۷ خوارزم)

ب - آماده طبقه ۵ بجز در مورد جنگ افزار روسی کاتیوشا هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات پیوست ج: (دستور کار ثابت مخابرات) به دستور مخابراتی شماره ۷ خوارزم.

ب- فرماندهی

(۱) محل مرکز تطبیق آتش تیپ در پاسگاه فرماندهی اصلی تیپ می‌باشد.

(۲) پاسگاه یدکی تیپ در قرارگاه تاکتیکی گردان ۳۹۶ توپخانه مختصات (۰۰ ۱۷۱-)

۰۲۰۰۰) سرنی می‌باشد.

فرمانده تیپ ۱ زرهی: سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

پیوست ت: طرح سد و موانع دستوری عملیاتی شماره ۷

۱ - وضعیت: برابر دستور عملیاتی تیپ ۱ زرهی

- الف - نیروهای دشمن برابر طرح عملیاتی تیپ ۱ زرهی
- ب - نیروهای خودی: برابر طرح سازمان رزمی تیپ ۱ زرهی
- پ - زیر امر و جدا شده

۲ - مأموریت:

گروهان سوم مهندس گردان ۴۳۴ مهن زیر امر تیپ ۱ زرهی مسئولیت ایجاد سد موانع جهت پدافند گروه‌های رزمی در خط تیپ ۱ زرهی به منظور به تأخیر انداختن، محدود کردن، یا کانالیزه کردن حرکات نیروهای رخنه‌کننده دشمن و در نتیجه، تأمین زمان برای انتقال آتش‌های پدافندی روی نقاط مورد تهدید و صرفه‌جویی در قوا و کمک به تأمین عقب و پهلو را دارد.

۳ - اجرا:

دسته‌های مهندسی (پع) گروه‌های رزمی ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۲۲ بنا به دستور فرماندهان گروه‌های رزمی موظف بر ایجاد موانع، به منظور تأخیر از پیشروی دشمن به شرح زیر می‌باشد:

الف - ایجاد میدان مین حفاظتی

دسته یکم و دوم و سوم مهندسی زیر امر گروه‌های رزمی بنا به دستور فرماندهان گروه با هماهنگی واحدهای هم‌جوار و به دستور تیپ، شروع به ایجاد یک میدان مین حفاظتی جهت جلوگیری از رخنه کردن واحدهای پیاده دشمن ترتیب ایجاد میدان مین به شرح زیر می‌باشد:

ایجاد میدان مین حفاظتی با یک نوار میدان مین به فاصله حدود یکصد و پنجاه متر از آخرین سنگرهای نیروهای پیاده نظام خودی جهت دفاع دور تا دور ترتیب مین‌گذاری در سوی نوار و شکست‌هایی که نوار پیدا می‌کند بایستی به وسیله گروه ثبت و گزارش دسته مین‌گذار و گروه ناظر به ترتیبی ایجاد شود، ترکیب مین‌ها از خوشه‌های اطراف نوار با استفاده از مین‌های ضد نفرکننده و زخمی‌کننده با ترکیب خوشه بیشتر استفاده گردد. جهت آگاهی پرسنل خودی و در خط از وجود میدان مین احداثی در منطقه و دسته مین‌گذار زیر امر موظف به کشیدن یک ردیف سیم خاردار دورشته‌ای در فاصله ۱۸ الی ۲۵

متر از نوار میدان مین به طرف نیروهای خودی که مسلح به علائم مین و خطر میدان مین باشد، می‌باشد. ضمناً ایجاد معابر جهت رفت و آمد گشتی‌های نیروهای خودی در محل‌های مناسب با نظر فرماندهان گروه‌های رزمی از اولویت برخوردار است.

ب - ایجاد میدان مین پراکنده و مسلح کردن مین‌ها و تله‌گذاری آنها در شیارهای منتهی به منطقه گروه‌های رزمی از طرف دشمن با استفاده از مین‌های ضدنفر کشنده و زخمی‌کننده بنا به دستور فرماندهان گروه‌های رزمی و نصب و ایجاد شبکه خاردار از طرف نیروهای خودی با علائم مین به منظور آگاهی پرسنل خودی.

پ - بستن راه‌های نفوذی دشمن با مین‌های ضدتانک منهدم‌کننده و کانالیزه کردن و به تأخیر انداختن نیروهای زرهی دشمن با استفاده از این نوع مین‌ها در جاده‌های منتهی به گروه‌های رزمی ۲۱۷، ۱۹۵، ۲۲۲ کشیدن سیم خاردار حفاظتی در فاصله معینی از میدان مین درست شده و علامت‌گذاری آن از اولویت برخوردار می‌باشد. اصولاً کاربرد مین در جاده‌های نظامی در جایی مثمرتر است که امکان دور زدن نیروهای زرهی دشمن خیلی کم باشد.

ت - خرج‌گذاری و ایجاد چاله خرج در پیچ‌های جاده‌های منتهی به مناطق رزمی گروه‌ها به طوری که پیچ مزبور در دید و تیرهای خودی باشد. بنا به دستور فرماندهان گروه‌های رزمی الزامی است.

ث - استفاده از مین‌های هدایت‌شونده تلویزیونی (ام ۱۸) به منظور رفع غافلگیری دیده‌بان‌های توپخانه و خمپاره‌اندازهای خودی و آشنا نمودن دیده‌بان‌ها به طرز استفاده از این نوع مین‌های هدایت‌شونده در مواقع احساس خطر.

ج - تبصره ایجاد موانع سدکننده فوق باید با تأمین پرسنل مهندسی از طرف فرماندهان گروه‌های رزمی در مواقع ایجاد میدان و داشتن دید و تیر مستقیم نیروهای خودی در مناطق مستقر گروه‌های رزمی امکان‌پذیر می‌باشد.

۴- خدمات پشتیبانی

پرسنل ارکان گروهان سوم مهندس موظف به تهیه و در اختیار گذاشتن مین‌ها و وسایل مورد احتیاج دسته‌های مهندسی زیر امر گروه‌های رزمی تیپ ۱ زرهی می‌باشند.

۵- فرماندهی و مخابرات

فرماندهان دسته‌های مهندس زیر امر گروه‌های رزمی موظف به تهیه کروکی تمام میدان‌های مین مندرج در این طرح می‌باشند و تهیه و ثبت و گزارش اساسی میدان‌های مین و گزارش آنها از طریق فرماندهان گروه‌های رزمی تیپ اهمیت بسزائی را در آینده از نظر برداشت مین‌های کاشته‌شده در منطقه خواهد داشت.

فرمانده تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱: سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

پیوست ث به دستور عملیاتی شماره ۷ (طرح پاتک کلی)

مدرك: نقشه ۲۵۰۰۰: ۱ منطقه

سازمان رزمی: در دستور عملیاتی شماره ۷ تغییری داده نشده است.

۱- وضعیت

الف - نیروهای دشمن: پیوست الف اطلاعات به دستور عملیاتی شماره ۷

ب - نیروهای خودی: برابر بند ب ماده ۱ دستور عملیاتی شماره ۷

پ - فرضیات:

(۱) استعداد نیروهای دشمن در داخل رخنه عناصر هجومی یک تیپ مکانیزه می‌باشد.

(۲) یگان‌های در خط قادرند رخنه را سد نمایند.

(۳) هنگام ایجاد رخنه در منطقه یکی از یگان‌ها در سایر مناطق رخنه دیگری وجود نداشته باشد.

(۴) احتیاط در محل تعیین شده قادر به اجرای پاتک می‌باشد.

(۵) هلی‌کوپترهای هوانیروز بلافاصله عملیات پاتک را پشتیبانی می‌نمایند.

۲- مأموریت

تیپ ۱ رزمی در ساعت «س» روز «ر» به منظور ترمیم لجمن در داخل منطقه رخنه پاتک می‌نمایند.

۳- اجراء

الف - تدبیر عملیات: ضمیمه الف، کالک عملیات

(۱) مانورگروه رزمی ۷ سماجا پس از عبور از خط عزیمت علیه شرقی رخنه دشمن به منظور تصرف هدف تعیین شده و ترمیم لجمن تک می‌نماید. هریک از گروه‌های رزمی که در منطقه رخنه ایجاد گردیده است به عنوان نیروی تثبیت کننده رخنه را سد می‌نماید. سایر گروه‌های رزمی در منطقه مربوطه پدافند می‌نمایند.

(۲) آتش: تقدم آتش با گروه رزمی ۷ سماجا خواهد بود.

آتش تهیه به مدت ۱۵ دقیقه از ساعت «۱۰-س» الی «۵+س» اجرا خواهد شد.

اگر تک در تاریکی شب اجرا گردد از وسایل نورانی استفاده خواهد شد.

ب - گروه رزمی ۷ سماجا

- (۱) تک نموده هدف میمون را تأمین و لجمن را ترمیم نمایید.
- (۲) آماده باشید پدافند منطقه را به عهده گرفته و یا مجدداً در احتیاط قرار بگیرید.

پ - گروه رزمی ۱۹۵

- (۱) پیشروی دشمن را در صورت ایجاد رخنه در منطقه مربوطه سد نمایید.
- (۲) به عبور از خط گروه رزمی ۷ سماجا کمک نمایید.
- (۳) آماده باشید پدافند منطقه مربوطه را مجدداً به عهده بگیرید و یا در احتیاط تیپ قرار بگیرید.
- (۴) در صورتی که در سایر مناطق گروه‌های رزمی رخنه‌ای ایجاد گردید، بایستی در منطقه مربوطه پدافند کنید.

ت - گروه رزمی ۲۱۷

- (۱) نیروی دشمن را در صورت ایجاد رخنه در منطقه مربوطه سد نمایید.
- (۲) به عبور از خط گروه رزمی ۷ سماجا کمک نمایید.
- (۳) آماده باشید پدافند منطقه مربوطه را مجدداً به عهده بگیرید و یا در احتیاط تیپ قرار بگیرید.
- (۴) در صورتی که در سایر مناطق گروه‌های رزمی رخنه‌ای ایجاد گردید، بایستی در منطقه مربوطه پدافند نمایید.

ث - گروه رزمی ۲۲۲

- (۱) با استفاده از احتیاط خود طرح پاتک را تهیه و جهت تصویب ارسال دارید.
- (۲) هرگونه رخنه دشمن را در منطقه مربوطه سد نمایید.

ج - احتیاط

چ - دستورات هماهنگی

- (۱) این طرح به محض دریافت برای طرح‌ریزی و بنا به دستور قابل اجراست.
- (۲) با اعلام کد «غنچه‌ها می‌شکند» این طرح به دستور تبدیل خواهد شد.
- (۳) در موقع اجرای این طرح خط عزیمت خط تماس خواهد بود.
- (۴) تقدم استفاده از جاده‌ها در زمان اجرای طرح با گروه رزمی ۷ سماجا خواهد بود.

۴- دستورات اداری و لجستیکی

به دستور اداری و لجستیکی پیوست دستور عملیاتی شماره ۷ مراجعه شود.

۵- فرماندهی و مخابرات

به دستور عملیاتی شماره ۷ مراجعه شود.

فرمانده تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ - سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

قسمت چهارم

پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات

نسخه ۱ از نسخه
قرارگاه تاکتیکی تیپ ۱ زرهی
صالح آباد (قلعه نیاز)
م - آ - ۱۸

دستور جزء به جزء

مدرک - طرح خوارزم به شماره اعلام وصول م - ص - ۲۲

۱ - تغییرات در سازمان رزمی

به محض دریافت این دستور:

(الف) دو دسته به استعداد ۵۰ نفر از گردان ۷ پیاده سماجا به منظور پوشش جناح راست گردان ۱۲۳ در ارتفاعات کنجان چم و کانی سخت زیر امر گروه رزمی ۲۲۲ قرار می گیرد.
(ب) گردان ۲۲۲ تانک یک تیم شامل گروهان دوم گردان ۲۲۲ تانک و ۷ دستگاه نفربر پی ام پی ۱ گروهان سوم گردان ۱۲۳ که نفرات پیاده آن به استعداد ۶۳ نفر از گردان ۷ پیاده سماجا تأمین می گردد، آماده نموده که به عنوان احتیاط تیپ بنا به دستور در محور سرنی، ارتفاعات میمک به کار برده شود. (پیش از ابلاغ دستور، محل استقرار اولیه در حوالی سرنی خواهد بود).

۲ - باقیمانده گردان ۷ به عنوان احتیاط تیپ همچنان باقی می ماند.

۳ - گروه رزمی ۱۹۵: مأموریت بدون تغییر

۴ - گروه رزمی ۲۱۷: مأموریت بدون تغییر

۵ - گروه رزمی ۲۲۲: با استفاده از یک دسته از گروهان ژاندارمری صالح آباد و دو دسته از گردان ۷ پیاده سماجا جناح راست خود را بپوشانید.

۶ - دستورات هماهنگی

خط حد بین گروه رزمی ۱۹۵ و ۲۱۷ روی هدف، جاده جهاد سازندگی خواهد بود.

رسید اطلاع دهید.

فرمانده تیپ ۱ زرهی: سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی

گیرندگان: رده مقدم ل ۸۱ ز ه گروه رزمی ۱۲۳، ۱۹۵، ۲۲۲، ۳۹۶، ۳۹۹، ۷ سماجا

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۰۱

شماره: ۲۰۱/۴۳/۶/۱۷۴

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۵

از: قرارگاه تاکتیکی تیپ ۱ ز هـ - ر ۳ *

به: قرارگاه مقدم ل ۸۱

[آگهی زمان اجرای طرح]

بدینوسیله زمان اجرای طرح خوارزم با شماره اعلام وصول م س ۲۲ ساعت ۰۶۲۰ روز ۵۹/۱۰/۱۹ تعیین و اعلام می‌گردد.

استدعا دارد وصول آن را اعلام فرمایند.

فرمانده تیپ ۱ زرهی: سرهنگ سهرابی

شماره: ۲۰۱/۲۸/۲/۶۶

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۱۹

از: ق ل ۸۱ ز هـ - ر ۳

به: ف ق م نزاجا

[خواسته‌های تیپ تک‌کننده]

برابر گزارش، تیپ ۱ تک خود را با شماره اعلام وصول م-س-۲۲ از ساعت ۰۶۲۰ مورخه ۵۹/۱۰/۱۹ در منطقه مربوطه اجرا خواهد نمود. لذا مقرر فرمایید نسبت به خواسته‌های آن تیپ به شرح زیر اوامر مقتضی صادر و نتیجه را امر به ابلاغ فرمایند.

۱- از آغاز تاریخ روشنایی روز ۵۹/۱۰/۱۹ به مدت ۴۸ ساعت پوشش هوایی (تاپ کاور) جهت عملیات انجام گردد.

۲- در روزهای ۱۹ و ۵۹/۱۰/۲۰ روزانه اجازه ۱۰ سورتی پرواز پشتیبانی نزدیک هوایی واگذار گردد. در روزهای ۱۹ و ۵۹/۱۰/۲۰ چهار فروند هلی کوپتر ۲۱۴ علاوه بر دو فروند موجود در ایلام مستقر تا جهت حمل مجروحان احتمالی از صالح آباد به ایلام و کرمانشاه مورد استفاده قرار گیرند.

ف ل ۸۱ ز هـ: سرهنگ باوندپور

شماره: ۵۹/۱۰/۱۹

تاریخ:

ساعت ۰۶۵۰

از: گروه رزمی ۲۲۲ تانک

به: گروه رزمی ۲۱۷ تانک

با سروش هنوز ارتباط برقرار نشده.

سرگرد ستاد فیروزی

* توضیح: پیام در زمان عملیات به صورت کد و رمز اجرا می‌شد تا دشمن نتواند از آن بهره‌برداری نماید. مگر در موارد استثنا در پیامی که سرعت اعلام پیام بر تأمین آن ارجحیت داشته باشد. اگر در این کتاب اسامی فرماندهان در پایان پیام ذکر شده و یا نام یگان‌ها برده شده و یا پیام‌ها به صورت کشف ذکر شده، به منظور روشن بودن مطالب برای خوانندگان می‌باشد.

از: گروه رزمی ۱۹۵ پیاده زرهی
به: ف تی ۱

شماره: ۵۹/۱۰/۱۹
تاریخ:
ساعت ۰۷۱۵

مرحله دوم را اجرا کردیم.

سرگرد پیاده کرونندی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تیپ ۱

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۷۳۲

دشمن دارد پا به فرار می گذارد.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تیپ ۱
به: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۷۳۲

دشمن را تعقیب کنید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تیپ ۱

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۷۴۶

تعدادی از سنگرهای روی ارتفاعات میمک را اشغال کردیم.

سرگرد زرهی ستاد خوارزمی

از: ف تی ۱
به: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۷۵۰

مرحله دوم را اجرا کنید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۲۲۲ تانک
به: ف تی ۱

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۰۵

به پیشروی ادامه می دهیم.

سرگرد زرهی ستاد فیروزی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۰۳

از: گروه رزمی ۱۹۵ پیاده زرهی
به: تی ۱ زرهی
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۰۷
ارتفاعات میمک را دور زده و در حال حرکت به طرف هلاله هستیم.

سرگرد پیاده کرونندی

از: گروه رزمی ۱۹۵ پیاده زرهی
به: : ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۱۰
در ساعت ۰۸۱۰ روز ۵۹/۱۰/۱۹ به هلاله رسیدیم.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱ زرهی
به: گروه رزمی ۲۱۷ تانک
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۱۲
چرا مرحله دوم را اجرا نمی‌کنید؟ در حالی که گردان ۱۹۵ مرحله دوم را اجرا کرده است.
ف تی. سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۳۰
دشمن در دامنه غربی میمک در حال عقب‌نشینی می‌باشد.

سرگرد پیاده کرونندی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۳۵
گردان کاملاً روی ارتفاعات میمک مستقر شده است.

سرگرد پیاده کرونندی

از: گردان ۱۲۳ پیاده زرهی
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت ۰۸۴۹
هدف را اشغال نمودیم (منطقه کنجان چم)

سرگرد پیاده رضایی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف تی ۱

ساعت ۰۹۲۰

در محل جاده جهاد روی ارتفاعات میمک جلو گردان سد گردیده و اعزام هلی کوپتر ضروری است (تیپ جواب می دهد تأمل نمائید).

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: هوانیروز

ساعت ۱۰۲۵

یک فروند هلی کوپتر کبری جهت انهدام ۳ دستگاه تانک روی جاده جنوب شرقی ارتفاعات میمک اعزام دارید (در ساعت ۱۰۵۰ که هلی کوپتر در منطقه ظاهر می شود تانک های دشمن فرار می کنند).

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: پاسگاه رده عقب تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: پاسگاه تاکتیکی تی ۱

ساعت ۱۰۵۶

برای حمل مجروحین گردان ۲۱۷ نیاز به هلی کوپتر می باشد و خلبانان اظهار می دارند که به علت نقص فنی نمی توانند هلی کوپتر اعزام نمایند و اعزام مجروحین به تأخیر می افتد و تیپ به لشکر گزارش می دهد.

معاون تیپ: سرهنگ ۲ زرهی ستاد سفیری

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف تی ۱

ساعت ۱۱۲۰

دشمن روی تپه های شینو و شهدا نیرو پیاده می نماید

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱ زرهی

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: یگان هوانیروز

ساعت ۱۱۲۰

فوراً تپه های شینو و شهدا را بمباران نمائید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۰۵

از: گروه رزمی ۲۲۲

شماره:

به: ف تیپ ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

ساعت ۱۱۳۴

قسمتی از هدف تصرف گردید.

سرگرد ستاد فیروزی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

ساعت ۱۲۱۶

برای حمل مجروحین نیاز به هلی کوپتر ۲۱۴ داریم.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

شماره:

به: دسته پدافند هوایی

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

ساعت ۱۲۲۵

فوراً به منطقه جلو عزیمت نمائید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

ساعت ۱۳۰۰

گردان ۲۱۷ بر ارتفاعات میمک رسیدند.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

شماره:

به: لشکر

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

ساعت ۱۳۳۵

چند فروند هواپیما و هلی کوپترهای دشمن بر فراز میمک در حال پرواز هستند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

ساعت ۱۴۰۲

به علت فشار شدید دشمن تغییر موضع داده ایم.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: گروه رزمی ۱۹۵
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت: ۱۴۰۲
تا آخرین نفس مقاومت کنید و در حملات متقابل تانک‌های دشمن از آ‌پی جی ۷ استفاده نمائید.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت: ۱۵۴۲
با دشمن به شدت درگیری سختی داریم.

سرگرد پیاده کرونندی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت: ۱۶۴۰
دستور فرمایید برای حمل اسرا هلی کوپتر اعزام دارند.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت: ۱۶۳۵
تعداد ۱۱ نفر اسیر که به منطقه عقب تخلیه نمودیم (هلی کوپترهای کبری به منطقه میمک و گروه رزمی ۲۱۷ اعزام می‌شدند)

سرگرد توپخانه پیاده کرونندی

از: گردان ۳۹۶ توپخانه
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت: ۱۶۳۵
هواپیماهای خودی اشتباهاً پشت آتشبار محمدی را کوبیده‌اند.

سرگرد گمرکیان

از: تی ۱
به: ف گردان ۳۹۶ توپخانه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹
ساعت: ۱۷۰۵
دستور دهید آتشبارها تغییر موضع دهند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۰۷

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف یگان احتیاط

ساعت ۱۷۱۰

دستور دهید یگان احتیاط تغییر موضع داده و به جلو حرکت نماید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: گردان توپخانه

ساعت ۱۷۲۰

دستور دهید فوراً تعداد دو قبضه ضد هوایی از گردان و قرارگاه تیپ به ارتفاعات میمک اعزام شوند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۲۲

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف تی ۱

ساعت ۱۷۴۵

هدف‌های سرگرد رضایی اشغال شده و نیاز به نفرات پیاده جهت تحکیم هدف دارند.

سرگرد ستاد فیروزی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف تی ۱

ساعت ۱۷۵۰

از طرف جاده جهاد دشمن به طرف پایین در حرکت است.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروهان مهندسی

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف تی ۱

ساعت ۱۸۱۰

برای کندن سنگر تانک‌ها و نفربرها در جه‌دار سوری راننده و یک دستگاه بولدوزر اعزام شده و گروهان سوری شهید گردیده و یک نفر راننده دیگر اعزام شده. کندن سنگر مقدور نمی‌باشد (فرمانده تیپ دستور می‌دهد ظرف امشب با تمام امکانات بایستی سنگر کنده شود).

در این موقع سرهنگ باوندپور فرمانده لشکر پس از بازدید از میمک و جبهه کنجان‌چم سریعاً به استانداری ایلام مراجعه و ساعت ۲۲۰۰ به ایلام می‌رسد و از ایلام آقای ابراهیمی در مورد اعزام بولدوزر و گریدر به میمک تقاضای کمک می‌نماید و سریعاً برادر ابراهیمی در رادیو ایلام اعلام می‌کند که راننده‌های داوطلب بیایند و شبانه چندین دستگاه بولدوزر و گریدر راهی جبهه میمک می‌گردد و تا روشن شدن هوا در

روز ۵۹/۱۰/۲۰ برای تانک‌ها و نفربرها سنگر مناسب کنده می‌شود و این عمل باعث تحکیم مواضع و جوابگویی در پاتک‌های بعدی دشمن می‌گردد.

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷ تانک

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: ف تی ۱

ساعت ۱۹۲۰

تعداد ۸ دستگاه خودرو با چراغ روشن از جاده تلخاب به طرف میمک می‌آیند (تیپ به گردان ۳۹۶ توپخانه دستور اجرای آتش روی خودروهای مذکور را می‌دهد).

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۹

به: یگان‌های تابعه مانوری

ساعت ۲۰۰۰

دستور دهید کلیه جناح‌ها و معابر نفوذی به منطقه را با مین‌گذاری پوشش نمایند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف لشکر ۸۱

ساعت ۰۳۵۰

اجرای تیراندازی دشمن روی محورهای گردان ۲۱۷ و ۲۲۲ و گردان ۱۹۵ ادامه دارد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف لشکر ۸۱

ساعت ۰۶۵۰

گروه رزمی ۲۲۲ تانک احتیاج به یک آتش نزدیک هوایی دارد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف لشکر ۸۱ زرهی

ساعت ۰۷۴۸

برابر گزارش گروه رزمی ۲۲۲ دشمن در منطقه جلو گاز سمی پخش نموده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۰۹

از: تی ۱
به: یگان‌های زیر امر
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت: ۰۸۰۰
دستور دهید پرسنل از ماسک ضدگاز استفاده نمایند.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: یگان‌های زیر امر
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت: ۰۸۱۰
از طرف دسک اعلام خطر هوایی شده است.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: یگان‌های زیر امر
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت: ۰۸۳۰
دستور دهید پرسنل از ماسک ضدگاز استفاده نمایند.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱ (۳)
به: گردان ۳۹۶ - گیرنده لشکر
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت: ۰۸۴۵
دشمن از طرف هلاله مشغول اجرای آتش توپخانه می‌باشد.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: گروه رزمی ۱۹۵
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت: ۰۸۴۷
دستور دهید گروهان سروان حاتم برای تصرف هدف به ارتفاعات میمک عزیمت و مأموریت را اجرا نماید.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت: ۰۸۵۰
گروه رزمی ۱۹۵ شدیداً زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفته است.
سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: ف لشکر ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۰۹۰۰

تمام یگان‌های تیپ با دشمن درگیر سختی شدند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۰۹۲۰

در تنگ بینا ۳ دستگاه خودرو به وسیله آتش دشمن از کار افتاده و از طرف جاده جهاد تانک‌های دشمن حمله کردند.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱ زرهی
به: ف لشکر ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۰۰۰

دشمن اقدام به پاتک نموده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: ف لشکر ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۰۰۲

در سمت جنوب گروه رزمی ۲۲۲ اعلام خطر هوایی گردید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۰۱۰

در منطقه گروه رزمی ۲۱۷ هلی‌کوپترهای دشمن به پرواز درآمده‌اند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: ف لشکر ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۰۱۲

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۱۱

پاتک دشمن با یکصد دستگاه تانک در حالی که با هلی کوپترهای متجاوز اسکورت می‌شوند به سمت نی‌خزر نزدیک می‌شوند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف لشکر ۸۱

ساعت ۱۰۳۵

از تعداد ۵ فروند هلی کوپتر منطقه تیپ ۳ فروند آنها خراب است. سریعاً یک فروند تاو و ۲ فروند نان تاو اعزام دارید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف لشکر ۸۱

ساعت ۱۰۴۵

سرهنگ سهرابی دستور داده بود پس از پیشروی هلی کوپترها گردان ۳۹۶ منطقه نی‌خزر را زیر آتش بگیرد. سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تیپ ۱

ساعت ۱۰۵۰

هواپیماهای دشمن حمله نمودند و هواپیماهای اف ۱۴ خودی در منطقه مراقبت نموده در جریان بودند. سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: یگان هوانیروز

ساعت ۱۱۱۱

دستور دهید ۲ فروند هلی کوپتر به منطقه گروه رزمی ۱۹۵ اعزام دارید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف لشکر ۸۱

ساعت ۱۲۳۰

پاتک دشمن در هم شکست و دشمن در حال عقب‌نشینی و فرار است و نیروهای دشمن در جاده جهاد به محاصره قوای خودی درآمده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۲۴۵
تانک‌هایی که صبح جلو آمده بودند فرار می‌کنند که دستور داده شد روی آنها اجرای آتش نمایند.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تیپ ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۳۱۵
هلی‌کوپترهای خودی به نحو احسن روی میمک اجرای آتش می‌کنند.
سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: گروه رزمی ۲۱۷
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۳۲۰
به گردان ۳۹۶ دستور داده شد که ناحیه نی خزر را بکوبد.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۳۴۵
تا نزدیکی هلاله به تصرف نیروهای خودی درآمده است.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۴۰۵
برابر گزارش توحیدی تعداد ۱۰ دستگاه تانک از اینیزی به طرف نی خزر در حرکت می‌باشند (که تیپ دستور کوبیدن آنها را به توپخانه می‌دهد).

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۴۲۰
۲ فروند هلی‌کوپترهای دشمن در منطقه طاهر که به هلی‌کوپترهای خودی دستور داده شد آنها را تعقیب نمایند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۱۳

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: فل ۸۱

ساعت ۱۴۳۰

۲ فروند میگ عراقی به منطقه میمک حمله کردند که در اثر تیراندازی آنها ملخ یکی از هلی کوپترها را زدند که باعث سقوط وی گردید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: فل ۸۱

ساعت ۱۴۵۱

فل ۸۱ گزارش گردید که یک هواپیمای خودی برای مأموریت اعزام می‌گردد در ساعت ۱۴۲۵ گزارش شد به علتی برنگشته است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۵۳

تعدادی تانک در پاسگاه نی خزر جمع شده که ممکن است مجدداً پاتک نمایند (تیپ به توپخانه دستور اجرای آتش روی تانک‌های دشمن را می‌دهد).

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: فل ۸۱

ساعت ۱۴۵۵

برابر اظهار یک پناهنده عراقی تعداد ۵۰۰ نفر از لشکر یک عراق به کمک لشکر ۲ عراق آمده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۰۰

۲ دستگاه خودرو دشمن از نی خزر به طرف میمک می‌آیند.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۰۷

حاتم در حال پیشروی است. ۲ نفر شهید و ۲ نفر زخمی شده‌اند.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: قرارگاه تاکتیکی تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: قرارگاه عقب تی ۱

ساعت ۱۵۰۹

از استانداری سوال کنید که برای کشته‌شدگان دشمن که در بالای ارتفاعات میمک هستند چه کار باید بکنند؟ آیا جایی تعیین شده که آنها را دفن کنند یا اینکه من دستور بدهم با بولدوزر یک جایی بکنند و کشته‌شدگان دشمن را دفن نمایند؟

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۵۱۵

دو فروند هلی کوپتر کبرا با یک فروند جت رنجر جهت پشتیبانی گروه رزمی ۱۹۵ اعزام و در همین ساعت هواپیماهای عراقی به هلی کوپترها حمله کرده و یک فروند هلی کوپتر کبرا را هدف قرار داده‌اند که هلی کوپتر دچار سانحه شده و در منطقه گروه رزمی ۱۹۵ سقوط ولی خدمه آن سالم و دارای جراحات سطحی می‌باشند. سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۵۵

تعداد زیادی اجساد دشمن در منطقه میمک باقی مانده است (تیپ دستور جمع‌آوری و دفن را صادر می‌نماید).

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۲۲

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۵۷

یک دستگاه تانک غنیمتی عراق به عقب تخلیه گردیده است.

سرگرد ستاد فیروزی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۱۵

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

ساعت ۱۵۵۹

استدعا می‌شود احتیاط تیپ را وارد عمل نمائید.

سرگرد پیاده کرون‌دی

از: تی ۱

شماره:

به: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

ساعت ۱۵۵۹

گردان بایستی خودش مأموریت را به خوبی عمل کند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

ساعت ۱۶۰۰

پاتک دشمن از طرف نی‌خزر به طور شدیدی آغاز گردید و به گردان ۳۹۶ دستور اجرای آتش روی منطقه نی‌خزر داده شد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

ساعت ۱۶۰۵

دشمن مجدداً پاتک خود را از طرف نی‌خزر شروع نموده است.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

ساعت ۱۶۱۰

هلی‌کوپترهای دشمن در منطقه ظاهر شده است.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

ساعت ۱۶۱۵

در اثر آتش شدید توپخانه خودی تانک‌های دشمن پا به فرار گذاشتند و در ساعت ۱۶۱۰ تعدادی خمپاره انداز ۶۰ و مهماتش به دست نیروهای خودی افتاد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: قرارگاه رده عقب تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: قرارگاه تاکتیکی تی ۱

ساعت ۱۶۳۰

فرمانده هوانیروز اظهار می دارد فعلاً هیچ گونه امکان پشتیبانی هلی کوپتر نداریم و تاریکی هوا اجازه پرواز نمی دهد.

معاون تیپ: سرهنگ ۲ ستاد سفیری

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۶۳۲

هلی کوپتر عراقی در منطقه این یگان ظاهر شده است و مشغول تحکیم هدف می باشیم.
سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۶۵۷

سروان حاتم درگیر رزم نزدیک شده و موفقیت نزدیک است.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۷۰۰

پاتک دشمن در ساعت ۱۵۰۰ توسط گروه رزمی ۲۱۷ درهم شکسته شد و دشمن در حال عقب نشینی و فرار می باشد.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۷۵۰

هدف نهایی را اشغال کردیم.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۱۷۵۵

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۱۷

تا این ساعت، پاتک دشمن درهم کوبیده شد و دشمن در حال فرار و عقب‌نشینی می‌باشد.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۸۳۰

به علت وجود لاشه تانک‌های سوخته عراقی پیشروی ما را روی جاده جهاد سد نموده است. استدعا دارد در مورد ارسال جرثقیل و بولدوزر به منطقه این یگان اقدام فرمایند.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۸۳۰

گردان ۱۹۵ احتیاج به جرثقیل ام ۶۲ و بولدوزر دارد.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: یگان‌های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۹۱۵

اقدامات لازم در مورد دفاع دورتادور روی ارتفاعات میمک را انجام داده و تا صبح با تامپلا و خمپاره سمت چپ را بکوبند و سنگرهای لازم را شبانه تهیه نمایند.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۱۹۵۵

احتیاج مبرمی به ضدهوایی ۲۳ و ۲۰۳ بوده و به سیمرغ و جیپ استیشن نیاز دارد.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰
ساعت ۲۱۰۰

به یگان‌ها ابلاغ گردید که بنا به گفته یک نفر اسیر تعداد ۴۰ نفر چتر باز و ۴۰ نفر پرسنل پیاده دشمن در میمک پیاده شده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

به: ف تی ۱

ساعت ۲۲۱۰

پس از ۶ ساعت مبارزه با ۱۶ دستگاه تانک و ۲ دستگاه نفربر پی ام پی ۱ دشمن که در روی جاده پاتک نموده بودند، تعداد ۷ دستگاه تانک سالم و ۲ دستگاه نفربر پی ام پی ۱ به غنیمت گرفته شد، بقیه یا منهدم شده و یا به دره سقوط داده شده اند تا مانع حرکت یگان نباشند.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف تی ۱

ساعت ۰۷۱۵

شدیداً با دشمن درگیر و دشمن پاتک دوم را اجراء می نماید.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف تی ۱

ساعت ۰۷۳۰

ستون در هلاله، دشمن درگیر شده، به گردان ۳۹۶ دستور داده شود که دشمن را زیر آتش بگیرند.
سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: قرارگاه رده عقب تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: قرارگاه تاکتیکی تی ۱

ساعت ۰۷۴۴۵

به یوسف بگو گردان ۱۹۵ یک نفر را به استانداری فرستاده چند دستگاه ماشین جهت حمل مجروح بیاورند ولی هنوز نیامد به طور موقت پس از تخلیه به مسیر بفرستند.

سرهنگ ۲ ستاد سفیری

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف تی ۱

ساعت ۰۸۰۰

یک گروهان تانک از جاده جهاد به دست نیروهای خودی افتاد

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف تی ۱

ساعت ۰۸۳۰

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۱۹

این یگان در ارتفاعات میمک با دو گردان تانک دشمن در رزم نزدیک سنگر به سنگر می‌جنگد، دشمن تلاش می‌کند به سمت چپ میمک دست یابد ولی با مقاومت شدید ما مواجه شده است.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۰۸۴۵

گردان‌های ۱۹۵ و ۲۱۷ احتیاج به آتش خاموش‌کن دارند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۰۹۵۰

موفقیت صد در صد است.

سرگرد پیاده کرونندی

از: گروه رزمی ۱۹۵

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۰۲۰

این یگان مجدداً شدیداً زیر آتش دشمن قرار گرفت.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۰۴۵

گروه رزمی ۲۱۷ بسیار خوب عمل کرد. آبگرم را کاملاً تسخیر نموده است و گروه رزمی ۱۹۵ سنگر به سنگر می‌جنگند.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۱۰۰

پرچم ایران بر فراز بلندترین قله میمک برافراشته شد.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: گروه رزمی ۱۹۵
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۱۰۰
موفقیت شما را تبریک می گویم.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۱۰۵
در منتهالیه ارتفاعات میمک پرچم ایران به اهتزاز درآمد.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۱۳۵
تقاضا دارد دیده بان توپخانه را به بالاترین قله میمک بفرستید.
سرگرد پیاده کروندی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۲۰۷
نیروی پیاده دشمن زیاد است کمک بفرستید.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: ف گروه رزمی ۲۱۷
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۲۰۷
دستور دهید سریعاً به گروه رزمی ۱۹۵ کمک ارسال دارید و هوانیروز به کمک گروه رزمی ۱۹۵ برود.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۳۰۰
هلی کوپترها برای کمک به گروه رزمی ۱۹۵ به پرواز درآمدند، ولی اعلام شد که هواپیماهای دشمن ظاهر شده که ناچاراً به منطقه گروه ۲۱۷ رفتند، ولی ناظر مقدم هوایی اعلام نمود که هواپیمای خودی است.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۲۱

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۳۵۰
هدف به طور کامل اشغال شد و مشغول پاکسازی منطقه و دستگیری اسرا و جمع‌آوری غنائم هستیم.
سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۰۰
به هلی‌کوپترها ابلاغ شود که از پایگاه خود در ساعت ۱۴۲۰ پرواز نمایند.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۰۵
دشمن از ارتفاعات جلو (جنوب غربی) در حال پاتک می‌باشد.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۰۵
پاتک دشمن از طرف نی خزر با یک تیپ زرهی شروع شد.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۱۲
تیپ تقاضای پشتیبانی با هواپیماهای اف ۴ و اف ۵ را دارد (از طریق رابط هوایی).
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: یگان هوانیروز
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۱۶
سریعاً هلی‌کوپترها را به منطقه میمک اعزام دارید (ولی هوانیروز تأخیر می‌کند).
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: یگان احتیاط
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۱۷

سریعاً به کمک گروه رزمی ۲۱۷ بروید.

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۳۰

هلی کوپترهای خودی به منطقه رسیدند و یک خلبان هلی کوپتر تیر خورده است.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۳۰

در ساعت ۱۴۳۰ یک فروند هلی کوپتر مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفته و خلبان شمشادی تیر خورده و مجروح گردیده است.

سرهنک ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۴۰

یک تیپ زرهی دشمن در ناحیه نی خزر پاتک خود را آغاز نموده است.
سرهنک ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۴۵۸

تعداد دو دستگاه از تانکهای دشمن منهدم و بقیه تانکهای دشمن در حال فرار هستند و سروان حاتم به درجه شهادت نائل گردید.

سرگرد پیاده کروندی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۵۰۶

یک دستگاه تانک خودی به دره سقوط کرد و استوار زنگنه شهید شده است.
سرگرد ستاد خوارزمی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۲۳

از: گردان ۲۲۲

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۵۱۰

دسته تانک گردان ۲۲۲ در پشت سرگروه رزمی ۲۱۷ موضع گرفته است.

معاون گروه رزمی ۲۲۲: سرگرد پارساپور

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۵۱۰

به علت رشادت‌های بی نظیر ستوانیار دوم میری در شکار تانک‌های دشمن ستوانیار دوم میری به درجه ستوان سومی مفتخر گردید.

ستوانیار دوم میری به علت انهدام ۴ دستگاه تانک دشمن به درجه ستوان سومی مفتخر گردید.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: سلیمان

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۵۲۰

شدیداً زیر آتش هستیم و به تیهو (گردان ۳۹۶) اطلاع داده شود که سریعاً نی خزر و آبگرم را بکوبد.

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۵۴۰

به علت رشادت‌های بی نظیر ستوانیار دوم میری در شکار تانک‌های دشمن ستوانیار دوم میری به درجه ستوان سومی مفتخر گردید.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۵۴۵

این یگان در پاتک دشمن ۵ دستگاه تانک دشمن را منهدم و بقیه تانک‌های دشمن فراری شدند.
سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۶۰۰

جنگ شدیدی بین نیروی خودی و دشمن به شدت ادامه دارد و ۵۰ تا ۶۰ دستگاه تانک دشمن از بین رفته و پاتک دشمن در هم کوبیده شد و آنها را به خاک و خون کشیدند. افسران و درجه‌داران و سربازان با نثار خون خود از مملکتشان دفاع کردند.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف تی ۱

ساعت ۱۶۰۰

منطقه را پاک کردیم و پاتک شدید دشمن دفع گردید.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: یگان‌های تابعه

ساعت ۱۶۰۶

به توپخانه دستور داده شد آتش ضد آتشبار اجرا نمایند.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۶۱۲

تعدادی از پرسنل تیپ به علت رشادت تشویق شدند.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: ف تی ۱

ساعت ۱۶۱۶

منطقه میمک شدیداً زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت.

سرگرد پیاده کرونندی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

به: گردان ۳۹۶ توپخانه

ساعت ۱۶۲۰

سروان ارجمند با سروان رحیمی تماس بگیرید و دستور دهید بچه‌هایی که پیش خوارزم بودند بفرستند

به جلو جهت مین‌گذاری منطقه.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۲۵

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۶۲۵

آتشبارهای دشمن روی میمک گلوله زمانی اجرا می‌کنند و سمت آن از طرف نی‌خزر می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمایید توپخانه خودی آتشبارهای دشمن را در این نقطه خاموش کنند. سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

شماره:

به: گروهان مهندس

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۶۳۰

مناطق جلو منطقه میمک را مین‌گذاری نمائید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۶۳۲

از سمت راست منطقه، دشمن به صورت پیاده در حال نفوذ است. به توپخانه دستور اجرای آتش روی عناصر پیاده در حال نفوذ داده شود.

سرگرد پیاده کروندی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۶۳۵

هلی‌کوپترهای دشمن در منطقه ظاهر شدند.

سرگرد پیاده کروندی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۶۴۵

هوایماهای دشمن بر فراز منطقه ظاهر شدند.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گردان ۳۹۶ توپخانه

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱

ساعت ۱۷۴۵

دیده‌بان اکبری در محاصره هستند.

سرگرد گمرکیان

از: گردان ۳۹۶ توپخانه
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۷۵۰
دیده بانان اکبری از محاصره نجات پیدا کرده و فردا تأمین بیشتری می خواهد.
سرگرد گمرکیان

از: گردان ۳۹۶ توپخانه
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۸۱۲
دیده بان آتشبار ۱۷۵ گزارش می دهد که در اطراف نی خزر تعداد زیادی تانک اجتماع کرده اند.
سرگرد گمرکیان

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۸۴۰
تعدادی از نفربرهای دشمن به دست آمده و تعداد دیگری در جاده جهاد منهدم گردیده.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۹۱۲
سپهر گزارش داد که تانک های دشمن به جلو می آیند.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۹۱۶
تانک های دشمن شروع به فعالیت نموده به توپخانه دستور فرمائید آنها را بکوبد.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۱
ساعت ۱۹۴۵
میمک زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفته و تقاضای آتش ضد آتشبار داریم.
سرگرد ستاد خوارزمی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۲۷

از: تی ۱
به: قرارگاه تیپ
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۰۰۴۵
با کندن سنگرهای مناسب در صورت پیشروی دشمن می‌توان پیشروی او را سد نمود.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: یگان احتیاط
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۰۲۰۰
یگان‌های پیاده دشمن نفوذ نموده و توسط یگان‌های خودی جواب داده شد.
سرگرد پارساپور

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۰۲۳۰
دشمن در نی‌خزر شروع به جابجایی نمود و آتش توپخانه اجرا گردید.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۰۳۰۰
دشمن در اطراف میمک پیاده شد و حمله آن دفع گردید.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گردان ۳۹۶ توپخانه
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۰۴۴۵
روی مواضع دشمن آتش شدید اجرا گردید.
سرگرد توپخانه گمرکیان

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۰۶۰۰
منطقه آرام است.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۰۷۰۰

استدعا دارد در مورد واگذاری افراد بسیج عشایری به این یگان اقدام گردد.

سرگرد پیاده کرونندی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۰۷۲۵

ستوان سلیمانی گزارش می دهد که یک دستگاه تانک دشمن منهدم و نفرات آن فرار کردند.

سرگرد پیاده کرونندی

شماره:

از: گردان ۲۲۲

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۰۸۴۵

دشمن با تانک در حال پیشروی هستند وقتی تانک های ما روی آنها اجرای آتش می کنند عقب می روند
شاید قصد خارج کردن تانک های ما از مواضع را دارند.

سرگرد ستاد فیروزی

شماره:

از: یگان احتیاط

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۰۹۲۰

تعداد زیادی از نفرات پیاده دشمن از سمت راست در حال پیشروی هستند.

سرگرد پارساپور

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: گردان ۳۹۶ توپخانه

ساعت ۰۹۲۰

هلاله و نی خزر را بکوبید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۰۹۲۷

ارتفاعات میمک شدیداً زیر آتش شدید دشمن فرار گرفته است.

سرگرد ستاد خوارزمی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۲۹

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۰۹۳۲

هلی‌کوپترهای دشمن در منطقه ظاهر شدند.

سرگرد پیاده‌کروندی

از: ف تی ۱

شماره:

به: رکن ۳

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۰۹۴۵

رسولی به فرتاش‌مهر بگو که حیدرزاده آمده. بچه‌هایش ضعیف هستند. اگر آمد بگو با مهدی تماس بگیرد.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱

شماره:

به: یگان‌های زیر

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۰۹۵۵

اعلام خطر هوایی می‌گردد.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: یگان احتیاط

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۰۰۵

مقرر فرمایند توپخانه خودی منطقه نی‌خزر را بکوبد.

سرگرد پارساپور

از: یگان احتیاط

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۰۱۰

این یگان شدیداً زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفته، دستور فرمایید آتش ضد آتشبار اجرا نمایند.

سرگرد پارساپور

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۰۲۷

برابر گزارش صفری تعدادی یکصد نفر پیاده دشمن از سمت جاده بالا می آیند و یک ستون خودرویی در حرکت است.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۰۴۵

با استفاده از آتشبار کاتیوشا با گرای داده شده برای صفری اجرای آتش شد.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: گردان ۳۹۶ توپخانه

ساعت ۱۰۴۹

با ستوان سبزه ای دیده بان توپخانه تماس بگیرید از هرکجا که دشمن بیاید بکوبید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۰۵۵

یک فروند هلی کوپتر دشمن در حال هلی برن است.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: سلیمان و گردان ۳۹۶

ساعت ۱۰۵۵

آنجا را که هلی کوپترهای دشمن نیرو پیاده می کنند بکوبید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

از: یگان احتیاط

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۱۰۰

پرسنل این یگان یک دستگاه تانک دشمن را زدند.

سرگرد پارساپور

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۳۱

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۱۰۰
یک فروند هلی کوپتر دشمن مورد اصابت گلوله در منطقه این یگان سرنگون گردید.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: یگان‌های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۱۰۵
یک فروند هلی کوپتر عراقی به طرف گروه رزمی ۲۱۷ در حال پرواز می‌باشد.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: یگان احتیاط
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۱۴۰
سلیمان در خطر افتاد، تانک و توپ و هلی کوپتر دشمن او را می‌کوبد.
سرگرد پارساپور

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت
وضعیت بسیار خطرناک از طرف نی خزر هلی کوپتر و موشک تاو دشمن اجرای آتش می‌شود. تقاضای
اجرای آتش توپخانه را می‌نماید.
سرگرد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۲۰۰
اعلام خطر هوایی. هواپیماهای دشمن حمله نمودند.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: گروه رزمی ۱۹۵
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۲۰۰
هواپیما خودی است، نگران نباشید.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۲۲۰

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: ف تی ۱

مقرر فرمائید برای حمل مجروحین هلی کوپتر به منطقه اعزام گردد.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۲۲۱

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: ف تی ۱

پاتک دشمن در حال دفع شدن است.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۲۳۰

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: ف تی ۱

چند دستگاه تانک خودی آسیب دید، مقرر فرمایید که هلی کوپتر به منطقه اعزام شود (و در ساعت ۱۲۴۵ هلی کوپتر به منطقه اعزام می شود).

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۰۵

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: ف تی ۱

عناصر خط مقدم اعلام خطر هوایی نمودند.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۱۰

از: تی ۱

به: یگان هوانیروز

هواپیماهای دشمن در منطقه ظاهر شد به هلی کوپترها اطلاع دهید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۱۵

از: گروه رزمی ۱۹۵

به: ف تی ۱

هواپیماهای دشمن در سمت هلاله ظاهر شدند.

سرگرد پیاده کرونندی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۳۳

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۲۰

یگان‌های پیاده دشمن از طرف نی خزر در حال حرکت هستند.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

شماره:

به: گردان ۳۹۶ توپخانه

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۲۰

نفرات پیاده در سمت چپ هلاله در حال پیشروی، آنها را بکوبید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۲۵

از ساعت ۱۰ صبح تقاضای اعزام هواپیمای اف ۱۴ شد، ولی هواپیما اعزام نگردید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۳۰

با این وسعت، دو بار نیروهای خودی مورد تک شدید دشمن قرار گرفته و با حملات پی در پی نیروهای آنها دشمن را از پای درآورده‌اند و گروه رزمی ۱۹۵ در حال پیشروی و پاکسازی سنگرهای مزدوران عراقی می‌باشد و آخرین بقایای آنها در حال از بین رفتن و دیده‌بان عراقی را نیز کشته‌اند.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۳۳۳

یگان شدیداً زیر آتش توپخانه و دشمن قله‌ای را که دیده‌بان توپخانه خودی روی آن مستقر است فتح نمود.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱

شماره:

به: قرارگاه رده عقب

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

کلاش‌ها را برای گروه رزمی ۲۱۷ بفرستید و بچه‌های چمن‌آرا و علیپور را نیز بفرستید.

سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۴۰۰
در ساعت ۱۳۵۵ میمک کاملاً پاکسازی شد و بلندترین قله میمک به تصرف درآمد.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: یگان‌های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۴۱۲
اعلام خطر هوایی، ۲ فروند هواپیمای دشمن و هلی‌کوپتر در منطقه ظاهر شدند.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۴۱۵
یگان‌های دشمن با همکاری تانک و پیاده پاتک خود را از سمت چپ و راست نی خزر شروع و دفع گردید
و ستوانیار میری دو دستگاه تانک دشمن را به عقب تخلیه نمود.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۴۱۷
دو فروند از هواپیماهای دشمن منطقه گروه رزمی ۱۹۵ را کوبید ولی خطر جانی و مالی نداشته است.
سرگرد پیاده کروندی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۴۲۰
مجدداً به وسیله هواپیماهای دشمن دشت لیک و تنگ بینا بمباران شد.
سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۱۴۲۵
گروه رزمی ۲۱۷ حمله دشمن را دفع و دو دستگاه تانک دشمن به دست نیروهای خودی افتاده است.
سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۳۵

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۲۷

مجدداً هواپیماهای عراقی منطقه را به رگبار بستند و هلی کوپترهای دشمن با اجرای آتش تیربار
ضدهوایی فرار کردند.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۳۰

آتش شدید دشمن روی منطقه ادامه دارد و تعدادی از نفرات دشمن در پشت شیارها هستند. پاکسازی
ادامه دارد.

سرگرد پیاده کروندی

شماره:

از: یگان احتیاط

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۳۰

یگان احتیاط زیر آتش شدید دشمن قرار دارد.

سرگرد پارساپور

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: فل ۸۱

ساعت ۱۴۳۵

درخواست هلی کوپتر گردید، گفتند آنجا (میمک) کار هلی کوپتر نیست و ۳ تا ۴ فروند هلی کوپتر تیر
خورده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: فل ۸۱

ساعت ۱۵۳۵

تعداد ۲ دستگاه تانک آسیب دیده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۴۰

دشمن پاتک خود را بین نی خزر و آبگرم شروع کرده است.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: شمشادیان

دشمن از ظهر به این طرف پاتک کرده که پاتکش درهم شکسته و در حال حاضر دارد تقویت می شود و پاتک خود را از نی خزر و آبگرم شروع کرده.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۵۰

گروه رزمی ۱۹۵ در سمت راست خود دومین منطقه مورد نظر را به تصرف درآورده و دومین پرچم ایران را بر منطقه میمک برافراشته است.

سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: یگان های تابعه

ساعت ۱۶۰۸

پاتک سوم دشمن شروع و به خلبان ها از این ساعت ابلاغ گردید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۶۱۰

پاتک سوم ارتش عراق شروع شد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: : ف تی ۱

ساعت ۱۶۲۵

دشمن منطقه ما را بمباران نمود.

سرگرد پیاده کرونندی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۳۷

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۶۲۵

اعلام خطر هوایی یک هواپیمای دشمن به وسیله سهند ۳ در منطقه بین هلاله و نی خزر در ارتفاعات میمک سقوط نمود.

سرگرد پیاده کرون‌دی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۶۳۰

هواپیماهای دشمن دشت لیک را بمباران کردند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۱۹۵

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ف تی ۱

ساعت ۱۶۳۶

یک فروند هواپیمای دشمن با سهند زده شد و سقوط نمود.

سرگرد پیاده کرون‌دی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: یگان هوانیروز

ساعت ۱۶۵۲

عملکرد هلی کوپترها در ۲۴ ساعت گذشته بهره خوبی نداشته‌اند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: یگان‌های تیپ

ساعت ۱۶۵۸

خطر هوایی اعلام می‌گردد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

به: ل ۸۱

ساعت ۱۷۰۰

سومین پاتک دشمن دفع گردید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۷۱۰

گردان ۲۱۷ مشغول پاکسازی منطقه و ۳ تانک و یک دستگاه کاتیوشا دشمن منهدم و تعداد ۱۵۰ نفر هلاک بقیه متواری که به گردان ۳۹۶ دستور اجرای آتش شدید روی آبگرم و هلاله صادر و گروه رزمی ۱۹۵ کاملاً در منطقه مستقر و مسلط گردیده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۲۲

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۷۲۴

دشمن در منطقه عملیات هلی برن انجام داد و یگان‌های خودی مشغول آتش زدن تانک‌های دشمن هستند.

سرگرد ستاد فیروزی

از: گروه رزمی ۲۲۲

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۷۵۰

هلی کوپترهای دشمن در حال پیاده کردن کماندو بودند پس از پیاده شدن ۳ نفر از افراد دشمن بقیه مورد اصابت موشک تاو قرار گرفتند که هلی کوپر آنها و ۴۰ تا ۵۰ نفر از افراد دشمن پودر شدند.

سرگرد ستاد فیروزی

از: گروه رزمی ۲۲۲

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۸۰۰

این یگان شدیداً با دشمن درگیر است.

سرگرد ستاد فیروزی

از: گروه رزمی ۱۹۵

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲

ساعت ۱۸۰۰

خمپاره انداز ۱۲۰ میلی متری مورد نیاز این یگان است.

سرگرد پیاده کرونندی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۳۹

از: تی ۱
به: ف لشکر ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۲
ساعت ۲۱۲۲
دو دستگاه تانک دشمن به وسیله گروه رزمی ۱۹۵ تخلیه شده است.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۰۶۰۰
دشمن در حال جابجایی است.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: گردان ۳۹۶ توپخانه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۰۶۳۵
جلو نیزار را بکوبید.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱ (ر ۳)
به: بهرام و بهرام ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۰۷۳۷
وضعیت شبکه بهرام و بهرام ۱ خراب است. سرگرد ارشاد و سرگرد آراین هرکدام یکی از این دو شبکه را کنترل کند.
ر ۳ تی ۱ سروان ستاد رسولی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۰۹۰۰
گردان ۱۹۵ از اینکه رادیو تلویزیون فعالیت یگان‌ها را منعکس نمی‌کند ناراحت هستند.
سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: یگان‌های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۰۹۱۵
خطر هوایی اعلام می‌گردد.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: یگان های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۰۹۴۵
خطر هوایی اعلام می شود (هواپیماهای دشمن بر فراز منطقه دیده می شوند).
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گردان ۳۹۶
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۰۱۰
در آتشبار سروان محمدی ۳ نفر زخمی و تقاضای آمبولانس نموده است.
سرگرد گمرکیان

از: گردان ۷ پیاده سماجا
به: گروه رزمی ۲۲۲
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۰۲۰
این یگان برای حمل مهمات نیاز به یک دستگاه خودرو دارد.
سرگرد علیپور

از: گردان ۳۹۶ توپخانه
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۱۳۰
یک ستون خودرو دشمن به وسیله توپخانه کاتیوشا زده شد.
سرگرد گمرکیان

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۱۳۵
یک ستون خودرو دشمن در جاده هلاله و نی خزر زیر آتش خودی قرار گرفت.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۱۴۰
هواپیماهای خودی به عوض دشمن پشت سر یگان های خودی را کوبیده است.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۴۱

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۱۵۰

از: بابک
به: ف تی ۱

خطر هوایی اعلام می‌گردد.

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۱۵۲

از: تی ۱
به: گروه رزمی ۱۹۵

خطر هوایی اعلام می‌گردد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۲۰۰

از: تی ۱
به: ف ل ۸۱

یک دستور عملیاتی دشمن به دست نیروهای خودی افتاد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۲۰۰

از: تی ۱
به: گردان ۳۹۶ توپخانه

بین هلاله و آبگرم (مختصات ۱۴ - ۷۹) را بکوبید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۲۰۵

از: تی ۱
به: ف گردان ۳۹۶

در جاده هلاله و نی خزر تردد دشمن زیاد است و محل تجمع آنها در نی خزر می‌باشد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۱۲۰۵

از: تی ۱
به: گردان ۳۹۶

در دهانه تنگ هلاله مواضع ۱۵ دستگاه تانک دشمن کشف شده روی آنها اجرای آتش نمائید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: گردان ۳۹۶
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت: ۱۲۴۵
با چشم‌های علی تماس بگیر ۶ تانک دشمن در داخل شیار است.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت: ۱۲۵۰
یک دسته تانک از داخل رودخانه نفوذ کرده‌اند.
سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت: ۱۳۰۰
توپخانه و خمپاره اندازها مواضع تانک‌های دشمن را شدیداً کوبیده‌اند.
سرگرد پیاده کرونندی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف گردان ۳۹۶ - آگهی به تیپ
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت: ۱۳۰۵
یک نفر دیده‌بان توپخانه به این یگان اعزام دارید.
سرگرد پیاده کرونندی

از: تی ۱
به: یگان‌های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت: ۱۳۵۴
خطر هوایی اعلام می‌گردد (دشمن تمام یگان‌ها را زیر آتش می‌گیرد).
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: گردان ۳۹۶
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت: ۱۴۱۰
در انجیره تعداد تانک‌های دشمن دیده شده آنها را بکوبید.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۴۳

شماره:

از: گردان ۳۹۶

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۲۰

تعداد ۸ دستگاه تانک دشمن در دهلیز هلاله زیر آتش قرار گرفت.

سرگرد گمرکیان

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۴۳۰

گردان ۳۹۶ توپخانه تعداد ۸ دستگاه تانک دشمن را در هلاله زده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱ (۳)

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

به: یگان‌های تابعه

ساعت ۱۴۵۵

خطر هوایی اعلام می‌گردد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۰۰

خطر هوایی اعلام می‌گردد.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

به: یگان‌های تابعه

ساعت ۱۶۰۰

خطر هوایی از راه دور اعلام می‌گردد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۶۰۰

پس از درگیری گروه رزمی ۱۹۵ تعداد ۲ قبضه ۱۰۶ و ۲ قبضه خمپاره ۸۱ و ۷ دستگاه تانک دشمن

منهدم و ۶ نفر کشته و ۲۰ نفر مجروح گردیده‌اند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: یگان های تابعه

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

ساعت ۱۶۱۰

خطر هوایی اعلام می گردد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

ساعت ۱۶۲۰

برابر گزارش گردان ۳۹۶ توپخانه تاکنون ۴۰۰ نفر از دشمن کشته و ۱۵۰ نفر زخمی و ۷۳ دستگاه تانک و ادوات زرهی ۳۲ دستگاه خودرو و ۳ دستگاه تانکر سوخت دشمن به آتش کشیده شده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

ساعت ۱۷۱۵

برابر گزارش گروهان جاوید گردان ۲۱۷ یک دستگاه بی سیم دشمن به غنیمت گرفته شده و چانل وی کشف گردیده است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

ساعت ۱۸۳۰

گردان های ۱۹۵ و ۲۱۷ شدیداً زیر آتش دشمن قرار دارند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

ساعت ۱۹۳۰

وضع جبهه آرام است.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱

به: فل ۸۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳

ساعت ۱۹۳۵

گروه های رزمی ۱۹۵ و ۲۱۷ زیر آتش سنگین دشمن قرار می گیرند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۴۵

از: تی ۱
به: فل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۲۰۵۵
دشمن یک عدد موشک فراک ۷ به صالح آباد پرتاب نمود.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: تی ۱
به: فل ۸۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۲۱۲۰
برابر گزارش برادران پاسدار در ساعت ۱۹۳۰ یک گردان سوارزهی دشمن از مندلی به طرف زرباطیه در حال حرکت هستند.
سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گردان ۳۹۶
به: ف تی ۱ (۳)
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۳
ساعت ۲۳۴۰
تعدادی از خودروهای دشمن چراغ روشن به طرف هلاله و نی خزر و آبگرم در حرکت هستند.
سرگرد گمرکیان

از: سیال
به: گردان ۳۹۶
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴
ساعت ۱۰۱۰
آتش را بلند کنید.

ف سیال

از: تی ۱
به: یگان‌های تابعه
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴
ساعت ۱۰۴۳
خطر هوایی اعلام می‌گردد.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵
به: ف تی ۱
شماره:
تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴
ساعت ۱۱۳۰
از جاده کمربندی میمک ستون عظیمی از تانک و نفربر و توپخانه به طرف ما در حرکت است.
سرگرد پیاده کرونندی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: ف تی ۱

ساعت ۱۳۳۵

این یگان زیر آتش شدید دشمن قرار گرفته و تقاضا دارد منطقه نی خزر به وسیله توپخانه کوبیده شود.
سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: ف ل ۸۱

ساعت ۱۴۰۰

گروه رزمی ۲۱۷ زیر آتش شدید دشمن قرار گرفته است و تقاضای کوبیدن نی خزر را نموده که به توپخانه
دستور اجرای آتش روی نی خزر صادر گردید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۱۰

هواپیما و هلی کوپترهای دشمن ظاهر شدند.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: گروه رزمی ۲۱۷

ساعت ۱۴۲۰

مواظب باشید که دشمن نیرو پیاده نکند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: ف تی ۱

ساعت ۱۴۵۰

منطقه این یگان آرام شده است.

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: یگان هوانیروز

ساعت ۱۵۳۰

دو فروند هلی کوپتر جهت شناسایی منطقه اعزام دارید (اعزام می شوند).

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۴۷

از: گردان ۳۹۶

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

ساعت ۱۶۳۰

یک دستگاه جیپ شهباز منهدم گردیده است.

سرگرد گمرکیان

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

ساعت ۱۶۳۰

۴ هواپیمای دشمن در منطقه ظاهر شدند.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۱۹۵

شماره:

به: ف تی ۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

ساعت ۱۶۳۷

خطر هوایی اعلام می‌گردد.

سرگرد پیاده کروندی

از: تی ۱

شماره:

به: ف ل ۸۱

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

ساعت ۱۶۴۲

یکی از هواپیماهای دشمن در منطقه گروه رزمی ۱۹۵ سرنگون گردید.

سرهنگ ۲ ستاد سهرابی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: گردان ۳۹۶

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۵

ساعت ۰۳۰۵

جلو رودخانه ۲ گلوله منور تیراندازی کنید.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷

شماره:

به: گردان ۳۹۶

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۵

ساعت ۰۴۰۰

ما زیر آتش شدید توپخانه دشمن هستیم.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: گردان ۳۹۶

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۵

ساعت ۰۷۳۰

دشمن دارد از سمت هلاله و نی خزر پیشروی می کند.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: گردان ۳۹۶ توپخانه

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۵

ساعت ۰۷۵۰

مجدداً به جای اولی تیراندازی کنید.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گروه رزمی ۲۱۷

به: گردان ۳۹۶

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۵

ساعت ۰۸۱۵

سپهر گفت هلی کوپترها آماده باشند.

سرگرد ستاد خوارزمی

از: گردان ۳۹۶

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۵

ساعت ۱۰۰۰

برابر گزارش دیده بان از سمت چپ هلاله و نی خزر ۱۵ سنگر تانک کنده شده و شاید بیش از یک گردان تانک باشند.

سرگرد گمرکیان

از: گروه رزمی ۱۹۵

به: ف تی ۱

شماره:

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

ساعت ۱۱۴۵

در اثر اجرای آتش توپخانه در بین هلاله و نی خزر یک انبار مهمات و یک تانک دشمن منهدم و ۴ خودرو آتش گرفته است تعدادی خودرو و نفرات دشمن در حال فرار هستند.

سرگرد پیاده کرونندی

قسمت چهارم: پیام‌ها، دستورات و هدایت عملیات / ۱۴۹

شماره:

از: گروه رزمی ۲۱۷

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: ف تی ۱

ساعت ۱۵۱۵

صدای هواپیماهای دشمن به گوش می‌رسد (یعنی دیده نمی‌شوند).

سرگرد ستاد خوارزمی

شماره:

از: گروه رزمی ۲۲۲

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

به: ف تی ۱

ساعت ۱۸۰۰

دشمن با خمپاره ۱۲۰ تیراندازی می‌نماید.

سرگرد ستاد فیروزی

پاتک‌های دشمن در بهمن‌ماه ۱۳۵۹، جهت تصرف میمک^۱

به منظور رعایت اختصار و ممانعت از تکرار مکررات، این مرحله از عملیات را که دربرگیرنده ده روز مقاومت حماسی و سرسختانه فاتحان میمک در برابر سنگین‌ترین پاتک‌های دشمن متجاوز در طول جنگ تحمیلی است، به طور خلاصه و به اجمال تشریح می‌نماییم. ضمناً از آوردن پیام‌های ارسالی بین یگان‌های عمل‌کننده خودی در این برهه زمانی از عملیات نیز خودداری شده است.

حالت پدافندی طرفین در منطقه عملیاتی میمک تا روز ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۹ ادامه یافت، اما از ساعت پایانی این روز، دشمن فعالیت‌های جدیدی را در منطقه آغاز نمود. در ساعت ۰۳۴۵ روز ۱۳ بهمن‌ماه، نیروهای پیاده نظام عراق با بهره‌گیری از اصل غافلگیری از سمت پاسگاه‌های هلاله و نی‌خزر پیشروی خود را آغاز و از ناحیه هلاله موفق شدند تا نزدیک مواضع نیروهای خودی پیشروی کرده و ارتفاع ۶۷۰ (کله‌قندی) را (روبه‌روی تنگ بینا) تصرف نمایند. هوشیاری و دفاع جانانه مدافعان میمک در این قسمت باز هم باعث شد تا همچون دفعات قبل، نیروهای عراقی با شکست مواجه شوند و به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نمایند. البته حمله عراقی‌ها در روز ۱۴ بهمن‌ماه نیز ادامه پیدا کرد و توپخانه ارتش عراق با اجرای آتش انبوه و پر حجم خود بر روی مواضع نیروهای خودی سعی داشت ضمن وارد آوردن تلفات، آنها را از مواضع پدافندیشان بیرون براند. اما مدافعان شجاع میمک تصمیم خود را در نگهداری این عارضه حساس و حفظ پیروزی کم‌نظیر خود گرفته بودند و با چنگ و دندان از فتوحات و متصرفات خود دفاع می‌نمودند.

در روز ۱۵ بهمن‌ماه، سنگین‌ترین و کم‌سابقه‌ترین نبرد توپخانه‌ای میدان کارزار را دربرگرفت. توپخانه دشمن با حداکثر آتش و توان خود تمام منطقه عملیات را زیر آتش گرفت و تلفات قابل ملاحظه‌ای را به دسته خمپاره‌انداز گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه وارد نمود. این نبرد کماکان ادامه داشت تا آنکه نیروهای پیاده و زرهی دشمن از اولین دقایق نیمه‌شب ۱۶ بهمن‌ماه از محور پاسگاه نی‌خزر حمله دیگری را به مرحله اجرا درآورد و تا تیررس جنگ‌افزارهای سبک گروه رزمی ۲۱۷ تانک پیش آمدند و در حوالی آب‌گرم - نی‌خزر رزم نزدیک

۱. کیانی، سورنا، سرگرد زرهی، شمشیر پیروزی، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷.

۲. این قسمت به منظور افزایش دانستنی‌های مربوط به عملیات میمک از سایر منابع موجود انتخاب و بر نسخه اولیه این کتاب اضافه گردیده است (ویراستار: سرتیپ ۲ صادقی‌گویا).

بین نیروهای خودی و دشمن درگرفت و توپخانه عراق نیز به پشتیبانی از یگان‌های رزمی خود پرداخت. این عملیات شبانه در ساعت ۰۲۳۰ با شکست نیروهای عراقی و توفیق دگرباره مدافعان میمک خاتمه یافت.

در ۱۶ بهمن‌ماه، جنگ و درگیری بین طرفین با شدت ادامه یافت و نیروهای عراقی تمامی سعی و توان خود را به کار گرفتند تا شاید بتوانند نیروهای ایرانی را از مواضع مقدم خود بیرون برانند. در این راستا، یک واحد زرهی دشمن موفق شد در جناح شمالی و در کرانه رودخانه تلخاب به پهلوی مواضع نیروهای خودی نفوذ کند، اما اجرای آتش توپخانه و سلاح‌های ضدتانک این فرصت و موقعیت را از او گرفت و دشمن را وادار به عقب‌نشینی نمود. در سایر نقاط منطقه عملیاتی میمک نیز حمله عناصر مهاجم دشمن درهم شکسته شد. با وجود این، عراقی‌ها دست بردار نبوده و با حملات مستمر و مداوم خود، قصد داشتند که به هر صورت ممکن ارتفاعات میمک را تصرف نمایند.

لازم به ذکر است که یگان‌های خودی علی‌رغم تحمل تلفات و خسارات و عدم در اختیار داشتن نیروی تقویتی با پایداری و مقاومت توانستند دشمن را از تلاش‌های مستمر و سرسختانه خود مأیوس کنند و بعد از ۴ روز نبرد نفس‌گیر و سخت، عراقی‌ها را در همان مواضع قبلی خود (غرب ارتفاعات میمک) زمین‌گیر نمایند.

علی‌رغم تثبیت حضور نیروهای خودی در ارتفاعات میمک و حادث شدن شکستی دیگر برای دشمن، فرماندهان رده‌های بالای عراقی با اطلاع از این موضوع که نیروهای ایرانی در نبرد خونبار یک ماهه خود، متحمل تلفات و خساراتی شده‌اند و همچنین امکان بهره‌مندی و استفاده از وجود نیروهای کمکی و تقویتی را نیز نداشته‌اند، به تلاش‌های مستمر خود ادامه دادند و با اتخاذ تدبیر اجرای عملیات فرسایشی، سعی در به ستوه آوردن و خسته نمودن فاتحان میمک داشتند. لذا در روز ۱۹ بهمن (بعد از دو روز رکود نسبی در روند اجرای عملیات) بار دیگر نیروهای عراقی حمله جدیدی را به ارتفاعات میمک آغاز نمودند. نیروهای عراقی این عملیات را از شمال شرقی هلاله و غرب تنگ‌بینا شروع کرده و سعی داشتند با دور زدن ارتفاعات میمک، عقبه مدافعان ایرانی را در دشت لیک تهدید نمایند تا از این طریق، واحدهای خودی مجبور به ترک مواضع پدافندی شده و عقب‌نشینی کنند. این عملیات که از ساعت ۰۱۳۰ آغاز شد و با پشتیبانی آتش پر حجم توپخانه دشمن توأم بود، باعث گردید که در ساعت ۰۸۳۰ نیروهای مهاجم بتوانند به توفیقاتی دست یافته و با اشغال یک پست دیده‌بانی و ایجاد شکاف

در خط پدافندی گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه، تهدیدی جدی به وجود آوردند. این تحرکات دشمن سبب شد تا فرمانده تیپ با صدور دستورات لازم، ضمن واگذاری تقدم آتش توپخانه به منطقه شمالی میمک، بالگردهای رزمی هوانیروز را به این منطقه وارد نموده و رخنه به وجود آمده توسط نیروهای مهاجم عراقی را سد نماید. در نهایت، پست دیده‌بانی اشغال‌شده توسط دشمن نیز در همین روز بازپس گرفته شد. در آن روز که جنگ به مرحله بحرانی خود رسیده بود و احتمال از دست رفتن موفقیت‌های به‌دست‌آمده توسط نیروهای خودی وجود داشت، بالگردهای جنگی هوانیروز (در سه دوره زمانی) با هجوم بی‌امان خود خسارات مادی و روانی هولناکی را به نیروهای عراقی وارد ساختند. به هر حال، این بار نیز یگان‌های تیپ ۱ زرهی توانستند با پایداری و مقاومت تحسین‌برانگیز خود در ساعات پایانی روز ۱۹ بهمن‌ماه، فعالیت‌های آفندی دشمن را متوقف ساخته و ۱۵ نفر از افراد دشمن را به اسارت بگیرند. تلاش تیپ بر آن بود که به هر نحو ممکن، مناطقی را که در روز ۱۹ دی‌ماه به تصرف درآورده بود، نگهداری نماید. فرمانده تیپ در روز ۲۰ بهمن‌ماه، با صدور یک دستور، گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه را موظف نمود تا ارتفاع کله‌قندی میمک را که به اشغال دشمن درآمده بود، بازپس گیرد. گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه در راستای اجرای دستورات صادره، با تلاش و جدیت توانست در ساعت ۱۲۴۰ همان روز، ارتفاع کله‌قندی^۱ را تصرف نماید و خط مقدم منطقه نبرد را به همان محلی انتقال دهد که در روز ۱۹ دی‌ماه به تصرف خود درآورده بود. با کسب این موفقیت، فرمانده تیپ در گزارش ساعت ۱۴۳۰ با اعلام این پیروزی، در مورد نیروهای دشمن اظهار داشت: «نیروهای عراقی از این منطقه وادار به عقب‌نشینی و فرار شده‌اند و تعدادی از آنان نیز به اسارت درآمده‌اند.» بدین ترتیب، دومین مرحله خونبار نبرد میمک که از ۱۳ بهمن‌ماه شروع و تا روز ۲۰ بهمن‌ماه ادامه داشت، با پیروزی نیروهای خودی به پایان رسید.

نکته درخور توجه آنکه بعد از گذشت یک ماه از مراحل دشوار عملیات میمک، در روز ۲۰ بهمن‌ماه برای اولین بار یک یگان تقویتی که شامل یک گروهان از گردان ۱۸۲ پیاده تیپ ۸۴ خرم‌آباد بود، وارد منطقه عملیاتی مذکور گردید و زیر امر تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی قرار گرفت. فرمانده تیپ این گروهان را در محور صالح‌آباد - سرنی مستقر نمود تا بر حسب ضرورت و نیاز، مورد استفاده قرار گیرد.

۱. ارتفاع ۶۷۰.

به هر حال، در طول این نبرد یک ماهه، یگان‌های تیپ ۱ زرهی ضمن آنکه به تنهایی در برابر عناصر ۴ تیپ از لشکرهای ۷ و ۸ پیاده عراق که در مراحل مختلف عملیات وارد میدان رزم شده بودند، مقتدرانه مقاومت نمودند، خطوط پدافندی خود را نیز در دامنه غربی ارتفاعات میمک بین پاسگاه‌های هلاله و نی خزر تعیین و تثبیت کرده و ضربات و لطمات سنگینی را به نیروهای عراقی وارد آوردند.

قسمت پنجم

بررسی و تجزیه و تحلیل

تجزیه و تحلیل عملیات میمک به قلم روانشاد مرحوم سرهنگ ستاد ابراهیم باوندپور

هدایت عملیات^۱

عملیات که با شناسایی دقیق و اطلاعات کامل از نیروهای دشمن طرح‌ریزی گردیده بود، بایستی ابتدا دو گروهان مختلط در طول شب عملیات از مسیرهای مخفی که قبلاً شناسایی و تعیین گردیده بود به مواضع تک در عمق و جناحین و نقاط از قبل تعیین شده رسانده و به طور هم‌زمان و در ساعت شروع تک دشمن را غافلگیر و با یورش هم‌زمان و اجرای توده آتش سازمان پدافندی وی را مختل نمایند.

الحاق یگان‌های تانک به منظور تصرف و تأمین هدف و استفاده از جاده‌های منحصر بفردی که توسط دشمن مین‌گذاری گردیده است به سهولت انجام پذیرد.

سپس گروه‌های مهندسی به همراه یگان‌های پیاده اعزام که مسیر جاده‌های مورد نظر را پاکسازی و به حرکت سریع یگان‌های زرهی و اشغال هدف کمک نمایند و بدین ترتیب در ساعت ۰۶۲۰ روز ۵۹/۱۰/۱۹ پس از اعلام آمادگی یگان‌های عمل‌کننده و اطمینان از استقرار تمامی گروه‌های در محل‌های تعیین شده دستور شروع تک با نام خدای بزرگ صادر گردید و در ساعات اولیه پس از اطمینان از موفقیت یگان‌های پیاده و پاکسازی جاده‌ها دستور حرکت یگان‌های زرهی داده شد و اینک خلاصه‌ای از عملیات انجام شده از آغاز تک تا تثبیت هدف.

الف- روز یکم ۵۹/۱۰/۱۹

(۱) تک اصلی: در یک ساعت اولیه عملیات، یگان‌های پیاده که در طول شب در مواضع تک و عمق نیروهای دشمن مستقر گردیده بودند، به طور هم‌زمان و برابر طرح پیش‌بینی شده با وجود میادین مین وسیع و دید و تیر کامل دشمن هدف محاصره و سازمان‌دهی دشمن مختل و هرگونه عکس‌العمل سازمان یافته از او سلب و جاده‌های مورد استفاده یگان‌های زرهی پاکسازی گردید.^۲

۱. مدرک مورد استناد موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ «شهید سپهد علی صیادشیرازی» نشان می‌دهد که این قسمت تجزیه و تحلیل، توسط سرهنگ ستاد ابراهیم باوندپور در سال ۱۳۶۳ تدوین شده است. همان‌طور که در این کتاب ملاحظه می‌گردد، وی در زمان عملیات میمک فرمانده لشکر ۸۱ بوده است. بنا به اظهار امیر سرتیپ سهرابی، ایشان در بین عملیات به مأموریت خارج از کشور به کره شمالی اعزام شدند. این تجزیه و تحلیل در پایان نسخه اولیه این کتاب درج شده بود. «ویراستار: سرتیپ ۲ صادقی گویا»

۲. عملیات در آغاز حمله به وسیله یگان‌های پیاده بود. با نفوذ به عقب جبهه دشمن، از پشت هجوم را آغاز نمودند. بعد از برداشتن میدان مین از دو جاده منحصر به فرد میمک، ادوات زرهی، خود را به بالای ارتفاعات میمک رساندند. نفرات و

در ساعت ۰۶۲۰ روز اول عملیات، یگان‌های زرهی برابر طرح پیش‌بینی شده و با هماهنگی کامل، خود را به ارتفاعات میمک نزدیک نمودند. در آغاز الحاق یگان‌های زرهی و پیاده گروه رزمی ۲۱۷ در جناح چپ با مقاومت دشمن مواجه که توسط هلی‌کوپترهای تکاور این مقاومت در هم شکست و تا بعدازظهر روز ۵۹/۱۰/۱۹ هدف‌های تعیین‌شده توسط گروه رزمی ۲۱۷ تصرف گردید.

در قسمت گروه رزمی ۱۹۵، با توجه به شکل زمین، مانور یگان‌های رزمی با مشکل و همچنین مقاومت سنگین و شدید دشمن روبه‌رو گردید که ناچاراً قسمتی از هدف‌های تعیین‌شده در دشت هلاله و ارتفاعات فسیل حذف و گروهان عمل‌کننده در این محور به منظور تصرف ارتفاع سمت راست میمک در این منطقه به کار گرفته شد. تا پایان روز یکم قسمتی از هدف‌های گردان ۱۹۵ به تصرف درآمد و کلیه پاتک‌های محلی دفع گردید.

(۲) تک پشتیبانی: تک پشتیبانی تیپ در کنجان چم و در منطقه‌ای کوهستانی صعب‌العبور و فاقد هرگونه راه ارتباطی که فقط توسط دواب انجام می‌گرفت، هم‌زمان با تک اصلی آغاز و در ساعت‌های اولیه تک ارتفاع ۳۱۳ و ارتفاع ۴۰۵ به تصرف نیروهای خودی درآمد و با درگیر نمودن کامل دشمن مأموریت خود را به نحو مطلوب به اجراء گذاشت و دشمن را از مسیر تک اصلی منحرف نمود.

ب- روز دوم عملیات ۵۹/۱۰/۲۰

(۱) تک اصلی: عملیات به منظور پاکسازی و تصرف کامل هدف‌های گروه رزمی ۱۹۵ در روز دوم پیگیری و در ساعات اولیه روز ۵۹/۱۰/۲۰ بلندترین قله میمک ارتفاع ۶۷۰ (معروف به کله‌قندی) به تصرف یگان‌های ۱۹۵ درآمد.

در ساعات اولیه روز ۵۹/۱۰/۲۰، دشمن در جناح راست منطقه عملیات دشت فسیل اقدام به پیاده نمودن نیرو توسط هلی‌کوپتر نمود که با انهدام یک فروند هلی‌کوپتر حامل نفرات توسط موشک تاو زمینی مجبور به ترک منطقه گردیدند. حمله هوایی دشمن در منطقه عملیات در پیش از ظهر روز دوم عملیات با سقوط یک فروند هواپیما در دشت هلاله با ناکامی مواجه گردید. در این چند روز چندین پاتک محل دشمن در مناطق گروه‌های رزمی ۱۹۵ و ۲۱۷ با موفقیت دفع گردید.

(۲) تک پشتیبانی: در آغاز روز دوم و با تقویت نیروهای دشمن و اجرای پاتک‌های سنگین و عدم وجود راه‌های ارتباطی و کوهستانی و کمبود نیروهای خودی هدف‌های تصرف شده در منطقه کنجان چم در طول روز ۵۹/۱۰/۲۰ توسط دشمن بازپس گرفته شد و یگان‌ها مجبور به مراجعت به مواضع اولیه خود شدند.

پ- روز سوم عملیات ۵۹/۱۰/۲۱

پاکسازی هدف ادامه یافت. با تخلیه تدریجی منطقه توسط عشایر شرکت کننده در عملیات که فقط تعهد شرکت در تک را داده بودند و همچنین گستردگی هدف و پاتک‌های متوالی دشمن در منطقه گروه رزمی ۲۱۷ و به منظور حفظ هدف‌های به دست آمده در روز سوم عملیات احتیاط در این منطقه به کار برده شد. بدین ترتیب، هدف میمک با یاری خداوند بزرگ به تصرف نیروهای خودی درآمد که در روزهای بعد با تجدید سازمان و تحکیم هدف و صدور دستور عملیاتی پدافندی آماده مقابله با پاتک عمده دشمن که در روزهای بعد به وقوع پیوست گردیدند.

توجه: به علت اهمیت این ارتفاعات و از طرفی برای جبران اثر شکست، دشمن در روزهای بعد چندین بار با نیرویی به استعداد تقریبی یک لشکر برای بازپس گرفتن این ارتفاع تک نمود که تمام آن به همت رزمندگان پرتوان اسلام (تیپ ۱ ل ۸۱ و یگان‌های زیر امر) دفع و دشمن متحمل تلفات و ضایعات فراوانی گردید. گرچه تلاش‌های دشمن برای به دست گرفتن این ارتفاعات همه نمایانگر اهمیت عملیات آفندی تیپ ۱ می‌باشد، ولی چون منظور ما فقط تشریح عملیات آفندی تیپ ۱ ل ۸۱ برای تصرف ارتفاعات میمک می‌باشد از سایر وقایعی که رخ داده است خودداری می‌گردد.

الف- نتیجه عملیات

(۱) ارتفاعات میمک به تصرف کامل نیروهای خودی درآمد و حدود ۱۰۰ کیلومترمربع از سرزمین اشغالی آزاد گردید.

(۲) پاتک‌های دشمن تماماً دفع گردید.

(۳) تلفات و ضایعات دشمن:

(الف) انهدام بیش از ۷۰٪ تیپ ۲ پیاده کوهستانی و یک گردان تانک.

(ب) سرنگون نمودن ۲ فروند هلی کوپتر.

(پ) سرنگون نمودن ۲ فروند هواپیمای میگ ۲۱ و ۲۳.

(۴) غنائم بدست آمده:

(الف) ۱۷ دستگاه تانک^۱

(ب) ۲ دستگاه نفربر پی ام پی ۱

(پ) ۲ دستگاه نفربر ام ۱۱۳

(ت) ۵ قبضه تفنگ ۱۰۶ مم با خودرو مربوطه

(ث) یک دستگاه لودر شنی دار

(ج) چندین دستگاه خودرو و کامیون

(چ) تعداد بسیار زیادی سلاح و وسایل و تجهیزات انفرادی و اجتماعی^۲

(۵) اسرای جنگی: حدود ۷۰ نفر افسر، درجه دار، سرباز (به استناد طرح عملیاتی

میمک لشکر ۸۱ ز ه ۳ نفر افسر، ۱۸ نفر درجه دار، ۱۴۳ نفر سرباز)^۳

(۶) تلفات رزمی خودی:

(الف) شهید، افسر ۵ نفر، درجه دار ۱۱ نفر، سرباز ۱۵ نفر.

(ب) زخمی، افسر ۶ نفر، درجه دار ۶۴ نفر، سرباز ۸۲ نفر.

آمار تلفات خودی مربوط به یگان های نظامی است و به علت دقیق نبودن آمار عشایر ایل خزل از ذکر تلفات آن خودداری گردیده است، اما آمارهای موجود نشان دهنده اندک بودن تلفات آنان است.^۴

(۷) اجرای این عملیات چون با موفقیت توأم بود، روح آفندی را در نیروهای خودی

تقویت نمود.

(۸) ارتفاعات میمک بهترین مبدأ عملیات برای آینده به دست نیروهای ما درآمد.

۱. برادران پاسدار تعداد ۳ دستگاه تانک را در بین راه در اختیار گرفتند و در شهر ایلام به نمایش درآوردند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. روی جاده ها و شیارهای میمک، بیش از ۶۰ دستگاه خودرو زرهی از جمله تانک منهدم و سوخته شده بود. توپ های ضد هوایی، دوربین های بزرگ دیدبانی، انبارهای مهمات گلوله های توپخانه با کالیبرهای مختلف، گلوله های خمپاره انداز، گلوله های سلاح های کالیبر بزرگ و کوچک فراوان، وسایل مخابراتی اعم از مراکز تلفن، تلفن، بی سیم، قرقره های سیم و ابزار آلات مخابراتی، مینی کاتیوشا، وسایل تدارکاتی خوردنی از جمله قوطی های فلزی آکبند شیر خرم و خوار و بار، دستورالعمل ها و نقشه جات دشمن. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۳. آمار اسرای جنگی در مرحله دوم هم باید اضافه شود. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۴. آمار تلفات عشایر محدود می باشد، شاید کمتر از ۵ نفر. «سرتیپ ستاد سهرابی»

ب- تجزیه و تحلیل عملیات

(۱) تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در شرایطی عملیات آفندی خود را آغاز نمود که ارتش عراق در مناطقی که در بدو جنگ تحمیلی اشغال نموده، مواضع پدافندی خود را مستحکم کرده بود. نزاجا با تلاش‌هایی که به عمل آورده بود، موفقیت قابل توجهی در عقب راندن دشمن کسب نموده و در حقیقت، تصرف ارتفاعات میمک را می‌توان اولین تک موفقیت‌آمیز ارتش ایران دانست که منجر به ترمیم مرز بین‌المللی و اشغال سرزمین‌هایی که مورد ادعای ارتش و دولت عراق است دانست.

به استناد اطلاعات به‌دست آمده از اسرای جنگی، صدام در طول عملیات در منطقه حضور داشت و فرمانده تیپ ۲ لشکر پیاده کوهستانی ارتش عراق و تعدادی از پرسنل تیپ ۳ دشمن که مسئولیت پدافند در جبهه میمک را به عهده داشتند، پس از تک موفقیت‌آمیز تیپ ۱، به دستور صدام حسین در محل تیرباران گردیدند و این گواهی است بر اهمیت این عملیات برای ارتش عراق.

(۲) نقاط برجسته عملیات^۱

(الف) کسب اطلاع و شناسایی کامل و دقیق از دشمن و منطقه عملیات قبل از اجرای تک.

(ب) حداکثر بهره‌برداری مناسب و بموقع از آتش توپخانه و پشتیبانی هوانیروز.
(پ) غافلگیر نمودن نیروهای دشمن با به پای کار آوردن و حرکات یگان‌ها در مسیرهای مخفی (رعایت اصل غافلگیری).

(ت) کنترل و فرماندهی مداوم و مؤثر در هدایت عملیات با حضور شخصی، وسیله فرمانده تیپ، سرهنگ اسماعیل سهرابی

(ث) سازمان‌دهی مناسب یگان‌های مانوری و پشتیبانی رزمی.

(ج) حفظ روحیه و هماهنگی کامل و مداوم یگان‌های مانوری در تحکیم و تثبیت هدف و دفع پاتک‌های سنگین و مداوم دشمن.

(چ) انهدام میزان قابل توجهی از نیروهای دشمن.

(ح) تلفات و ضایعات بسیار کم نیروهای خودی در مقایسه با جداول تجربی.

۱. نقاط برجسته و ضعف عملیات از بررسی و تجزیه و تحلیل عملیات توسط شهید سرتیپ ستاد مهدی رسولی که در صفحات بعد می‌آید، استفاده گردیده است. «ویراستار»

(خ) حداکثر استفاده از نیروهای عشایر محلی جهت شناسایی و اجرای مرحله اولیه تک.

(۳) نقاط ضعف

(الف) هدف‌های پیش‌بینی‌شده با استعداد یگان‌های مانوری مناسب نبود.

(ب) هدف‌ها به طور کامل تصرف نگردید (ارتفاعات فسیل، هدف فرعی).

(پ) نیروی هوایی درخواست‌های پشتیبانی نزدیک را به موقع اجرا ننموده. (نیروی

هوایی در این عملیات درخواست‌های تصویب‌شده و پیش‌بینی‌شده را اجرا نمود).

(۴) اصولی که در اجرای این عملیات بیشتر رعایت گردید.

(الف) اصل هدف

(ب) اصل غافلگیری

(پ) اصل وحدت فرماندهی

(ت) اصل تأمین

(ث) اصل سادگی

(ج) اصل مانور

(چ) اصل صرفه‌جویی در قوا

بررسی و تجزیه و تحلیل عملیات میمک به قلم روانشاد شهید سرتیپ ستاد مهدی رسولی^۱

به منظور توجیه عملیات موفقیت‌آمیز میمک که توسط تیپ ۱ زرهی الله اکبر لشکر ۸۱ زرهی در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ انجام پذیرفته، لازم است ابتدا مرور کوتاهی بر گذشته تیپ در اوایل سال ۵۹ و سپس اقدامات و عملیات انجام‌شده تا آغاز تک پیروزمند میمک داشته باشیم. تیپ ۱ زرهی با سازمان سه گردان پیاده مکانیزه، دو گردان تانک و یک گردان توپخانه ۱۵۵م کمک مستقیم در اسلام‌آباد غرب مستقر بود.

گردان‌های ۱۹۵ مکانیزه و ۲۱۷ تانک در آغاز پیروزی انقلاب، با انگیزه مصادره سلاح و تجهیزات سازمانی توسط انقلابیون و گردان ۱۲۳ در درگیری سبندج (عملیات کردستان) و همچنین نقل و انتقال پرسنل کادر و ترخیص سربازان وظیفه و کاهش مدت خدمت آنان توانایی رزمی خود را از دست داده و تا حدود ۳۰ الی ۵۰٪ کاهش یافته بودند.

با تلاش پیگیر فرماندهان و پرسنل معتقد در اجرای اوامر نذا و لشکر ۸۱ زرهی یگان‌های تیپ ۱ زرهی ضمن تجدید سازمان و بالا بردن آمادگی رزمی در کلیه مأموریت‌های واگذاری در کردستان و نوار مرزی شرکت می‌نمودند. با تشدید عملیات درگیری مرزی ایران و عراق از اوایل فروردین‌ماه تا اوایل تابستان سال ۵۹ به تدریج کلیه یگان‌های تیپ ۱ در منطقه عملیات به کار گرفته شده بود. آخرین گسترش تیپ ۱ زرهی الله اکبر در شهریورماه ۵۹ و آغاز تهاجم ارتش عراق به شرح زیر بود:

الف- یگان‌های مشروحه زیر به منظور تقویت تیپ ۳ در مناطق زیر مستقر و تحت کنترل عملیاتی تیپ ۳ قرار گرفته بودند.

۱- گروهان ۲ گردان ۱۹۵ مستقر در باویسی

۲- گروهان ۳ گردان ۲۲۲ + گروهان یکم گردان ۱۱۹ مستقر در خرناسرخان و کلانتر

۳- گردان ۲۲۲ (منهای دو گروهان) + گروهان دوم گردان ۱۱۹ + آتشبار یکم گردان ۳۹۶ توپخانه مستقر در چم امام حسن به منظور پدافند از محور گیلانغرب که پس از سقوط

۱. این قسمت از سوابق موجود در مراکز اسناد هیئت معارف جنگ برای افزایش دانستنی‌های عملیات میمک، بر نسخه اولیه این کتاب انتخاب و اضافه گردیده است. مطالب این قسمت به قلم روانشاد سروان مهدی رسولی رئیس رکن سوم تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی با درجه سروانی در زمان عملیات می‌باشد که در درجه سرگردی آن را تدوین و ارائه نموده است. «ویراستار، سرتیپ ۲ صادقی‌گویا»

بررسی و تجزیه و تحلیل عملیات میمک به قلم روانشاد سرتیپ ستاد مهدی رسولی / ۱۶۳

زین‌الکش در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ در اجرای اوامر نزاجا و لشکر به خیر ناصر خان تغییر مکان و با زیر امر گرفتن یگان‌های بند ۲ تشکیل گروه رزمی ۲۲۲ را داد.^۱

ب- یگان‌های مستقر در محور نفت‌شهر - سومار (میان‌تنگ، کیسکه، تپه‌بازرگان)
۱- گردان ۱۹۵ (منهای دو گردان) + گروهان سوم گردان ۲۱۷ تانک + آتشبار سوم گردان ۳۹۶

۲- گروهان سوم گردان ۱۹۵ + گروهان دوم گردان ۲۲۲ تانک را به عنوان احتیاط در سرمله و سپس به محور سومار تغییر مکان و در منطقه عمومی نفت‌شهر سومار به کار گرفته شد.

پ- یگان‌های مستقر در حوالی سرنی منطقه عمومی از تلخاب تا کانی سخت گسترش یافته بود.

۱- گردان ۲۱۷ (-) + گروهان دوم گردان ۱۹۵ + آتشبار سوم گردان ۳۹۶ توپخانه
ت- گردان ۱۲۳ در منطقه بیونینج و مسئولیت تأمین ارتفاعات اطراف پادگان جهت جلوگیری از حمله ضدانقلاب که قبلاً بارها ضدانقلاب با استفاده از این ارتفاعات توسط خمپاره و آریبی جی ۷ پادگان را مورد حمله قرار داده بودند.

با توجه به گسترش منطقه عملیات و پراکندگی یگان‌ها به منظور اداره و کنترل هرچه بهتر عملیات علاوه بر قرارگاه اصلی تیپ در پادگان اسلام‌آباد غرب با تشکیل گروه فرماندهی متشکل را فرماندهی تیپ ۱ رئیس رکن سوم و رکن دوم تیپ به طور مرتب و مستمر به یگان‌ها سرکشی و از نزدیک و در محل مسائل و مشکلات آنان را حل نموده و با حفظ ارتباط با قرارگاه اصلی و سایر یگان‌ها در جریان امور قرار می‌گرفت. اکثر یگان‌ها که در مناطق مختلف فوق استقرار داشتند متأسفانه با توجه به شرایط خاص آن زمان، به صورت گروهی و یک یا دو دستگاه تانک در تقویت پاسگاه‌های ژاندارمری قرار گرفته و به این ترتیب، اثر جدی بر کاهش آمادگی رزمی و وحدت فرماندهی یگان‌های مزبور گذاشته بود.

۱. انتقال گروه رزمی ۲۲۲ از چم امام حسن به خیر ناصر خان جهت تقویت گروه رزمی ۱۱۹ باعث خالی ماندن محور مهم گیلانغرب از نیرو شد. روز بعد یگان‌های دشمن وارد محور بلادفاع گیلانغرب شدند و بدون هیچ‌گونه مقاومتی ارتفاعات مهم بازی‌دراز را تصرف و اشغال نمایند و بهترین وضعیت خود را در آن محور کسب نمایند.

در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ با حمله عراق به منطقه تنگاب در قصرشیرین با حضور فرماندهی نراجا در منطقه، گروه رزمی مستقر در چم امام حسن به خیر ناصر خان تغییر مکان یافت و محور گیلانغرب خالی از هرگونه نیروی نظامی شد.

در تاریخ ۵۹/۶/۱۹ پس از درگیری‌های پیاپی مرزی و تشدید عملیات، عناصری از لشکر ۲ پیاده کوهستانی و یک گردان تانک عراق تک هماهنگ خود را در منطقه میمک آغاز و ارتفاعات میمک و سپس دشت لیک و دهانه تنگ بینا را تصرف نمودند، همان‌طوری که ذکر شد، نیروهای خودی در این منطقه در هنگام تصرف میمک توسط دشمن شامل یک گروهان تانک، یک گروهان پیاده مکانیزه و یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م که استعداد آن حدود ۴۰٪ در یگان‌های زرهی و پیاده مکانیزه و ۶۰٪ در یگان‌های توپخانه بود نیروهای مذکور به صورت دسته‌ای تجزیه و در تقویت پاسگاه‌های مرزی تلخاب، هلاله، نی خزر، انجیره و شورشیرین قرار گرفته بودند.

پس از درگیری و هجوم همه‌جانبه دشمن، باقیمانده گردان ۲۱۷ تانک با توجه به مسافت طولانی و به علت عدم موجودی و واگذاری ماز تانک‌بر، بر روی شنی از اسلام‌آباد غرب به استان ایلام اعزام و یگان‌های موجود در منطقه، حدود ۱۵ دستگاه تانک تقویت گردیدند.

با ایثار و تلاش پرسنل، دشمن در خط کانی‌سخت، شورشیرین، تنگ تاریکه حوالی رودخانه گذار خوش ارتفاعات چگر، تنگ بینا، تنگ بیجار تثبیت گردیدند.

قبل از تشریح اقدامات و عملیات انجام‌شده در دهه آخر شهریور ۵۹، لازم است ابتدا اهمیت ارتفاعات میمک را بررسی نماییم.

تپه‌های نظامی و اهمیت ارتفاعات میمک

ارتفاعات میمک به طول تقریبی ۱۲ کیلومتر و عمق ۸ کیلومتر آخرین ارتفاع مشرف به دشت عراق در نوار مرزی ایران و عراق در منطقه ایلام می‌باشد.

این ارتفاع دیده‌بانی بسیار خوبی را بر منطقه وسیعی از خاک عراق فراهم نموده و جاده مرزی مندلی، بدره را کنترل می‌نماید. در دست داشتن این ارتفاع برای دشمن کنترل دو محور ارتباطی سرنی میمک و تنگ بینا میمک و دشت لیک را به طور کامل فراهم نموده و سه حلقه چاه نفت و گاز آماده بهره‌برداری (که یک حلقه آن از غنی‌ترین چاه‌های نفتی گازی ایران می‌باشد) در تنگ بینا و تنگ بیجار را در کنترل خواهد داشت. این ارتفاع از دره‌ها و تپه ماهورهای فراوانی که با شیب‌های تند و حتی در سمت راست پرتگاه و دیواره عمودی و از سوی

دشمن با شیب‌های ملایم و یکنواخت تشکیل می‌گردد. جنس زمین خاک و شن بوده و به دلیل وجود دره‌های عمیق در این منطقه و حرکات موتوری متکی به جاده بوده و حرکات پیاده را کند می‌نماید. این ارتفاع ادامه عملیات را به داخل خاک عراق تسهیل می‌نمایند.

دشت لیک و ارتفاع میمک یکی از مهم‌ترین و حاصل‌خیزترین مراتع استان ایلام به مساحت تقریباً ۱۹۰ کیلومتر مربع است که مورد استفاده دامداران منطقه این استان قرار می‌گیرد. این ارتفاعات طی قرارداد ۱۹۷۵ به کشور عراق واگذار گردید، لیکن تا آغاز جنگ تحمیلی در کنترل کشور جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است.

الف: عملیات مورخه ۱۳۵۹/۷/۲

۱- پس از تصرف ارتفاعات میمک در ۵۹/۶/۱۹ و تثبیت نیروهای متجاوز عراق، چون هنوز تهاجم سراسری عراق آغاز نگردیده بود، در تاریخ ۲۶ و ۲۷ شهریورماه ۵۹، با آتشبار کاتیوشا شامل ۴ قبضه از گروه ۳۳، یک گروهان تانک ام ۴۷- و یک گروهان شناسایی از تیپ ۸۴ خرم‌آباد که در دشت مهران مستقر بود، یگان‌های مستقر در منطقه میمک تقویت گردیدند.

دو گروهان تانک و شناسایی، شبانه و به صورت مخفی با استفاده از یک جاده تراکتوری که قبلاً به وسیله تیپ با استفاده از بلدوزر و لودر در استانداری به شمال سرنی احداث شده بود، به حوالی تنگ بینا انتقال و محور مزبور که فقط یک دسته مکانیزه از گروهان یکم گردان ۱۹۵ مستقر بود تقویت گردید.

با استفاده از افراد بومی در محل به استعداد تقریبی ۵۰ نفر طرح‌ریزی پاتک به منظور انهدام نیروهای دشمن متجاوز و بیرون راندن آنان از زمین‌های تحت اشغال تا سرحد امکان انجام و در ساعت ۰۷۰۰ روز ۵۹/۷/۲ تک در دو محور تنگ بینا و سرنی میمک آغاز گردید.

۲- خلاصه‌ای از سازمان رزمی و هدایت عملیات ۱۳۵۹/۷/۲

الف - سازمان رزمی: گردان ۲۱۷ تانک (-) شامل دو گروهان تانک با زیر امر گرفتن گردان تانک ام ۴۷- و گروهان شناسایی (-) و یک آتشبار کاتیوشا و گروهان دوم گردان ۱۹۵ مکانیزه و آتشبار دوم گردان ۳۹۶ توپخانه ۱۵۵م خ ک که از قبل در اختیار داشت، تشکیل گروه رزمی ۲۱۷ را می‌دهد.

برای اجرای این عملیات، با استقرار گروهان تانک ام ۴۷- (-) و گروهان شناسایی و استفاده از ۵۰ نفر عشایر و برادران سپاه پاسدار و یک دسته پیاده مکانیزه گروهان

مکانیزه زیر امر در محور تنگ بینا تحت کنترل معاون گردان (سروان زرهی ستاد علی اصغر خوارزمی) و دو گروهان تانک و یک گروهان پیاده مکانیزه (-) در محور سرنی میمک تحت کنترل فرمانده گردان (سرگرد زرهی ستاد محمدعلی عبیری) به منظور اجرای تک در دو محور تنگ بینا، میمک و سرنی میمک که در سه راهی هلاله به یکدیگر ملحق و پس از الحاق گروه رزمی به صورت یکپارچه تک را به سمت هلاله و میمک ادامه دهد.

جزئیات اجرای عملیات فوق به شرح زیر بود:

دشمن در دهانه تنگ بینا در حوالی پاسگاه سنگی (هلاله جدید) متکی به ارتفاعات گچ و چگر مستقر گردیده بود. ابتدا یگان پیاده متشکل از ۵۰ نفر افراد بومی یک دسته از گروهان شناسایی و یک دسته مکانیزه با استفاده از کوره‌راه‌های ارتفاعات در طول شب حرکت و خود را به دشمن نزدیک نموده و در آغاز تاریک روشنایی دشمن را که در چند روز گذشته شناسایی و تحت کنترل قرار داده بودند غافلگیر نموده و با یک یورش همه‌جانبه نسبت به اسارت و یا انهدام دشمن اقدام و از دسترسی خدمه تانک‌ها که بیرون از تانک استراحت می‌نمودند جلوگیری و سپس یگان‌های زرهی به سرعت از داخل تنگ بینا خارج و ضمن بستن راه فرار نیروهای دشمن و تعقیب و انهدام آنان ابتدا، الحاق با یگان‌های تک‌ور در محور سرنی هلاله، سپس به صورت یکپارچه تک را به سمت ارتفاعات میمک و هلاله ادامه دهند.

قسمتی از نیروهای عمل‌کننده محور سرنی هلاله شامل ۵ دستگاه تانک بایستی از جاده اصلی میمک به منظور تصرف و یا حداقل تثبیت و درگیر نمودن دشمن در سمت چپ میمک و حفظ جناح چپ محور سرنی هلاله عمل نمایند.

سازمان رزمی به شرح زیر بود:

محور تنگ بینا میمک (تحت کنترل معاون گردان)

تیم الف: شامل یگان‌های پیاده

دسته یکم گروهان یکم گردان ۱۹۵ مکانیزه

یک دسته از گروهان شناسایی تیپ ۸۴ خرم‌آباد

۵۰ نفر افراد بومی

دو قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰م و دو قبضه خمپاره‌انداز ۸۱م

بررسی و تجزیه و تحلیل عملیات میمک به قلم روانشاد سرتیپ ستاد مهدی رسولی / ۱۶۷

(فرمانده تیم الف: سروان اردنانس منصور شهبازی به علت طی دوره‌های مختلف چریکی و قدمت خدمت در نیروهای ویژه)

تیم ب:

گروهان تانک ام ۴۷- از تیپ ۸۴ خرم‌آباد

گروهان شناسایی تیپ ۸۴ خرم‌آباد (-)

محور سرنی هلاله

تیم پاکزاد

گروهان یکم گردان ۲۱۷ تانک

دسته دوم از گروهان یکم گردان ۱۹۵ مکانیزه

تیم رزاق

گروهان دوم گردان ۲۱۷ تانک

گروهان یکم گردان ۱۹۵ (-)

تحت کنترل گروه رزمی

دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰م (-)

آتشبار دوم گردان ۳۹۶ (توپخانه)

جهت اجرای این عملیات فرماندهی تیپ و رئیس رکن سوم تیپ که به محض تشدید عملیات در منطقه حضور یافته بودند، گروه رزمی را هدایت و یاری می‌نمودند. در اینجا لازم است از تلاش شبانه‌روزی فرمانده تیپ ۱ سرهنگ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی که طرح‌ریزی و شناسایی این عملیات را شخصاً انجام داده‌اند، یاد نمود. چنانچه در هدایت عملیات نیز شرکت داشتند. به دلیلی که متعاقباً ذکر می‌گردد، اگر به سوما ر اعزام نمی‌شدند موفقیت بیشتری نصیب گروه رزمی می‌شد. طرح‌ریزی و هماهنگی عملیات انجام و آخرین هماهنگی‌ها و جابه‌جایی‌ها و شناسایی‌ها تا بعد از ظهر روز ۵۹/۷/۱ خاتمه یافت و همه امکانات موجود جهت اجرای تک به کار گرفته شد.

در ساعت ۰۳۰۰ (۳ بعد از نیمه شب) روز ۵۹/۷/۲ حدود ۴ ساعت قبل از شروع عملیات با فشار دشمن به نیروهای مستقر در سوما ر و وخیم شدن وضعیت آنان و در اجرای دستور لشکر ۸۱ زرهی فرمانده تیپ ۱ با ۵ دستگاه تانک از گردان ۲۱۷ مستقر در میمک (تیم رزاق) به محور سوما ر اعزام گردید و دستور اجرای تک در ساعت مقرر را

صادر نمودند. با اعزام ۵ دستگاه تانک به محور سومار، نیروهای عمل کننده بر روی جاده اصلی میمک کاهش در نتیجه تغییرات زیر در اجرای عملیات طرح ریزی شده به عمل آمد که باقیمانده تیم رزاق گروهان یکم گردان ۱۹۵ (-) با استفاده از دو قبضه موشک تاو زمینی و نفربرهای خود، مأموریت به تأمین جناح چپ تیم پاکزاد و درگیر نمودن دشمن در سمت چپ میمک را به عهده گرفت.

ب- اجرای عملیات:

در ساعات اولیه تک، هجوم نیروهای پیاده به خوبی انجام شد. دشمن غافلگیر، هجوم تانک‌ها به سرعت از تنگ بینا آغاز گردید. در نتیجه، نیروهای دشمن مستقر در تنگ بینا که حدود یک گروهان تانک، یک گروهان کماندو و عناصری از گارد مرزی عراق بودند، اسیر، کشته و یا متواری گردیدند. لیکن یگان‌های پیاده، عشایر و افراد بومی به جمع‌آوری غنائم، پاکسازی منطقه و تخلیه اسراء مشغول و یگان‌های زرهی به مأموریت خود ادامه داده و عمل الحاق در سهراهی هلاله تنگ بینا انجام گرفت.

در حوالی ساعت ۱۱۳۰ روز ۵۹/۷/۲، با رسیدن یگان‌ها به دامنه‌های میمک با پاتک سنگین دشمن همراه با حجم آتش زیاد و هجوم هلی کوپترهای توپدار و کمبود آتش توپخانه خودی مجبور به بازگشت به مواضع قبلی گشته و تنگ بینا در تصرف نیروهای خودی باقی ماند. این عملیات تا غروب روز ۵۹/۷/۲ ادامه داشت.

پ- نتیجه عملیات

(۱) اسیر: ۲۵ نفر سرباز، درجه‌دار از یگان‌های تانک و کماندو و گارد مرزی که توسط برادران سپاه پاسدار تخلیه گشتند. یک نفر استوار هم دو روز قبل در حال شناسایی در منطقه دستگیر و اسیر شد که مجموعاً ۲۶ نفر شدند.

(۲) به غنیمت گرفتن یک دستگاه جیپ «او آو» فرماندهی، دو دستگاه آیفا و مقادیری سلاح و تجهیزات انفرادی.

(۳) انهدام ۶ دستگاه تانک دشمن.

(۴) تصرف تنگ بینا و ایجاد تسهیلات لازم جهت ادامه تک در آینده.

(۵) تلفات و ضایعات خودی:

(الف) شهادت فرمانده گردان ۲۱۷ سرگرد زرهی ستاد محمد علی عبری و

اسیر شدن یک نفر درجه‌دار راننده فرمانده گردان همراه با یک دستگاه جیپ

(ب) انهدام یک دستگاه تانک و شهید شدن خدمه مربوطه توسط هلی کوپتر

دشمن

(پ) سه دستگاه تانک ام ۴۷ روی مین دشمن رفت که روز بعد توسط

هلی کوپترهای دشمن زده شدند.

(ت) شهید: جمعاً ۴ نفر درجه دار و ۵ نفر سرباز. مجروحان روز عملیات به

دلیل تداخل آمار با سایر روزها دقیقاً روشن نیست.

این عملیات در زمانی انجام گرفت که تک سراسری هوایی، زمینی و دریایی عراق با شدت در جنوب و غرب آغاز گردیده و هم وطنان مرزنشین ما یا به اسارت دشمن درآمده و یا در حال آوارگی بودند. تخلیه اسراء و غنائم در شرایط خاص آن روز مرهمی بود برای دردهای مرزنشینان آواره استان ایلام و سبب بالا رفتن روحیه آفندی رزمندگان اسلام و جلوگیری از تحکیم و تثبیت نیروهای دشمن در زمین‌های اشغالی و نشان دهنده قدرت ایمان ارتش اسلام و آسیب پذیری نیروهای کفر دشمن بود. از همه مهم تر، عملیات پاسگاه سنگی، ایجاد زمینه‌ای برای عملیات خوارزم بود.

پس از متوقف شدن تک سراسری عراق با سازمان دهی و تفکیک مسئولیت‌ها، مناطق عملیاتی تیپ ۱ با دو گردان مکانیزه، دو گردان تانک، یک گردان توپخانه ۱۵۵م خک تقویت شده با یک آتشبار کاتیوشا و دو آتشبار ۱۳۰م مسئولیت پدافند از منطقه‌ای به عرض حدود ۱۸۰ کیلومتر از رودخانه کانی شیخ تا رودخانه چنگوله را به عهده گرفت. در اواخر آذرماه ۵۹، گروهان ژاندارمری صالح آباد و گردان ۷ پیاده سماجا که از داوطلبان اداره دوم ستاد مشترک تشکیل و سازمان یافته بود، به فرماندهی سرهنگ ۲ پیاده علی علیپور به تیپ واگذار گردید. البته گروهان ژاندارمری صالح آباد در پاسگاه‌های داخلی و یا مرزی مانند انجیره، شور شیرین و کانی سخت مستقر بودند.

به محض استقرار قرارگاه تیپ در تاریخ ۵۹/۸/۱۸، در منطقه صالح آباد مهران به منظور بیرون راندن دشمن متجاوز و یا انهدام او، بررسی‌های لازم به عمل آمد. نتیجه اینکه از دو هدف عمده موجود در منطقه، یکی شهر مهران و دیگری ارتفاعات میمک، به منظور ترمیم مرز بین المللی ارتفاعات میمک به عنوان هدف تیپ انتخاب و اقدامات لازم به منظور اجرای یک عملیات آفندی آغاز گردید.

لازم است قبل از شروع عملیات میمک، از کاردانی، جسارت، دانش نظامی و زحمات شبانه‌روزی و حضور مداوم جناب سرهنگ پیاده اسماعیل سهرابی، فرمانده تیپ ۱ در طرح‌ریزی، کنترل، هدایت و فرماندهی این عملیات یاد نمود. با حداکثر استفاده از امکانات محدود موجود در تیپ و عشایر ایل خزل که تعلق خاصی به ارتفاعات و چراگاه میمک و دشت لیک داشتند و بهره‌گیری از ایمان و اعتقاد رزمندگان و عشایر و با توکل به خدای یکتا، پس از حدود دو ماه شناسایی دقیق در تمام منطقه، طرح خوارزم به منظور تصرف ارتفاعات میمک تهیه و در ساعت ۰۶۲۰ روز ۵۹/۱۰/۱۹ به مورد اجرا گذاشته شد.

۱- اقدامات قبل از عملیات

الف - تشکیل و سازماندهی دو گروهان مختلط پیاده (سازمان رزمی طرح خوارزم) در گروه‌های ۱۲ نفره که در مدت دو ماه برابر طرح پیش‌بینی شده تحت عنوان گروه‌های گشتی شناسایی در مسیرهای تعیین شده اعزام که ضمن کسب اطلاعات دقیق از دشمن پرسنل منتخب جهت عملیات حداقل یک بار مسیر مورد نظر در شب عملیات را طی نموده‌اند.

ب - فراهم نمودن وسایل مورد نیاز و تدارکات لازم مانند آب، مهمات، غذا در دو تا سه شب قبل از عملیات در نقاط تعیین شده نزدیک به هدف در نقاط مختلف قابل دسترسی یگان‌ها که توسط دواب به جلو اعزام و ممکن بود به علت آتش دشمن و مسیر طولانی موجب اختلال در امر تدارک آنان گردد. بدین طریق، یکی از مشکلات مهم مخصوص رزم در منطقه غرب (کوهستان) مرتفع گردید.

پ - پیش‌بینی دقیق و برقراری سیستم مطمئن تخلیه مجروح زمینی و هوایی (توسط هلی‌کوپتر) از ارتفاع میمک تا بیمارستان در آغاز درگیری تا تحکیم و تثبیت هدف.

ت - پیش‌بینی دقیق به به منظور اجرای آتش پشتیبانی توپخانه و مواضع آتی به منظور تغییر مکان و شناسایی‌های لازم.

ث - توجیه کامل فرماندهان گردان با طرح عملیات و تفکیک وظایف و انجام هماهنگی‌های لازم.

ج - آموزش و هماهنگی کامل در کاربرد و هدایت هلی‌کوپترهای تک‌ور هوانیروز
چ - بالا بردن آمادگی جسمی پرسنل شرکت‌کننده در عملیات با اجرای عملیات مشابه، قبل از عملیات خوارزم.

ح - با اقدامات لازم، این عملیات تا روز اجرا مخفی نگه داشته شد.

۲- ترکیبات و گسترش دشمن

توضیح: اطلاعات به دست آمده و تأیید شده توسط رکن دوم لشکر دشمن قبل از اجرای عملیات با اسناد به دست آمده پس از عملیات موفقیت آمیز میمک دقیقاً مطابقت داشت. تک پشتیبانی در محور کنجان چم به منظور مخفی ماندن محل تک اصلی و درگیر نمودن نیروهای دشمن و جلوگیری از نقل و انتقالات او انجام می گیرد.

۳- چگونگی انتخاب زمان تک

زمان تک بر اساس آماده باش کامل نیروهای عراقی در طول ماه های محرم و صفر و لغو آماده باش و آزاد شدن مرخصی پرسنل بلافاصله پس از آن موجب کاهش توان رزمی دشمن بوده که زمان تک هفته بعد از پایان ماه صفر انتخاب و زمان دقیق آن در سپیده دم روز جمعه با توجه به اطلاعات به دست آمده که به دلیل نزدیکی شهر مندلی به منطقه عملیات و کادر فرماندهی اکثراً در شب های جمعه به مندلی و بغداد رفته و صبح مراجعت می نمودند و همچنین با تحت کنترل قرار گرفتن نیروهای دشمن عموماً نفرات دشمن به صورت گروه های ۵ تا ۸ نفره مسئولیت تشکیل پست های استراق سمع و دیده بانی را داده و تعویض و کنترل دقیقی روی آنها نمود و عموماً در ساعات آخر شب خوابیده و در غفلت کامل به سر می بردند.

روز جمعه ۱۹ دی ماه مصادف با سالگرد اولین قیام مردم شهیدپرور قم و اولین حرکت پیروز مردم قهرمان کشورمان بود که به عنوان سمبل مبارزه و پیروزی اولین حرکت غرورآفرین ملت ایران انتخاب و با توکل به خدای بزرگ به نیت اولین پیروزی انتخاب گردید.

۴- هدایت عملیات

این عملیات که ابتدا با شناسایی دقیق و اطلاعات کامل از نیروی دشمن طرح ریزی گردیده بود، در سپیده دم روز جمعه ۵۹/۱۰/۱۹ به مورد اجرا گذاشته شد. در ساعات اولیه تک تا ساعت ۰۷۳۰ عملیات نیروهای پیاده با پیروزی کامل و برابر طرح پیش بینی شده با وجود میادین مین وسیع و دید و تیر کامل دشمن در سراسر منطقه که با تصور باطل خود دژ نفوذناپذیری ساخته بود هدف محاصره و سازماندهی دشمن مختل و هرگونه عکس العمل سازمان یافته از او سلب و جاده های مورد استفاده یگان های زرهی پاکسازی گردید.

در این ساعت، یگان های زرهی برابر طرح پیش بینی شده و با هماهنگی کامل خود را به ارتفاعات میمک رساندند. در آغاز عملیات، یگان ها در جناح راست هدف در دشت هلاله و ارتفاعات فسیل و سپس حرکت یگان های زرهی در سمت راست میمک با مقاومت شدید

باقیمانده یگان‌های دشمن مواجه که با دلاوری رزمندگان و امدادهای خداوندی و با پشتیبانی حماسه‌آفرین هلی‌کوپترهای هوانیروز که در انهدام مواضع مسیر سمت چپ میمک و در نهایت، در تصرف هدف نقش ارزنده‌ای را ایفا نمودند، یگان‌های زرهی به ارتفاعات میمک دست یافتند. در اینجا لازم است از جسارت و شجاعت شهید سرگرد خلبان یحیی شمشادیان^۱ یاد نمود.

سمت راست ارتفاعات میمک (ارتفاع ۶۷۰) معروف به کله‌قندی و مهم‌ترین قسمت ارتفاعات میمک به دلیل شیب تند و دیواره عمودی آن وجود تنها یک جاده منحصر بفرد قابل عبور با مقاومت سنگین و شدید دشمن مواجه که دشمن با اتکاء به این نقطه تلاش در بازپس گرفتن هدف‌های از دست رفته خود می‌نمود و با تمام قوا تلاش در حفظ آن داشت. پاتک‌های پیاپی دشمن با وارد عمل نمودن احتیاط‌های خود و یک بار با انجام هلی‌برن توسط سه فروند هلی‌کوپتر نیروبر در جناح راست منطقه عملیات (دشت فسیل) قصد محاصره نیروهای خودی را داشت که با فضل الهی و با انهدام یک فروند هلی‌کوپتر با نفرات توسط موشک تاو خنثی گردید.

مع‌الوصف، دشمن با ایجاد حجم انبوه آتش و انجام پاتک‌های پیاپی و وارد عمل نمودن حداکثر فشار به یگان‌های تک‌ور موجود در زیر سنگین‌ترین آتش توپخانه، تلاش در جلوگیری از تحکیم یگان‌های خودی و تثبیت هدف می‌نمود که با استمداد از امدادهای غیبی و تلاش و ایثار رزمندگان دلیر تیپ ۱ زرهی پس از ۴۸ ساعت نبرد مداوم در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۱، ارتفاع ۶۷۰ به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

با توجه به اینکه ۱۵۰ نفر از پرسنل عشایر خزل که در طول شناسایی و مرحله آغاز تک تیپ را یاری نموده و نقش ارزنده‌ای را ایفا نمودند، پس از ۲۴ ساعت اولیه تک، به مرور منطقه عملیاتی را ترک می‌نمودند و همچنین، گستردگی هدف و پاتک‌های متوالی دشمن اجباراً قسمتی از یگان احتیاط در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۰ به منظور تأمین نقاط مرتفع و حیاتی منطقه به کار برده شد.

جهت تکمیل هدف و پوشش جناحین یک دسته تقویت‌شده تانک از گروه رزمی ۲۱۷ در محور انجیره مأموریت پوشش و جناح چپ و یک گروهان از گردان ۱۹۵ مکانیزه به منظور تأمین جناح راست و تصرف ارتفاعات فسیل را به عهده داشتند که به علت فشار شدید

۱. ایشان در مهرماه ۱۳۶۱ در عملیات مسلم‌بن‌عقیل در منطقه کهنه‌ریگ به شهادت رسید.

دشمن در ارتفاع ۶۷۰ و شهادت فرمانده گروهان یکم سروان شهید صادق پورشیانی مأموریت تصرف ارتفاع فسیل منتفی و با ابقاء یک دسته در منطقه به منظور پوشش جناح راست بقیه گروهان به منظور تقویت نیروهای تک‌ور در میمک جهت تصرف ارتفاع ۶۷۰ به کار گرفته شد.

لازم است در اینجا از رشادت سروان شهید محمود حاتم، فرمانده گروهان سوم گردان ۱۹۵ و فاتح ارتفاع ۶۷۰ یاد نماییم.

در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۱ و به منظور تحکیم هدف و پاکسازی کامل آن، قسمتی از ارتفاع پست جلو میمک که در دست عناصری از نیروهای دشمن باقی مانده بود که گروه رزمی ۲۱۷ با استفاده از ۵۰ نفر نیروهای پیاده زیر امر و به فرماندهی داوطلبانه ستوان یکم زرهی رضا قنبری که در هجوم اولیه مهرماه دشمن در منطقه سومار زخمی گردیده و پس از بهبودی به منطقه آمده بود، اقدام به تک به این ارتفاع نمود که متأسفانه پس از نزدیکی به این ارتفاع و شهادت سروان شهید رضا قنبری و تعدادی از پرسنل، این تک به موفقیت نیانجامید و این قسمت به انگیزه کمبود نیرو و گستردگی هدف و وجود نقاط مهم و حیاتی در طول ۱۱ کیلومتر، هدف ناقص باقی ماند و در عملیات محدود بعدی تصرف شد.

۵- تک فرعی

تک فرعی تیپ در منطقه کنجان چم که منطقه‌ای کوهستانی صعب‌العبور و فاقد هرگونه راه ارتباطی است و فقط توسط دواب انجام می‌گردید، هم‌زمان با تک اصلی آغاز و در ساعت‌های اولیه تک، ارتفاع ۳۱۲ و ارتفاع ۴۰۵ در منطقه کنجان چم را تصرف و با درگیری کامل نیروهای دشمن مأموریت خود را به نحو مطلوب به مورد اجرا گذاشت و دشمن را از مسیر تک اصلی منحرف نمود. لیکن به دلیل پاتک‌های سنگین دشمن و کامل نشدن هدف و نبودن راه‌های ارتباطی و کوهستانی و کمبود نیرو، هدف‌های تصرف‌شده را در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۱ از دست داد و به مواضع قبلی خود مراجعت نمود.

۶- مرحله آخر عملیات آفندی تجدید سازمان و تحکیم هدف

درگیری قطعی با دشمن در روزهای ۲۲ و ۲۳ و ۵۹/۱۰/۲۴ به شدت ادامه داشت که در این زمان، دشمن از تلاش‌های مذبحانه خود مأیوس و در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۶، وضعیت پدافندی به خود گرفت.

از نکات برجسته این عملیات که منجر به خنثی نمودن تلاش‌های دشمن در روزهای آتی گردید، توجه دقیق به مرحله آخر عملیات آفندی در تحکیم هدف و تجدید سازمان بود

که فرماندهی تیپ و در نهایت کلیه سلسله مراتب فرماندهی با حضور مداوم و پیگیر شبانه‌روزی در خطوط اول، پرسنل را وادار به ایجاد استحکامات و اجرای کلیه نکات و اصول رزم در این مرحله نمود و با تقسیم منطقه و واگذاری مسئولیت‌ها و به کار بردن کلیه جنگ‌افزارهای انفرادی و اجتماعی در مناطق مناسب، اطمینان از پدافند دقیق و مطمئن تا حد امکان و توجه مصرانه به این مرحله حیاتی از عملیات درس جدیدی از عملیات حقیقی را به همه رزمندگان حاضر در جبهه میمک آموختند.

این عملیات که با حداقل ضایعات و تلفات و با موفقیت کامل به تصرف هدف انجامید، تلفات و ضایعات سنگینی به دشمن متجاوز وارد نمود. اولین عملیات موفقیت‌آمیز نیروی زمینی بود که پس از ناکامی در عملیات نصر (هویزه) و در شرایطی که دشمن آوای قادسیه پیروز صدام را سرمی‌داد و از محاصره کامل آبادان دم می‌زد و خود را سردار پیروز عرب معرفی می‌نمود، به عنوان هدیه تقدیم ملت قهرمان ایران گردید و به صدام کافر درس جدیدی از ایثارگری و ثبات قدم ملت مسلمان ایران داد و خواب شیرین کاذب را از چشمان او ربود و به او نشان داد که ارتشی سازمان‌یافته و رزمنده در مقابل خود دارد و وی را وادار نمود که با حالتی جنون‌آمیز و سراسیمه به مندلی آمده و برابر اظهار اسراء در محل چندین نفر از افسران و سربازان از جمله فرمانده تیپ ۲ لشکر ۲ عراق را اعدام نماید.

صدام حسین که هنگام تصرف ارتفاعات میمک سکه (سیف سعد) را ضرب و به نظامیان شرکت‌کننده در عملیات (سیف سعد) میمک هدیه نمود، اینک ذلیل و درمانده هرچه در توان داشت، برای بازپس گرفتن ارتفاعات میمک به کار گرفت. به همین دلیل، پس از ناکام ماندن تلاش روزهای ۱۹ تا ۲۴ دی‌ماه، با استناد به مدارک به‌دست‌آمده از دشمن (دستور عملیاتی شماره ۶ لشکر ۲ عراق) با به پای کار آوردن نیرویی به استعداد ۴ تیپ پیاده کوهستانی، یک تیپ مکانیزه، ۴ گردان نیروی مخصوص و ۲ گردان تانک و ۱۱ آتشبار توپخانه و با پشتیبانی هواپیما و هلی‌کوپترهای هجومی در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۳ ابتدا تک شبانه خود را با گردان‌های نیروی مخصوص و تیپ ۱۹ پیاده کوهستانی لشکر ۷ در سمت راست میمک ارتفاع ۶۷۰ آغاز و در ساعت ۰۸۳۰ روز ۵۹/۱۱/۱۳ پس از حدود ۸ ساعت نبرد نزدیک، موفق به تصرف ارتفاع ۶۷۰ گردیدند. دشمن با در دست داشتن این نقطه اتکاء تصرف‌شده اقدام به وارد عمل نمودن سایر یگان‌های مانوری به صورت موجی در تمامی سطح جبهه همراه با حجم آتش انبوه

و مداوم و دیده بانی شده در سراسر منطقه و تا عمق یگان‌ها و بر روی خطوط لجستیکی و ارتباطی نمود.

برابر اظهار اسراء و اسناد به دست آمده، دشمن قصد داشت با نفوذ در سطح جبهه با استفاده از تیپ مکانیزه گارد جمهوری ارتفاع میمک را از سمت هلاله دور زده و کلیه نیروهای خودی را منهدم و یا اسیر نماید که مقاومت سرسختانه و سرشار از ایمان و اعتقاد رزمندگان، آموزش مداوم، تهیه سنگرهای مناسب و آرایش بسیار خوب جنگ افزارهای اجتماعی و اقدامات خوب و به موقع در تحکیم هدف و همچنین طرح ریزی دقیق و حساب شده آتش توپخانه که به هنگام اجرای آخرین آتش های حفاظتی تلفات بسیار سنگینی به دشمن متجاوز وارد نمود، کاربرد درست و به موقع و هدایت شده و هماهنگ هلی کوپترهای هوانیروز و به کارگیری یگان احتیاط؛ هجوم نیروهای متجاوز دشمن که به صورت موجی و مداوم عمل می کردند در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۹ پس از ۶ شبانه روز تلاش و ایثار سد گردید و تمام تلاش های دشمن خنثی گردید و این وضع تا ۵۹/۱۱/۲۱ ادامه داشت.

در این تاریخ با یک دسته تقویت شده پیاده و با پشتیبانی آتش تانک و استفاده مؤثر از آتش زمینی توپ ۲۳م پدافند هوایی با یک پاتک موفقیت آمیز ارتفاع ۶۷۰ از دست دشمن متجاوز که به استعداد یک گردان در آن پدافند می نمود، در غروب روز مزبور خارج گردید و به یاری پروردگار توانا هدف مزبور تصرف و یگان های تانک گارد جمهوری که در محور سهرای هلاله پیشروی نموده بودند به عقب رانده شد و ارتفاع میمک به حول و قوه الهی تحکیم و مرز بین المللی ترمیم و برای اولین بار پس از ۵ ماه نیروهای اسلام قسمت عظیمی از خاک جمهوری اسلامی را از دست نیروهای بعثی خارج نمودند.

لازم به تذکر است کلیه درخواست های تیپ به منظور تقویت نیرو و به علت عدم امکان از سوی نیروی زمینی، عاقبت در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۶ یک گروهان پاسدار خدمات پشتیبانی منطقه ۲ شیراز^۱ با هواپیما به منطقه اعزام که به علت کمبود آموزش و سازماندهی نامناسب و عدم شناسایی به منطقه، امکان تقویت نیرو حاصل نشد. همچنین یک گروهان از تیپ هوابرد شیراز^۲ که یک یگان رزمنده بسیار خوب بود در روز ۵۹/۱۰/۱۷ به منطقه تیپ وارد و به منظور

۱. یگان اعزامی از شیراز، به علت نداشتن آموزش و شایستگی رزمی و فقدان فرمانده مربوطه، پس از ۲۴ ساعت به شیراز عودت داده شد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. پس از توجیه عملیاتی یگان مزبور، فرمانده قرارگاه تاکتیکی نزاجا در جنوب غرب، سرهنگ عطاریان به منطقه تیپ آمد و مخفیانه فرمانده گروهان را به مرخصی شیراز فرستاد. سپس شایعه نمود که فرمانده مزبور به ارتش عراق پناهنده شده و

انجام پاتک در نظر گرفته شده بود که شناسایی‌های لازم را انجام و آماده اجرای عملیات بود، لیکن فرمانده قرارگاه غرب، این یگان را به سرپل ذهاب منتقل نمود. آنچه باید ذکر کرد این است که اتفاقات تلخ و شیرین و حرکات بسیار جالب و دیدنی از اعمال و ایثار رزمندگان به چشم می‌خورد که هریک به طور جداگانه شنیدنی و افتخارآفرین است که متأسفانه در این مقوله نمی‌گنجد و بایستی مشروحاً و جداگانه بررسی گردد.

تجزیه و تحلیل عملیات

الف - تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در شرایطی عملیات آفندی خود را آغاز نمود که ارتش عراق در مناطقی که در بدو جنگ تحمیلی اشغال و مواضع پدافندی خود را مستحکم کرده و نیروی زمینی با تلاش‌هایی که به عمل آورده بود موفقیت قابل توجهی در عقب راندن دشمن کسب ننموده و در حقیقت، تصرف ارتفاعات میمک را می‌توان اولین تک موفقیت‌آمیز ارتش ایران دانست که منجر به ترمیم مرز بین‌المللی و اشغال زمین‌هایی که مورد ادعای ارضی دولت عراق است محسوب نمود. به استناد اطلاعات به‌دست‌آمده از اسرای جنگی صدام در طول عملیات در منطقه حضور داشت و فرمانده تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده کوهستانی ارتش عراق و تعدادی از پرسنل تیپ ۲ که مسئولیت پدافند در جبهه میمک را به عهده داشتند، پس از تک موفقیت‌آمیز نیروهای خودی، به دستور صدام حسین در محل تیرباران گردیدند.

ب - نتیجه عملیات

(۱) گروه‌های رزمی ۱۹۵ پیاده مکانیزه و ۲۱۷ تانک هدف‌های تعیین‌شده در ارتفاعات میمک را در روزهای ۱۹ تا ۲۱/۱۰/۵۹ عملیات تصرف نمودند و حدود ۱۰۰ کیلومترمربع از سرزمین‌های اشغالی آزاد گردید.

(۲) گروه رزمی ۲۲۲ تانک ارتفاعات ۳۱۰ و ۴۰۵ را در منطقه کنجان چم تصرف نمود.

(۳) پاتک‌های سنگین دشمن توسط گردان‌های رزمی مستقر در میمک به طور کامل

دفع گردید.

حتماً عملیات هم برای دشمن مشخص می‌شود و صلاح بر این است عملیات انجام نشود. سرانجام با اصرار و پافشاری، در تاریخ ۹۷/۱۰/۱۷ دستور اعزام گروهان مزبور از منطقه تیپ به سرپل ذهاب را داد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

(۴) پیشروی گروه رزمی ۲۲۲ در محور کنجان چم که به عنوان تک پشتیبانی عمل می نمود در اثر فشار شدید دشمن متوقف و در اثر تقویت نیروهای دشمن و پاتک های سنگین مجبور به عقب نشینی به مواضع اولیه خود شد.

پ- تلفات و ضایعات دشمن

(۱) در طول عملیات بیش از ۷۰٪ تیپ ۲ پیاده کوهستانی و بیش از یک گردان تانک منهدم و به گردان های تیپ ۳ لشکر ۸ و تیپ های ۱۹ و ۳۹ لشکر ۷ پیاده صدمات کلی وارد و ۳ فروند هلی کوپتر و دو فروند میگ ۲۱ و میگ ۲۳ سرنگون گردید.

(۲) در مدت عملیات حداقل ۱۷ دستگاه تانک، ۲ دستگاه نفربر پی ام پی و ۲ دستگاه نفربر ام-۱۳، یک دستگاه لودر شنی دار، ۵ قبضه تفنگ ۱۰۶ با خودرو مربوطه، چندین دستگاه خودرو و کامیون و تعداد بسیار زیادی سلاح و وسایل و تجهیزات انفرادی و اجتماعی به غنیمت گرفته شد. در حدود ۱۰ دستگاه تانک سالم باقیمانده از دشمن که به علت حجم انبوه آتش تخلیه آنها امکان پذیر نبود و در محل منهدم گردیدند.

(۳) اسرای جنگی: ۳ نفر افسر، ۱۸ نفر درجه دار، ۱۴۳ نفر سرباز. این اعداد مربوط به ۴ روز اول عملیات است و اعداد عملیات مراحل بعدی به آن اضافه نشده است.

ت- تلفات رزمی خودی

شهید ۵ نفر افسر، ۱۱ نفر درجه دار، ۱۵ نفر سرباز، زخمی ۶ نفر افسر، ۶۴ نفر درجه دار، ۸۲ نفر سرباز

آمار تلفات خودی مربوط به یگان های ارتشی است و به علت دقیق نبودن آمار عشایر ایل خزل لیکن آنچه در خاطره ها باقی است تعداد تلفات با توجه به گستردگی عملیات بسیار اندک بوده است.

ث- نقاط برجسته عملیات

(۱) شناسایی کامل از دشمن و منطقه عملیات قبل از اجرای تک و حداکثر استفاده از عناصر نیروهای موجود (اطلاعات)

۱. از بین تعداد فراوان ادوات زرهی، ۱۷ دستگاه آن در محل با تغییر جزئی آماده و به عقب تخلیه گردید. ستوان یار عدالتخواه تعمیرکار گردان پدافند هوایی لشکر، چون به تعمیر تانک های تی آشنایی داشت، این کار را انجام داد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

- (۲) حداکثر بهره‌برداری مناسب و به‌موقع از آتش توپخانه و پشتیبانی هوانیروز.
- (۳) اجرای اصل غافلگیری یا غافلگیر نمودن دشمن تا پای کار آوردن و حرکات یگان‌ها در مسیرهای مخفی (اصل غافلگیری)
- (۴) کنترل و فرماندهی مداوم و مؤثر در هدایت عملیات
- (۵) سازماندهی مناسب یگان‌های مانوری و پشتیبانی
- (۶) حفظ روحیه و هماهنگی کامل و مداوم یگان‌های مانوری و تحکیم و تثبیت هدف و دفع پاتک‌های سنگین و مداوم دشمن
- (۷) شرکت مؤثر و نظارت نزدیک سلسله مراتب فرماندهی شامل فرماندهان تیپ و گردان، در مرحله تحکیم هدف و تجدید سازمان در سازماندهی خطوط پدافندی بلافاصله پس از تصرف کامل هدف.
- (۸) انهدام میزان قابل توجهی از نیروهای دشمن
- (۹) تلفات و ضایعات بسیار کم نیروی خودی در مقایسه با جداول تجربی
- (۱۰) حداکثر استفاده از نیروهای عشایر جهت شناسایی و اجرای مراحل اولیه تک

ج - نقاط ضعف

- (۱) هدف‌های پیش‌بینی شده با استعداد یگان‌های مانوری مناسب نبود.
- (۲) هدف‌ها به طور کامل تصرف نگردید (تک فرعی - ارتفاعات فسیل در سمت راست هلاله)
- (۳) نیروی هوایی درخواست‌های پشتیبانی نزدیک را به موقع اجرا ننمود و یک بار به علت عدم ارتباط خلبان با افسر ناظر مقدم (به منظور جلوگیری از کشف تک هوایی) نیروهای خودی را بمباران نمود (نیروی هوایی در این عملیات درخواست‌های تصویب شده و پیش‌بینی شده را اجرا نمود).
- در خاتمه لازم است از رزمندگان گمنامی که با رشادت و ایثار جان خود را از دست داده و یا معلول و یا با خواست خداوند با افتخار به زندگی ادامه می‌دهند در این عملیات شرکت نموده و برگ زرینی در تاریخ ایران از خود به یادگار گذاشته‌اند یاد نموده و به خصوص از خدمات سربازان منقضی خدمت سال ۵۶ احضار شده به خدمت تقدیر نمود.
- فرماندهان عمل‌کننده در این عملیات عبارت بودند از:

- | | |
|------------------------------------|------------------------------|
| ۱- سرهنگ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی | فرمانده تیپ ۱ زرهی الله اکبر |
| ۲- سرهنگ ۲ زرهی ستاد محسن سفیری | معاون و رئیس ستاد تیپ ۱ زرهی |

- ۳- سرهنگ ۲ رزمجو
 - ۴- سرگرد پیاده الله مراد شادرام
 - ۵- سروان زرهی مهدی رسولی
 - ۶- سروان ترابری یوسف اسماعیلی
 - ۷- سرگرد پیاده محمود کروندی
 - ۸- سرگرد پیاده پرویز خلف بیگی
 - ۹- سرگرد پیاده ناصر طالبیان
 - ۱۰- سرگرد صالح زهی
 - ۱۱- سرگرد زرهی علی اصغر خوارزمی
 - ۱۲- سروان زرهی منصور رزاقی
 - ۱۳- سرهنگ ۲ زرهی عبدالعلی فیروزی
 - ۱۴- سرگرد زرهی بهمن پارساپور
 - ۱۵- سروان زرهی کمال الدین ساعدی
 - ۱۶- سرگرد پیاده ابوالقاسم رضایی
 - ۱۷- سرگرد پیاده رضا منفرد
 - ۱۸- سروان پیاده اکبر پایکار
 - ۱۹- سرهنگ ۲ علی علیپور
 - ۲۰- سرگرد پیاده اسکندری
 - ۲۱- سرگرد توپخانه حمید گمرکیان
 - ۲۲- سروان توپخانه محمد زارعی
 - ۲۳- سروان عبدالله تکمیل
 - ۲۴- ستوان یکم پزشک وظیفه محمدرضا امامی فر
- رئیس رکن ۱ تیپ ۱ زرهی
رئیس رکن دوم تیپ ۱ زرهی
رئیس رکن سوم تیپ ۱ زرهی
رئیس رکن ۴ تیپ (در تدارکات تخلیه مجروحین، نقش ارزنده ای داشت)
فرمانده گردان ۱۹۵ مکانیزه
مشاور و کمک گردان ۱۹۵ مکانیزه
معاون گردان ۱۹۵
افسر عملیات گردان ۱۹۵
فرمانده گردان ۲۱۷ تانک
افسر عملیات گردان ۲۱۷ تانک
فرمانده گروه رزمی ۲۲۲ و ف گردان
معاون گردان ۲۲۲ تانک
افسر عملیات گردان ۲۲۲ تانک
فرمانده گردان ۱۲۳
معاون گردان ۱۲۳
افسر عملیات گردان ۱۲۳
فرمانده گردان ۷ پیاده سماجا
افسر عملیات گردان ۷ پیاده سماجا
فرمانده گردان ۳۹۶ توپخانه
افسر عملیات گردان ۳۹۶ توپخانه
سرپرست گردان ۳۹۹ (-) توپخانه
(فرمانده ۴ قبضه توپ ۱۳۰ مم)
سرپرست گروهان بهداری در تخلیه مجروحین

(ایجاد بیمارستان در منطقه و ایجاد زنجیره تخلیه و درمان با استفاده از امکانات موجود در طول عملیات با بهره دهی عالی و فوق تصور در حرفه خود اثری جاودانه باقی گذاشت)

۲۵ سرگرد مخابرات محمدزاده در امر ارتباط مخابرات تیپ نقش ارزنده‌ای داشت.
۲۶ عناصری از گردان یکم نیروی مخصوص در این عملیات شرکت مؤثر در پیروزی آن نقش حیاتی ایفا نمودند.
۲۷- از تیم هوانیروز که با جسارت و ایمان خود شیوه‌های نوینی در پشتیبانی هوایی از خود به یادگار گذاشتند:

سرگرد خلبان محمد مرادی عرب افسر عملیات هوانیروز
سرگرد خلبان شهید یحیی شمشادیان سرپرست تیم
۲۸- ستوان یکم مهندس سیف‌الله ارجمند فرمانده گروهان سوم مهندسی
از رزمندگانی که سمت فرماندهی و یا مسئولیتی در این عملیات داشتند و نامی از آنان برده نشده پوزش طلبیده، آرزو می‌کنم تلاش آنان مقبول حق تعالی باشد.
والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

پیوست ۱

عملیات پاسگاه سنگی

در دوم مهرماه ۱۳۵۹*

* کیانی، سورنا، سرگرد زرهی، شمشیرپیروزی، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۴.
توضیح: برای افزایش ارزش محتوایی کتاب، مطلب فوق از منبع مذکور انتخاب و به این کتاب اضافه گردید.
«ویراستار، سرتیپ ۲ صادقی گویا»

عملیات پاسگاه سنگی و نقش آن در اجرای موفقیت آمیز عملیات میمک

زمینه سازی جهت اجرای عملیات

این عملیات در ساعت ۰۷۰۰ مورخه ۱۳۵۹/۷/۲ از «پاسگاه سنگی»^۱ مستقر در دهانه تنگ بینا آغاز و در نهایت، منجر به بازپس گیری «دشت لیک» از نیروهای عراقی شد. با ارسال گزارش های دیده بان های خودی از دیدگاه های صعب العبور ارتفاعات گچ، چگر، سه کوران، سرگچله و شور شیرین که در واقع شرایط دیده بانی مطلوبی را بر روی منطقه و دشت لیک دارند، اطلاعات دقیقی به صورت مداوم و روزمره از فعالیت های ارتش عراق در این منطقه کسب می شد. این اطلاعات حاکی از آسودگی خیال دشمن از جانب نیروهای ایرانی بود. از دیدگاه های مذکور، اغلب مشاهده می شد که نیروهای زرهی ارتش عراق در دشت لیک مشغول اجرای مانور و ارتقای سطح توان رزمی خود، جهت انجام تجاوزات آتی هستند. تعدادی از نیروهای پیاده دشمن نیز در بیشتر اوقات، سرگرم شنا و تفریح در داخل رودخانه تلخاب واقع در تنگ بینا بودند و عده ای هم در داخل ساختمان ها و تأسیسات موجود بر روی چاه های گاز آن تنگ، استقرار داشتند.

دیدبانی های مداوم در این منطقه باعث شد تا توان رزمی نیروهای دشمن که در حوالی پاسگاه سنگی مستقر بودند (شامل یک گروهان تانک و یک گروهان پیاده) برای نیروهای خودی کشف گردد. همچنین کلیه مواضع عراقی ها (مواضع تانک، سلاح های سنگین و سنگرهای انفرادی) دقیقاً شناسایی و بر روی همه آنها طرح ریزی آتش صورت گرفت. قبل از شروع عملیات سلاح های اجتماعی، ضدتانک و دیگر تسلیحات مورد نیاز از قبیل مسلسل های کالیبر ۳۰ و ۵۰، تفنگ ۵۷م، موشک های دراگون، خمپاره اندازهای ۶۰م، آرپی جی ۷، تفنگ ژ ۳ و نارنجک های دستی و تفنگی به وسیله افراد و با کمک نیروهای محلی و عشایر^۲ که به وضعیت جغرافیایی منطقه میمک کاملاً آشنایی داشتند به مواضع از پیش تعیین شده در ارتفاعات گچ انتقال داده شد.

۱. پاسگاه سنگی که در منطقه یک عارضه حساس به شمار می آمد و در دهانه تنگ بینا واقع شده بود، در عملیات دشت لیک به عنوان مبدأ عملیات مورد استفاده قرار گرفت و به همین علت، عملیات آزادسازی تنگ بینا و دشت لیک به «عملیات پاسگاه سنگی» معروف شد.

۲. به طور کلی، عشایر سلحشوری که در اجرای عملیات «پاسگاه سنگی» به عنوان عناصر شناسایی شجاعانه ایفای نقش نمودند، از ایلات «ارکوازی و چمن بولی» استان ایلام بودند.

پس از تکمیل اطلاعات مورد نیاز و انجام شناسایی‌های لازم و همچنین انتقال سلاح‌ها و تجهیزات به مواضع مناسب، تنها مشکل موجود جهت اجرای عملیات پاسگاه سنگی فقدان راه ارتباطی مناسب در منطقه بود، زیرا جاده سرنی - تنگ‌بینا که از دشت لیک و جنوب ارتفاعات چگر می‌گذشت، توسط دشمن قطع شده بود. برای رفع این معضل، فرمانده تیپ ۱ زرهی اسلام‌آباد غرب با بهره‌گیری از امکانات استانداری و حمایت‌های استاندار و فرماندار وقت ایلام^۱ و همچنین تلاش چشمگیر و بی‌وقفه جهادگران، در طول مدت یک هفته (از زمان اشغال میمک) موفق به احداث جاده جدیدی گردید. این جاده که از دید دشمن کاملاً مخفی بود، با عبور از شمال ارتفاعات چگر، «سرنی» را به «تنگ‌بینا» متصل می‌ساخت.^۲

با مهیا شدن مقدمات لازم جهت اجرای عملیات و توجیه دقیق فرماندهان رده پایین که نقش اجرایی را به عهده داشتند، در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲، عملیات پاسگاه سنگی آغاز گردید.^۳ این عملیات تنها دو روز پس از شروع جنگ تحمیلی به مرحله اجرا درآمد و در شرایطی که ارتش عراق در سراسر نوار مرزی مشترک بین دو کشور سرگرم پیشروی بود، منجر به شکستی تلخ برای عراقی‌ها و آزادسازی دشت لیک گردید. بدین ترتیب، با پاک شدن این دشت از لوث وجود نیروهای عراقی و جلوگیری از دستیابی آنان به ارتفاعات گچ، چگر و سه‌کوران شرایط مساعد برای اجرای عملیات خوارزم و آزادسازی میمک فراهم شد.

سازمان رزمی یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات پاسگاه سنگی و محل استقرار آنها

سازمان رزمی و محل استقرار یگان‌ها و عده‌های شرکت‌کننده در این عملیات به قرار زیر بود:

- ۱- گروه رزمی ۲۱۷ تانک به فرماندهی سرگرد زرهی ستاد محمدعلی عبیری،^۴ شامل گردان ۲۱۷ تانک (-)، گروهان ۲ گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه آتشبار دوم گردان ۳۹۶ توپخانه و یک دسته مهندسی، در محور سرنی (دوراهی میمک - انجیره) مستقر شده بود.

۱. استاندار وقت ایلام آقای مهندس اصغر ابراهیمی اصل و فرماندار آن آقای عبدالصاحب حیدری بودند.

۲. این راه هم‌اکنون یکی از جاده‌های شوسه درجه ۱ در منطقه محسوب می‌شود.

۳. این عملیات هم‌زمان با اجرای پاتک محور سومار - میان‌تنگ انجام گرفت.

۴. در عملیات «پاسگاه سنگی»، فرماندهی گروه رزمی ۲۱۷ تانک را «سرگرد زرهی ستاد محمدعلی عبیری»، فرماندهی گروهان دوم گردان ۱۹۵ مکانیزه را «ستوان بحرینی» و فرماندهی آتشبار ۲ گردان ۳۹۶ توپخانه را «ستوان ۱ توپخانه علی کمری» که بعدها به «علی متقی» تغییر شهرت داد، به عهده داشتند. سرگرد زرهی ستاد محمدعلی عبیری در این عملیات به شهادت رسید.

۲- یک تیم به استعداد یک گروهان تانک ام-۴۷ (-) جمعی تیپ ۸۴ خرم‌آباد، عده‌های پیاده از باقیمانده گردان ۱۸۲ پیاده و یک دسته از گروهان شناسایی تیپ ۸۴ خرم‌آباد (جمعاً استعداد یک گروهان را داشتند)، تعداد ۵۰ نفر از نیروهای تکاور، چریک‌ها، عشایر محلی و نفراتی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی سروان زرهی ستاد مهدی رسولی در تنگ بینا استقرار داشتند. ۳۰ و ۳۱

۳- نفرات و خدمه سلاح‌های اجتماعی که ابواب جمعی گروه رزمی ۲۱۷ تانک و سایر یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات بودند، تحت فرماندهی و سرپرستی سروان اردن‌انس منصور شهبازی در ارتفاعات گچ مستقر شده بودند.

چگونگی اجرای عملیات «پاسگاه سنگی»

عملیات پاسگاه سنگی با تکیه بر رعایت اصل غافلگیری در ساعت ۲۰۷۰۰ مهرماه ۱۳۵۹، با اجرای آتش یگان توپخانه و نیروهای مستقر در ارتفاعات گچ بر روی نیروهای عراقی (در آن ساعت، تعدادی از عراقی‌ها مشغول نظافت شخصی و صرف صبحانه و عده‌ای دیگر هم هنوز در بستر خواب بودند) آغاز گردید. این آتشباری مؤثر و دقیق، آن قدر برای دشمن غیرمترقبه بود که فرصت هرگونه عکس‌العمل را از آن سلب نمود.

پس از اجرای این آتش مؤثر که باعث سردرگمی نیروهای عراقی شد، تیم مانوری مستقر در تنگ‌بینا بر دشمن هجوم برد و تلفات چشمگیری را به نیروهای متجاوز وارد ساخت.

هم‌زمان با شروع عملیات توسط تیم رزمی مستقر در تنگ‌بینا، گروه رزمی ۲۱۷ تانک نیز از محور سرنی - دشت لیک وارد عمل گردید و عناصر باقیمانده دشمن را در دشت لیک تار و مار

۱. فرماندهی گروهان سوم (-) گردان ۲۴۴ تانک تیپ خرم‌آباد را ستوان یکم خدارحم کریمیان و معاونت گروهان مذکور را ستوان دوم زرهی هوشنگ حاتمی، فرماندهی یگان سوارزرهی آن تیپ را سروان زرهی رحیم حیدری و فرماندهی تیم اعزامی از تیپ ۲۳ نیرو مخصوص را ستوان دوم پیاده مصطفی اصلانی مقدم به عهده داشتند.

۲. تانک‌های «ام - ۴۷» تیپ ۸۴ خرم‌آباد که قبلاً در «سرنی و صالح‌آباد» مستقر بودند، جهت شرکت در عملیات پاسگاه سنگی وارد تنگ‌بینا شدند. این جابه‌جایی در مواقع مناسب و به صورت نفوذی و تحت پوشش صدای وسایل و ماشین‌آلات سنگین مهندسی انجام گرفت. نیروهای مذکور شب قبل از اجرای عملیات با اقدامی غافلگیرانه، در محل‌های از پیش تعیین‌شده (آخرین پیچ‌های تنگ‌بینا و در نزدیکی نیروهای دشمن) مستقر و آماده دریافت دستور تک شدند.

۳. یگان‌های تانک ام-۴۷ و دسته‌ای از گروهان شناسایی و نفرات محدودی از گردان ۱۸۲ پیاده و آتشبار (-) گردان ۳۹۹ توپخانه جمعی تیپ ۸۴ خرم‌آباد با سایر یگان‌های تیپ در مهران مستقر بودند که با هجوم یگان‌های عراق، یگان‌های تیپ ۸۴ از طریق محور کنجان چم به منطقه صالح‌آباد عقب‌نشینی نمودند و زیر امر تیپ ۱ زرهی اسلام‌آباد قرار گرفتند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

نمود. این گروه رزمی سرانجام در نقطه الحاق از پیش تعیین شده در دشت هلاله به تیم مانوری که عملیات را از تنگ‌بینا و پاسگاه سنگی شروع کرده بود، ملحق گردید. روند پیشروی نیروهای خودی در این عملیات که تا ساعت ۱۵۰۰ همان روز ادامه داشت و منجر به آزادسازی دشت لیک شد، با وارد عمل شدن نیروهای کمکی و بالگردهای مهاجم ارتش عراق متوقف گردید.

نکته حائز اهمیتی که در جریان این عملیات جلب توجه می‌نماید، ابلاغ تلگراف لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه در ساعت ۰۳۰۰ مورخه ۵۹/۷/۲ به فرمانده تیپ ۱ زرهی است. در آن زمان که حدود چهار ساعت بیشتر به لحظه شروع عملیات پاسگاه سنگی باقی نمانده بود، به سرهنگ ۲ پیاده ستاد اسماعیل سهرابی ابلاغ گردید که خود را به محور سومار رسانده و نیروهای عقب‌رانده شده توسط دشمن را جمع‌آوری و پیشروی نیروهای عراقی را در آن منطقه سد نماید.

بنابراین، عملیات پاسگاه سنگی در شرایطی اجرا شد که فرمانده تیپ ۱ زرهی برای سامان بخشیدن به وضعیت نیروهای مستقر در محور سومار، عازم آن منطقه شده بود. فرمانده تیپ قبل از عزیمت به محل مأموریت جدید با احضار رئیس رکن سوم تیپ و فرماندهان یگان‌های مانوری شرکت‌کننده در عملیات، آخرین دستورات هماهنگی را صادر و نسبت به شروع عملیات در رأس ساعت مقرر تأکید ورزید. وی پس از آنکه نسبت به برقراری ارتباط بی‌سیم جهت دریافت پیام‌ها و گزارش وضعیت یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات و صدور دستورات لازم جهت هدایت این عملیات اقدام نمود،^۱ با یک دسته تانک «ام - ۶۰» که از سازمان رزم گروه رزمی ۲۱۷ تانک برداشت نمود، رهسپار محور سومار شد و در ساعت ۰۶۰۰ مورخه ۱۳۵۹/۷/۲ وارد منطقه مورد نظر گردید.

فرمانده تیپ ۱ زرهی پس از جمع‌آوری و سازمان‌دهی مجدد نیروهای ازهم‌پاشیده شده خودی در آن منطقه، هم‌زمان با شروع عملیات آفندی پاسگاه سنگی (منطقه میمک)، در محور سومار نیز مبادرت به اجرای پاتک علیه دشمن نمود. اجرای عملیات در محور سومار - میان‌تنگ ضمن وارد آوردن تلفات و ضایعات سنگین بر دشمن باعث سد پیشروی و ناکامی نیروهای عراقی از دستیابی به عوارض حساس منطقه و عقب‌نشینی آنان در محور مذکور گردید.

۱. فرمانده تیپ قبل از حرکت به سوی محل مأموریت جدید، فرماندهی و مسئولیت هدایت عملیات در منطقه پاسگاه سنگی را به عهده سرگرد زرهی ستاد محمدعلی عبیری واگذار نمود.

نقاط قوت نیروهای دشمن

- ۱- برخورداری از روحیه عالی به علت کسب موفقیت‌های روزهای آغازین جنگ.
- ۲- برخورداری از امتیاز استقرار در مواضع مناسب و در دست داشتن عوارض حساس منطقه از جمله ارتفاعات میمک که کاملاً بر دشت لیک و دشت هلاله تسلط داشت (وضعیت زمین کاملاً به نفع نیروهای دشمن بود).
- ۳- بهره‌مندی از برتری چشمگیر توان رزمی نسبت به نیروهای خودی.
- ۴- بهره‌مندی از برتری کامل پشتیبانی آتش‌های زمینی و هوایی نسبت به نیروهای خودی.
- ۵- بهره‌مندی از یک نیروی احتیاط قوی و کارآمد.
- ۶- احداث موانع مصنوعی مانند سیم‌های خاردار، میادین مین و تطبیق آنها با موانع طبیعی موجود در منطقه.

نقاط ضعف نیروهای دشمن

- ۱- عدم توجه به اصل تأمین.
- پیشروی‌های سریع روزهای آغازین جنگ، بهره‌گیری از سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته و همچنین توان رزمی بسیار بالا، نیروهای عراقی را سرمست و مغرور کرده بود. بنابراین، آنان تصور هرگونه فعالیت و عملیات قریب‌الوقوع از جانب نیروهای ایرانی را غیرممکن پنداشته و لذا نسبت به رعایت اصل تأمین بی‌توجه و سهل‌انگار بودند. همین عامل باعث غافلگیری آنان در عملیات پاسگاه سنگی گردید.

نقاط قوت نیروهای خودی

- ۱- قدرت فرماندهی و رهبری عده‌ها در این عملیات بسیار قوی و کارآمد بود (فرمانده تیپ به طور هم‌زمان مشغول هدایت دو عملیات در دو جبهه مختلف بود، یکی هدایت عملیات سومار - میان‌تنگ و دیگری عملیات پاسگاه سنگی که شرح آنها در متن کتاب آمده است).
- ۲- با وجود تنوع نیروها (وجود یگان‌هایی از لشکرهای دیگر و عشایر و مردم بومی که در کنار گروه رزمی ۲۱۷ تانک و یگان‌های تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی می‌جنگیدند) هماهنگی لازم در روند اجرای عملیات حکم‌فرما بود.
- ۳- در طراحی عملیات به رعایت اصول جنگ و قواعد تاکتیک توجه خاصی شده بود.
- ۴- با بهره‌گیری از عشایر محلی شناسایی منطقه عملیات به دقت انجام گرفت.

- ۵- مانور یگان‌های عمل‌کننده مطلوب بود.
- ۶- عملیات از پشتیبانی آتش بسیار خوبی برخوردار بود.
- ۷- ارائه و انتقال آموزش به نیروهای شرکت‌کننده در عملیات (نظامی و غیرنظامی) با جدیت انجام شده بود.
- ۸- در کلیه مراحل عملیات، به رعایت اصل غافلگیری توجه خاص شده بود.
- ۹- استفاده از جاده سرنی - تنگ‌بینا که در اسرع وقت و دور از دید دشمن احداث شده بود، تأثیر بسزایی در رعایت اصل غافلگیری در این عملیات را داشت.
- ۱۰- ممانعت و جلوگیری از دستیابی و نفوذ نیروهای عراقی به دیگر عوارض حساس موجود در منطقه مانند ارتفاعات گچ، چگر و سه‌کوران.
- ۱۱- اجرای این عملیات در تمامی مراحل طراحی و اجرا توسط تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی انجام گرفت.
- ۱۲- حفظ روحیه تهاجمی در بین نیروها و ارتقای سطح ایمان و انگیزه در آنان، جهت آزادسازی سایر مناطق اشغالی میهن اسلامی و مقابله با متجاوزان بعثی.
- ۱۳- وارد آمدن تلفات و ضایعات سنگین به نیروهای عراقی و تحمیل شکست به آنان.
- ۱۴- طراحی و اجرای یک عملیات کلاسیک در رده گروه رزمی و کسب تجارب ارزنده جنگی در این عملیات.

نقاط ضعف نیروهای خودی

- ۱- عدم توجه کافی به خنثی‌سازی میادین مین^۱ باعث آسیب دیدن سه دستگاه تانک ام ۴۷- از گروهان تانک (-) تیپ خرم‌آباد گردید.
- ۲- عدم حمایت و پشتیبانی کافی و مناسب توسط رده‌های بالا از واحدهای عمل‌کننده تیپ ۱ زرهی.
- ۳- عدم وجود پشتیبانی هوایی جهت تسهیل عملیات زمینی.
- ۴- در اختیار نداشتن نیروی احتیاط.

۱. این مین‌ها توسط نیروهای مردمی در منطقه کاشته شده بودند و قرار بر این بود که قبل از اجرای عملیات پاسگاه سنگی به وسیله عاملین کاشت، برداشته شوند، اما در اثر غفلت و بی‌دقتی این عمل به خوبی انجام نشد و لذا سه دستگاه تانک‌های «ام - ۴۷» گروهان تانک تیپ ۸۴ خرم‌آباد بر روی این مین‌ها رفته و آسیب دیدند.

۵- ابلاغ بی‌موقع مأموریت جدید (محور سومار - میان‌تنگ) به فرمانده تیپ ۱ زرهی از سوی لشکر.

تلفات و ضایعات نیروهای خودی

- ۱- شهادت فرمانده گروه رزمی ۲۱۷ تانک سرگرد زرهی ستاد محمدعلی عبیری و به اسارت درآمدن راننده همراهش استوار مرادزاده.
- ۲- آسیب دیدن سه دستگاه تانک ام ۴۷- تیپ ۸۴ خرم‌آباد در اثر برخورد با مین.
- ۳- به شهادت رسیدن ۴ نفر درجه‌دار و ۵ نفر سرباز.
- ۴- انهدام یک دستگاه تانک ام ۴۷- خودی به وسیله هلی‌کوپترهای دشمن (این تانک از همان تانک‌های آسیب‌دیده بود که در اثر برخورد با مین از حرکت بازایستاد و سپس به وسیله هلی‌کوپترهای عراقی هدف قرار گرفت و منهدم گردید).

نتایج حاصل از اجرای عملیات پاسگاه سنگی

- ۱- آزادسازی دشت لیک و دامنه ارتفاعات گچ و چگر و تنگ بینا که در واقع، گامی مؤثر در ایجاد شرایط لازم جهت اجرای عملیات خوارزم و تصرف میمک بود.
- ۲- ارتقای سطح روحیه و آموزش نیروهای خودی، جهت اجرای عملیات‌های آفندی گسترده‌تر علیه دشمن.
- ۳- تضعیف روحیه دشمن و وادار نمودن آن به اخذ آرایش پدافندی.
- ۴- انهدام تعدادی از تانک‌ها، نفربرها، خودروهای چرخ‌دار و تجهیزات سبک و سنگین دشمن.
- ۵- کشته و زخمی شدن شمار زیادی از نیروهای عراقی.
- ۶- اخذ غنائم فراوان از قبیل خودروهای چرخ‌دار و انواع جنگ‌افزارها از جمله یک دستگاه جیپ او آر روسی که که مورد استفاده فرمانده تیپ قرار گرفت.
- ۷- به اسارت گرفتن ۲۶ نفر از نیروهای دشمن که در واقع، جزء اولین اسرای جنگی عراق محسوب می‌شوند.
- ۸- استقرار نیروهای خودی در نقاط حساس و مواضع پدافندی مناسب در منطقه.
- ۹- کوتاه نمودن دست دشمن در استفاده از چاه‌های نفت و گاز قابل بهره‌برداری در منطقه تنگ‌بینا.

نتیجه‌گیری

۱- عوامل فیزیکی توان رزمی دشمن (یگان‌های مانوری، آتش‌های سازمانی، آتش‌های غیرسازمانی، سایر عناصر پشتیبانی و مهندسی، عناصر پشتیبانی خدمات رزمی) نسبت به نیروهای خودی برتری فاحش داشتند.

۲- شماری از عوامل غیرفیزیکی توان رزمی نیروهای خودی (رهبری، ایمان و اعتقاد، انگیزه، سنن و آداب ملی و مذهبی و حمیت قسمت) نسبت به نیروهای دشمن در برتری کامل قرار داشت، اما تعدادی دیگر از این عوامل (روحیه، انضباط و...) در نیروهای خودی به مراتب قوی‌تر از نیروهای دشمن بود.

۳- گروهی از عوامل برتری‌ساز رزمی (مانند کنترل و هماهنگی، آسیب‌پذیری و قبول خطر، عملیات اطلاعاتی، عملیات پوشش و فریب تاکتیکی) در نیروهای خودی قوی‌تر از نیروهای دشمن و تعداد دیگری از آنها (زمین، عملیات روانی، عملیات سد و ممانعت و محروم کردن و عملیات جنگ‌های الکترونیک) در نیروهای دشمن برتر از نیروهای خودی بود. همچنین وضعیت جوّی برای طرفین درگیر تقریباً یکسان به نظر می‌آمد.

بنابراین، می‌توان علل پیروزی نیروهای خودی در این عملیات را «ایمان و انگیزه قوی، فرماندهی و رهبری کارآمد، شناخت کافی و دقیق از وضعیت منطقه و بهره‌گیری از رعایت اصل غافلگیری» و همچنین سهل‌انگاری دشمن در توجه به «اصل تأمین» برشمرد، زیرا در سایر مواردی که قبلاً ذکر گردید، برتری نیروهای دشمن نسبت به نیروهای خودی کاملاً محسوس بود.

پیوست ۲

خاطرات تعدادی از رزمندگان شرکت کننده در عملیات میمک

توضیح: خاطرات ارائه شده در این پیوست، توسط سرتیپ ۲ منوچهر صابریان در دهه سوم دی ماه سال ۱۳۸۰ به نمایندگی از هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» با همکاری لشکر ۸۱ زرهی و نیز سوابق موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ جمع آوری گردیده است. قابل ذکر است که درجات مصاحبه کنندگان مربوط به دی ماه ۱۳۸۰ می باشد. در زمان عملیات درجات پایین تر داشتند که در متن مصاحبه به بعضی از آنها اشاره شده است. «ویراستار، سرتیپ ۲ صادقی گویا»

ستوان سوم زرهی فریدون حیدری، جمعی گردان ۱۹۵ تیپ ۱ لشکر ۸۱

در تاریخ ۵۹/۶/۳۰، هنگامی که جنگ شروع شد، گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه در منطقه غرب کشور در مناطق عملیاتی ایلام با گردان ۲۱۷ تانک مستقر شده بودند. در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۹، جهت فتح ارتفاعات میمک که در دست دشمن بود دو گروه رزمی تشکیل داده شد که گروهان دوم گردان ۱۹۵ با ۲ گروهان تانک از گردان ۲۱۷ یک گروه رزمی و گروه رزمی دیگر گروهان یکم و سوم گردان ۱۹۵ با یک گروهان ۲۱۷ تانک تشکیل دادند. در آن عملیات، درجه اینجانب گروهان دوم و سمت توپچی نفربر داشتم. در مورخه ۵۹/۱۰/۱۹ رأس ساعت ۵ صبح به ما ابلاغ شد که جهت عملیات آماده باشید. ساعت ۰۶۰۰ حرکت کردیم و ساعاتی بعد بدون تلفات میمک به تصرف نیروهای اسلام درآمد. در حدود ساعت ۴ بعدازظهر بود که تعداد ۱۵ دستگاه تانک و ۸ دستگاه خودرو ۱۰۶ و ۳ دستگاه خودرو لندرو مقدار قابل توجهی سلاح سبک از نیروهای دشمن به غنیمت نیروهای خودی درآمد و در اولین ساعات عملیات ۳۵ نفر از پرسنل دشمن به اسارت نیروهای خودی درآمد. رأس ساعت ۴/۵ بعدازظهر خط دوم دشمن به تصرف نیروهای خودی درآمد که در داخل اسراء تعداد ۳ نفر زن بود. از اسرایی که به زبان محلی صحبت می کردند سوال شد که این زن ها اینجا چه می کنند و آنها در جواب گفتند جزء نیروهای کمکی هستند و در این منطقه به عنوان بی سیم چی از آنها استفاده می شود و ساعت ۶/۵ غروب بود که کلیه منطقه از قبل تعیین شده، به تصرف نیروهای خودی درآمد. روز بعد توسط نیروهای بعثی پاتک انجام گرفت که شکست خوردند و عقب نشینی کردند. در آن منطقه ۱۱ پاتک توسط نیروهای بعثی انجام گرفت که پاتک یازدهم به رهبری خود صدام حسین انجام گرفته بود و در تمام پاتک ها شکست خوردند.

خاطرات شیرین از مناطق عملیاتی میمک (خوارزم)

پس از تصرف نمودن ارتفاعات میمک یک قبضه پدافند ۴ لول از نیروی محلی عراقی بجا مانده بود من روی توپ پدافند رفتم در حالی مسلح نیز بود، ناگهان هواپیماهای دشمن در بالای سر نیروهای خودی آشکار شد که در همان حال نیز خودم که بالای پدافند بودم به طرف هواپیمای دشمن شلیک و شروع به تیراندازی نمودم که هواپیما عقب نشینی کرد. در عملیات میمک، بنده یک درجه ارشدیت گرفتم.

خاطرات تلخ

پس از تصرف ارتفاعات میمک روز دوم با تهیه آتش دشمن یک گلوله وسط سربازان که احتیاط ۱۳۵۶ بودند که همگی آنها اعزامی اصفهان بودند نه نفر آنها شهید و یک نفر زخمی بجا ماند که با مشاهده این صحنه بسیار ناراحت و غمگین شدم.

ستوان یکم عبدالعلی جعفری

بنده در سال ۱۳۵۹ یعنی دی ماه آن سال در گردان ۱۲۳ گروهان سوم بوده و به عنوان یگان پدافند در تنگه معروف به تنگه مهران در کوه های لک و کوه سیاول یعنی سمت راست تنگه مشغول پدافند از آن منطقه بودیم. آن موقع گروهان یکم بودم، توسط فرمانده گروهان به نام ستوان ۳ گودرزی به بنده که در خط بودم اطلاع داده شد که شما بایستی به عنوان خدمه نفربر و همچنین به عنوان سرپرست نفربرهای پی ام پی ۱ در عملیات میمک که در روزهای آتی شروع می شود شرکت کنید. بنده نیز خوشحال شده و با کمال میل پذیرفته و فوراً به بنه گروهان که در نزدیکی روستایی به نام گُلان بود برگشته و با تعداد ۷ دستگاه نفربر پی ام پی ۱ که هر نفربر ۲ پرسنل دارد خدمه داشت و مجهز به توپ و موشک مالیوتکا و تیربار ۷/۶۲ میلی متری گرینوف بودند، در مورخه ۵۹/۱۰/۱۸ از گُلان به طرف میمک حرکت کرده و خود را به گردان ۲۲۲ تانک که در آن موقع به عنوان یگان پشتیبان گردان های ۱۹۵ و ۲۱۷ که یگان های تکور بودند، معرفی کردیم.

یک شب را در انتظار ماندیم و شب دوم یعنی ۵۹/۱۰/۲۰ نفربرهای ما را از گردان ۲۲۲ جدا ساخته و به یگان های عملیات کننده واگذار نمودند. ما همه حرکت کردیم و در ارتفاعات میمک یعنی سربالایی تیزی که شیب آن به ۶۰ درجه می رسید و دو طرف جاده پرتگاه و مین گذاری شده بود به طرف بالای میمک که در روبه روی دشت هلاله و پاسگاه نی خزر واقع است حرکت کردیم. در این حال ۲ دستگاه تانک ام-۶۰ گردان ۲۱۷ یک دستگاه روی مین رفته بود و یک دستگاه، شنی آن در رفته بود، جلوی حرکت نفربرها را سد نموده بودند تا اینکه لودری آوردند و جاده را بعد از مین روبی باز نموده و نفربرها را به حرکت درآوردیم. یک درجه دار به نام شیرین زاده در آن موقع مخابرات چی گردان ۲۱۷ تانک بود. خود را به ما معرفی نمود. اعلام داشت که شما پشت سر من جلو بیایید.

هفت دستگاه نفربر که بنده نفربر اول بودم و بقیه پشت سر به راه افتادیم و در یک منطقه پدافندی موضع گرفته و آماده عملیات بودیم تا اینکه صبح روز ۵۹/۱۰/۲۱ بود به ما دستور

دادند که شما نفربرها را از موضع درآورده و به جلو حرکت کنید. تعداد یکصد نفر کماندو عراق از قصرشیرین به میمک آمده تا پاتک زده و منطقه اشغال شده را پس بگیرند. ناگفته نماند این عملیات اسمش عملیات خوارزم بود. به علت اینکه فرمانده عملیات خودی سرگرد خوارزمی بود، اسم عملیات را خوارزم گذاشته بود. علاوه بر گردان ۱۹۵ پیاده و گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱ و یک واحد تازه تأسیس به نام گردان ۷ سماجا در آنجا شرکت داشتند. خلاصه ما را به قصد مقابله با نیروهای پاتک کننده دشمن حرکت دادند و به داخل نیروهای پاتک کننده عراق که همگی پیاده بودند یورش بردیم. نیروهای دشمن که حرکت نفربرها را مشاهده کردند پا به فرار گذاشتند. آنان اسلحه‌ها را روی دوش گذاشته و لوله آن رو به عقب و دست روی ماشه و بعد پشت سر خود به حالت سراسیمه و وحشت زده تیراندازی نموده و در عین حال رو به خاک عراق فرار می کردند. ما نفربرها را در یک خط چیده و خدمه‌ها با سلاح نفربر و سلاح‌های انفرادی آنان را به رگبار بسته و همه را نابود کردند. روز دوم و سوم عملیات به این صورت گذشت.

روز چهارم یعنی مورخه ۵۹/۱۰/۲۲، باز نیروهای شکست خورده دشمن قصد پاتک داشتند. بنده به دستور فرمانده عملیات، همراه یک دستگاه نفربر پی‌ام‌پی ۱ و توپچی آن که گروهان ۲ محمود حسین زاده بود و همراه ۹ نفر پیاده به سرپرستی گروهان ۲ احمد، جمعی گردان ۱۹۵ جهت استراق سمع و کسب خبر از نیروهای دشمن و گزارش آن به نیروی خودی و فرمانده عملیات، حدود ۳۰۰ متر جلوتر از نیروهای خودی در کنار تپه‌ای جای گرفتیم و در این محل یک دستگاه لودر عراقی را زده بودند که جنازه راننده اش نیز در کنار لودر به جای مانده بود. سربازان خودمان مقداری وحشت کردند. شب ساعت ۱۲ به بعد بود، یعنی شب ۵۹/۱۰/۲۲ در شیاری پایین تر از محلی که بنده و نفرات پیاده مستقر بودیم، یک دستگاه تانک دشمن منهدم شده بود و جلو راه ورود تانک‌های دشمن را جهت عملیات‌های بعدی سد کرده بود، شب عراقی‌ها جهت برداشتن تانک و باز کردن راه آمدند. بنده به فرمانده عملیات، جناب سرگرد خوارزمی، اطلاع دادم که دارند تانک را کنار می زنند. ایشان ضمن تشکر به نیروهای خودی دستور داده بود که به سراغ آنها بروند و آنها را منهدم کنند و نگذارند که جاده باز شود. در این حین، یک دستگاه خودرو حامل خمپاره ۱۲۰ در وسط نیروهای خودی توسط سلاح‌های منحنی زن دشمن مورد اصابت قرار گرفته بود و در شعله می سوخت. بنده با فرمانده عملیات تماس گرفتم و ایشان گفت نگران نباشید، هیچی نیست و به ما روحیه می داد.

صبح روز ۵۹/۱۰/۲۲ نفربر مرا دیده بان عراق پیدا کرده بود و قصد داشت خمپاره آن را مورد اصابت قرار دهد. در این حین، خمپاره ای داخل نفرات پیاده خورد و چند نفر شهید شدند. نفرات پیاده به عقب آمده و به نیروهای خودی ملحق و شهدا را نیز تخلیه کردند. فرمانده عملیات به بنده دستور داد که نفربر را به عقب بیاورم. آن را در داخل شیاری قرار دادم که از دید عراقی ها خارج بود.

در ساعت ۹ صبح، تعدادی از نفرات عراق مجدد قصد پاتک را داشتند، که با مقاومت رزمندگان و شجاعت خدمه های نفربر، آن پاتک نیز خنثی شد و عراقی ها عقب نشینی کردند. آن روز تعداد ۱۲۰ گلوله توپ ۷۳ میلی متری با نفربر بنده توسط توپچی تیراندازی شد و بیش از ۳۰۰ گلوله با تیربار گرینوف تیراندازی کردند. به قصد بارگیری مجدد به محل گلوله هایی که به صورت درهم ریخته بودند به عقب حرکت کردم. جناب سروان پاکزاد جلو مرا گرفت و گفت کجا می روید؟ گفتم گلوله ندارم و بایستی بروم بارگیری نمایم. پس از تشکر ایشان، مجدداً بارگیری نموده و این دفعه جلوتر از بقیه نفربرها که در خط بودند و انتظار پاتک دشمن را می کشیدند قرار گرفتم.

حدود ساعت ۲ بعد از ظهر مورخه ۵۹/۱۰/۲۲ بود که تعداد ۱۲ دستگاه تانک عراق از طریق جاده اصلی پاسگاه نی خزر قصد پاتک داشتند. دو دستگاه در داخل موضع تیراندازی می کرد و بقیه زیر آتش دو دستگاه به جلو حرکت می کردند، به اصطلاح ارتش با آتش و مانور پیشروی می نمود. چون برد توپ نفربر پی ام پی ۱۳۰۰ متر بود، آنها در ۲ کیلومتری و بیشتر بودند لذا توپ نفربر به آنها نمی رسید. یک دستگاه تانک که فرمانده آن آقای مرندي بود، در داخل موضع با آنها مقابله می کرد که توسط موشک مالیوتکا دشمن از نوع چمدانی مورد اصابت قرار گرفته و منهدم گردید. فقط نفربرها با تیربار گرینوف با آنها مقابله می کردند. درخواست هلی کوپتر شد و در آن حین هلی کوپتر کبری رسید و ۲ دستگاه تانک آنها را بمباران کرد. بقیه افراد دشمن تانک ها را رها کرده و فرار نمودند. خدمه های نفربر و تانکی که بعداً به جلو آمده بودند، یک خیز به جلو حرکت کرده و آنها را منهدم نمودند و تعدادی را به غنیمت گرفتند.

روز ۵۹/۱۰/۲۳ به بعد منطقه تثبیت شد و شاید اولین عملیاتی بود که پیروزی رزمندگان ارتش را به همراه داشت. در این عملیات، تعدادی از نیروهای مردمی، از دو ایل بزرگ استان ایلام یعنی ایل خزل و ایل ملک شاهی^۱ شرکت داشتند. جالب آنکه یکی از آنها مردی کوتاه قد

۱. ایل ملک شاهی در ۷ پایگاه در مهران و در حال پدافند بودند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

بود و موی جوگندمی داشت اعلام کرد که بنده خوشم از تفنگ کلاش نمی‌آید، فقط با ژ ۳ تیراندازی می‌کنم. تفنگ کلاش مثل جوالدوز آدم را سوراخ می‌کند، اما ژ ۳ به هرکجا بخورد آن را متلاشی می‌کند.

یک هفته بعد، من را به تنگ تاریکه بین میمک و کانی سخت و شورشیرین که پاسگاه انجیره ایران و پاسگاه الشهداء عراق در آن واقع است، به مأموریت فرستادند و با تعداد ۸ دستگاه تانک از گردان ۲۲۲ و یک دستگاه نفربر بنده، جمعاً ۹ دستگاه خودرو زرهی و تعداد حدود ۶۰ نفر واحدهای پیاده روبه‌روی یک لشکر عراق پدافند نمودیم. ما فکر نمی‌کردیم که با یک لشکر زرهی دشمن روبه‌رو هستیم تا اینکه یک روز دیده‌بان گزارش داد که ۲ نفر از طرف نیروهای دشمن به طرف نیروهای خودی در حرکت هستند. بنده همراه توپچی نفربر و گروه‌بان گروهان تانک به نام استوار معصومی به جلو اعزام شده و در بین راه توپچی اقدام به تیراندازی تیربار نمود که آنان وحشت کرده و هر دو نفر در داخل شیاری به حالت درازکش خوابیده بودند که آنان را اسیر و تحویل نیروهای خودی دادیم و توسط سرکار استواریکم شهید حشمت‌اله شیخی به پشت جبهه منتقل شدند.

ستوان دوم قاسم فتاحی نیا جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱

قبل از عملیات گفتند که به وضع ارابه ما رسیدگی شود، از قبیل: مهمات، بی‌سیم و کلیه کارهایی که مربوط به ارابه می‌شود انجام دهید. ما هم به اتفاق خدمه کارها انجام دادیم که روزی گفتند فردا ساعت ۰۶۰۰ صبح برای حمله آماده شوید. ما هم آماده شدیم. در مسیر راه ارابه یکی از نیروهای ما روی مین رفت و از ناحیه هرزه گرد و چرخ خورشید مورد اصابت قرار گرفت. بعد از چند قدم دیگر ارابه بعدی مورد اصابت مین دشمن قرار گرفت و از عملیات ساقط شد. ما هم که ارابه سوم بودیم از تنگ عبور کردیم. این تنگ به تنگه بینا معروف است. ما و بقیه ارابه‌ها و نفربرها به سمت راست میمک مستقر شدیم و آنجا مشغول تیراندازی شدیم. در این حین، یک گلوله خمپاره به سنگر ستوان پورشیبانی و سرباز بی‌سیم‌چی خورد که هر دو شهید شدند. فرمانده یک تانک دیگر به نام علی پیری که برای دیده‌بانی به جلو رفته بود، مورد اصابت گلوله کالیبر کوچک قرار و شهید شد. چندی نگذشت که گفتند ارابه مذکور بیاید برود کله‌قندی. ما هم با خدمه مربوطه به سمت مسیر رفتیم. در سهراهی میمک که خمپاره‌اندازهایی آنجا مستقر شده بودند، ارابه دیگری مورد اصابت آرپی‌جی ۷ قرار گرفت و

ساقط شد. ما با تانک و پیاده‌ها به کله‌قندی میمک دست یافتیم. حتی خود عراقی‌ها قدم به قدم عقب‌نشینی می‌کردند. آنها دفاع از خاکی که متعلق به آنها نبود دفاع می‌کردند. ما از سنگر و یا وسایل دیگری که برای حفظ جان خود باید می‌داشتیم نداشتیم و آنها را از معرکه نبرد بیرون راندیم. تانک‌ها و نفربرهای ما مورد اصابت گلوله‌های تانک دشمن قرار گرفتند. هلی‌کوپترهای دشمن ما را رها نمی‌کردند. با تلاش برادران نظامی بعد از چند روز دشمن را از میمک بیرون راندند و عملیات و به دست نیروهای پرتوان اسلام پیروز شد.

ستوان دوم خیرالله شکری جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ ل ۸۱ زرهی کرمانشاه

در تاریخ ۱۹/۱۰/۵۹ رأس ساعت ۵ بامداد از طرف مقامات رده بالاتر به ما ابلاغ گردید که عملیات باید آغاز گردد. ما هم از منطقه سه کوران که ارتفاعاتی پایین‌تر از منطقه مورد نظر بود شروع کردیم و تا حدود ساعت ۹ صبح همان روز با مقاومت نیروهای بعثی دشمن درگیر بودیم و نتوانستیم موفق شویم. از طرفی تعدادی از نیروهای خودی همراه با تعدادی از عشایر ایل خزل بودند که آنان هم به حق، در این مورد کوشش زیادی کردند. صبح ساعت ۰۴۳۰ به پشت دشمن رفته بودند که از پشت ضربه وارد کنند. وقتی افراد دشمن متوجه شدند که از پشت هم حمله شده، شروع به عقب‌نشینی کردند و ما موفق شدیم که منطقه را بگیریم.

در آن زمان من گروهان دوم بودم در سمت توپچی تانک بودم. همان شب، چون بچه‌های یگان خیلی خسته بودند، فرمانده گروهان، ستوان دوم عبدالعلی پاکزاد، دستور داد که تانک‌ها را در شیار بغل‌دستی جمع کنید تا بتوانیم امنیت آنها را برقرار کنیم. شب حدود ساعت بعد نیمه شب بود که سرگرد خوارزمی به من دستور داد برو به بچه‌های یگان ابلاغ کن که مواظب باشند. وقتی رفتم دیدم که کسی بیدار نیست و نم‌نم بارانی هم گرفته بود. شاید اگر این معجزه الهی نبود همه ما از بین رفته بودیم. چون در طول این مدت عراق تعداد ۵۰۰ نفر کماندو از طرف قصرشیرین به منطقه میمک آورده بود، تا منطقه را که از نظر استراتژیک خیلی مهم بود پس بگیرند. آنان در دره‌های پایین‌تر از ما کمین کرده بودند که صبح زود به ما حمله کنند و منطقه را پس بگیرند. آن شب از طرف خداوند باران شدیدی گرفت به حدی که سیل وحشتناکی در منطقه و داخل شیارها جاری گردید. تمام کماندوها دچار وحشت شده بودند، تعدادی را آب برده بود و تعدادی هم فراری شدند. آنان که اسیر شدند خودشان این حرف‌ها را برای من تعریف کردند و گفتند صدام خودش فرماندهی را به عهده گرفته بود. معجزه دیگر

خدا در منطقه عملیاتی که من به عینه دیدم موشکی بود که به تانک خودم به نام خوارزم که بنده هم توپچی آن بودم اصابت کرد و حدود ۲۰ سانتی متر در زره تانک نفوذ کرد و تلفاتی وارد نشد. این تانک فوق هنوز هم در خدمت ارتش جمهوری اسلامی ایران است. در این عملیات ما چندین نفر شهید دادیم، از جمله خلبان شهید شمشادیان^۱ از هوانیروز کرمانشاه، شهید گروهان یکم سرور احمدی، ستوان دوم محمدی، شهید پورشیانی، شهید ستوان دوم عسکری، شهید ستوان دوم خوش نویسان و شهید اسحاق از ایل خزل ایلام و دیگر شهدایی که اسامی آنان را به خاطر ندارم. این عملیات در سطح ارتش جمهوری اسلامی ایران، اولین عملیات بود که با موفقیت انجام گرفت. مدت ۷ شبانه روز عراق پاتک انجام داد و موفق نشد.

سرگرد زرهی عزیز مرادیان جمعی تیپ ۴ پیاده مکانیزه لشکر ۸۱

اینجانب در زمان عملیات خوارزم با درجه گروهان دومی در گروهان سوم گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱ خدمت می کردم. از چند روز قبل از عملیات به ما آمادگی دادند، اما ساعت یا تاریخ دقیق عملیات را نگفتند. سرانجام، عملیات از ساعت ۶ بامداد روز ۵۹/۱۰/۱۹ شروع شد و ما همان شب تا پشت ارتفاعات میمک جنوبی از سرنی حرکت را شروع و از گذار خوش گذشته و در سمت چپ و پشت ارتفاعات میمک جنوبی مستقر شده بودیم. در ابتدای تنها راه ورودی و گلوگاه میمک قرار گرفته بودیم که اگر عراقی ها غافلگیر نمی شدند، می توانستند با یک یا دو دستگاه تانک آن گذرگاه اجباری را ببندند، ولی با استفاده از تاریکی شب و با استفاده از همکاری عناصری از ایل خزل و عناصری از گردان ۱۹۵ پیاده و دسته دیده ور گردان، فرصت کنترل بر این گلوگاه را از آنها گرفتیم. تا عراقی ها به خود آمدند، ما از همان تنها راه اجباری به ارتفاع جنوبی میمک صعود کرده و وارد مرحله آسان تر عملیات شده بودیم.

آتش توپخانه عراق طوری بود که دو متر به دو متر ارتفاعات را می زد و هواپیماهایش به علت غافلگیری، گاهی واحدهای خودشان را بمباران و گاهی واحدهای ما را می زدند. در ابتدای صعود تانک های رده مقدم عراق شروع به عقب نشینی کردند و هلی کوپترهای عراق وارد عمل

۱. سروان خلبان شهید یحیی شمشادیان، خلبانی شجاع، دلاور و ترس بود. او در کارش مهارت خوبی داشت و چون عقابی تیزچنگ به دشمن حمله می کرد. علاوه بر آن با سایر سلاح های ضدتانک زمینی در ارتباط بود. در زدن تانک های دشمن هماهنگی می نمود. هرگونه فعالیت های دشمن و محل او را به یگان ها اطلاع می داد. خاطرات بسیار ارزنده ای از ایشان باقی مانده است. نقش او در پیروزی میمک بسیار مؤثر بود. او خلبانی کم نظیر بود. وی در مهرماه ۱۳۶۱ در عملیات مسلم ابن عقیل در منطقه سومار به شهادت رسید. یادش گرامی باد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

شدند که با استفاده از شیارها و تپه‌های موجود، ابتدا تعدادی از نفرات ما را به رگبار راکت بستند. اما در همان روز اول دو فروند از این هلی کوپترها توسط تانک‌های گردان ۲۱۷ منهدم شد. به همین دلیل فعالیت هلی کوپترها هم محدود شد.

روز دوم و سوم بنا به اظهار اسرایی که از عراقی‌ها گرفتیم، گفتند شخص صدام حسین آمده، فرمانده عملیات شده و تأکید دارد که حتماً بایستی میمک را پس بگیرید. اما فرمانده گردان ما سرگرد خوارزمی که خدا هرکجا هست عمر و عزتش را زیاد کند، طوری عملیات را رهبری کرد که در همان سه روز اول، ما تصرف هدف‌ها را کامل کردیم و به تحکیم هدف و مواضع پرداختیم. اما پاتک‌های عراق ادامه داشت.

در روز دوم عملیات فرمانده گروهان سوم که ما در آن حضور داشتیم، شهید رضا قنبری بود که به واسطه مجروحیت قبلی در روز اول عملیات حضور نداشت و در روز دوم به یگان آمد و از اینکه روز اول را نبوده ناراحت بود. یکی از دیدگاه‌های عراق سنگر بتون آرمه‌ای محکمی داشت که هرچه گلوله توپ به آن می‌زدیم منهدم نمی‌شد. سروان شهید رضا قنبری^۱ گفت من باید بروم این دیدگاه را از نزدیک منهدم کنم یا آنها را اسیر کرده اینجا بیاورم. با ۱۱ نفر داوطلب از گروهان به طرف ارتفاعات قاطر سوخته که دیدگاه مذکور در آنجا بود حرکت کرد و مرتباً با ما تماس می‌گرفت. چون شب حرکت کردند تا صبح روز سوم به نزدیک دیدگاه رسیده بودند و با آرپی جی دیدگاه را زدند و نفرات آن را کشتند و تماس گرفتند ما مأموریتمان را انجام داده‌ایم ولی در محاصره هستیم، ما را حمایت کنید و ما هم به پشتیبانی آنها پرداختیم. اما متأسفانه همه آنان شهید شدند و هیچ کدام به یگان مراجعت نمودند. بعد از او ستوان یکم یدالله عسکری معاون گروهان قبلی فرمانده گروهان ما شد. با انسجامی که در گروهان بود و شور و عشق میهن دوستی که در بین پرسنل حاصل شده بود، تمام مأموریت محوله را با کمترین امکانات به نحو احسن انجام دادیم، به طوری که اگر یکی تانکش نقص فنی پیدا می‌کرد، یا بر اثر اصابت ترکش توپ یا موشک مشکلی در حرکتش ایجاد می‌شد، داوطلبانه اسلحه پیاده نظام می‌گرفتند و با واحدهای پیاده عمل می‌کردند.

۱. رضا قنبری فرمانده گروهان تانک گردان ۲۱۷ در روزهای آغازین هجوم دشمن به سومار، با شجاعت بی نظیری با دشمن مقابله نمود و مجروح شد. ایشان در شروع عملیات میمک، دوره نقاهت مجروحیت را طی می‌کرد که با شنیدن آغاز عملیات میمک، سراسیمه خود را به گردان ۲۱۷ می‌رساند و در این عملیات شرکت می‌کند. سرانجام ایشان به دلیل تهوّر و بی‌باکی‌اش در جنگ، در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۵۹ به فیض شهادت نائل می‌گردد. روحش شاد و یادش گرامی باد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

خود من که در روز سوم عملیات به واسطه اصابت یک موشک سبک به عقب تانک که کارایی تقریبی خود را از دست داده بود و دیگر برای بالا رفتن از ارتفاع کشش نداشت، فرمانده گروهان ما را مأمور به نگهبانی هلی کوپترهای عراقی کرد و گفت هرگاه از ارتفاع قاطر سوخته هلی کوپتری بالا آمد برای آن دو سه گلوله شلیک کن و مرا موقتاً تیرانداز تانک کرد. من چند ساعتی این مأموریت را انجام داده و هرگاه هلی کوپترها که معمولاً چهارتا چهارتا می آمدند از پشت ارتفاعات بالا می آمدند، من با استفاده از گلوله ثاقب تانک به طرف آنها شلیک می کردم. چون در روز اول عملیات دوتای آن با توپ تانک های ما منهدم شده بودند، تا رنگ قرمز گلوله های ثاقب را می دیدند مراجعت به عقب می کردند. تا اینکه یکی از آنها عبور کرد و در دشت نی خزر به زمین نشست. احتمالاً حامل فرماندهان عملیات بود. تا به زمین نشست فوراً تانک ها دسته جمعی به طرفش شلیک کردند و آن را هم منهدم کردند. این سومین هلی کوپتری بود که در عملیات خوارزم منهدم شد.

یک بار در روز سوم، عراق با استفاده از یک رودخانه خشک تعدادی تانک را عبور داده و تقریباً یگان ما را در محاصره قرار داده بودند، هنوز کاملاً به پشت سر ما نرسیده بودند که خبر نفوذ آنها به ما رسید. سرگرد خوارزمی به گروهان ما دستور داده هر طور شده بایستی با اعزام شکارچیان تانک از پیشروی آنان و تکمیل محاصره جلوگیری نمایند. گروهان یک گروه شکارچی تانک داشت که از سربازان منقضی خدمت سال ۵۶ که به خدمت احتیاط فراخوانی شده بودند تشکیل شده بود. فرمانده گروه آنان گروهان ۲ اسدی نام داشت. ایشان به عمق جبهه اعزام شده و با استفاده از عوارض زمین، تانک های عقبی ستون عراقی ها منهدم کردند. چند تانک جلو ستون هم توسط ستوان میری فرمانده یکی از تانک های گردان منهدم شد. چون رودخانه تنگ بود و جای دور زدن نداشت، مابقی تانک های دشمن بین این دو قسمت منهدم شده ماندند و نتوانستند جلو یا عقب بروند. خدمه های آنها فرار کردند که تعدادی از آنان با رگبار تانک ها به زمین افتادند و تعداد کمی دررفتند. فرمانده گروهان ما ستوان یدالله عسکری بود که او دو سال بعد به قافله شهدا پیوست، با همکاری خلبانان شجاع هوانیروز مانند شمشادیان هر نقطه ای را که عراقی ها اندک مقاومتی می کردند ساقط می کردند. مرتب با این خلبان شجاع به نام مخفف شمشاد ارتباط بی سیمی داشت و می گفت، فلان دیدگاه در روی ارتفاع قاطر سوخته روی ما دید دارد. شمشاد و همزمان خلبانش، در میان انبوه آتش های ضد هوایی عراق که خدا می داند چقدر پر حجم بود، می رفتند دیدگاه یا مواضع

موشک های سبک یا تانک را با آدرسی که ستوان عسکری فرمانده گروهان می داد، می یافتند و منهدم می کردند. در موقع رفتن و برگشتن به اندازه ای بر آنها آتش می باریدند که ما امید بر بازگشت سالم آنها نداشتیم. اما با چالاکی تمام از تمام آتش های عراق سالم بیرون می آمدند، تا اینکه در ۶۱/۷/۱۵، در عملیات مسلم بن عقیل، شمشادیان در منطقه سومار شهید شد. فرمانده گروهان یکم گردان ما ستوان یکم پاکزاد که خدا او را عمر دهد، با اینکه یگان احتیاط بود، اما همان روز وارد عمل شد و خود پیاده یک اسلحه کلاش عراقی ها را به دست گرفته و عملیات یگانش را رهبری می کرد.

از شهدای عملیات میمک که همه آنها فعلاً در ذهنم نیست، سروان رضا قنبری با ۱۱ نفر همراهانش، ستوان عباس خنجری فرمانده تانک، جانفشانی های زیادی کردند. من که چند ساعت مأمور جلوگیری از نفوذ هلی کوپترها شده بودم با فرمانده گروهان هماهنگی کردم و سرباز وظیفه مرتضی کلیشائی را که فشنگ گذار تانک و سرباز با استعدادی بود، مختصراً آموزش تیراندازی دادم و او را به جای خودم برای نگهبانی هلی کوپترها گذاشتم و اسلحه ژ ۳ او را برداشتم و به کسانی که به طور پیاده می جنگیدند پیوستم. سه روز اول جنگ شدیدترین مراحل جنگ بود. به طوری که به واسطه مشغله و درگیری، هیچ کس به یاد غذا خوردن نمی افتاد و تا صبح می شد، هنوز فرصت غذایی پیدا نمی کردیم. شب می شد و روزها به اندازه ای به نظرم کوتاه شده بود که آدم فکر می کرد دو ساعت بیشتر نیست. چنان شور و شوقی در میان پرسنل گردان بود که رقابت می کردند که جلوتر بیفتند.

بعد از سه روز، تحکیم هدف کامل شد و عراق تا یک ماه تمام به پاتک هایش ادامه داد. در این یک ماه به طور شبانه روزی داخل تانک بودیم و هرکدام در روی صندلی ها و جای مربوط به خودمان به نوبت شب ها روی بر جک فرماندهی نگهبانی می دادیم و به نوبت در روی صندلی ها می خوابیدیم. یک ماه بعد عملیات عراق فروکش کرد و به ما دستور دادند با استفاده از مصالح موجود و مصالح به جامانده از عراقی ها سنگر بسازیم و شب ها را در سنگر استراحت کنیم، که این آسان ترین مرحله جنگ بود.

عملیات خوارزم اولین عملیات موفقیت آمیز ارتش بعد از شروع جنگ تحمیلی بود و در واقع روحیه سلحشوری را بعد از اینکه عراق از ابتدای جنگ قسمت هایی از خاک میهن اسلامی را تصرف کرد در میان پرسنل زنده نمود و بعد از آن عملیات های موفقیت آمیز دیگری به وقوع پیوست که در واقع طلایه دار آنان همین عملیات خوارزم بود. عراقی ها در این عملیات تلفات

انسانی زیادی داده و چندین هزار کشته و زخمی و ۶۰ دستگاه تانک عراقی منهدم شد و ۲۷ دستگاه به غنیمت گرفته شد و خودروهای زیادی سوختند و تعداد زیادی اسیر دادند که بیشتر اسرای آنان از نیروهای مخصوص و کوماندوهای عراقی بود که در شب دوم عملیات از جبهه‌های قصرشیرین و سایر جبهه‌های کوهستانی جمع‌آوری شده بودند. بنا به اظهار اسیرانی که از آنان گرفتیم، گفتند دیشب ما از قصرشیرین و نفت‌شهر حرکت کردیم و مأموریت داشتیم شبانه همگی شما را در خواب بگیریم و سر ببریم، ولی موفق نشدیم.

از جمله عناصری که در عملیات خوارزم شرکت داشتند در محور میمک جنوبی بود، عناصری از ایل خزل بود که به ارتش مأمور شده بودند و یک گروهان از گردان ۱۹۵ پیاده نیز به گروه رزمی ۲۱۷ تانک مأمور شده بود. در روزهای سوم و چهارم یک گروهان از گردان ۲۲۲ تانک نیز به ما پیوستند. به نظر من که حداقل در چهار عملیات مستقیماً شرکت داشته‌ام، عملیات میمک (خوارزم) یکی از پر حجم‌ترین، منسجم‌ترین، موفق‌ترین و پر شورترین و سربلندترین عملیات نظامی ایران بود و هست. من در پایان همان عملیات چند بیت به همین منظور سروده‌ام که تقدیم می‌گردد به حضور مردم شهیدپرور ایران:

سربلندم به بلندی میمک مغرور	می‌خوانم این بیت بیعت با سرور
آزاده ایرانیم و می‌روم پای کوبان	تا مرز آزادگی، یا تا لب گور
میمک مبارک است در معافی عزیزا	بر ماست مبارک چشم دشمن کور
خاک میمک به خون خویش رنگین کنیم	خون ما پیروز است بر شمشیر زور
قول بلی داده‌ایم، بر عهد خویش ایستاده‌ایم	یثبت اقدامنا یا هوالغفور

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۸، دستور عملیاتی برای تصرف آزادسازی ارتفاعات میمک تحت نام عملیات خوارزم به یگان ما که یکی از یگان‌های لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه بودیم صادر شد. فرمانده گروهان، فرمانده دسته‌ها را احضار و چگونگی اجرای عملیات را به آنها اعلام و تجدید سازمان تانک‌ها را جهت آخرین هماهنگی تذکر داد. همان شب طی یک تلفنگرام، اولین درجه نظامی من و بقیه هم‌دوره‌هایم ابلاغ شد و به درجه گروهان‌دومی مفتخر شدیم. ابلاغ هیجان‌انگیز بود. اولین درجه هم‌زمان با اولین مأموریت آفندی ما را به جنب و جوش بیشتری دعوت می‌کرد. راستش خیلی هیجان‌زده بودم و از خدا می‌خواستم جزو یکی از خدمه تانک‌های تکور باشم. اما طبق تصمیم فرمانده گروهان و هماهنگی سرگروهان واحد، من جزو خدمه‌های رزرو قرار گرفتم.

صبح روز ۵۹/۱۰/۱۹ نتوانستم همراه یگان تک کننده به ارتفاعات میمک بروم، اما دست تقدیر آرزوی مرا برآورد. در باقیمانده یگان، چند مرتبه از سرگروهان عابدینی برای اعزام خودم جهت کمک به دیگر هم‌رزمان خواهش کردم و ایشان در جواب گفتند: عجله نکن نوبت تو هم می‌رسد. به محض اولین اعلام احتیاج به خدمه تانک تو را اعزام می‌کنم. تعدادی که در باقی مانده بودیم همگی دور بی سیم مخابرات پیام‌های منطقه را می‌شنیدیم. پیام‌های بی سیم اکثر حاکی از موفقیت و فتح ارتفاعات میمک بود. از طرفی، خبر شهادت تعدادی از هم‌زمانان بر هیجان من می‌افزود و آرزو می‌کردم هر چه زودتر من را به منطقه اعزام کنند. هلی کوپترهای کبری پشت سر هم از منطقه به باقیمانده و بالعکس در پرواز بودند و مأموریت جنگی انجام می‌دادند. پیام‌هایی از بی سیم رابط هوایی با خلبان شهید شمشادیان که فرمانده دیگر هلی کوپترهای جنگی بود، برای نشان دادن و انهدام هدف‌ها مرتباً جریان داشت. هدف‌هایی که انهدام فوری آنها لزوم داشت و مانعی برای پیشروی واحدهای تانک ما بود. اکثراً از طرف ستوان یکم شهید یداله عسکری معاون گروهان ما و ستوان یکم پاکزاد و فرمانده گروهان یکم ما بود. محل سنگرهای تیربار و موشک اندازها را با استفاده از نقطه نشانی به هلی کوپترها می‌گفتند.

هنوز ساعت به ظهر روز ۵۹/۱۰/۱۹ نرسیده بود که پیامی از منطقه عملیات به این مضمون مخابره شد «جهت تخلیه تعدادی از تانک‌های عراقی به غنیمت گرفته شده به رده عقب به چند نفر خدمه تانک نیاز است، اعزام کنید.» این پیام من را خیلی خوشحال کرد. بلافاصله به سرگروهان مراجعه کردم و داوطلب شدم و ایشان موافقت کردند و من همراه چند نفر دیگر با جیب مخابرات برای اعزام به محل تانک‌ها آماده شدیم.

در همین هنگام، یک هلی کوپتر ۲۱۴ از منطقه درگیری به محل باقیمانده آمد و تعدادی مجروح جنگی آورده بود که از آن میان یکی از فرمانده تانک‌های گروهان به نام ابوالقاسم بنیادی و یکی از درجه‌داران گروهان یکم به نام علی کرم نظری را شناختم. کمک کردم از آن هلی کوپتر آنان را پیاده و بعد از یک پانسمان به هلی کوپتر دیگری جهت اعزام به ایلام منتقلشان کردیم. اولی از ناحیه چشم و دومی از ناحیه پا سخت مجروح بودند. بعد از تخلیه آنان ما چند نفر با جیب مخابرات به سوی منطقه جنگی حرکت و بعد از نیم ساعتی به اولین قله میمک رسیدیم. آنجا دو دستگاه از تانک‌های گردان ما توسط مین‌های ضد تانک متوقف شده و مانده بودند. یک تانک مربوط به گروهان یک ما بود که یکی از همدوره‌های خودم به اسم حسن زنگنه به عنوان خدمه پهلویش باقی مانده بود و دیگری به گروهان سوم که همدوره دیگرم به نام شهریار کریمی خدمه آن بود. بدیهی است جیب مخابرات از این محل بیشتر

نمی‌توانست جلو برود چون در دید مستقیم بود. عراقی‌ها که از محل توقف این دو تانک مطلع شده بودند، مرتباً دور و نزدیک آن را با گلوله توپ می‌کوبیدند و سعی می‌کردند به هر وسیله این دو تانک و خودروهای اطراف آنها را منهدم کنند.

جیب مخابرات راه جداگانه‌ای را خارج از مسیر محل مأموریت ما در پیش گرفت و ما برای گرفتن راهنمایی به محل دقیق تانک‌های خودی پیش حسن زنگنه ماندیم و بعد از ساعتی، با وجود مخالفت‌های دوستم زنگنه که نابلد نباید به جایی برویم، چون کسی پیدا نکردم که محل دقیق تانک‌ها را بداند و با توجه به اینکه تانک‌ها در حال پیشروی و از آن محل دور شده بودند هیچ‌کس محل دقیق آنها را نمی‌دانست، من پیاده و نابلد رو به منطقه درگیری در شیاری به راه افتادم. آتش توپخانه عراق به شدت بر روی این محل ادامه داشت و من با هر گلوله توپ چند لحظه روی زمین دراز می‌کشیدم و بعد از اینکه صدای برخورد ترکش‌ها را از اطرافم می‌شنیدم دوباره به راه ادامه می‌دادم. رو به سمت جلو گاهی می‌دویدم و گاهی راه می‌رفتم تا به جایی رسیدم که سنگرهای اطرافم همه دود می‌کردند و می‌سوختند. معلوم بود از درگیری این محل زیاد نگذشته‌اند، چون هنوز آتش سنگرها خاموش نشده بود. من امیدوار شدم که به زودی به تانک‌های خودی برسم.

بعد از چند دقیقه، یک بسیجی را دیدم که با لباس عراقی از داخل شیار از منطقه جلو به طرف من می‌آمد. من آن موقع خیال کردم عراقی است، چون لباس عراقی را به تن داشت. با توجه به اینکه من جمعی یگان تانک بودم و اسلحه سازمانی کلت داشتم، کلت را کشیدم و پشت سنگی سنگر گرفتم و به خیال عراقی بودن به او فرمان توقف و تسلیم دادم، او هم که از صدای من فهمیده بود عراقی نیستم، با صدای بلندی و با زبان محلی (ملک‌شاهی ایلام) گفت برادر خودی هستم تیراندازی نکن. من گفتم پس چرا لباس عراقی پوشیده‌ای؟ گفت لباس‌های خودم خونی و کثیف شده بود و ناچار بودم برای نماز خواندن لباس تمیزی بپوشم. داخل سنگرهایی که فتح کردیم، تعدادی در خواب گرفتیم که هنوز لباسشان را نپوشیده بودند. من یک دست از آن لباس‌ها را پوشیدم. من خندیدم و به او خسته نباشید و دستت درد نکند گفتم. پرسیدم: حالا کجا می‌روی نمی‌گویی با این لباس‌ها بالآخره یکی به من تیراندازی می‌کند؟ گفت: نگران نباش، یکی از محل‌های استقرار ما همین نزدیکی‌هاست، لباس را که عوض کردم برمی‌گردم و از من خداحافظی کرد. حالا دیگر نزدیک غروب شده بود، از پشت سر از برادر بسیجی پرسیدم تانک‌های ارتشی کجا هستند؟ گفت: خیلی جلوتر. گفتم: تانک‌های عراقی که غنیمت گرفته شده کجا هستند؟ گفت هواپیمای عراق آنها را بمباران و همه منهدم

شدند. از این خبر ناراحت شدم. از اینکه موفق نشدیم که آنها را تخلیه کنیم. به فکر افتادم که چطور می شود به گروهان ۳ بروم. دانستم حالا که چند نفر مجروح شده حتماً به خدمه تانک هم نیاز دارند. اما محل آنها را بلد نبودم. با توجه به اطلاعات بسیجی که می گفت خیلی جلو هستند ناچار شدم پیش دو تا تانک که ابتدای میمک بود برگردم تا فرصتی و یا بلدی پیدا کنم. تا پیش تانک ها که آمدم کاملاً شب شده بود و دوستم زنگنه از اینکه سالم برگشتم خوشحال شد. اندک غذایی که داشتند با هم خوردیم و آن شب را پیش آنها ماندم.

صبح روز بعد، یک ماشین تانکر آب از رده عقب آمد و برای پرسنل آب آورده بود و من از این فرصت استفاده و با خوشحالی به راننده گفتم که مرا به محل جدید تانک های خودی ببرد. او قبول کرد و گفت اگر بتوانیم آنها را پیدا کنیم، شانس آورده اند. چون شدیداً به آب نیاز دارند و به راه افتادیم. بعد از ساعتی از داخل شیارها با هر زحمتی بود محل تانک ها را پیدا کردیم و من هم به دیگر همزمان ملحق شدم. چون ۲۴ ساعت دیرتر از آنها در درگیری شرکت می کردم، خودم را مدیون دانستم و فوراً پیش ستوان شهید عسکری رفتم و تقاضا کردم من را جهت خدمه یکی از تانک ها اختصاص دهد. ایشان قبول کردند و من خدمه تانکی شدم که فرمانده آن ستوانیار حسنی یک نظامی بسیار مجرب و متین بود. یکی از دوستان همدوره من هم به اسم شیخ مراد درویشی نیز خدمه تانک او بود. من از آقای درویشی خواستم که فوراً تجربه ها و سرعت عمل های جدیدی که در عرض این ۲۴ ساعت یاد گرفته به من بیاموزد. او من را ابتدا به گلوله گذاری واداشت. چون در یادگیری عجله داشتم، دستگیره گاو توپ را هنگام باز گذاشتن گاو بالا نبرده بودم در حین گلوله گذاری، دستگیره گاو ضربتی به دست من زد که نزدیک بود بشکند. به این ترتیب اولین تجربه عملی را در میدان جنگ کسب کردم و دیگر اشتباه نکردم.

درگیری آن روز با شدت بیشتری شروع شده بود. چون صدام حسین که میمک را از دست رفته می دید خودش بنا به اطلاعاتی که رسیده بود ۴۸ ساعت فرماندهی عملیات آنجا را به دست گرفته و سرسختانه تلاش می شد که میمک را باز پس بگیرند، اما هر چه بیشتر کوشیدند کمتر موفق می شدند. درگیری به حدی بود جای انفجار گلوله ها را توپ و خمپاره که نگاه می کردم هر دو متر فاصله یک گلوله خورده بود و رزمنده های یگان ما با شور و اشتیاق تمام می جنگیدند. در هر تانکی که خدمه ای مجروح می شد از تانک های دیگر که معمولاً هر کدام یک خدمه اضافه داشتند تأمین می شد.

از این محل که به تپه مهدی مشهور شد، به رودخانه خشکی که محل مهمات گیری تانک ها بود، هر کدام به نوبت به آن محل آمده و تجدید مهمات می کردند و به سنگرهای تپه مهدی

برمی گشتند. در همان محل، تانک ما مهمات گیری کرد و به سمت سنگر تپه مهدی حرکت کرد و من برای پر کردن کلمن آب به داخل شیار رفتم، تا برگشتم دیدم از طرف تپه اسحاق که سمت چپ و جلو ما بود، یک موشک به تانک ما زده اند که روی موتور تانک را شکافته و ۶ سیلندر از ۱۲ سیلندر تانک را از کار انداخته به طوری که تانک دیگر قادر به حرکت و بالا رفتن از تپه نبود. ناچار شدیم آن را از تپه پایین آورده یک نقطه کفی مسطح نگه داریم. با تصمیم فرمانده گروهان و فرمانده تانک، آن را جهت جلوگیری از حمله هلی کوپترها در آن محل قرار دادیم.

به من دستور دادند که هروقت هلی کوپتر از ارتفاعات روبه رو که به قاطر سوخته معروف بود، بالا آمدند چند گلوله رسام به طرف آنها شلیک کن و من نیز اطاعت کردم. من همیشه یک گلوله رسام آماده داخل گاو توپ داشتم و به محض اینکه هلی کوپترهای عراقی که معمولاً چهارتا کمتر نبودند ظاهر می شدند گلوله را به طرف آنها شلیک می کردم. آنان به واسطه رسام بودن، رنگ قرمز گلوله را می دیدند و در اکثر اوقات عقب می نشستند. چون در همین محل مدتی قبل توسط گلوله تانک استوار پورهاشمیان از گروهان یکم ما یک هلی کوپتر آنها را متلاشی شده بود و این برای آنان تجربه تلخی شده بود که از گلوله تانک ها حذر کنند.

روز بعد نیز یکی دیگر از همین هلی کوپترها با گلوله تانک یکی دیگر از رزمندگان گروهان یکم به اسم شهید کردی متلاشی شد. در همان روز مرحوم عباس خنجری فر از گروهان سوم شهید شد. شهدا زیاد بودند. قبل از این نیز بسیج عشایر ایل خزل و همراه ما تک کرده بودند که جا دارد از تک تک شهدای این دو واحد عزیز نیز یادی بکنیم. من اسم آنان را به خاطر ندارم و نمی شناختم، اما خدایشان آنان را خوب می شناخت و با شهادت انتخابشان می کرد. خدایشان رحمت کند که آنان نیز خود و خدا را خوب شناخته بودند.

در همین روز ۵۹/۱۰/۲۰ بود که من در حالی که نگهبانی هلی کوپترها را بر عهده داشتم، یک گلوله خمپاره روی قسمت عقب تانک اصابت کرد و قفل راهنمایی تانک را کند و زره هایی را که روز قبل به واسطه موشک منفجر شده بود، از روی سر من به چند قدمی جلوتر تانک پرت کرد اما به من آسیبی نرسید. تا این لحظه تانک ما ۵ مرتبه مورد اصابت قرار گرفته بود، سه مرتبه در روز اول حمله که من همراه آنها نبودم به زره تانک و سینه توپ آرپی جی خورده بود و به بالای برج خیلی نزدیک، خمپاره خورده بود که ستوان ۱ میر محمدی که تا آن روز اول حمله، فرمانده گروهان بود از ناحیه صورت زخمی و به بهداری اعزام شده بود و بعد از او معاون وی ستوان عسگری فرمانده گروهان شد.

در روز بیستم دی ماه، درگیری به حدی شدید بود که تپه مهدی چند مرتبه دست به دست شد. چون یک واحد تازه نفس به کمک ما آمده بود، تانک‌های ما برای تجدید سازمان به داخل رودخانه خشک آمدند و بعد از تجدید سازمان و مهمات‌گیری قبل از اینکه به تپه مهدی برگردند، عراقی‌ها از این جابجایی استفاده و واحد جدید ما را که با مسیر رودخانه توجیه نبودند از داخل رودخانه خشک می‌زد. از طرف تپه اسحاق نیز سه دستگاه تانک ما را با موشک مورد اصابت قرار داده بودند که این عمل با اقدام سریع فرمانده گردان (سرگرد خوارزمی) فرمانده عملیات خوارزم با اینکه خود در محل محاصره شده قرار داشت به نفع یگان ما تمام شد و فرمانده گردان فوراً تیم آرپی جی زن زنده‌ای را که در اختیار داشت، به جلو تانک‌های عراقی و یک تیم دیگر را نیز به عقب تانک‌های عراقی اعزام کرد که این دو تیم با ایثار و رشادت کم‌نظیر خود، چند دستگاه تانک را از جلو و عقب، ستون عراقی‌ها را به آتش کشیدند. چون مسیر رودخانه جای دور زدن تانک را نداشت و از طرفی هم جلو و عقب ستون آنها منهدم و در حال سوختن بود، عراقی‌ها مابقی تانک‌های خود را سالم رها کرده و خود پا به فرار گذاشتند و یا زخمی شدند و ۱۳ دستگاه تانک سالم به غنیمت درآمد.

در همین هنگام که تانک‌های گردان ما از مهمات‌گیری مجدد فارغ شدند، دوباره تپه مهدی را تصرف و از دست عراقی‌ها خارج کرده و با کمک سربازان پیاده و بسیجیان، جنگ تن به تن در تپه مهدی به وقوع پیوست. هیجان رزمندگان در رویارویی نزدیک با عراقی‌ها به حدی رسیده بود کسانی از خدمه تانک‌ها که تانکشان به علتی آسیب دیده بود و قادر به ادامه عملیات و تحرک نبود پیاده شده با گرفتن اسلحه نیروی پیاده به صف پیادگان می‌پیوستند که از آن جمله تانک ما بود که به واسطه اینکه قادر به حرکت نبود (در شیب تپه) من نیز یکی از اسلحه‌های غنیمتی را برداشته و به طرف نیروهای پیاده دویدم.

در همین موقع بود که ستوان پاکزاد را دیدم که یک کلاشینکف عراقی در دستش بود و در صفوف پیاده مشغول کنترل و هماهنگی بین سربازان ارتش و بسیجیان بود و به من گفت کجا می‌روی؟ من گفتم می‌خواهم جلوتر بروم و در جنگ تن به تن شرکت کنم. ایشان به من دستور داد که بمان به من کمک کن تا هماهنگی بین سربازان و بسیجیان را میسر کنیم. چون مسئول برادران بسیجی زخمی شده و احتمالاً شهید شده است. ما نباید بگذاریم ناهماهنگی بین نیروها ایجاد شود. من هم به دستور او عمل کردم و با هماهنگی که حاصل شد دوباره تپه

مهدی را از دست عراق خارج نمودیم و تپه اسحاق نیز از تصرف عراقی‌ها خارج شد. سرگرد خوارزمی نیز از محاصره درآمد و پرچم رزمندگان اسلام مجدداً در این دو جایگاه به اهتزاز درآمد. درگیری میمک بعد از ۴۸ ساعت با تصرف کامل قسمت اعظم آن به وسیله رزمندگان اسلام کمی کاسته شد و عراقی‌ها عقب رانده شدند و تا یک هفته درگیری روزانه به حداقل رسید و در این میان نیروهای ما نیز به تجدید سازمان پرداختند و برای اولین بار بعد از ۴۸ ساعت درگیری مستمر، در داخل رودخانه خشک در یک کتری بزرگ چای درست کردیم و هرکدام یک لیوان چای گرم نوشیدیم. البته هنوز، نمی‌توانستیم ساعتی از حالت رزم خارج شویم. کاملاً به خاطر دارم تا یک ماه تمام به طور شبانه‌روزی داخل تانک بودیم. از ۴ نفر خدمه تانک در شب همیشه یک نفر نگهبان پشت مسلسل برجک فرماندهی نگهبانی می‌داد و بقیه هر کدام روی صندلی‌های مربوط به خودشان چرت می‌زدند.

بعد از یک هفته، عراق با سازمان دهی مجدد به میمک حمله‌ور شد. شب‌ها با اعزام نیروهای گارد مخصوص که از منطقه قصرشیرین به آنجا آورده بود و در روز نیز با واحدهای زرهی خود حمله می‌کرد و عقب می‌نشست. این حملات نافرجام نیز تا حدود بیست شبانه‌روز ادامه داشت و بعد از آنکه برای آنان مسجل شد، نمی‌توانند میمک را از تصرف ما ایرانیان خارج کنند، قطع امید کردند و درگیری، در حد آتش شدید توپخانه باقی ماند، به طوری که یک روز تا عصر، یکی از سربازان ما به اسم سرباز نراقی میانگین گلوله‌های توپخانه عراق را محاسبه کرد به بیش از ساعتی ۱۶۰۰ گلوله در نقاط مختلف میمک شلیک می‌کرد، اما دیگر نمی‌توانست کاری بکند. درگیری بعد از یک ماه، به تثبیت هدف برای ما انجامید و اولین سنگرهای استراحت در ضد شیب‌های تپه مهدی با طرح‌های دو سقفه ایجاد کردیم و به این ترتیب اولین حمله موفق به یاری خداوند و به اسم عملیات خوارزم با فرماندهی سرگرد خوارزمی در ۵۹/۱۰/۱۹ آغاز و بعد از یک ماه به تثبیت کامل هدف نیروهای ایران انجامید.

ستوان دوم اسماعیل فلاحی جمعی گردان ۲۱۷ تانک

در آغاز جنگ، من دانش‌آموز کادر بودم. همراه دیگر هم‌رزمان به منطقه‌ای در ایلام به نام (سه کوران) اعزام شدیم. پس از گذشت قریب سه ماه با شناسایی‌هایی که انجام دادیم با نیروها و تانک‌های بسیار کمی و نفرات بسیار نیرومند و متعهد و معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و آرمان‌های والای آن، در شب ۵۹/۱۰/۱۹ به منطقه عملیاتی میمک حمله کردیم و با توکل

به خداوند متعال و رهبری بزرگ پرچمدار انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و حمایت و دعا‌های ملت شریف ایران بر رژیم و ارتش بعثی صهیونیستی عراق پیروز شدیم.

گردان‌های ۲۱۷ تانک و ۱۹۵ پیاده مکانیزه با کمترین نیروها شروع به پیشروی کردند و نیروهای متجاوزگر را تا دشت هلاله و نی خزر به عقب راندند. زمانی که به بالای ارتفاعات میمک رسیدیم متوجه شدیم که تمام این ارتفاعات و جب به جب مین گذاری شده و استحکامات و سنگرهای ساخته شده بود که زمانی که با تانک ام ۶۰ با ۶۰ تن وزن روی آن می‌رفتیم تکان نمی‌خورد، ولی بعثیون آنچنان از حمله رزمندگان غیور اسلام به وحشت آمده بودند، با وجود اینگونه استحکامات با به‌جا گذاشتن کشته‌های فراوان و کلیه تجهیزات، گروه گروه به اسارت رزمندگان گردان ۲۱۷ تانک درآمدند. با توجه به اینکه تا لحظات آخر دست از ماشه سلاح‌های خود نکشیده بودند، به محض دیدن رزمندگان با عبارت عربی «دخیل یا خمینی تن» به اسارت می‌دادند. رزمندگان اسلام کلیه خطوط و استحکامات و نیروهای گوناگون دشمن را در هم شکستند. پس از آن بیش از ۲۱ پانک روی منطقه آزاد شده انجام شد. به فضل پروردگار این حرکت‌های مذبحخانه نیز شکست خورد و رزمندگان پرتوان بر روی ارتفاعات میمک ایستادگی کردند تا زمینه شکست ارتش بعثی عراق را در تمام نوار مرزی از شمال غرب گرفته تا خلیج همیشه فارس فراهم سازند و این چنین هم شد.

به یاد دارم یکی از هم‌رزمان به علت اصابت ترکش خمپاره دشمن، از ناحیه چشم به شدت مجروح شده بود. با این وصف جعبه تانک را باز کرده و یک سیم تلفن حدود ۳۰ متر را برداشت و با همین وضع جسمانی که داشت بیش از ۲۲ نفر از نیروهای بعثی را به اسارت درآورد و با سیم تلفن دست‌بند زد. این موضوع ما را مصمم‌تر کرد و با روحیه بالاتری به نبرد پرداختیم و به پاکسازی از منطقه آزاد شده از لوث سربازان دشمن ادامه دادیم. تعداد زیادی تانک، نفربر، خودرو چرخ‌دار، خمپاره‌انداز و سلاح‌های سبک و سنگین به غنیمت گرفتیم. به ناچار بعد از این شکست مفتضحانه، رژیم بعثی عراق و رادیوهای بیگانه برای اولین بار اعتراف به شکست را تقبل کردند. مسئله جالب توجه دیگر در عملیات خوارزم تعدادی زن از سایر کشورهای عربی در قسمت‌های مخابراتی به کار گرفته شده بودند که به اسارت درآمدند. از همه مهم‌تر چندین فروند هلی‌کوپتر و هواپیماهای عراقی بر اثر آتش پر حجم رزمندگان اسلام در منطقه عملیاتی میمک سرنگون شدند. بر خود واجب می‌دانم بر شهدای گران قدر عملیات خوارزم و جانبازان سرافراز و رزمندگان دلاور و جان بر کف این عملیات عظیم درود بفرستم و یاد شهدا را گرامی می‌دارم.

ستوان دوم حجت‌الله امیری جمعی گروهان دوم گردان ۱۴۳ تیپ ۳ لشکر ۸۱

از آغاز جنگ تحمیلی در مناطق جبهه‌های حق علیه باطل حضور فعال داشته‌ام. یکی از درگیری‌های جنگ تحمیلی این بود که نیروهای دشمن ارتفاعات میمک را به تصرف خود درآورده بودند که برای مدتی این ارتفاعات و دشت میمک و دشت هلاله همگی آن در دست دشمن بود. من در آن روزها در تیپ ۱ لشکر ۸۱ و راننده نفربر پی‌ام‌پی ۱ بودم. به محض شنیدن خبر عملیات که می‌خواهیم به دشمن حمله کنیم، خوشحال شدم. با تمام قدرت در یکی از ساعت‌های شب، نبرد شروع شد و بنده به عنوان راننده محور اصلی حمله برای دسته‌ای که من بوده‌ام مشخص شده بودم. با تمام قدرت به دشمن نزدیک شدیم. زمانی که وارد منطقه دشمن شدیم، دشمن با دو تانک به سمت نفربر ما شلیک می‌کرد و به ما نزدیک می‌شد. بنده از فرصتی استفاده کرده و در فاصله صد متری با شلیک یکی از موشک‌های مالیوتکای نفربر، به برجک دشمن شلیک کردم و تانک دشمن در آن واحد منهدم گردید. تا زمانی که گفتند بیشتر قسمت‌های میمک به دست نیروهای خودی رسیده، از موضع خود بیرون نیامدم. وقتی شنیدیم که دشمن در حال عقب‌نشینی و تعدادی هم اسیر شده‌اند، بنده برای یک لحظه دیدم که تعدادی از نفرات دشمن در گوشه‌ای نشسته‌اند و راه عقب‌نشینی را ندارند. با یکی از همکارانم به نام ستوان حسینی به طرف آنان با حالت هجومی حرکت کردیم. در این لحظه، ما را زیر آتش گرفتند. بلافاصله ما پشت یک صخره موضع گرفتیم، تا اینکه با شلیک چند تیر به طرف آنان، یکی از آنها زخمی شد و بقیه دست روی سر به سمت ما حرکت کردند. ما بلافاصله آنان را به نزدیک خود آورده و با همان دوست خودم، آنان را خلع سلاح و هشت نفر را به اسارت خود درآورده و به قسمتی که گردان در آنجا بود فرستادیم. بعد از ۲ روز نیروی جدید وارد منطقه شدند و گردان ما را تعویض نمودند. در این عملیات، بنده نه تنها دو دستگاه نفربر پی‌ام‌پی را به غنیمت گرفتم، بلکه تعداد ۱۴ نفر را با سلاح‌هایشان به اسارت گرفتیم.

ستوان یکم عبدالجبار باباخانی جمعی گردان ۲۱۷ تانک

در نوزدهم دی‌ماه سال ۵۹ در حالی که بیشتر از دو سال از انقلاب نوپای اسلامی نگذشته بود و ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز از انسجام و وحدت کاملی برخوردار نبود و از طرفی نیز توسط دشمنان قسم‌خورده انقلاب شعار اضمحلال ارتش را سر می‌دادند و در این فکر بودند که از آب گل‌آلود ماهی بگیرند ارتش بعثی عراق با حمایت دشمنان جهانی اسلام از منطقه

میمک ایلام غرب حمله‌ای ناگهانی از زمین و هوا آغاز نمود که خوشبختانه با یاری و استعانت خداوند تبارک و تعالی از کشور امام زمان (عج) و با اتحاد و همبستگی گردان‌های ۲۱۷ تانک و گردان ۱۹۵ اسلام‌آباد غرب و بسیج حدود ۲۰۰ نفری ایل خزل و ملک‌شاهی ایلام غرب به مقابله جانانه و ایثارگرانه پرداختند که در این تک و پاتک‌ها تعداد بیشماری اسیر، کشته و مجروح و غنائم جنگی از دشمنان خارجی بجای ماند.

این عملیات در محور مربوط به ما، توسط فرماندهی گردان ۲۱۷ جناب سرگرد خوارزمی و ستوان یکم عبدالعلی پاکزاد و در اجرای طرح عملیاتی خوارزم انجام پذیرفت و طی سه روز خاتمه یافت.

یکی از عوامل پیروزی این عملیات به واسطه زحمات و شجاعت و تدبیر سرگرد خوارزمی و ستوان پاکزاد بود که در تمام ۷۲ ساعت آرام و قرار و خواب و خوراک نداشتند. در این عملیات، به عنوان توپچی تانک دوم بودم. با شروع درگیری، تانک ام ۶۰ ما نیز در وسط میادین مین به روی مین رفت و تمام چرخ هرزه‌گردها و شنی سمت چپ تانک روی هوا رفت. من نیز با توجه به اینکه دچار کمر درد و موج گرفتگی بودم و با کم‌تجربگی که هنوز گروهان ۲ کادر بودم، از بالای برجک فرمانده، خود را ناخواسته به پایین پرتاب نمودم. همکاران نیز داد می‌زدند میدان مین. اما به خواست خداوند فقط به اندازه جای هر دو پایم که مین نبود پرتاب شدم. وقتی که کارکنان گردان مهندسی رسیدند، با باز نمودن معبر من را نجات دادند. این اعجاز و امدادهای غیبی را کاملاً مشاهده نمودم. هرچه همکاران اصرار بر اعزام اینجانب به بیمارستان داشتند، به خاطر تنهایی همکاران خودداری نمودم و شکر خدا را به جای آوردم.

در دومین روز عملیات میمک، جناب سروان پاکزاد به اینجانب دستور دادند که تعدادی تانک و نفربر عراقی به غنیمت گرفته شده است، به همه رزمندگان ابلاغ کنید که به سوی آنان تیراندازی نکنند. من چند قدمی دور نشده بودم که یک گلوله توپخانه در یک قدمی ستوان یکم پاکزاد اصابت کرد و ستوان پاکزاد حدود یک متر به هوا پرتاب شد و سپس به زمین افتاد. به محض رسیدن به زمین، بلافاصله بلند شد که مجدداً نیز گلوله دوم در دو قدمی ایشان اصابت نمود که باز هم به هوا پرتاب شد و بار سوم نیز چنین رخ داد. بار سوم بعد از حدود پنج دقیقه از زمین بلند شد و لباس‌های خود را تکان داد و کلاه کار خود را نیز با خونسردی به سر گذاشت و به جلورفت، من نیز به او نزدیک و احوال وی را جویا شدم. با لبخندی خونسردانه گفت مهم نیست، زیرا خدا با ماست و گفت: آقای باباخانی چرا هنوز شما دستور را اجرا نکرده‌اید؟

اینجانب هم با دویدن به تمامی تانک‌ها، نفربرها و نیروهای پیاده ابلاغ نمودم که کاری بسیار سخت و دشوار بود. تنها دو دستگاه تانک که در داخل دره بلندی قرار داشتند ابلاغ ننموده بودم. به دنبال راه پایین رفتن بودم که ناگهان توپخانه خمسه خمسه عراق شروع و یک گلوله در یک قدمی پشت سرم مرا نیز از پرتگاه حدود ۵۰ متری به پایین پرت نمود. بعد از ساعتی بیهوشی، به هوش آمدم. با تحمل درد بدن و کوفتگی از درون رودخانه به طرف دو دستگاه تانک به راه افتادم. دوستانم با دیدن سر و روی خونی و وضع ناجور من به طرفم آمدند. قضیه را شنیدند و گفتند این را هم از لطف خدا بدانیم، زیرا در این مدت بیهوشی شما، چند دستگاه تانک عراقی که قصد دور زدن نیروی خودی را داشتند و از کمین ما بی خبر بودند، از این گذر قصد خروج داشتند که خوشبختانه ستوان یوسف صفایی با شلیک تانک بر روی لوله تانک عراقی، لوله تانک مقابل را از بیخ بریده و بقیه تانک‌ها نیز به غنیمت گرفته شدند. چنانچه شما زودتر می‌رسیدید، شاید ما هم گمان می‌کردیم این همان تانک‌های غنیمتی است. به پاس این امداد غیبی ستوان خیرالله شکری یک تکه نان خشک را از جعبه تانک که چند سانتی‌متر خاک بر روی آن نشسته بود، به من هدیه داد. من نیز با توجه به ۲۴ ساعت گرسنگی بدون تکاندن آن، آن را خوردم که انگاری بهترین هدیه بود.

در عملیات میمک، شاهکارهای بی‌نظیری از نفرات گردان ۲۱۷ تانک مشاهده نمودم که به عنوان مثال به دو مورد آن اشاره می‌کنم. ستوانیار سوم محمد پورهایشمیان یکی از زنده‌ترین توپچی‌های گردان ۲۱۷ بود، فرماندهی تانک را ستوان پاکزاد به عهده داشت و راننده آن ستوانیار سوم باباعلی کرانی بود. به محض مشاهده هلی‌کوپترهای عراقی که جهت هلی‌برن قصد نشستن بر روی زمین داشتند، توسط این دلاور قهرمان، ستوانیار پورهایشمیان مورد اصابت قرار گرفتند. در مرحله دیگر، تانک اول که قصد پیشروی به طرف نزارهای دشمن را داشت، ستوان یکم پاکزاد با یک اسلحه کلاشینکف بر روی گلگیر آن نشسته بود و مرتب تیراندازی می‌کرد. در سر پیچ با یک دستگاه تانک عراقی تصادف و سریعاً هر دو دنده عقب گرفتند و با زیرکی خاصی ستوان پورهایشمیان تانک مقابل را هدف قرار داد.

لازم به ذکر است یکی از رمزهای پیروزی در این عملیات حفظ روحیه بالای گردان‌های ۲۱۷ تانک و ۱۹۵ تیپ ۱ اسلام‌آباد بود. به عنوان مثال در سومین روز عملیات که پیروزی نهایی به حساب آمد، پرسنل گردان ۲۱۷ تانک دور هم جمع شدند و ضمن تبریک پیروزی و تسلیت شهدا به همدیگر، ستوانیار چراغعلی هژیری که بعداً نیز شهید شد بر روی زمین دراز شد و با

گفتن لا اله الا الله و الله اکبر شن و ماسه بر سر و روی خود می ریخت و گاهی نام بچه هایش را با القابی خنده آور بیان می کرد که بیایید ببینید باباتان چه کرده؟ و ستوان احمد کاهی و ابراهیم نعمتی و ستوان عزیزی و مرنندی نیز با شیرین کاری های خود بچه ها را می خندانند.

ستوان دوم زرهی بهروز امیری

در زمان عملیات میمک (خوارزم) گروه بان دوم بودم. در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۹ عملیات شروع شد. یگان های رزمی شامل گردان ۲۱۷، گردان ۱۹۵ و جمعی از عشاير محلی بودند. ما از راه میمک که فقط یک راه ورودی به میمک بود حرکت کردیم. سه دستگاه از تانک های گروهان سوم گردان ۲۱۷ روی مین رفتند و بقیه به بالای میمک رسیدند. در آن زمان درگیری شروع شد و تا غروب آن روز کاملاً میمک آزاد شد و عراقی ها به پایین میمک که معروف به نی زار بود عقب رانده شدند. ما شب کاملاً از منطقه پدافند کردیم. روز بعد و روزهای بعدی عراقی ها برای تصرف مجدد میمک شروع به عملیات کردند که حدود ۴۰ شب طول کشید.

در یکی از عملیات ها، خلبان شمشادیان با بالگرد بالای سر ما آمد. سرگرد خوارزم توسط مخابرات و دستمال سفیدی که در دست داشت شهید شمشادیان را هدایت می کرد و تانک های عراق را به او نشان می داد. در آنجا یک رودخانه خشک خیلی عمیقی بود و ما از دو تانک عراق خبر نداشتیم و در آنجا استتار کرده بودند تا راه تدارکات ما را که در تیررس آنها بود ببندند. زمانی که شهید شمشادیان روی رودخانه رفت، از زیر با مسلسل فرمانده تانک عراقی به او شلیک شد. ما خدمه تانک ها توسط مخابرات به گوش بودیم و شنیدیم شهید شمشادیان گفت که در جریان باشید من تیر خوردم و رفت. ما هم خیلی از نظر روحی متأثر شدیم. هیچ راهی وجود نداشت که این ۲ دستگاه تانک عراقی را منهدم کنیم. فقط یک نفر با آرپی جی می توانست، که یکی از سربازان گروهان سوم به اسم اسدی که از منقضی های ۵۶ بود، با آرپی جی به سوی آن تانک ها رفت. در دو مرحله خواست تیراندازی کند نتوانست، ولی در مرحله سوم با آرپی جی شلیک کرد و لوله تانک اول را از وسط نصف کرد. در این زمان تانک بعدی خدمه هایش شروع به فرار کردند. ما هم مجدداً به عملیات ادامه دادیم. شمشادیان هم بعد از نیم ساعت با بالگرد برگشت.

ستوان سوم عزیزالله مرادی، جمعی گروهان سوم گردان ۲۱۷

در آن زمان درجه بنده گروهان ۱ بود. در شروع عملیات میمک تا آخر عملیات و آزادی کامل منطقه حضور داشتیم. رانندگی تانک ام ۶۰ را بر عهده داشتیم. از زمان حمله با فرماندهی محترم، جناب سرگرد خوارزمی و فرمانده گروهان جناب سروان میرجُمهری از دل و جان، از آب و خاک وطن دفاع می کردیم. در آن زمان از ناحیه چشم مجروح شدم. بعد از ۱۵ روز در بیمارستان، دوباره به منطقه برگشتم. تا مدت ۲ سال تمام در منطقه عملیاتی میمک دفاع کردیم. یک بار فرمانده تانک خودم به اسم استوار خنجری فرد، شهید شد. فرمانده گروهان سروان عسکری شهید شد. میمک یک راه خروجی داشت که باید تمام پاتک های دشمن را جواب می دادیم. چون بنده دوباره ترکش خوردم و مجروح شدم، اعصاب و روان و چشم را ۵۰٪ از دست داده ام. زیاد نمی توانم تمام خاطرات آن موقع را به یاد بیاورم. قبل از حمله مدت یک ماه کامل شب ها را در ۱۰۰ متر دشمن دیده بانی می کردم و هیچ گونه ترسی یا وحشتی از دشمن یا شهید شدن نداشتم. به چشم خودم دیدم که یکی از تانک ام ۶۰ به سمت هلی کوپتر دشمن تیراندازی و آن را منهدم کرد. هیچ موقع با این همه لشکرهای دشمن که در منطقه داشت، ترسی به خود راه ندادیم. من با همان چشم مجروح ۲ سال با دشمن جنگیدم.

ستوان یکم زرهی شیخ مراد درویشی جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱

اینجانب در زمان عملیات خوارزم با درجه گروهان دومی در گروهان سوم گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱ خدمت می کردم. حدود یک هفته قبل از عملیات، من به عنوان سرپرست یک گروه گشتی شناسایی و یک نفر بلد از ایل خزل و هفت نفر سرباز از سربازان شجاع و دلیر گردان ۲۱۷ برای شناسایی به پشت میمک رفتیم. از همان ساعات اولیه حرکت که از تنگ تاریکه حرکت کردیم به فرمانده خود گزارش می دادیم. منطقه را نقطه به نقطه به وسیله بی سیم به رده عقب مخابره و گزارش می دادیم. زمانی که پشت نیروهای دشمن رسیدیم، حدوداً ساعت ۲/۳۰ دقیقه بامداد بود و کاملاً به علت تاریکی هوا بر دشمن دید نداشتیم که اطلاعات کافی را به رده فرماندهی خود گزارش کنیم. از رده عقب و فرماندهی کسب تکلیف کردیم که در چنین شرایطی هستیم، به ما دستور دادند که در منطقه ای هستید مستقر و هوشیارانه صبر کنید تا زمانی که هوا روشن شد و به صورت گرگ و میش درآمد منطقه را شناسایی و به ما گزارش بدهید.

ما با توجه به تاریکی هوا چند حفره روباه و سنگر روباز برای مخفی شدن بدن خودمان تا وقتی که هوا روشن شود کندیم. باز هم هوا تاریک بود و تصمیم گرفتیم هر سه نفر به صورت یک ساعت یک ساعت نگهبانی بدهند و بقیه به علت خستگی استراحتی داشته باشیم. متأسفانه یا خوشبختانه نگهبان آخر نیز زمانی ما را بیدار کرد که کاملاً آفتاب زده بود و حدوداً ساعت ۱۰ بامداد می شد. در پشت توپخانه عراق قرار داشتیم و کاملاً در دید واحدهای رده عقب عراق قرار گرفته بودیم. با این وضعیت از فرماندهی خود کسب تکلیف کردیم که در چنین شرایط و با چنین وضعیتی قرار گرفته ایم. به ما دستور دادند با توجه به استتار و مخفی شدن نفرات گشتی گزارش منطقه به آنها بدهیم و تا زمانی که مجدداً هوا تاریک می شود و خورشید غروب می کند در همان جایی که هستیم باقی بمانیم. نایستی خودمان را آشکار کنیم و در دید دشمن قرار بگیریم، وضعیت و منطقه دشمن را کاملاً گزارش کنیم. در قسمت راست ما که الآن روبه روی آن ایستاده ایم حدود ۲۰ الی ۲۵ تانک به صورت ماکت در داخل موضع مصنوعی قرار داده بودند و بقیه منطقه و توپخانه دشمن و حتی تعداد آتشبارهای آنها و تعداد تانک های جنگی و نفربرهای شنی دار و چرخ دار دشمن را به رده فرماندهی خود توسط بی سیم گزارش نمودیم. حتی سنگرها و نفرات پیاده دشمن را که حدود ۵ تا ۶ کیلومتر پشت سر آنها بودیم با دوربین می دیدیم و به رده فرماندهی خود گزارش کردیم. ما آن روز یک گشتی شناسایی خوب و عالی، مفید و مؤثر به فرمانده خود گزارش دادیم. زمانی که مجدداً هوا تاریک شد به طرف مرکز فرماندهی خود برگشتیم. این شناسایی آن چنان مفید و مثمرتر برای تیپ و لشکر قرار گرفت که در آن زمان جناب سرگرد خوارزمی مبلغ ۵۰۰ تومان پول نقد و یک جفت پوتین به من که سرپرست گروه گشتی شناسایی موفقیت آمیز بودم اهدا کرد.

رأس ساعت ۴/۵ صبح مورخه ۵۹/۱۰/۱۹ که در منطقه سهره سرنی گردان ۲۱۷ مستقر شده بود، دستور دادند که به طرف میمک حرکت کنیم. از ضلع جنوبی میمک، از طرف رودخانه تنگ تاریکه میمک را دور بزنیم و از طرف نی خزر در رده عقب واحدهای پیاده دشمن را انبری محاصره و غافلگیر کنیم. بنده در آن زمان راننده تانک ام ۶۰ بودم. در این عملیات با موفقیت به اهداف از پیش تعیین شده خود رسیدیم و بر روی ارتفاعات جنوبی میمک مستقر شدیم و سنگر و مواضع خود را مستحکم نموده و مشرف به نیروهای عراق مواضع گرفتیم و کاملاً بر دشمن و جاده های نفوذی دشمن با فرماندهی سرگرد خوارزم و پشتیبانی هوانیروز و توپخانه و خمپاره بر دشمن کاملاً مسلط شدیم. این عملیات اولین پیروزی ارتش

جمهوری ایران بود که بیش از یک ماه به طول انجامید. دشمن بیش از ۳۰ پاتک بر روی ما و واحدهای ما اجرا کرد که همه آن پاتک‌ها با شکست و نابودی دشمن انجامید. بیش از ۵۰ الی ۶۰ دستگاه تانک دشمن در این عملیات و چند فروند هلی کوپتر و هواپیماهای دشمن از بین رفت. تلفات فراوان و کشته و زخمی زیاد داد. ده‌ها نفر از نفرات دشمن به دست نیروهای پرتوان ارتش ایران اسیر شدند.

ستوان یکم زرهی اسد شاهمار جمعی قرارگاه لشکر ۸۱

در عملیات غرورآفرین خوارزم (فتح ارتفاعات میمک) که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۹ توسط رزمندگان اسلام در منطقه ایلام (غرب کشور) انجام شد، به عنوان خدمه تانک شرکت داشتم. در این عملیات غرورآفرین بیش از ده‌ها نفر از مزدوران بعثی عراق به اسارت نیروهای اسلام درآمدند و منطقه‌ای حیاتی و استراتژی و مشرف بر سرزمین عراق حدوداً به وسعت یکصد کیلومترمربع آزاد و از لوٹ وجود مزدوران بعثی پاکسازی گردید. رزمندگان اسلام علی‌رغم متلاشی کردن و انهدام ادوات زرزه‌ی دشمن، در لحظات اولیه عملیات، یک فروند هواپیمای جنگی دشمن را سرنگون کردند.

در روز پنجم، یک فروند هلی کوپتر دشمن که در حین پاتک ارتش بعث علیه نیروهای ارتش اسلام در حال هلی‌برن کماندوهای عراقی بود مورد اصابت تیر مستقیم گلوله تانک ام ۶۰ قرار گرفت و با تمامی نفرات در هوا متلاشی گردید. تعداد زیادی از وسایل و تجهیزات ارتش بعث عراق در این عملیات از جمله چند دستگاه تانک به غنیمت جان بر کفان و رزمندگان اسلام درآمد. در این عملیات نیروهای ارتش اسلام اعم از ارتش، و گمجن عشایری منطقه بومی ایلام ضربات مهلکی بر پیکر بعثیون عراق و متجاوزین وارد نمودند. تمام تلاش‌ها و پاتک‌های سنگین دشمن با لطف خداوند و جانبازی و ایثارگری کفرستیزان و رزمندگان اسلام سرکوب و ناکام ماند.

در فتح این منطقه هوانیروز جان بر کف نقش به‌سزایی داشت. شاید این منطقه عملیاتی اولین منطقه‌ای بود که توسط رزمندگان اسلام آزاد شد و باعث خوشحالی امام شهید و ملت شهیدپرور ایران اسلامی گردید. بعد از فروکش نمودن آتش‌های طرفین، با توجه به اهمیت منطقه، ارتفاعات فوق از سوی مقامات لشکری و کشوری مورد بازدید قرار گرفت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نماینده امام در شورای عالی دفاع، نیز در آن زمان از خطوط مقدم مناطق قیدشده بازدید فرمودند.

سرهنگ یوسف اسماعیلی رئیس رکن ۴ تیپ ۱ لشکر ۸۱

در زمان عملیات خوارزم که منجر به فتح ارتفاعات استراتژیک میمک گردید، با درجه سروانی، به عنوان رئیس رکن ۴ تیپ انجام وظیفه می نمودم. پس از حمله سراسری عراق، منطقه مهران به تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی به فرماندهی سرکار سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی واگذار گردید. این تیپ در منطقه عمومی (نوار مرزی) ایلام از تنگ بیجار تا حدود رودخانه چنگوله مستقر شد. قرارگاه تیپ در دامنه ارتفاعات نزدیک سهرابی سرنی استقرار پیدا کرد. یگان های تحت امر تیپ ۱ شامل: گردان ۲۱۷ تانک، گردان ۲۲۲ تانک، گردان ۱۹۵ مکانیزه، گردان ۱۲۳ پیاده مکانیزه، گردان ۳۹۶ توپخانه ۱۵۵م خودکشی، آتشبار (-) ۱۳۰م از گردان ۳۹۹ توپخانه، سه قبضه ۱۷۵م از گروه ۱۱ مراغه، گردان ۷ پیاده سماجا، گروهان بهداری، گروهان نگهداری، گروهان مهندسی، دسته جلوبی مخابرات، ۷ نفر از نیرو مخصوص، گروه رزمی هوانیروز شامل: یک فروند ۲۱۴، یک فروند جت رنجر، ۲ فروند هلی کوپتر موشک انداز، ۲ فروند هلی کوپتر کبرا راکت انداز بودند. با توجه به جو اجتماعی منطقه ایلام و اینکه حمله موضعی گروه رزمی ۲۱۷ در مورخه ۵۹/۷/۲ که با شکست مواجه و در آن عملیات یکی از بهترین افسران به نام سرگرد عبیری به شهادت رسید و تبلیغات کشور عراق در مورد میمک که با اسم سیف سعد عنوان می نمود و نیز محاصره آبادان، لذا تیپ مصمم به انجام عملیات میمک گردید.

فرمانده تیپ پس از شور ستادی، دستوراتی دال بر طرح ریزی عملیات میمک صادر نمودند. پس از بررسی دقیق، طرح عملیات خوارزم تکمیل و پیوست های اطلاعاتی و لجستیکی و اداری به آن ضمیمه شد. اینجانب به عنوان افسر رکن ۴ پس از بازدید از کلیه یگان ها و حصول اطمینان از وضعیت آمادی یگان های مستقر در منطقه و نحوه حاضر بکاری تجهیزات (اعم از خودروهای شنی دار و چرخ دار، سلاح های سازمانی، موجودی مهمات و...) اقدام به تهیه طرح لجستیکی و پیوست لجستیکی که با واقعیت مطابقت داشته باشد نمودم. برای روشن شدن نحوه تدارکات یگان ها در طول عملیات، نقاط زیر را تشکیل و سازمان دهی نمودم.

۱- نقطه آماد طبقه ۵ در شش دار ایلام

۲- نقطه آماد طبقه ۱ در کوه های بانسر در جوار قرارگاه تیپ ۱

۳- نقطه آماد طبقه ۳ در کوه های بانسر در جوار قرارگاه تیپ ۱

۴- یگان تعمیر و نگهداری در کوه های بانسر در جوار قرارگاه تیپ ۱

- ۵- یگان بهداری در صالح آباد ایلام با مسئولیت دکتر وظیفه امامی فر و ایجاد نقاط یا پست‌های امداد در بنه رزمی گروه‌های رزمی ۲۱۷ و ۱۹۵ و گروه رزمی ۲۲۲
 - ۶- خبازخانه صحرایی اولین بار توسط تیپ ۱ در منطقه عملیاتی احداث و هر روز نان داغ به دست سربازان می‌رسید (محل صالح آباد ایلام)
 - ۷- حمام صالح آباد ایلام را در کنترل گرفته و یگان‌های تیپ به ترتیب نوبت از آن استفاده می‌نمودند.
 - ۸- یگان دژبان در سه‌راهی سرنی مستقر شده بود.
 - ۹- نقطه جمع‌آوری غنائم در یگان تعمیر و نگهداری پیش‌بینی شد.
 - ۱۰- نقطه جمع‌آوری اسرا در قرارگاه تیپ در نظر گرفته شد.
 - ۱۱- گروه رزمی هوانیروز در قرارگاه تیپ به سرپرستی [شهید] یحیی شمشادیان مستقر بود.
 - ۱۲- عناصری از گردان ۱۲۳ و ۲۲۲ و دیده‌بان‌های توپخانه در قسمت کنجان چم توسط قاطر و ظروف یکبار مصرف و نایلون (کیسه فریزر) و جیره‌های آماده در ارتفاعات صعب‌العبور تدارک می‌گردیدند.
- جهت تدارک شب عملیات و انتقال بعضی سلاح‌ها و مهمات و آذوقه و آب به پشت نیروهای دشمن در ارتفاعات میمک از تعدادی قاطر استفاده گردید. سُم آنها برای آنکه در برخورد با سنگ صدا نکنند، با نَمَد پیچیده شده بود.
- در عملیات میمک تعداد بسیار زیادی سلاح سبک و نیمه‌سنگین و مهمات فراوان و تعداد ۱۷ دستگاه تانک تی ۵۵ و تی ۶۲ و تی ۷۲، سکوی پرتاب زمینی موشک مالیوتکا، رادارهای بزرگ فاصله‌دار توپخانه، توپ‌های تک لول ۵۷م، مینی کاتیوشا، نفربر، دوربین‌های بزرگ دیدبانی، مراکز تلفن باسیم، بی‌سیم، ابزارآلات مخابراتی، انبارهای بزرگ گلوله‌های توپخانه و خمپاره، گلوله سلاح کالیبر بزرگ و کوچک، حلب‌های شیر و خرما و... به غنیمت گرفته شد و بلافاصله در نقطه جمع‌آوری غنائم، پس از طی تشریفات لازم، به رده بالا یعنی پشتیبانی لشکر تخلیه گردید.
- فرماندهی محترم تیپ، جناب سرهنگ سهرابی به همراه افسر عملیات شهید رسولی که در آن زمان دارای درجه سرگردی بود و سرکار سرهنگ حمید گمرکیان فرمانده توپخانه ۱۵۵م به مدت ۳ روز تمام که عملیات فتح میمک و تثبیت آن ادامه داشت در دیدگاه، جلو یگان‌های عمل‌کننده مستقر بودند و دستور لازم را از طریق بی‌سیم به تیپ بخصوص رکن ۴ که سخت درگیر تدارکات بود صادر می‌نمودند.

موفقیت تیپ ۱ در عملیات خوارزم که منجر به فتح ارتفاعات میمک گردید، به نظر اینجانب به عنوان افسر رکن ۴ و عضو ستاد فرماندهی تیپ به عوامل زیر بستگی داشت: وجود فرمانده مجرب و کارآزموده و باسواد و آگاه به امور نظامی در طراحی و عملیات ستادی به نام جناب سرهنگ اسماعیل سهرابی.

فرمانده یگان های عمل کننده همه از افسران ارشد و باتجربه و یا دافوس دیده بودند. از قبیل سرگرد فیروزی، سرگرد رضایی، سرگرد کروندی، سرهنگ ۲ علیپور فرمانده گردان ۷ پیاده سماجا، سرگرد حسین تشکری فرمانده توپخانه ۱۳۰م اعزامی از اصفهان، سرگرد خوارزمی فرمانده گردان ۲۱۷ و افسران رکن ۳ یگان های عمل کننده به اسامی سرگرد خلف بیگی، سرگرد طالبیان، سرگرد منفرد، سرگرد پارساپور، سروان ساعدی.

انجام یک عملیات کلاسیک طبق آموزش های داده شده در سطوح مختلف ارتش. قاطعیت کلیه فرماندهان از رده تیپ گرفته تا رده فرمانده دسته. تحریک شدن حس وطن دوستی و آب و خاک و تنفر از نیروهای بعثی که در بعضی نقاط دست به اعمال غیرانسانی زده بودند.

آمادگی رزمی لازم و جابجایی مطلوب بدون جلب توجه دشمن با رعایت اصل غافل گیری. تدارکات منظم و بدون وقفه برابر اصول و کتاب ها و آئین نامه های موجود در ارتش. حمایت مردم و ارسال کمک های مردمی و احساس مسئولیت نظامیان در قبال محبت عامه مردم ایران.

بعضی از نکات قبل از عملیات خوارزم در مورد تدارکات با تدبیر رکن ۴ و راهنمایی فرماندهی انجام شد که در حین عملیات و بعد از آن کمک مؤثر به یگان ها نمود از جمله: حدود یک ماه قبل از عملیات خوارزم بی سیمی از طریق قرارگاه غرب به امضای سرهنگ عطاریان به تیپ مخابره شد که تیمی جهت شمارش مهمات و عودت مهمات اضافه به منطقه تیپ اعزام می گردند. اینجانب با احضار مسئولین مهمات گردانها به خصوص گردان های توپخانه حدود ۱۸۰۰۰ از انواع گلوله توپ، اضافه بر بار مینا، ذخیره عملیاتی مهمات پای قبضه، دور از دید بازرسان دفن نمودم. بعد از عملیات میمک به مدت حدود ۲ ماه هیچ گونه مهماتی جایگزین مهمات مصرفی نشد و از مهمات مورد نظر استفاده گردید و بدین ترتیب، یگان ها توانستند در مقابل دشمن مقاومت کنند.

تعداد ۱۰ دستگاه بی سیم پی آر سی ۷۷ نو در سنگر رکن ۴ مخفی نمودم. در یکی از شب‌های قبل از عملیات میمک، سروان ریاضی نزد فرماندهی محترم تیپ می‌رود و تقاضای بی سیم پی آر سی ۷۷ می‌نماید. فرمانده تیپ اوامری صادر فرمودند و من یک دستگاه بی سیم به گردان ۲۱۷ سروان ریاضی واگذار کردم. اما هنگام عملیات خوارزم به علت بارانی بودن هوا و آسیب دیدن بی سیم یگان‌های عمل کننده، من تعداد ۶ دستگاه در مدت چند روز به یگان‌ها و دیده بان‌ها واگذار نمودم و نگذاشتم وقفه‌ای در ارتباط پیش بیاید و حتی یگان‌های تدارک کننده مانند پشتیبانی لشکر و گروهان تعمیر و نگهداری از وجود بی سیم‌های مورد بحث اطلاعی نداشتند.

قبل از عملیات با افسر رسد آماد، ستوان یکم سر رشته‌داری وقت محمد اصغری هماهنگی شد و در رده عقب تیپ (پادگان الله اکبر) تعداد ۵ هزار بسته در داخل کیسه فریزر، تن ماهی، نان، پسته، کشمش و غیره جیره ۴۸ ساعته یک نفره بسته‌بندی و شب عملیات به هر نفر یک بسته تحویل گردید. بنابراین دغدغه تدارک نفر تا ۴۸ ساعت نداشتیم و نفر هم با خیال راحت از نقطه‌رهایی به سمت دشمن حرکت نمود.

قبل از عملیات کلیه باک خودروها اعم از شنی‌دار و چرخ‌دار پر، تانکر سوخت یگان‌های عمل کننده پر و نقطه آماد طبقه ۳ شامل: ۸ تانکر پر ۲۰ هزار لیتری نفت سفید، نفت گاز، بنزین موجود بود و مشکل مواد سوختنی حل گردید.

به هر گروه رزمی، یک تیم تعمیراتی با قطعات تند مصرف مأمور شد و در بنه گردان‌ها مستقر بودند که چنانچه در حین عملیات خودرویی یا تانک تعمیری به عقب تخلیه گردید، بلافاصله رفع معایب نموده و مجدداً به خط برگردند.

در پایان چند خاطره بیان می‌نمایم:

۱- در یکی از روزهای درگیری و جمع‌آوری غنائم زیاد، نماینده رکن ۴ به نام شهید استوار اسکویی^۱ را به گروه رزمی ۲۱۷ جهت نظارت و صورتجلسه غنائم اعزام نمودم. گویا نامبرده بالای میمک می‌رود و با حس کنجکاوی، به بازدید دره عمیقی می‌رود و متوجه می‌گردد که

۱. استوار اسکویی در رکن ۴ ستاد تیپ مشغول خدمت خدمت بود. در عملیات خوارزم مسئول جمع‌آوری و تخلیه غنائم بود. با خبر می‌شود که تانک‌های عراقی در مسیرها نفوذ و در حال دور زدن و رسیدن به پشت نیروهای خودی هستند، کارش را رها و خود را به محل درگیری می‌رساند و چون سلاح با خود نداشت، با سنگ از بالا به برجک تانک‌ها می‌کوبد، تا اینکه خدمه تانک عراقی با مسلسل وی را هدف می‌گیرد و به فیض شهادت نائل می‌شود. من خود از نزدیک شاهد این فداکاری بودم. استوار اسکویی در جه‌داری متدین، مؤدب، پرتلاش، وظیفه‌شناس و صادق بود. روحش شاد و یادش گرامی باد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

چند دستگاه تانک عراقی و تعدادی از نفرات پیاده، از شیار بالا می آیند و قصد دور زدن واحدهای خودی را دارند. ایشان فاقد اسلحه بوده و با سنگ بزرگی از بالا روی برجک تانک می کوبد. سایر نیروهای دشمن با گلوله وی را به شهادت می رسانند. نیروهای خودی متوجه این ماجرا شده و درگیر می گردند. نیروهای عراقی با دادن تلفات و بجا گذاشتن چند دستگاه تانک پا به فرار گذاشتند.

۲- در گردان ۲۱۷ درجه داری به نام استوار میری تعمیرکار تانک بود. در عملیات شرکت نمود و به عنوان فرمانده تانک در یکی از روزهای عملیات که عراق شروع به پاتک نمود، استوار میری به راننده تانک دستور می دهد: برو جلو! اما راننده تانک خودداری می نماید، تا اینکه استوار میری کلتش را درمی آورد و می گوید: می کشمت. راننده اظهار می دارد: مهمات نداریم. با سرعت به جلو می رود و تعدادی تانک های خودی بدون اینکه بدانند جریان چیست پشت سر تانک محمدی به حرکت می افتند و نیروهای عراق با مشاهده این منظره پا به فرار می گذارند و ۴ دستگاه تانک بجا می گذارند.

۳- در عملیات میمک تعدادی ماز تانک بر در منطقه بودند که برای مدت ۳ ماه آنها را نگه داشته و در جابجایی سریعاً از آنها استفاده می نمودیم. بعداً متوجه شدم مازهای تانک بر مربوط به یگان های (آمدگاه) مشهد بودند تا اینکه در خرداد ۱۳۶۳ من به دوره عالی اعزام شدم. در سر کلاس دوره عالی افسران خود را معرفی کردند تا اینکه نوبت من رسید. پس از معرفی با اعتراض یک افسر با درجه ستوان یکمی به نام شکری مواجه شدم. ایشان اظهار داشت در منطقه تیپ در میمک تعدادی ماز تانک بر داشتیم که هرگاه می خواستیم آنها را از منطقه خارج نمایم، می گفتند: بایستی سروان اسماعیلی دستور دهد. من ۳ ماه تمام منطقه و یگان ها را زیر پا گذاشتم و نتوانستم سروان یوسف اسماعیلی را گیر بیاورم، زیرا هر نقطه می رفتم مسئولین اظهار می نمودند رفته فلان واحد و یا در خط است.

تعدادی از شهدای تیپ ۱ عملیات خوارزم، روحشان شاد و یادشان گرامی باد:

۱- سروان شهید کیومرث نظری گردان ۱۲۳

۲- سروان شهید محمود حاتم گردان ۱۹۵

۳- سروان شهید پورشیانی گردان ۱۹۵

۴- ستوان شهید محمدی گردان ۱۲۳

۵- استوار یکم شهید اسکویی از گروهان قرارگاه تیپ از رکن ۴.

ستوان یکم قربان ناصری جمعی گردان ۲۱۷ تانک لشکر ۸۱

در زمان عملیات، ما همگی تانک‌ها را یک به یک بازرسی می‌کردیم و از نظر موتوری و توپ‌ها و تیربارها، آنها را آماده به کار کرده بودیم. یادم می‌آید که در آن تنگه که بودیم چشمه آب گرم بود و دست صورت خودمان را در آن می‌شستیم. ساعت ۴/۵ صبح بود که دستور حرکت دادند. تانک‌ها یکی یکی به صورت زنجیره‌ای راه افتادیم. اولین تانک که مال یکی از بچه‌ها بود، روی مین رفت و شنی آن پاره شد. دومی هم روی مین رفت. سومی که خودم بودم با آوردن اسامی امامان معصوم و صلوات به راه افتادم و در یک تنگه زیر پاسگاه سنگی سنگر گرفتیم. با چند دستگاه از تانک‌های عراقی روبه‌رو شدیم که باعث شد روبروی هم با توپ تیراندازی کنیم. به خواست خداوند، یکی از آنها را زدیم. آن چند تانک دیگر مجبور به عقب‌نشینی شدند.

دیدگاه دشمن درست در نوک قله قرار داشت و آن زمان دشت هلاله و نی خزر را درست زیر نظر داشت. با چند گلوله توپ که روانه دیده‌بان نمودیم، درست چهارمین گلوله به دیدگاه که مشرف به کله‌قندی بود اصابت نمود و دیده‌بان به صورت یک تکه سنگ پرت شد. خدا می‌داند که درست همان موقع بود که نیروهایی که در زیر تپه منتظر حمله به کله‌قندی بودند با صلوات و شادی و الله اکبر به پیش رفتند.

ناگفته نماند در دامنه میمک، بعد از آنکه اولین تانک عراقی منهدم شد، بقیه تانک‌ها را جا گذاشته و فرار نمودند. بعد از آنکه تعدادی از تانک‌های عراقی را به تصرف خود درآوردیم، مرحوم ستوان عدالت‌خواه که رانندگی آنها را بلد بود، یکی یکی آنها را تخلیه و به رده عقب آورده شد. در آن تانک که من بودم، استواریکم نجاری و ستوانیار ضیغم و راننده قاسم فتاحی‌نیا بودند. مدت یک ماه در آن بلندی‌ها به سر بردیم که بعد تعداد دیگر از تانک‌های خودی آمدند و ما را به عقب فرستادند. به یاد می‌آورم یکی از بچه‌ها به نام استوار امیریان با آرپی‌جی دو فروند از هلی‌کوپتر عراقی را به پایین انداخت و مرحوم پورهایشمیان نیز با تانک، هلی‌کوپتر عراق را سرنگون کرد.

ستوان دوم لطف‌الله دریک جمعی گروهان ۲ گردان ۱۲۳ پیاده مکانیزه

عملیات خوارزم در ۱۹/۱۰/۵۹ به قصد آزادسازی ارتفاعات میمک از دو محور میمک و تنگه کنجان‌چم مهران آغاز شد. بنده آن زمان گروهان دوم بودم.

عملیات خوارزم برای ارتش از حساسیت خاصی برخوردار بود، زیرا اولین عملیات نظامی بود که پس از انقلاب علیه دشمن بعثی می خواست انجام شود. تجربه ها به مراتب نسبت به عملیات های بعدی کم بود. نظر فرماندهان آن زمان این بود که با شروع عملیات در منطقه مهران، طبیعتاً عراق نیروهای خود را به سمت مهران خواهد فرستاد. در نتیجه عملیات آزادسازی میمک با کمترین تلفات انجام خواهد گرفت. همین طور هم شد.

عملیات گردان ما در اولین ساعات بامداد مورخه ۵۹/۱۰/۱۹ شروع شد. با پیشروی نیروهای پیاده گردان به سمت ارتفاعات زیل و نخلستان مهران، بنده آن موقع با درجه گروهان دومی و به عنوان خدمه نفربر پی ام پی ۱ انجام وظیفه می نمودم. نظر به اینکه نفربرها با توجه به صعب العبور بودن منطقه کارایی آنچنانی نداشتند، به بنده مأموریت داده شد که جهت بردن مهمات و امکانات مورد نیاز نیروهای پیاده اقدام نمایم. با توجه به اینکه تازه از آموزشگاه گروهبانی فارغ التحصیل شده بودم، در مورد جنگ تجربه آن چنانی نداشتم. زمانی که در منطقه عملیات در حال تردد بودم به عنوان تدارک کننده و احیاناً آوردن زخمی ها و شهدا به پشت خط، واحدهای توپخانه را می دیدم که مثلاً با زاویه خیلی بالا به سمت عراقی شلیک می کردند ولی در مراحل بعدی زاویه توپ ها کم شد و ما تازه متوجه شدیم که عراقی ها در حال عقب نشینی هستند. در نتیجه برد توپ ها بایستی بیشتر شود. به هر حال بعد از پیشروی نیروهای گردان و عقب نشینی عراقی ها، میمک در همان شب دست غیور مردان ارتش جمهوری اسلامی ایران افتاد. از رده های بالاتر دستور عقب نشینی به گردان داده شد و نیروها به مواضع خود بازگشتند.

در این عملیات، تعدادی از برادران ما شهید شدند، از جمله: شهید ستوان یکم کیومرث نظری که فرمانده گروهان من نیز بود، شهید گروهان یکم اسکندری و شهداء دیگر که بجز شهید نظری، جنازه کلیه شهدا در نزدیکی مواضع عراقی ها ماندند، تا اینکه بعد از حدود ۱۸ یا ۱۹ ماه بعد که عراق عقب نشینی نمود، ما جنازه مطهر شهدا را جمع آوری نمودیم. بعد از آزادسازی میمک، جهت نگهداری ارتفاعات به ما ابلاغ نمودند که به یکی از گردان های تانک مأمور شویم و به سمت میمک حرکت نمودیم. خاطره ای که از آنجا دارم، اینکه یکی از نفرات گردانی که ما به آنها مأمور بودیم به نام شهید ستوانیار رضازاده دو سه دستگاه تانک عراقی را در بین مواضع ما و عراقی ها به علت اینکه خدمه هایشان کشته شده بودند، سالم همان جا خاموش مانده بودند. ایشان (شهید رضازاده) شب ها با تانک خود می رفت و تانک های عراقی ها را بکسل می کرد و پشت مواضع نیروهای خودی می آورد. این شهید بعداً به علت

اصابت گلوله دشمن به درجه رفیع شهادت نائل گشت. یاد و خاطره تمامی شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی گرامی باد.

سرهنگ ۲ زرهی فریدون اسفندیاری جمعی گردان ۲۱۷ تانک

در زمان اجرای عملیات غرورآفرین میمک با درجه گروهان یکمی به عنوان فرمانده تانک شرکت نمودم. در ۵۹/۶/۳۱ با اعلام آماده باش، گردان ۲۱۷ تانک، گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه به منطقه عملیاتی ایلام جابجا گردیدند و در حوالی سرنی منطقه پراکندگی گردان مشخص گردید و استقرار یافتیم.

ابتدا مأموریت ما تقویت پاسگاه های مرزی هلاله، شورشیرین، نی خزر و... بود. شناسایی مناطق مرزی با استفاده از دسته های شناسایی و نیروی مردمی از بسیج عشایری به صورت ۲۴ ساعته ادامه داشت. اطلاعات لازم از فرماندهان پاسگاه های مرزی گرفته می شد. جابجایی نیروی عراقی، برداشتن موانع، تقویت نیروهای عراقی حاکی از تدارک حمله گسترده عراقی ها بود. تا اینکه عراق در یک حمله سراسری موفق به تصرف پاسگاه های مرزی و رشته ارتفاعات میمک گردید. ارتفاع میمک از نظر استراتژی ارزش بسیار بالایی داشت. تسلط به محورهای مواصلاتی سرنی به صالح آباد - صالح آباد به ایلام و غیره.

نیروهای ارتش کماکان به مأموریت های شناسایی به صورت گشتی شناسایی و رزمی ادامه می دادند و هرگونه تحرکات دشمن متجاوز را زیر نظر داشتند. تا اینکه مقدمات حمله فراهم شد و در ۵۹/۱۰/۱۹ عملیات میمک تحت عنوان عملیات خوارزم شروع شد. عملیات در دو محور به صورت گروه رزمی (تانک و پیاده) به همراه نیروهای بسیج عشایری شروع گردید. جاده های مواصلاتی و معابر توسط نیروهای مهندس ارتش و برادران جهادگریکی پس از دیگری بازسازی و باز می شد. در ساعات اولیه عملیات، ارتفاع مهم و صعب العبور میمک تصرف گردید. چون این اولین شکست ارتش عراق بود و در سطح جهان بازتاب گسترده ای داشت، به همین منظور ارتش عراق نهایت تلاش خود را برای بازپس گیری انجام داد. اقدام به پاتک های زیادی نمود، اما به لطف خداوند موفق نشد. اجباراً تن به شکست داد. تپه ها در روی ارتفاعات میمک مثل تپه شهدا و غیره که محل پاسگاه فرماندهان گردان های ارتش عراق بود، یکی پس از دیگری تصرف و پاکسازی گردیدند.

به بنده به عنوان فرمانده تانک پنج هدف اصلی واگذار شده بود که شامل سنگرهای اجتماعی - بتونی و سنگر سلاح های اجتماعی بود با اجرای آتش دقیق روی این سنگرها آنها را منهدم و سلاح های اجتماعی را خاموش نمودم تا نیروهای پیاده بتوانند راحت تر از ارتفاع بالا بروند. هم زمان با این هدف ها، هدف های احتمالی مثل تانک های دشمن که در حال حرکت بودند یا خودروهای دشمن که در حال فرار بودند داشتیم که بلافاصله مورد هدف قرار می گرفتند. همین امر باعث شد که اینجانب به ۶ ماه ارشدیت نائل گردیدم.

مأموریت دوم تانک من پشتیبانی از نیروهای پیاده به صورت آتش بود که این عمل به طور مداوم ادامه داشت و به وسیله گلوله تانک و تیربار تانک پیاده ها را پشتیبانی می نمودیم. از ارتفاع بالا رفتیم. تعداد ۱۵ دستگاه تانک دشمن که بر روی ارتفاع به جا مانده بودند به عقب تخلیه نمودیم و همچنان با استفاده از گلوله های توپ، نیروهای دشمن را که در حال فرار بودند، مورد هدف قرار می دادیم.

روحیه پرسنل ارتش بسیار بالا بود و با استفاده از ایمان راسخ و انضباط قوی و حسن انجام وظیفه شناسی، مأموریت را تا تصرف کامل ارتفاعات ادامه دادیم و سپس ارتفاعات و اهداف مورد نظر تصرف و تحکیم گردید.

ستوان یکم زرهی مرادعلی فرضی جمعی گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱

ساعت ۴ بامداد مورخه ۱۳۵۹/۱۰/۱۹ جهت اقدام عملیات، از تنگه بینا با تانک ها بیرون آمدیم و به سمت تپه های میمک حرکت کردیم. تقریباً دوسوم میمک را بالا رفتیم که به علت آتش شدید دشمن مجبور به توقف شدیم. چون شیب تپه زیاد بود و امکان استفاده از تانک ضعیف بود، با تفنگ های خود به یاری برادران پیاده به فرماندهی سروان شهید محمود حاتم رفتیم. پس از یک درگیری شدید در ساعت ۱۱ روز بعد تپه مهم و استراتژیک میمک را فتح و با تانک به بالای تپه رفتیم. پس از پاکسازی و در حین درگیری متوجه شدیم که تعداد زیادی تانک به طرف ما در حال حرکت هستند. با یک عملیات حساب شده و سریع تانک آخر دشمن را زدیم و آتش گرفت و چون جاده باریک و کوه های اطراف اجازه گسترش و باز شدن را به دشمن نمی داد و راه خروجی هم وجود نداشت، لذا دشمن تانک های خود را رها نموده و با یک شکست خفت آور پا به فرار گذاشت. تعداد ۲۷ دستگاه تانک نو بدون اینکه حتی گلوله ای هم شلیک کرده باشند به پشت جبهه منتقل گردیدند. از آن به بعد پاتک های سنگین دشمن شروع

شد که هر بار با شکست مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند تا اینکه در ساعت ۱۳/۱۵ دقیقه مورخه ۵۹/۱۰/۲۱ به علت برخورد یک فروند موشک مالیوتکا به تانک مجروح شدم و توسط همزمانم به پشت جبهه منتقل گردیدم.

ستوان دوم محمدعلی باباخانی جمعی گردان ۲۱۷ تانک

در تیرماه سال ۵۹، قبل از حمله گسترده عراق به خاک مقدس جمهوری اسلامی، از پادگان الله‌اکبر، همراه تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی به منطقه قصرشیرین اعزام شدیم. در دو منطقه خَر ناصرخان و کلانتر مستقر شدیم. دشمن در آن زمان آتش‌های پراکنده‌ای را بر روی شهر قصرشیرین و اطراف آن اجرا می‌کرد، با استفاده از افراد خودفروخته، جاده‌های مواصلاتی را مین‌گذاری و افراد بومی را می‌ربودند. وظیفه ما پدافند از منطقه واگذار شده بود، تا اینکه بعد از سه ماه ما را به پادگان اعزام کردند. هنوز ده روز از ورود ما به پادگان نگذشته بود که ارتش بعث حمله هوایی گسترده خود را به نقاط حساس و شهرهای حاشیه مرز شروع کرد و با تمام قوا از راه زمین نیز به خاک مقدس جمهوری اسلامی تجاوز نمود. بنا به دستور و با ضیق وقت اعلام شد که گردان ۲۱۷ با استفاده از تمام تجهیزات به سوی منطقه عمومی ایلام حرکت نماید. ما تانک‌ها را بدون وسیله حمل و با استفاده از حرکت خود تانک، ساعت سه بعدازظهر به سوی ایلام حرکت کردیم. از شهر ایلام گذشتیم و بعد از پیمودن ۴۰ کیلومتر به منطقه سرنی رسیدیم. در تاریخ ۵۹/۷/۲، بنا به دستور به سوی هدف تصرف شده توسط دشمن که ارتفاعات میمک بود حرکت کردیم. دشمن این ارتفاعات را در ۱۹ شهریور ۵۹ اشغال کرده بود. در حالی که نه آتش پشتیبانی داشتیم و نه واحد پیاده. به ارتفاعات حمله‌ور شدیم، هدف را گرفتیم و به علت نداشتن اطلاعات کافی از وضع منطقه و ناهماهنگی در تدارکات و نداشتن پوشش کافی به علت کمبود نفرات پیاده، دشمن از جناحین به ما پاتک نمود و مجبور شدیم بنا به دستور عقب‌نشینی کنیم و به منطقه دشت سه‌کوران بیاییم و در حالت موضع پدافندی بمانیم. کم‌کم واحد پشتیبانی آتش و لجستیک نیز خود را به منطقه رساندند و در منطقه تجمع واقع در سرنی قرار گرفتند.

در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۹، شب‌هنگام افراد به ارتفاع نفوذ کرده و خطوط مقدم دشمن را با استفاده از تجهیزات که قبلاً به ارتفاعات فرستاده بودند، از بین بردند و عمده قوا نیز با استفاده از عدم دید دشمن حمله کرد. این تاکتیک مؤثر واقع شد و دشمن در ساعات اولیه، خطوط

اولیه خود را از دست داد. وقتی به ارتفاعات رسیدیم تعدادی از افراد پیاده دشمن هنوز تلاش مذبوحانه می کردند که بنا به دستور فرمانده گروهان، ستوان پاکزاد آرایش جهت پیشروی در عمق مواضع دشمن آغاز شد و از جناح چپ نیز واحدهای دیگر به همین صورت. بنده در آن موقع سمت توپچی گری تانک را داشتم. صدای پرصلابت ستوان پاکزاد از بی سیم که با کلمه «یا حسین، تا تلخاب پیش برویم» همچون آوای اوج شهامت و ایثار یک ایرانی باغیرت بود. حمله کردیم و هر تجهیزات و نفراتی از دشمن در مقابل این صاعقه قرار می گرفت از بین می رفت و بالاخره هدف های داده شده را تصرف نمودیم. فردای آن روز دشمن شروع به پاتک نمود که هماهنگی، ایثار، جانفشانی به اوج خود رسیده بود. همه جا آتش بود و دود. اینجا شهامت و غیرت حرف اول را می زد. دشمن مذبوحانه با بجا گذاشتن تعدادی تانک و کشته و زخمی فراوان عقب نشست و بعد از ۲۴ ساعت دوباره شروع به پاتک کرد که این بار نیز هماهنگی بین پیاده و تانک و مدیریت فرماندهان و یاری افراد بومی سبب شد دشمن دوباره با کشته فراوان و انهدام تعدادی از تانک هایش عقب نشیند. آخرین تک خود را روز بعد و به فرماندهی خود صدام و با حجم بی نهایت آتش انجام داد که اینجا نیز جنگ تن به تن بود و هر دو نیرو در هم آمیخته بودند. اما کمک خداوند و شهامت دلیرمردان ارتش و دیگر نیروهای هم رزم آنان و مدیریت دقیق فرماندهان و رشادت هوانیروز، شربت تلخ شکست را به کام کافران بعضی ریخت و مواضع کاملاً تثبیت گردید. جا دارد از برادران هم رزم در این عملیات یاد کنم و بر شجاعت آنان درود بفرستم و بگویم درود بر شما مردان پولادین عرصه پیکار. نقش سرگرد خوارزمی، ستوان پاکزاد، سرهنگ سهرابی، استوار پورهاشمیان در این عملیات ستودنی است.

گزیده نظرات^۱

سروان رسولی: در اوایل سال ۱۳۵۹، یک گردان پیاده، یک گروهان تانک و یک آتشبار به استعداد ۴۰٪ در منطقه ایلام مستقر می شود. در ۱۶ شهریور ۵۹، اولین جایی که عراقی ها در غرب گرفتند منطقه خان لیلی و زینل کش بود. در ۱۷ شهریور، پاسگاه های مرزی شورشیرین، انجیره، نی خزر، هلاله و تلخاب زیر آتش توپخانه عراق قرار گرفت.

۱. گزیده نظرات از اسناد موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ، انتخاب شده است. با توجه به درجه درج شده مصاحبه شونده، مشخص می گردد که این مصاحبه در همان ماه های نیمه دوم سال ۵۹ انجام گرفته است. «سرتیپ ۲ صادقی گویا»

تک گسترده عراق در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر ۳۱ شهریور ۵۹ به پاسگاه‌های نی‌خزر، هلاله و تلخاب شروع و در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر همان روز بی‌سیم‌ها خبر دادند که نیروهای ما عقب‌نشینی کردند. نیروهای ما چون در برابر دشمن اندک بودند، فقط توانستند ۴ ساعت مقاومت کنند.

محمد امین فیضی (از عشایر): هنگامی که به نی‌خزر حمله کردند کل سلاح ما دو قبضه خمپاره ۱۲۰ و ۸۱ م‌م بود. عراق با همه نیروی نی‌خزر را گرفت و بعد بر میمک و تنگ بینا تسلط یافت. در یک برخورد ما در هلاله با تانک‌های عراقی، آنها ۱۴ تانک، یک تانک موشکی و یک ۱۰۶ داشتند. از ده تانک ما سه تا شنی پاره کردند. روز حمله یک راننده تانک خرم‌آبادی به سرعت جلورفت و عراقی‌ها از مقابلش فرار کردند. او تا نزدیک سنگر عراقی‌ها پیش راند. چند تا تانک را زد. دیگر تانک‌های ما هم جلو رفتند، اما پیاده‌ها به جمع‌آوری غنائم پرداختند و تانک‌ها بدون پیاده ماندند و برگشتیم.^۱

اسفندیاری (از عشایر خزل): روزهای قبل از هجوم سرتاسری عراق، عراقی‌ها با روش ۹ تانک ۹ تانک جلو می‌آمدند، ضربه می‌زدند، عقب می‌رفتند و بعد ۹ تانک دیگر. بدین ترتیب، پاسگاه نی‌خزر را منهدم کردند. بعد میمک را گرفتند. نیروهای ما تا سرنی (حدود ۱۵ کیلومتر) عقب آمدند.

ابراهیمی (دیدبان): در میمک جنگی نشد، آنها به آسانی و بدون درگیری بر میمک مسلط و نیروهای خودشان را در آنجا مستقر کردند.^۲

اسدی (از سپاه پاسداران): در پایین میمک به سمت عراق (در ۱۵ کیلومتری از ارتفاعات میمک) پاسگاه نی‌خزر قرار دارد که قبل از تصرف به وسیله ۲۰ نفر از جوانمردان ژاندارمری محافظت می‌شد. اینها سلاح سنگین نداشتند. اسلحه‌شان برنو، ژ۳، آرپی‌جی و تفنگ‌های ۱۰۶ و ۵۷ م‌م بود. در ۵۹/۶/۱۵، دشمن به سمت این پاسگاه با حدود ۶۰ تانک تی ۵۲ و تفنگ‌های ۱۰۶ که به وسیله هلی‌کوپتر از هوا پشتیبانی می‌شد، حمله کردند. یک گروهان پیاده ارتش در ارتفاعات پشت میمک مستقر بود. بعد از چند روز، دشمن با حدود ۳۰ تانک به سمت ارتفاعات میمک حمله‌ور شد. چون دشمن توپخانه داشت و ما نداشتیم، این گروهان نیز ۲ تانک از ۱۰ تانکش را جا گذاشت و عقب نشست.

۱. این موضوع مربوط به عملیات پاسگاه سنگی در تاریخ ۵۹/۷/۲ می‌باشد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. در میمک نیروی خودی حضور نداشت، زیرا میمک را باید برابر قرارداد ۱۹۷۵ به آنها تحویل می‌دادیم. «سرتیپ ستاد سهرابی»

محمد (افسر دیده بان توپخانه): عراق با تانک های زیادی با آرایش کامل به طرف پاسگاه نی خزر حمله کردند. ما فقط یک آتشبار توپخانه ۱۵۵م با ۵ توپ در اختیار داشتیم. به قدری با این توپ ها تیراندازی شده بود که دو قبضه آن شعله پوش ترکاند. لوله توپ های دیگر نیز سرخ شده بود و هرچند داد می کشیدیم، کمک هوایی و کمک زمینی خبری نبود. ما مردانه جنگیدیم، اما نی خزر سقوط کرد.

کمری (افسر توپخانه): سرعت حمله و اشغال پاسگاه نی خزر جوری بود که دیده بان می گفت تصور می کنم تانک های خودی است. روزی که نی خزر را گرفتند ما کمکی خواستیم، اما کمکی نشد. نیروی ما با آنها قابل مقایسه نبود. نیروهای ما پس از ۴ ساعت مقاومت به طرف سرنی عقب نشینی کردند. از ۲۰ شهریور که نیروهای عراقی بر میمک مسلط شدند، نیروهای کمکی مردمی به ما یاری فراوان رساندند. به ایلام خبر داده شد که نیروها مهمات ندارند. بسیاری از مردم ایلام به اسلام آباد رفتند و با وسایل شخصی، مهمات به ما رساندند. در آغاز مردم ما را نجات دادند. یک افسر توپخانه عراق که به ما پناهنده شده بود می گفت «فکر کردم در جهان همیشه یک حق وجود دارد، من انقلاب اسلامی شما را بالاترین حق می دانم.»

میری (راننده تانک): در شهریور به ما دستور داده شد جواب بمباران عراق را که پاسگاه های ایرانی را کوبیده بودند، بدهیم. یکی از پاسگاه های آنها را به راحتی از بین بردیم. وسایل ما ناچیز بود. ۶۰ تانک به هلاله حمله کرد. سرگرد عبیری دستور عقب نشینی داد. این افسر در عملیات پاسگاه سنگی در تاریخ ۵۹/۷/۲ شهید شد. سرگرد خوارزمی: در تاریخ ۵۹/۶/۲۲، عراق تپه شینو، پاسگاه های تلخاب، انجیره و هلاله را تصرف کرد.

حمله اول و دوم ایران برای پس گرفتن میمک

سروان رسولی: در حمله اول برای پس گرفتن میمک در ۲۰ شهریور ۵۹، یک نیرویی بود از تیپ ۱. هنگامی که ما حمله کردیم آنها خبر داشتند و هیچ گونه تیراندازی نکردند و صبر کردند تا ما کاملاً به پایین ارتفاعات برسیم. بعد یکبار ما را درو کردند و سخت شکست دادند. در یکی از این حملات، ۲۰ تانک آماده به کار یک گردان را به جای اینکه قاعدتاً با ما (تانک بر) ببرند، ۱۶۰ کیلومتر روی شنی جلو رفتند، در حالی که حداکثر مسافتی را که یک تانک می تواند روی شنی برود ۱۵ کیلومتر است. در حمله دوم همراه، دخالت هلی کوپترها کاملاً وضع را به نفع عراق برگرداند و فرمانده گردان سرگرد عبیری اسیر یا کشته شد (در ۵۹/۷/۲ عملیات پاسگاه

سنگی تنگ بینا). می‌گویند آن قدر هرج و مرج در جنگ بود که عبیری تانک‌های دشمن را به جای تانک‌های خودی عوضی گرفت و با آنها رفت. سرگرد عبیری در عقب، راه را عوضی گرفته بود و رفته بود.

در حملات اول جاسوسان محلی نهایت کمک را به عراق کردند، زیرا هر جا می‌رفتیم همان منطقه زیر آتش قرار می‌گرفت و گاه که هدفمان یک نقطه بود، اما یک ساعت دیر می‌رسیدیم همان نقطه هدف زیر آتش دشمن قرار می‌گرفت.

اسفندیاری (از عشایر): روز ۵۹/۷/۲ قرار بود تک کنیم. با ۱۴ تانک از سرنی حرکت کردیم. از ۱۴ تانک سه تا فقط آمد. بقیه معلوم بود نمی‌خواستند بیایند. می‌ترسیدند. فقط کلاه سبزها بودند که شجاع بودند. ما با سه تانک جلو رفتیم. حدود ۶۰۰ نفر پیاده بودیم که به بالای میمک رسیدیم. از سه تا تانک هم فقط یک تانک بالا آمد. در این موقع، نه بی‌سیم بود، نه اطلاعاتی و نه هماهنگی. تظاهرات خیابانی بود! یکی به نام سروان ترکمن در آن بالای بلندی‌های میمک می‌خواست خودکشی کند، چون هر چه به تانک‌ها فریاد می‌زد و پیراهنش را درآورده بالای تفنگ کرده بود و علامت می‌داد تانک‌ها نمی‌آمدند. در همان حالی که تانک‌های دشمن می‌رفت تا ما را محاصره کنند عقب‌نشینی کردیم.

میری: سه بار بعد از تصرف میمک به دست عراق به آنها حمله‌ور شد و هر سه شکست خورد.

بازپس گرفتن تنگ بینا از دشمن - حمله سوم

فرمانده تیپ: در همان روزهای اول اشغال میمک، با یک حمله سریع تنگه بینا را در تاریخ ۵۹/۷/۲ از دست دشمن گرفتیم. دشمن تعدادی خودرو و تعداد زیادی نفر از دست داد، تانک‌های منهدم شده دشمن را نیز تعمیر و راه اندازی و به عقب آوردیم. دشت لیک (حداصل تنگه بینا تا میمک) از دست آنها خارج شد. اما چون میمک بر این دشت مسلط بود لذا دشت در اختیار آنها بود و همواره روی تنگه بینا آتش داشتند.

اسفندیاری (از عشایر): در حمله به تنگه بینا خمپاره‌ها به شدت آنها را کوبید و سر و صدا کردند تا در صدای آنها تانک‌ها به جلو بروند. تانک اول رد شد، چیزی نشد، اما تانک دوم و سوم از روی مین رفت و زنجیر پاره کرد. جنگ تن به تن شد. ۲۵ نفر اسیر گرفتیم. هدف ما دور زدن میمک بود، اما باران گلوله دشمن از میمک شروع شد و به تنگه عقب‌نشینی کردیم (عملیات پاسگاه سنگی تنگ بینا ۵۹/۷/۲).

سرگرد خوارزمی: در حمله‌ای که به تنگه بینا شد عراق شکست کامل خورد. حدود ۲۰ اسیر گرفته شد و بقیه فرار می‌کنند. آنها تانک‌های خود را روشن را گذاشتند و فرار کردند. در این حمله، عامل شکست ما یکی میمک بود، مسلط به منطقه و در تصرف آنها، دوم به فکر غنائم بودن و تانک‌ها را به هوای غنائم بدون نفر گذاشتن. سروان پاکزاد: در روز حمله به تنگ بینا شجاع‌ترین درجه‌دار که شهید شد «ستوان‌یار سلیمی» بود.

علل شکست از عراق در مراحل اول

سروان رسولی: کاهش دوره سربازی به یک سال، غائله کردستان، نبودن آموزش و نگهداری و انضباط.

برای رده‌های پایین مسلم بود که عراق حمله می‌کند و ما معتقد بودیم که باید دادگاهی تشکیل شود و محاکمه کنند کسانی را که به نامه‌ها دال بر نیت عراق به حمله پاسخ ندادند و بی تفاوت ماندند، برای ما این همه اهمال باورکردنی نبود. خطاهای نظامی و فرماندهی در غرب بسیار صورت گرفت. اگر ما استعداد فعلی را داشتیم عراق هرگز نمی‌توانست یک قدم هم جلو بیاید، چرا که فعلاً با اینکه پایگاه سرکوب دست آنهاست، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. در حالی که اول این پایگاه‌ها و مناطق سرکوب و بلندی‌ها دست ما بود. فرماندهی در آغاز شبیه این بود که سدی را که هر لحظه جایش سوراخ می‌شد به جای فکر اساسی، کهنه در سوراخ‌ها می‌گذاشتند.

در آغاز پراکندگی عجیبی بود. مثلاً تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ یعنی تیپ ما، چون گوسفند قربانی هر تکه‌اش جایی تقسیم شده بود و اصلاً انسجام و ارتباط نبود. همین تیپ ما ۷ قسمت شده بود و طبعاً کنترل، پشتیبانی و تدارکات بسیار مشکل بود. تا این زمان هیچ دستور درستی جز نامه‌های کوچک چند کلمه‌ای از بالا نمی‌آمد.

اطلاعات دقیق عراق از ما و بی‌خبری ما از آنها از مهم‌ترین مسائل قابل ذکر است. از دلایل مهمی که عراق قصد حمله داشت این بود که تا ۲۰ کیلومتری مرز را در خاک خودش خالی از سکنه کرده بود و در مرزها کانال نیز برای نگهداری و حفاظت تانک‌ها و رفت و آمد آنها کنده بود. (شواهد و قرائن دال بر آماده شدن عراق برای حمله)

کمری (افسر توپخانه): عدم پیش‌بینی، دلیل ضربه خوردن ما از عراق بود. ما دست کم مین‌گذاری هم در مرزها نکرده بودیم. قبل از گرفتن میمک دیده‌بانان ستون‌های آنها را می‌دیدند و گزارش می‌دادند. هیچ تانکی بالای میمک نبود. اصلاً فرماندهی نبود.

اسفندیاری (از عشایر): چند بار در داخل خاک عراق مخصوصاً در حوالی مهران ما تانک‌های بسیاری دیدیم که در حرکت و رفت و آمد بودند. به ضیایی معان سیاسی استانداری ایلام گفتیم، اما معلوم نشد چه شد. بار دوم گزارش دادیم. یک روز مسئول محترم دست به پشتم زد و گفت: سید دروغ نگو. اینجور که تو می‌گویی در جهان هم آن قدر تانک نیست. بارها مردم مهران را دیدم جلو فرمانداری که برای دفاع از خود و شهر اسلحه می‌خواستند. آزادی، فرماندار مهران، نداد. آن قدر نداد تا همه اسلحه‌ها در انبار به دست عراقی‌ها افتاد. آری! بعد من به چشم خودم صحرای کربلا را در مهران دیدم.

میری (راننده تانک): عراق میمک را گرفته بود. ما که در پاسگاه هلاله بغل گوش میمک بودیم خبر نداشتیم چون اصلاً بی‌سیم نبود و ارتباط قطع بود.

سرگرد خوارزمی: علل شکست ما در اوایل از عراق عبارت بود از:

۱- عدم تجربه ما در جنگ و ضعف نیروی ما

۲- آشنا نبودن فرماندهان به منطقه

۳- عدم هماهنگی ما و هماهنگ بودن دشمن

۴- در ابتدا بر روی میمک نیرویی نداشتیم

سرهنگ باوندپور فرمانده لشکر: علل شکست ارتش را در آغاز جنگ به دلایل زیر می‌دانم:

۱- در تمام لشکر فقط ۵۴ تانک سالم بود و کلیه تانک‌ها در اثر عدم مراقبت بلااستفاده

مانده بود که بعد از تعمیر و به کار انداختن تانک‌ها جهش‌هایی صورت گرفت.

۲- خطاها و اشتباهات:

(الف) جناب فرمانده لشکر قبل سرهنگ هوشنگ سهرابی^۱ تانک‌ها را به صورت

واحدی به کار برده بود و نه به صورت تمرکزی. اصلاً تانک در جنگ برای ضربه زدن

۱. سرهنگ هوشنگ سهرابی، افسر دلسوز و شجاعی بود. با اینجانب (اسماعیل سهرابی) نیز هیچ نسبتی نداشت. در عملیات مهران در اوایل خرداد ۵۹ به منطقه آمد و با حضور فرمانده تیپ، ایشان هم در عملیات شرکت نمود. روی برجک تانک رفت، دو پاسگاه زالوآب و دُرَاجی عراق را تصرف نمود. متأسفانه این افسر لایق بنا به تقاضای شخصی از تاریخ

است نه برای جوری جنس که مثلاً ۵ تانک به هلاله بفرستند و ۳ تانک به نی خزر و عراق هم سهل و آسان بیاید یکی یکی مثل تکه های چوب از هم جدا، آنها را بشکنند یا بگیرد.^۱ (ب) یکی از اشتباهات دیگر تداخل واحدها بود. مثلاً در یک واحد ده تانک داشت. هر یک در یک جا یا تمام جبهه ها را به همه دادن، بخش بخش کردن و پراکنده و گسستن انسجام و همانند بدنی که اعضایش را ببرند و هریک را به گوشه ای بیندازند و بعد بگویند این همان آقای فلانی است!

(پ) کنار گذاشتن کاراترین و بهترین افسرها.

(ت) جا گذاشتن تعدادی از تانک ها و خودروها در حمله اول برای عراقی ها و فرار کردن. همچنین جالب اینجاست که اگر بعضی از رانندگان وسیله خود را می آوردند جناب زمانفر فرمانده لشکر به آنها ارشدیت می داد.

علل شکست از عراق در جنگ های اول

سروان پاکزاد: در حمله اول^۲ و دوم ما برای پس گرفتن میمک، علت شکست در چند چیز بود:

۱- نبودن هماهنگی

۲- نبودن طرح و سازمان

۳- هرج و مرج در هنگام جنگ

۴- نه گروه تخلیه اسرا بود و نه گروه تخلیه غنائم جنگی

سروان رسولی: در حملات اول برای پس گرفتن میمک در مهرماه^۳ و بعد:

۱- طرح نبود

۲- شناختی از دشمن نبود

۱. سرهنگ باوندپور در آغاز جنگ در منطقه غرب حضور نداشت، ایشان از تاریخ ۵۹/۸/۱۵ به فرماندهی لشکر ۸۱ منصوب گردید. بنا به تقاضای مصرانه ژاندارمری و دستور ارتش و نزاجا، پاسگاه ها را با یک دستگاه تانک یا نفربر تقویت می نمودند و در غیر اینصورت پاسگاه ها دوام نمی آوردند. اگر خود سرهنگ باوندپور در آن موقع فرمانده لشکر ۸۱ بود، آیا می توانست دستور رده بالا را اجرا نکند؟ «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. حمله اول پاتک در ۲۰ شهریور بود. یگان های ما در مقابل دشمن اندک بودند. تانک ها هم شب قبل روی شنی از اسلام آباد به منطقه آمده بودند و بدون وقفه پاتک نمودند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۳. در عملیات ۵۹/۷/۲ (پاسگاه سنگی) هدف نیروهای ما، آزادسازی تنگ بینا و دشت لیک بود. ارتفاعات میمک هدف نبود. ضمناً فرمانده تیپ ۱ (اینجانپ) بنا به دستور لشکر، چهار ساعت قبل از شروع عملیات، به طور غیرمترقبه عازم سومار شده و پاتک یگان های سومار را فرماندهی نمود. «سرتیپ ستاد اسماعیلی»

۳- وحدت فرماندهی نبود.

۴- اطلاعات دقیق عراق از ما به وسیله جاسوسان محلی و ستون پنجم.

سرگرد خوارزمی: در حمله دوم مهرماه برای پس گرفتن میمک همان شبی که قرار بود تک کنیم، تلفن زدند و ۵ تانک را برای سومار خواستند و مهم‌تر از همه اینکه اصلاً طرحی نبود.^۱

فتح میمک

سرهنگ سهرابی (فرمانده تیپ): به علت کمبود نیرو و تجهیزات در مقابل عراقی‌ها طرح بر اساس غافلگیری بسته شد و حمله غیرمستقیم. چون پی برده بودیم که در حمله مستقیم امکان پیروزی نیست.^۲

شمشادیان (افسر خلبان): عوامل موفقیت سه چیز بود: اول: غافلگیری دشمن. دوم: قاطعیت فرماندهی و هماهنگی، سوم: ایمان و شجاعت.

محمدی (افسر دیده‌بان): غافلگیری و شبیخون یکی از اصول مهم پیروزی ما بود. محمدیان (افسر وظیفه سیاسی - ایدئولوژی): این موفقیت به واسطه غافلگیری حاصل شد. غافلگیری به صورتی بود که دشمن ما را در بالای سر خود دید.

عشایر می‌گویند: اصلاً نمی‌دانستیم کی و چه روزی حمله خواهد شد؟ اما در حالت آمادگی بودیم و روز هجدهم بعد از ظهر خبر شدیم که فردا حمله است.

فیضی (یکی از فرماندهان عشایر): روز هجدهم پی بردم که فردا حمله خواهد شد. در این زمینه بارها پرسیدم. کسانی که دانستن آنها از حمله حتی ضروری بوده، از حمله خبر نداشتند و تعداد انگشت شماری از روز و ساعت حمله باخبر بودند.^۳

۱. به ناچار چون دستور فرمانده لشکر غیرمترقبه بود، فرمانده تیپ ۱ تعداد ۵ دستگاه تانک را به سومار برد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. حمله ما به میمک، اولین بار در ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ بود. با اندک نیرویی پاتک نمودیم که عراقی‌ها به سرنی. صالح آباد پیشروی ننمایند و موفق هم شدیم. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۳. اگر قبلاً زمان حمله ابلاغ می‌شد، غافلگیری از بین می‌رفت، لذا شروع و حرکت به موضع تک شب جمعه بود. فرمانده تیپ ۱ پس از هماهنگی با نماینده مجلس ایلام زنده‌یاد اسدالله عالیپور که خود او نیز از ایل خزل بود، شخصاً به سرنی، مقر عشایر ایل خزل رفت. ملاحظه نمود که اکثر آنها به منزل رفته و حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر افراد حضور دارند. سپس صحبت‌های مقدماتی گفته شد: "امشب آموزش شبانه مشابه عملیات میمک دارید، کلیه اعمالی که برای عملیات واقعی انجام می‌دهید، به اجرا بگذارید، از جمله آمادگی سلاح و مهمات و سایر مایحتاج و..." پس از آمادگی بعد از نماز مغرب به اینها گفته شد: "امشب همان شبی که شما انتظار می‌کشیدید. شب عملیات است." همگی تکبیر گفتند و شور و هیجانی به آنها دست

شمشادیان (سرپرست دسته خلبانان) می گوید: فرمانده به من گفت هیچ کس نباید از روز حمله آگاهی داشته باشد.

رسولی: چند بار، به طوری که به گوش ستون پنجم که بسیار هم بودند، عمداً رساندیم که مثلاً فلان روز حمله خواهد شد و می دانستیم عراقی ها را خبر خواهند کرد. اما حمله نشد تا دشمن متقاعد شد که موضوع حمله از طرف ما جدی نیست.

محمدی (افسر دیده بان): یکی از عوامل پیروزی، فرماندهی بود و هماهنگی. فرمانده تیپ یک روز قبل از حمله برای عشایر سخنرانی می کند و می گوید حمله کوچکی است.

کروندی: سخنرانی در تهییج سربازان برای جنگیدن بسیار مؤثر بود و تک فریبنده در کنجان چم.

پاکزاد (افسر فرمانده گروهان تانک): فرکانس جدید انتخاب کردیم و بدون آتش تهیه، نبرد را با پیاده ها آغاز کردیم.

یکی از سربازان: در شب ۱۹ دی، اسم شب داشتیم و علامتی روی بازوی چپ تا یکدیگر را بشناسیم.

آغاز نبرد در سمت چپ میمک

رسولی: محمدامین فیضی (ایل خزل): سرپرست گروه کوچکی به نام گروه فیضی که از بعد از انقلاب در کردستان و جاهای دیگر به طور افتخاری خدمت می کند و حدود سه ماه بعد از عملیات میمک وارد سپاه می شود شبی که با او ملاقات می کنم در ایلام بود. تازه از تهران برگشته و از تیری که به سرش خورده بسیار رنج می برد. طرف راستش به خوبی حس داشت. به سختی سخن می گوید: تاکنون سه بار تیر خورده ام که بار آخر بسیار سخت بود. اگر خوب نشدم مانعی ندارد، چون انتقام خودم را از آنها گرفتم... در سحرگاه روز ۱۹ دی به صورت گروه های چهار و پنج نفری جلو رفتیم. من در گروه جلو بودم و بقیه گروه ها به

داد و لذا آنها به گردان های تک و فرستاده شده و در جایگاه خود در سازمان یگان های نظامی قرار گرفتند. همچنین گفته شد که به سایرین امشب اطلاع ندهید (البته نه زمانی و نه وسیله ای برای اطلاع دادن نداشتند). بدینوسیله آنان در عملیات شرکت نمودند. در شب راهنمای خوبی برای طی کردن مسیرها بودند. البته سایر عشایر که حدوداً استعدادشان به یک گروهان می رسید، به محض خبردار شدن، روزهای بعد به رزمندگان پیوستند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

سرپرستی رحیم فیضی (برادرم)، کرم کمرزاده، علی کرم محمدیان، درویش محمدیاری و چهار نفر کلاه سبز کلاً ۲۰۰ نفر بودیم که شامل عشایر، منقضی خدمت‌های ۵۶ و چند نفر از کلاه سبزها بودند. در همان روزها با برادرم به روی سنگرها می‌رفتیم و به داخل آنها نارنجک می‌انداختیم. یک سنگر مانده بود. به برادرم گفتم برگردیم. گفت: منتظر باش تا آن یکی را هم بکوبم. اما از داخل همان سنگر تیر به قلبش خورد و کشته شد. اولین مأموریت ما که از میان برداشتن ضدهوایی‌های چهارلول بود به خوبی انجام شد. آن قدر بی‌صدا رفتیم که گروهی هنوز خواب بودند.

سروان رسولی: مأموریت پیاده‌ها (مرحله اول) در ساعت ۷:۱۰ دقیقه صبح به پایان رسید و دستور اجرای برنامه مرحله دوم و سوم داده شد. در ساعت ۷:۳۰ صبح گفتند دشمن در حال فرار است. تا این ساعت ۲۰ نفر زخمی داشتیم که توسط هلی کوپتر تخلیه شدند. ساعت ۱۰ صبح اولین پاتک (ضدحمله) شدید دشمن همراه میگ‌ها، هلی کوپترها و تانک‌ها. ساعت ۳ بعدازظهر دومین پاتک دشمن شروع می‌شود با حمله شدید تانک‌ها. در این ساعت عشایر به عقب فرار می‌کنند. تعداد عشایر ما ۱۷۰ نفر (دو گروه رزمی) به پشتیبانی دو آتشبار توپخانه ۱۵۵م، دو قبضه توپ ۱۳۰م و یک آتشبار کاتیوشا و سه قبضه توپ ۱۷۵م.

پاکزاد (فرمانده یگان تانک): معمولاً وقتی تانک‌ها جلو می‌روند هنگامی که تانک اول توقف کرد، عقبی‌ها هم توقف می‌کنند تا جایی که ممکن است یک تانک موجب شکست باشد. هنگامی که به بالای میمک آمدیم و آن فضای باز وسیع را دیدیم بعضی پیاده‌ها از ترس در میان شیارها و کنار سنگ‌ها خود را پنهان کردند و تانک‌ها بی‌نفر ماند. یک رگبار به طرف آنها گرفتم با رگبار دوم همه آمدند سر تانک‌ها قرار گرفتند. عبور از خط ما در آن روز حساب شده بود، چرا که افراد من جزء گروهان سوم بودند و در جنگ‌های قبل میمک شرکت نداشتند و روحیه آنها بالا بود.

پیوست ۳:

عملیات آفندی میمک به روایت کتاب نبردهای صحنه عملیات غرب*

* منبع: حسینی، سید یعقوب، سرهنگ زرهی، نبردهای صحنه عملیات غرب، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۵.
توضیح: به منظور افزایش ارزش محتوایی کتاب، مطالب این بخش از منبع فوق انتخاب و به کتاب اضافه گردیده است.
«ویراستار، سرتیپ ۲ صادقی گویا»

عملیات آفندی میمک در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹

مقدمه

در مطالب قبل، گفته شد که منطقه میمک که در منطقه مرزی غرب صالح آباد قرار دارد، یکی از دو نقطه مورد اختلاف در مرز زمینی ایران و عراق بود (منطقه اول مورد اختلاف زینل کش^۱ بود). بدین سبب ارتش عراق بعد از فراهم شدن تهاجم عمومی به سرزمین ایران، در دومین تهاجم خود قبل از آغاز جنگ عمومی، این منطقه را در ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۹ اشغال نمود. منطقه‌ای را به عرض و عمق تقریبی ۱۵ کیلومتر در حوالی پاسگاه‌های مرزی هلاله و نی خزر تحت سلطه خود درآورد. با اشغال این منطقه، محور وصولی صالح آباد سرنی به طرف خط مرز مورد تهدید نیروهای عراقی قرار گرفت و نتیجه نهایی آن تهدید جدی محور ایلام و صالح آباد و مهران بود.

هنگامی که نیروهای مهاجم عراقی با نیرویی حدود یک تیپ پیاده به منطقه میمک حمله کردند، نیروهای مدافع ایران در آن ارتفاعات، فقط شامل یک گروهان مکانیزه (-) و یک گروهان تانک (-) بود که جمع استعداد رزمی آنها کمتر از یک گروهان رزمی بود. این یگان رزمی را فقط یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری پشتیبانی می‌کرد که فقط حدود ۶۰٪ استعداد سازمانی خود را داشت. بدین سبب نیروهای متجاوز عراق موفق شدند به سادگی ارتفاعات میمک را اشغال کنند^۲ و معابر وصولی به آن را که از شمال به جنوب شامل تنگ بیجار، تنگ بینا و معبر اصلی صالح آباد - سرنی بود، سد نمایند.

بلافاصله بعد از آگاهی از اشغال میمک به وسیله نیروهای متجاوز عراق، به لشکر ۸۱ زرهی دستور داده شد، به هر نحو مقدور ابتدا معابر وصولی از میمک به طرف داخل سرزمین ایران به ویژه سرنی صالح آباد را تأمین کند و از ادامه پیشروی نیروهای دشمن از دشت لیک به طرف شرق جلوگیری نماید و در اولین فرصت پاتک کند و نیروهای متجاوز را از آن منطقه بیرون براند. در آن موقع، یک گروه رزمی گردانی از عناصر لشکر ۸۱ زرهی در صالح آباد مستقر بود که عناصر مستقرشده قبلی در منطقه میمک نیز از همان گروه رزمی اعزام شده بود. لذا بقیه

۱. زینل کش دیدگاهی است که به شهر مندلی عراق دید دارد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. نیروهای اندک خودی در پاسگاه‌های ژاندارمری به صورت تفکیک مستقر بودند. در میمک نیرویی وجود نداشت.

«سرتیپ ستاد سهرابی»

عناصر گروه رزمی که گردان ۲۱۷ تانک بود، به منطقه معابر نفوذی احتمالی نیروهای عراقی اعزام شد و آماده برای سد کردن پیشروی بیشتر نیروهای متجاوز عراق گردید.^۱ در اجرای دستوری که به لشکر ۸۱ داده شده بود^۲، تا در اولین فرصت به منطقه میمک پاتک کند، لشکر نیز به تیپ ۱ زرهی سازمانی خود اجرای این مأموریت را محول کرد. آن تیپ طرح ریزی برای اجرای پاتک را انجام داد، اما قبل از آغاز تهاجم عمومی ارتش عراق به ایران، موفق به اجرای این عملیات نشد. ولی بعد از تهاجم عمومی ارتش عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، با وجود اینکه تمام عناصر لشکر ۸۱ گسترش یافته در منطقه مرزی ایلام و کرمانشاه مورد هجوم قرار گرفتند و به علت برتری مطلق نیروهای عراق به ایران، لازم بود نیروهای ایران در تمام مناطق به دفاع بپردازند. اما نظر به اینکه طرح حمله تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ زرهی به منطقه میمک برای اجرا آماده شده بود، فرمانده تیپ ۱ زرهی که در آن موقع سرهنگ اسماعیل سهرابی بود (بعداً رئیس ستاد مشترک شد)، دستور داد طرح آماده شده اجرا گردد. بنابراین، اولین پاتک نیروهای ایران در ساعت ۰۷۰۰ روز دوم مهرماه ۱۳۵۹ در منطقه پاسگاه سنگی، تنگ بینا و دشت لیک به اجرا درآمد، اما در آن شرایط عدم موفقیت این عملیات اجتناب ناپذیر بود. با وجود این، نیروهای ما توانستند ۲۵ نفر از افراد دشمن را به اسارت بگیرند و تلفاتی نیز به آنان وارد سازند. از همه مهم تر آنکه حضور خود را در معابر نفوذی شرق میمک به دشمن نشان دهند و آمادگی خود را برای دفاع از این منطقه به دشمن اعلام کنند. بدین طریق نیروهای ما و نیروهای دشمن در این منطقه نبرد در شرق و غرب دشت لیک در مقابل هم مواضع پدافندی اشغال و تحکیم نمودند و به پدافند پرداختند.

با توجه به شرایط کلی جنگ که در تمام صحنه عملیات غرب از جمله منطقه نبرد میمک به وجود آمد، منطقه نبرد میمک نیز مانند سایر مناطق نبرد از هفته دوم جنگ به حالت رکود و سکون گرایید^۳ و نیروهای هر دو طرف متخاصم ایران و عراق تحرک خود را از دست دادند و به حالت پدافندی درآمدند. در این باره، وضعیت نیروهای متجاوز عراق کم تحرک تر از نیروهای ایران گردید. زیرا گرچه نیروهای ایران نیز به علت کمبود قوای رزمی اجباراً شرایط پدافندی را پذیرا شدند، اما باقی ماندن نیروهای متجاوز را در سرزمین خود هرگز نمی توانستند بپذیرند.

۱. چنین نبوده، بلکه ۱۵ تانک جزو احتیاط یگان های منطقه در اسلام آباد بود. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. در آن زمان طرح های بدر و امین صادر نشده بود. تاریخ صدور آنها به ترتیب ۳۰ آبان و ۹ آذر ۱۳۵۹ می باشد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۳. در حال جنگ بودند، رکود معنی ندارد. کلیه ملاحظات دفاعی رعایت می شد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

بنابراین، با هر توانی که داشتند تلاش کردند از رکود جبهه‌ها جلوگیری کنند و در هر فرصت مناسب به نیروهای دشمن ضربت بزنند و او را حتی قدم به قدم هم که مقدور باشد عقب برانند. از جمله مناطقی که در ماه‌های اول جنگ برای اجرای عملیات آفند متقابل در صحنه عملیات غرب انتخاب گردید، همین منطقه مورد بحث، یعنی منطقه میمک بود و برای این منظور، طرح عملیات به وسیله تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی تهیه و در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ اجرا گردید که ذیلاً به شرح آن می‌پردازیم.

طرح‌ریزی عملیات

قبلاً اشاره شد که بعد از گذشت بیش از دو ماه از زمان جنگ تحمیلی، بالآخره اولین طرح عملیاتی لشکر ۸۱ زرهی به نام طرح عملیاتی امین (۵) در نهم آذرماه تهیه و منتشر گردید و وظایف و مأموریت‌های یگان‌های سازمانی و زیر امر آن لشکر را مشخص نمود. در این طرح عملیاتی، مسئولیت عملیاتی قسمت جنوبی منطقه لشکر ۸۱ از سد کنجان‌چم^۱ در شمال مهران تا جنوب سومار به تیپ ۱ زرهی لشکر واگذار شده بود که شامل مناطق اشغال‌شده میمک نیز می‌گردید. در این منطقه نبرد، نیروهای متجاوز عراق در ارتفاعات میمک و شمال آن تا سومار حدود ۱۵ کیلومتر در داخل خاک عراق پیشروی کرده بود و در سلسله ارتفاعات صعب‌العبور شرق دشت لیک متوقف شده بودند. اما در قسمت جنوبی منطقه، قسمتی^۲ از ارتفاعات مرزی در حوالی پاسگاه‌های کانی‌سخت و شورشیرین در دست نیروهای ایرانی باقی مانده بود. در قسمت جنوبی نیز، نیروهای عراقی دشت مهران و ارتفاعات غربی سد کنجان‌چم را اشغال کرده بودند.

مأموریت واگذار شده به تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در این منطقه نبرد عبارت از این بود که طبق تدبیر کلی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در تقدم اول در همان خط تماس با نیروهای دشمن پدافند کند و به نیروهای دشمن اجازه ندهد بیش از آنچه که در اوایل جنگ در خاک ایران پیشروی کرده‌اند، پیشروی نماید. هم‌زمان با متوقف کردن کامل پیشروی نیروهای دشمن، اقدام به عملیات محدود چریکی و کمین و دستبرد کند و با عملیات ایدائی و ممانعتی توان رزمی دشمن را کاهش دهد. در مرحله سوم، عملیات آفندی

۱. از چنگوله، غرب دهلران. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. کاملاً در دست قوای خودی بود. «سرتیپ ستاد سهرابی»

محدود و محلی را طرح ریزی و اجرا نماید. بالآخره در مرحله چهارم، با مناسب‌ترین شرایط آفندی برای نیروهای خودی در منطقه مربوطه آفند کند و نیروهای دشمن را تا خط مرز عقب براند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مأموریت تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی ترکیبی از پدافندی و آفندی بود. صرف نظر از اینکه آیا اصولاً چنین روش ارجاع مأموریت به وسیله رده بالاتر از نظر نظامی منطقی بود یا نه، این روش به علت شرایط کلی جنگ بود که به نیروهای ما تحمیل شده بود، وگرنه مسلم است یک تیپ شکست خورده و تضعیف شده در ماه‌های اول جنگ بدون اینکه تجدید سازمانی کرده باشد، چگونه می‌تواند در یک منطقه به عرض بیش از ۶۰ کیلومتر^۱ در مقابل یک لشکر دشمن پدافند کند و آن عناصر دشمن را آنچنان تضعیف کند که با یک حرکت آفندی نیروهای دشمن را از تمام منطقه بیرون براند. اما خوشبختانه نتیجه نهایی نشان داد که حداقل در این منطقه نبرد، اجرای این مأموریت تا حدودی امکان‌پذیر شد. نیرویی که برای اجرای مأموریت واگذاری به تیپ ۱ زرهی در اختیار قرارگاه تیپ گذاشته شده بود، عبارت بودند از:

- گردان‌های ۱۲۳ و ۱۹۵ مکانیزه

- گردان‌های ۲۱۷ و ۲۲۲ تانک (منها)

- یک گروهان ژاندارمری^۲

- یک گردان توپخانه ۱۵۵ میلی‌متری خودکششی به اضافه دو قبضه توپ ۱۳۰

میلی‌متری

- عناصر دیگر پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی

در برابر این عناصر، تیپ ۱ زرهی در منطقه عملیاتی غرب صالح‌آباد (از سومار تا مهران)

عناصر دشمن طبق برآوردهای اطلاعاتی انجام‌شده عبارت بودند از:

- تیپ ۲ پیاده لشکر ۲ پیاده که در منطقه شهر ترساق عراق گسترش داشت و دو گروه

رزمی گردانی آن در تپه‌های میمک پدافند می‌کرد و یک گردان آن به عنوان احتیاط در

منطقه بین هلاله و نی خزر مستقر بود.

- گردان ۷ تانک لشکر ۲ پیاده به عنوان احتیاط در ترساق مستقر بود.

۱. حدود ۳ برابر ۶۰ کیلومتر. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. در داخل پاسگاه‌ها و پایگاه‌ها گسترش داشتند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

- یک آتشبار ضدتانک در میمک مستقر بود.
 - یک گردان توپخانه صحرایی در پشتیبانی تیپ ۲ بود.
 - تیپ ۴ پیاده کوهستانی در منطقه سد کنجان چم گسترش داشت که شامل سه گردان پیاده و یک گروهان کماندو بود.
- علاوه بر یگان‌های بالا که در مقابل تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی گسترش داشتند، برآورد شده بود که ارتش عراق، توانایی آن را داشت عناصری از تیپ‌های ۳ و ۱۹ لشکر ۸ پیاده و تیپ ۳۹ لشکر ۷ پیاده و تیپ مکانیزه گارد جمهوری و تیپ ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص و دو گردان تانک و دو گردان توپخانه صحرایی از نیروی احتیاط سپاه ۲ عراق را در صورت لزوم به منطقه نبرد غرب صالح‌آباد و مهران اعزام نماید.
- بنا بر برآورد اطلاعاتی بالا، دو تیپ پیاده و یک گردان تانک از نیروهای عراقی در رویارویی عناصر تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی ایران قرار داشتند که شامل ۷ گردان رزمی و حداقل ۲ گردان توپخانه می‌شدند. فرماندهی نیروهای عراقی می‌توانست تیپ‌های گسترش‌یافته در منطقه میمک و مهران را با حدود یک لشکر پیاده تقویت‌شده تقویت نماید.
- همان‌گونه که در بررسی عملیات آفندی قبل نیز یادآور شدیم، اعم از اینکه این برآورد اطلاعاتی از دقت و صحت کافی برخوردار بود یا نه، به هر حال، این برآورد مبنایی برای تصمیم‌گیری فرماندهان نیروهای ایرانی در مقایسه توان رزمی یعنی نیروهای خودی و دشمن و نتیجه‌گیری برای امکان اجرای عملیات آفندی بود. حال با وجود اینکه بر اساس این برآورد توان رزمی نیروهای دشمن حداقل دو برابر و از دیدگاه حقیقی بیش از چهار برابر نیروهای خودی بود، چگونه فرماندهان نیروهای ما تهور و شجاعت آن را داشتند به این نیروهای دشمن حمله کنند. قطعاً در این معادله مسئله روانی و احساسی خیلی قوی‌تر از مسائل مادی و فیزیکی بود. در این باره، فرمانده وقت تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ زرهی (تیمسار سرتیپ اسماعیل سهرابی) برای نگارنده خاطره‌ای تعریف کرده می‌تواند حالت عمومی روانی حاکم بر شرایط آن روز جنگ را نشان دهد. ایشان چنین گفت:
- «بعد از اینکه سرهنگ ابراهیم باوندپور در اواخر مهرماه ۱۳۵۸ به فرماندهی لشکر ۸۱ زرهی منصوب شد، با هماهنگی با نظریات نظامی آقای مهندس اصغر ابراهیمی استاندار

ایلام، تلاش می کرد هر چه سریع تر با همان نیروهای باقیمانده لشکر ۸۱ زرهی^۱ که عمدتاً عناصر تیپ ۱ زرهی در منطقه مهران و صالح آباد بود، حمله کند و نیروهای دشمن را از دشت مهران و ارتفاعات غربی صالح آباد (میمک) تا خط مرز عقب براند. روزی برای بررسی این طرح در استانداری ایلام، جلسه ای تشکیل شد که استاندار ایلام نیز حضور داشت. بعد از اینکه افسران ستاد تیپ وضعیت استعداد و گسترش نیروهای خودی و دشمن را تشریح کردند و به اصطلاح نظامی توجیه ستادی به عمل آمد، استاندار ایلام و فرمانده لشکر متفق القول بودند که با وجود برتری مطلق ظاهری دشمن، نیروهای موجود ما بایستی حمله کنند و نیروهای دشمن را از تمام مناطق اشغالی عقب برانند. من (فرمانده تیپ) با اشاره به نقشه وضعیت به فرمانده لشکر گفتم که شما به عنوان یک افسر فرمانده لشکر کارآزموده، متوجه توانایی های ما و دشمن هستید و می دانید که در گردان های ما، فقط ظاهر سازمانی آنها باقی مانده است. بنابراین، چگونه انتظار دارید که این نیروی ضعیف ما بتواند دشمن چندین برابر خود را در منطقه ای وسیع از مهران تا سومار عقب براند. اما این گفتار من چندان خوشایند فرمانده لشکر و استاندار ایلام نبود. لذا سبب اختلاف رأی بین من (فرمانده تیپ) و فرمانده لشکر گردید و این اختلاف تا هنگامی که ایشان فرمانده لشکر بودند ادامه داشت.»

به هر حال، نظر به اینکه ما در گذشته درباره احساسات حاکم بر تصمیم گیرندگان نیروهای ایران در ماه های اول جنگ در بررسی مسائل مختلف جنگ مطالبی را بیان کرده ایم، این احساسات فرمانده لشکر نیز از همان نوع بود و وضعیتی بود که شرایط کلی جنگ تحمیلی و اوضاع داخلی ایران بعد از انقلاب به وجود آورده بود و در بعضی موارد گریزی از آن نبود. ضمن اینکه در مجموع و در نتیجه نهایی، حداقل در دو سال اول جنگ، این

۱. فقط با گردان ۱۲۳ مکانیزه قرار بود تیپ ۱، مهران را از دشمن پس بگیرد. در حالی که تنها پیشروی جاده آسفالتی کنگان چم بود که ۳ پل عظیم تخریب شده بود و ارتفاعات طرفین آن کاملاً در دست دشمن و هیچ گونه کمکی هم از طرف لشکر ۸۱ به این گردان نمی شد. علاوه بر نیروهای دشمن که استعدادش به یک لشکر می رسید، تیپ ۳۷ زرهی دشمن در کمین نیروهای ما قرار داشت.

و اما گردان ۱۲۳ نیز در تابستان همان سال از مأموریت شهر سردشت آذربایجان غربی برگشته بود و به قدری فرسوده شده بود که فرمانده لشکر ۸۱ به من گفت که گردان را منحل و بین گردان های ۱۱۹ و ۱۹۵ تیپ ۱ تقسیم شود که اینجانب با درخواست از فرمانده لشکر، گفتم گردان را بازسازی خواهیم کرد و آنرا منحل ننمودیم. «سرتیپ ستاد سهرابی»

احساسات نتایج بسیار مطلوب و درخشانی نیز به بار آورد و سبب بیرون راندن نیروهای متجاوز عراق از میهن اسلامی ما گردید.

در بررسی طرح عملیاتی بدر نیروی زمینی و طرح عملیاتی امین لشکر ۸۱ زرهی گفتیم که از اوایل آذرماه، نگرش واقع‌بینانه‌تری برای ادامه جنگ به کار گرفته شد. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی مأموریت و امکانات موجود را بر اساس نیاز عملیاتی منطقه لشکر تعیین کرد و یک شکل نسبتاً منطقی نظامی به میدان نبرد داده شد. نیروهای تقویتی که از مناطق داخلی وارد منطقه نبرد شدند، بر حسب حساسیت مناطق زیر امر قرارگاه‌های اجرایی قرار داده می‌شدند. بر این اساس، یک گردان پیاده تشکیل شده در ستاد مشترک به نام گردان ۷ پیاده از تهران به منطقه نبرد ایلام و کرمانشاه اعزام شد. این گردان نیز از طرف فرمانده لشکر ۸۱ زرهی زیر امر تیپ ۱ زرهی قرار داده شد. گروهان ژاندارمری صالح‌آباد ایلام نیز متمرکز گردید و در همان منطقه در تابعیت عملیاتی قرارگاه تیپ ۱ زرهی درآمد. قرارگاه عملیاتی تیپ ۱ زرهی که تا دهه اول آذرماه در گردنه قلاجه (جنوب شرقی اسلام‌آباد غرب) مستقر بود، در اواسط آذرماه به صالح‌آباد ایلام تغییر مکان نمود.^۱ یگان‌های زیر امر این تیپ در منطقه عملیاتی واگذار شده گسترش پدافندی گرفتند، به نحوی که تمام معابر نفوذی احتمالی دشمن پوشیده شده و نیروهای ما برای سد کردن پیشروی احتمالی دشمن آمادگی کافی پیدا کردند.

می‌توان گفت بلافاصله بعد از تکمیل گسترش پدافندی، نیروهای ما تلاش کردند مرحله آفندی مأموریت خود را هرچه زودتر و با هرگونه امکانات موجود طرح و اجرا نمایند. این امر خود نشانه بارزی از احساس مسئولیت فرماندهان برای عقب راندن دشمن از سرزمین ما می‌باشد. بر این مبنا، تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی نیز مانند سایر یگان‌ها ضمن تحکیم مواضع پدافندی، طرح مرحله آفندی را نیز تا ۲۳ آذرماه، یعنی ۲۱ روز بعد از ابلاغ طرح عملیاتی لشکر تهیه و به نام طرح عملیاتی شماره ۶ خوارزم منتشر کرد.

گفتیم که منطقه عملیاتی تیپ ۱ زرهی از جنوب سومار تا مهران بود. بنابراین، فرماندهی تیپ ۱ زرهی برای حمله به نیروهای دشمن بایستی وضعیت تمام منطقه را بررسی و ارزیابی می‌کرد و هدف‌های مناسب‌تری را برای حمله مورد نظر انتخاب می‌نمود. در منطقه این تیپ

۱. قرارگاه تیپ ۱ در تاریخ ۵۹/۸/۱۸ از قلاجه به منطقه صالح‌آباد جابه‌جا شد. قرارگاه تیپ ۲ لشکر ۸۱ در تاریخ ۵۹/۸/۱۶ از پادگان مربوطه به منطقه سومار جابه‌جا شد. بنابراین یگان‌های منطقه سومار زیر امر تیپ ۲ قرار گرفتند. از جمله گردان ۱۱۹ که جزو سازمان تیپ ۱ بود، در سومار باقی ماند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

دو منطقه حساس وجود داشت که شهر مهران و تپه‌های میمک در غرب صالح‌آباد بودند. بنابراین، فرمانده تیپ می‌توانست هر دو منطقه حساس یا یکی از آنها را به عنوان هدف حمله انتخاب نماید. از نظر اهمیت نظامی و سیاسی، شهر مهران مسلماً مهم‌تر از منطقه میمک بود. چنانچه نیروهای ما می‌توانستند این شهر را از اشغال دشمن آزاد سازند، موضوع جنبه تبلیغاتی پیدا می‌کرد. در صورتی که اشغال هدف‌های غیرمسکونی مانند ارتفاعات هر قدر هم اهمیت تاکتیکی و حتی استراتژیکی داشته باشد، معمولاً در خارج از صحنه‌های نبرد و در بین مردم و محافل جهانی انعکاس چندانی پیدا نمی‌کنند. بنابراین، آزاد کردن شهر مهران، قطعاً انعکاس بین‌المللی دربرداشت. اما با توجه به وضعیت طبیعی زمین منطقه عملیات و محدود بودن محور مواصلاتی به جاده صالح‌آباد - مهران که آن هم در حوالی سد کنجان‌چم در کنترل کامل نیروهای عراقی قرار داشت، حمله به شهر مهران با آن نیروهای اندک تیپ زرهی امکان‌پذیر نبود، به ویژه اینکه این تیپ در تقدم اول بایستی در تمام منطقه پدافند می‌کرد. به هیچ وجه این تقدم را نمی‌توانست در هیچ نقطه‌ای در معرض خطر قرار دهد. بنابراین، چنانکه این تیپ تمام تلاش خود را صرف حمله به مهران می‌کرد، دشمن می‌توانست در محور میمک، سرنی، صالح‌آباد پیشروی کند و عقبه تمام عناصر تیپ را در جنوب صالح‌آباد ببندد و نیروهای حمله‌ور ایران به مهران را محاصره و نابود سازد.

با توجه به این حقایق، انتخاب شهر مهران به عنوان هدف حمله امکان‌پذیر نبود. بنابراین، دومین منطقه حساس یعنی منطقه میمک به عنوان هدف اصلی حمله مورد نظر تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی انتخاب گردید. با وجود این، منطقه مهران در این حمله به کلی کنار گذاشته نشد و فرمانده تیپ تصمیم گرفت تلاش اصلی حمله را در منطقه میمک و در محور صالح‌آباد، سرنی، میمک وارد عمل کند و یک تلاش فرعی نیز به طرف سد کنجان‌چم و ارتفاعات حوالی آن روانه سازد و نیروهای دشمن را در آن منطقه مورد تهدید قرار دهد. لذا طرح حمله تیپ برای تصرف دو هدف متفاوت که حدود ۵۰ کیلومتر دور از یکدیگر بودند تهیه گردید. درباره اینکه آیا این تصمیم منطقی بود یا نه و آیا بهتر نبود فرمانده تیپ در یک منطقه به پدافند ادامه می‌داد و در منطقه دیگر با نیروی قوی‌تر آفند می‌کرد، ما بحثی نمی‌کنیم، زیرا تصمیمی بود که فرمانده تیپ با توجه به استنباط شخصی از وضعیت کلی اتخاذ کرده بود. بر اساس این تصمیم فرماندهی، طرح عملیاتی شماره ۶ خوارزم تهیه و منتشر گردید.

در این طرح، مأموریت تیپ ۱ زرهی چنین بیان شد:

«تیپ ۱ زرهی به منظور در هم کوبیدن نیروهای متجاوز بعث عراق و اجرای مرحله به مرحله ای رسیدن به مرزهای بین‌المللی در ساعت "س" روز "ر" در محور کنجان چم دشمن را درگیر می‌کند و در محورهای سرنی و تنگ بینا تک نموده، ارتفاعات میمک را تصرف و آماده می‌گردد بنا به دستور تک را به منظور ترمیم مرز بین‌المللی به سمت غرب ادامه دهد.»

در بیان سازمان یگان‌های تیپ ۱ زرهی، یادآوری شد که این تیپ دو گردان مکانیزه، دو گردان تانک (منها) از یگان‌های رزمی سازمانی لشکر ۸۱ زرهی در اختیار داشت. علاوه بر آنها، یک گردان پیاده غیرسازمانی تشکیل شده در ستاد مشترک، گروهان ژاندارمری صالح‌آباد، تعدادی بسیج عشایری از ایل خزل در اختیار داشت. توپخانه پشتیبانی تیپ نیز یک گردان ۱۵۵ میلی‌متری و یک آتشبار تقویت‌شده ۱۳۰ میلی‌متری بود. فرمانده تیپ سازمانی رزمی داد که به ترتیب گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه، گروه رزمی ۲۱۷ تانک، گروه رزمی ۲۲۲ تانک با گردان ۱۲۳ مکانیزه و گردان ۷ پیاده ستاد مشترک، در کنترل قرارگاه تیپ بودند.

تدبیر فرمانده تیپ ۱ زرهی برای اجرای حمله مورد نظر چنین بود که با سه گروه رزمی گردانی به ترتیب از شمال به جنوب، گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه و گروه رزمی ۲۱۷ تانک در شمال حمله کنند و ارتفاعات میمک را تصرف و تأمین نمایند. همزمان گروه رزمی ۲۲۲ تانک در جنوب و در محور عمومی به طرف سد کنجان چم حمله کند و ضمن درگیر کردن عناصر دشمن در این منطقه در حد توانایی خود، تپه‌های مشرف به سد کنجان چم را تصرف و تأمین نماید.

در تدبیر عملیاتی تیپ به گردان‌های اجرایی دستور داده شده بود ابتدا با استفاده از بسیج عشایر محلی و یگان‌های پیاده سازمانی به مواضع مقدم نیروهای دشمن رخنه کنند و جنگ افزارهای ضدتانک دشمن را نابود سازند، سپس یگان‌های تانک استفاده از موفقیت کنند و به عمق آرایش دشمن حمله نمایند. این تدبیر نتایج مثبت بسیار خوبی برای نیروهای ما داشت، زیرا از انهدام خودروهای زرهی ما در مراحل اولیه حمله جلوگیری کرد. به علاوه، زمان شروع حرکت به سمت دشمن در ساعات تاریکی شب انتخاب شد، تا حداکثر غافلگیری ممکن علیه دشمن به وجود آید. پاسگاه فرماندهی تیپ در قلعه نیاز واقع در محور سرنی، صالح‌آباد مستقر شد تا بتواند در هدایت تلاش اصلی یگان‌ها نقش فعال‌تری ایفا نماید.

بدین ترتیب مرحله طرح‌ریزی تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی برای اجرای عملیات آفندی در منطقه غرب صالح‌آباد و شمال مهران در ۲۲ آذرماه پایان یافت و عناصر تابعه تیپ ضمن اجرای

مأموریت پدافندی در مواضع گسترش یافته در مقابل دشمن، اقدامات آمادگی را برای اجرای مرحله آفندی آغاز کردند. از جمله این اقدامات، سازماندهی رزمی، اجرای تمرینات عملی رزمی، در مناطقی مشابه منطقه حمله مورد نظر، تکمیل تدارکات، شناسایی منطقه گسترش دشمن با اعزام گشتی‌های رزمی و شناسایی، برداشتن موانع ایجاد شده به وسیله دشمن، به نحوی که غافلگیری رعایت گردد. بالأخره تمرینات لجستیکی برای آموزش چگونگی رساندن تدارکات و تخلیه مجروحین و اسراء از منطقه نبرد و امثال آن بود. درباره تمرینات، فعالیت چنان جدی بود که گردان ۱۹۵ مکانیزه منطقه‌ای را مشابه منطقه نبرد میمک در خارج از میدان نبرد و حوالی آبادی گنجوان انتخاب و حدود یک ماه در آن منطقه تمرینات رزمی بر اساس طرح عملیاتی خوارزم اجرا کرد تا بتواند بهترین راه کارها را جهت حمله در منطقه مسئولیت خود انتخاب نماید. بنابراین، مرحله آمادگی برای اجرای حمله نیز در حد مقدمات به نحو نسبتاً مطلوبی انجام شد و عناصر تیپ آماده برای اجرای حمله گردیدند. ولی زمان حمله تا ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ هنوز تعیین نگردیده بود و نکته جالب توجه درباره زمان حمله این است که با وجود اینکه عناصر دیگر لشکر ۸۱ زرهی در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۵۹ در منطقه سرپل و گیلانغرب طرح عملیاتی آفندی به نام تنگ حاجیان را اجرا نمودند، ولی حمله تیپ ۱ آن لشکر با وجود اینکه مقدمات آن از حدود ۲۵ روز قبل آماده شده بود، هم‌زمان با حمله سایر یگان‌ها در ۱۴ دی‌ماه اجرا نشد و در روز ۱۵ دی‌ماه که هنوز عناصر لشکر ۸۱ زرهی در تنگ حاجیان در حال حمله بودند، زمان حمله تیپ ۱ زرهی ساعت ۶:۲۰ روز ۱۹ دی‌ماه و برای چهار روز بعد تعیین و ابلغ گردید. البته این ساعت و زمان به وسیله فرمانده تیپ تعیین و به لشکر پیشنهاد شد. لشکر در تاریخ ۱۷ دی‌ماه پیشنهاد تیپ را تأیید کرد و این عدم هم‌زمانی حمله عناصر لشکر ۸۱ زرهی می‌تواند نشان‌هایی از عدم هماهنگی و ضعف مدیریت در ستاد لشکر باشد. زیرا به علل محدودیت استعداد رزمی و وسعت بیش از حد معمول مناطق نبرد، هر یگانی در رده تیپ، معمولاً به صورت مستقل عمل می‌کرد و امکان پشتیبانی متقابل برای یگان‌ها وجود نداشت تا از مقدمات یگان درگیر نشده برای تقویت یگان‌های درگیر شده استفاده شود. بنابراین، در صورتی که یگان‌های ما هم‌زمان طرح‌های پیش‌بینی شده را اجرا می‌کردند، بهتر می‌توانستند نیروهای دشمن را در چند جبهه درگیر سازند و در او وحشت و اضطراب ایجاد نمایند، ولی به هر حال، نمی‌توان نادیده گرفت که قطعاً در آن زمان، شرایط کلی عملیاتی طوری بوده است که اجرای هم‌زمان طرح‌ها مشکلات احتمالی دربرداشته است.

با اعلام زمان حمله تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در ساعت ۶:۲۰ روز ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹، مرحله یک طرح ریزی و آمادگی این عملیات به پایان رسید و یگان‌ها آماده برای مرحله اجرا شدند که در مطالب زیر شرح آن بیان می‌گردد.

اجرای عملیات آفندی در میمک در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹

بعد از تعیین ساعت و زمان حمله و قطعیت یافتن اجرای این عملیات، فرمانده تیپ متوجه گردید که برای منطقه تلاش اصلی حمله که در محور صالح‌آباد، سرنی، میمک بوده، یگان احتیاط در دسترس پیش‌بینی نشده است. به علاوه به علت وسعت زیاد منطقه نبرد، پوشش مناطق بین یگان‌ها به قدر کافی نمی‌باشد. لذا با صدور یک دستور جزء به جزء این دو مسئله را بدین طریق حل کرد که به گروه رزمی ۲۲۲ تانک (شامل گردان ۲۲۲ تانک و ۱۲۳ مکانیزه) دستور داد یک تیم گروهانی شامل یک گروهان تانک با ۷ دستگاه نفربر زرهی از عناصر گردان ۱۲۳ مکانیزه را از گروه رزمی جدا کند و در محور سرنی - میمک مستقر گردد و ضمناً افراد پیاده سرنشین نفربرها با ۶۳ نفر از افراد گردان ۷ پیاده ستاد مشترک که در احتیاط تیپ بود، تأمین می‌گردید. برای پوشش مناطق باز نیز به گردان ۷ پیاده دستور داده شد ۵۰ نفر از افراد آن گردان را در اختیار گروه رزمی ۲۲ قرار دهد تا آنها در ارتفاعات بین کنجان چم و پاسگاه مرزی کانی‌سخت مستقر شوند و جناح غربی گروه رزمی ۲۲۲ را که به عنوان تلاش فرعی حمله می‌کرد، تأمین نمایند. برای تقویت پوشش این جناح، یک دسته ژاندارم از گروهان ژاندارمری صالح‌آباد نیز در منطقه کانی‌سخت مستقر گردید.

ملاحظه می‌شود تیپی که برای حمله به دشمنی حداقل دو برابر استعداد رزمی خود آماده می‌شد چگونه نیازمندی‌های خود را تأمین می‌نمود. هدف ما نیز از بیان این جزئیات نشان دادن همین مشکلات است.

لشکر ۸۱ زرهی برای تأمین پشتیبانی هوایی و هوانیروز عملیات میمک از طریق قرارگاه عملیاتی غرب از نیروی زمینی درخواست کرد از روز ۱۹ دی ماه به مدت ۴۸ ساعت پوشش هوایی منطقه به وسیله نیروی هوایی برقرار شود و روزانه ۱۰ پرواز پشتیبانی نزدیک هوایی برای تیپ ۱ زرهی اختصاص یابد. به علاوه، شش فروند هلی‌کوپتر نفربر ۲۱۴ جهت تخلیه مجروحین در نظر گرفته شود. بدین ترتیب، آخرین اقدامات برای پشتیبانی‌های مورد نیاز انجام گرفت.

بالاخره ساعت حمله فرا رسید و تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در ساعت ۶:۲۰ با اعلام کلمه رمز یاالله حمله را آغاز کرد. طرح کلی هدایت حمله چنین بود که ابتدا واحدهای پیاده از پهلوهایی مواضع دشمن به منطقه دشمن رخنه می کردند و موانع و میدانهای مین دشمن را در مسیر اصلی پیشروی یگانهای حمله‌ور پاک می نمودند، سپس نیروهای اصلی حمله‌ور شامل عناصر تانک و مکانیزه از معابر پاکسازی شده پیشروی می کردند و نیروهای دشمن را منهدم یا مجبور به ترک مواضع می نمودند. برای این منظور، ابتدا عناصر پیاده که افراد عشایر خزل را نیز شامل می شد، با راه پیمایی شبانه و با استفاده از قاطر در بعضی نقاط به مواضع دشمن نزدیک شدند تا بتوانند در رأس ساعت حمله عملیات خود را آغاز کنند.

در بیان طرح ریزی عملیات گفتیم که عناصر رزمی تیپ ۱ زرهی که شامل دو گردان مکانیزه و دو گردان تانک و یک گردان پیاده [مختلط] بود، در دو محور دور و جدا از هم وارد عمل می شد. در محور شمالی که به ارتفاعات میمک منتهی می گردید، یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه وارد عمل می شد. طرح مانور در این جبهه بدین ترتیب بود که گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه در شمال این منطقه نبرد و در مسیر عمومی تنگ بینا میمک پیشروی می کرد و گروه رزمی ۲۱۷ تانک در جنوب آن و در مسیر عمومی سرنی، میمک حمله می نمود. در محور دیگر پیشروی تیپ، گروه رزمی ۲۲۲ تانک که گردان ۱۲۳ مکانیزه را نیز در زیر امر داشت، به سمت جنوب و به طرف سد کنجان چم پیشروی می کرد و ارتفاعات غربی سد را از وجود نیروهای دشمن پاک می نمود. لازم به تذکر است که منطقه عملیات جنوبی که ارتفاعات کولک را در بر می گرفت، منطقه کوهستانی صعب العبور بود که در بعضی نقاط آن، رساندن تدارکات با دواب انجام می گرفت. بنابراین، پیشروی یگان زرهی و مکانیزه در چنین منطقه‌ای با مشکلات زیادی مواجه بود.^۱ یک نکته بسیار مهم در نبرد در کوهستان تشخیص هدف می باشد، زیرا تپه‌ها و ارتفاعات و دره‌ها غالباً مشابه یکدیگرند و یگان حمله‌ور به سختی می تواند منطقه هدف واقعی را تشخیص دهد. به ویژه اینکه معمولاً در این ارتفاعات، نقاط نشانی مشخص مانند روستاها و جاده و غیره خیلی محدود بود. این امر سبب بروز اشتباه در نتیجه گیری عملیات می شد. چنانکه هنوز ساعتی از زمان حمله نگذشته بود که گردانهای ۱۹۵ و ۱۲۳ مکانیزه گزارش دادند، هدفهای خود را تصرف کرده اند. در حالی که چنین نبود و این دو گردان اصولاً نتوانستند هدفهای نهایی خود را تصرف کنند. عامل دشمن نیز سبب بروز این گونه

۱. غیرقابل عبور برای هر نوع خودرو بود. «سرتیپ ستاد سهرابی»

اشتباهات می‌شد و آن برخورد به عناصر تأمینی دشمن در خط مقدم منطقه نبرد بود. نظر به اینکه طبق اصول و تکنیک دفاع، معمولاً نیروهای مدافع در هر منطقه نبرد، ابتدا در جلو مواضع اصلی نیروی پوشش و تأمین برقرار می‌کنند و فاصله منطقه گسترش این عناصر تأمین معمولاً حداقل ۱۵۰۰ متر (پاسدار رزمی) و حداکثر ۱۰ تا ۱۲ کیلومتر (پاسدار عمومی و نیروی پوشش) می‌باشد، یگان‌های حمله‌ور که تجربه کافی جنگی نداشته باشند و به نقشه‌خوانی و تشخیص عوارض طبیعی زمین آگاهی نداشته باشند، به محض اینکه در اولین قسمت منطقه دشمن به یگانی از دشمن برخورد کنند، تصور می‌کنند به منطقه هدف رسیده یا نزدیک شده‌اند. این اشکال در اوایل جنگ در اغلب عملیات آفندی نیروهای ما وجود داشت و در عملیات میمک نیز مشاهده شد. به عنوان مثال، گردان ۱۲۳ مکانیزه که در منطقه سد کنجان‌چم پیشروی می‌کرد، در ساعت اول حمله گزارش داد این گردان هدف سرکوب را که ۱۲ سنگر بود تصرف کرده است. در صورتی که عناصر یک تیپ پیاده دشمن در این ارتفاعات گسترش داشت و طبعاً صدها سنگر بایستی تهیه می‌نمود. همین اشتباه را گردان ۱۹۵ مکانیزه نیز مرتکب شد و در ساعت ۷:۱۵، یعنی کمتر از یک ساعت بعد از آغاز حمله گزارش داد، مرحله دوم عملیات در حال اجرا است و نیروهای دشمن به حالت فرار درآمده‌اند. اما آنچه مسلم است عناصر تیپ ۱ زرهی در ساعت اول حمله موفق شدند عناصر تأمینی دشمن را در غرب دشت لیک و دامنه شرقی ارتفاعات میمک نابود یا مجبور به فرار نمایند و تعدادی از افراد دشمن را به اسارت بگیرند و خط تأمینی دشمن را قبل از ساعت ۰۸:۰۰ منهدم سازند. از این ساعت به بعد، پیشروی به سوی مواضع اصلی پدافندی دشمن آغاز شد. گردان ۱۹۵ مکانیزه تلاش کرد از حمله جبهه‌ای به مواضع دشمن اجتناب کند. برای این منظور، از سمت شمال و از دشت هلاله، تپه‌های میمک را دور زد. ولی به هر حال، این گردان نتوانست به هدف‌های خود نزدیک شود. گردان ۲۱۷ تانک که در جنوب گردان ۱۹۵ پیشروی می‌کرد، به میدان مین دشمن برخورد کرد و متوقف شد. در این زمان، هلی‌کوپترهای دشمن در منطقه فعال شدند و به تانک‌های ما حمله کردند. اما با اجرای آتش‌های پدافند هوایی نتوانستند خساراتی به تانک‌ها وارد سازند. ضمن اینکه هلی‌کوپترهای ما نیز فعال شدند. اما پشتیبانی نزدیک هوایی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز اول نبرد اجرا نشد. در حالی که هواپیماهای دشمن برتری هوایی را به دست آورده و مزاحمتی برای عناصر تیپ ۱ زرهی فراهم می‌آوردند.

بررسی حوادث چنین نشان می‌دهد که در ساعات اولیه حمله، پیشروی نیروها ما به طور نسبی بسیار خوب بود و احتمالاً نیروهای دشمن غافلگیر شدند و مقاومت چندانی در مقابل نیروهای ما نشان نمی‌دادند، به نحوی که گردان‌های ۱۲۳ و ۱۹۵ مکانیزه قبل از ساعت ۰۹:۰۰ گزارش دادند، هدف‌های خود را در منطقه سد کنجان‌چم و میمک اشغال کرده‌اند. البته این گزارش کمی عجولانه ارسال شده بود، زیرا گردان ۱۹۵ در ساعت ۰۹:۲۰ گزارش داد در ارتفاعات میمک پیشروی گردان متوقف شد و برای خنثی کردن مقاومت دشمن درخواست اعزام هلی‌کوپتر رزمی کرد.

گروه رزمی ۲۱۷ تانک که از جنوب میمک حمله می‌کردند، در ساعت ۱۱:۲۰ گزارش داد عناصر تقویتی دشمن از طرف ارتفاع شینو و جنوب پاسگاه نی‌خزر وارد منطقه نبرد میمک می‌شوند. این امر نشان‌هایی از آماده شدن برای پاتک بود. فرمانده تیپ از تیم هوانیروز خواست حوالی تپه شینو را مورد حمله قرار دهد و مانع آرایش دشمن برای پاتک گردد.

در ساعت ۱۱:۳۴ گردان ۲۲۲ تانک نیز که در محور عمومی سد کنجان‌چم پیشروی می‌کرد، گزارش داد قسمتی از هدف خود را اشغال کرده است. بنابراین، تا قبل از ساعت ۱۲:۰۰ روز اول حمله هر چهار گردان تیپ ۱ زرهی به منطقه هدف خود رسیده بودند و اکنون تلاش می‌کردند هدف را تصرف و از وجود دشمن پاک سازند. به نظر می‌رسد در ساعات اولیه بعدازظهر، حملات هوایی و هلی‌کوپترها و آتش توپخانه دشمن خیلی شدید شد. فرمانده تیپ درخواست کرد با حملات هوایی متقابل، هواپیما و هلی‌کوپترهای دشمن از منطقه بیرون رانده شوند. اما به نظر می‌رسد در روز اول حمله، برتری هوایی با دشمن بود و هواپیماهای ما نتوانستند مانع ورود هواپیما و هلی‌کوپترهای دشمن به منطقه نبرد گردند.

در حالی که عملیات تیپ ۱ در شرف موفقیت نهایی بود و تمام گردان‌ها به منطقه هدف خود رسیده بودند، فشار دشمن در شمال منطقه نبرد به گردان ۱۹۵ آنچنان زیاد شد که این گردان مجبور شد قسمتی از منطقه اشغالی را تخلیه کند و عقب‌نشینی نماید. ولی فرمانده تیپ ۱ به این گردان دستور داد در هر نقطه‌ای که هست تا آخرین نفس مقاومت کند و عقب‌نشینی ننماید. البته در این موقع، یک واحد تانک دشمن در منطقه گردان ۱۹۵ اقدام به پاتک کرد و عناصر این گردان در مقابل پاتک دشمن نتوانست مقاومت کند. فرمانده گردان علت این اقدام را چنین گزارش داد، در هنگام حرکت نفربرهای زرهی در جاده جهاد سازندگی، شنی دو دستگاه نفربر پاره شد و این نفربرها اجباراً متوقف گردیدند. این توقف

سبب اختلال در پیشروی یکی از گروهان‌ها گردید و الزاماً به آن گروهان دستور داده شد تغییر موضع دهد تا در زیر آتش‌های هدایت‌شده دشمن قرار نگیرد. اما به هر حال، گزارش‌های بعدی نشان می‌دهند که فشار دشمن نیز در این تغییر موضع مؤثر بود. زیرا در ساعت ۱۵:۲۵، فرمانده گردان ۱۹۵ گزارش داد به علت آتش شدید دشمن، افراد بسیجی به وحشت افتاده‌اند و از منطقه نبرد فرار می‌کنند. فرمانده تیپ دستور داد افراد فراری را دستگیر و به قرارگاه تیپ اعزام نمایند.^۱

گرچه گزارش‌های واسله از بعضی از گردان‌ها حاکی از مقاومت شدید دشمن می‌باشد، اما به طور کلی چنین استنباط می‌شود که مقاومت دشمن چندان هم زیاد نبود. مهم‌ترین دلیل آن تعداد اسراء است که بسیار اندک بود. گردان ۱۹۵ که در قسمت شمالی با مقاومت دشمن مواجه شده بود، فقط ۱۱ نفر اسیر گرفته بود و گردان ۲۱۷ نیز معدودی اسیر گرفته بود که برای تخلیه آنها پیشنهاد کرد از هلی‌کوپتر استفاده شود و جمع کل اسرای آن مرحله عملیات ۶۳ نفر بود. [البته در روز اول عملیات]

بالاخره با تلاش فراوانی که عناصر تیپ ۱ زرهی در روز ۱۹ دی ماه انجام دادند، موفق شدند نیروهای دشمن را در قسمت عمده این منطقه نبرد منهدم یا به سمت غرب عقب برانند. با آغاز تاریکی شب، به یگان‌های تیپ دستور داده شد در مناطق تصرف‌شده پدافند کنند و هرگونه اقدامات لازم را برای تحکیم مواضع پدافندی و آماده شدن برای خنثی کردن پاتک‌های دشمن انجام دهند. نکته جالب توجه در این مرحله از نبرد، چگونگی ضعف پشتیبانی مهندسی است. در سازمان لشکرهای ایرانی یک گردان مهندسی رزمی پشتیبانی شده بود که در هنگام عملیات، هر تیپ سازمانی لشکر با یک گروهان مهندسی پشتیبانی می‌شد. مقدرات این گردان‌ها بسیار محدود بود و تقریباً می‌توان گفت کارایی قابل ملاحظه‌ای نداشتند. در عملیات مورد بحث نیز، یک گروهان مهندس از گردان مهندس لشکر ۸۱ زرهی در پشتیبانی تیپ ۱ زرهی قرار داشت. هنگامی که عناصر رزمی تیپ هدف را اشغال و به حالت پدافند درآوردند، فرمانده تیپ به گروهان مهندس دستور داد با اعزام بولدوزر و عوامل مین‌گذار، گردان‌های

۱. ضمناً دستور داده شد در عقب معبرها در گلوگاه‌ها هر کدام یک نفر آرپی‌جی‌زن مستقر نمایند و هر تانک و نفربری به عقب آمد، چه خودی و چه دشمن مورد اصابت قرار گیرد. با شبکه بی‌سیم به اطلاع رسید و این دستور بسیار مؤثر واقع شد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

رزمی را در ایجاد مواضع و موانع یاری کند. فرمانده این گروهان مهندس در ساعت ۱۸:۱۰ درباره این پشتیبانی مهندسی چنین گزارش داد:

«برای کندن سنگر جهت تانک‌ها و نفربرها، یک دستگاه بولدوزر به راندگی گروهان سوری اعزام شد، ولی گروهان سوری شهید گردید. برای بولدوزر راننده دیگری اعزام شد، اما تهیه سنگرهای مورد نظر مقدور نمی‌باشد.»

ملاحظه می‌شود که برای یک تیپ زرهی چهار گردانی، فقط یک دستگاه بولدوزر در اختیار بود که آن هم متأسفانه با شهادت راننده سازمانی نتوانست کاری انجام دهد. اما نیاز به تهیه سنگر فوق‌العاده حائز اهمیت بود. در این موقع، سرهنگ ابراهیم باوندپور فرمانده لشکر ۸۱ زرهی از منطقه نبرد میمک بازدید کرد و متوجه کمبود پشتیبانی مهندسی گردید. نظر به اینکه لشکر نیز هیچ‌گونه امکانات اضافی در اختیار نداشت، فرمانده لشکر در ساعت ۲۲:۰۰ به استانداری ایلام مراجعه و از استاندار خواست از مردم برای تهیه وسایل سنگرکشی یاری طلبد. استاندار نیز فوری با ارسال پیام رادیویی از مردم ایلام درخواست کرد هرگونه امکانات بولدوزر و لودر در اختیار دارند، سریعاً به منطقه نبرد میمک بفرستند تا برای رزمندگان نبرد میمک سنگر تهیه کنند. در پاسخ مثبت به درخواست استاندار، تعدادی راننده لودر و بولدوزر داوطلب حرکت به میدان نبرد شدند. از طریق استانداری لودر و بولدوزر در اختیار آنان قرار داده شد و به منطقه میمک حرکت کردند و تا قبل از آغاز روشنایی روز بیستم دی‌ماه، با تلاش فراوان شبانه، برای یگان‌های ارتشی سنگر تهیه نمودند. این امر و فعالیت‌های مشابه آن از جمله نکات فوق‌العاده حائز اهمیت پشتیبانی مردمی مردم ایران در جنگ تحمیلی از رزمندگان ما بود. از جمله مسائلی که در اوایل جنگ مشکلاتی ایجاد می‌کرد، چگونگی جمع‌آوری و تخلیه اسراء و غنائم جنگی بود. نظر به اینکه از آغاز جنگ تحمیلی، سپاه پاسداران و نیروهای مردمی در کنار نیروهای ارتشی وارد میدان‌های نبرد شده بودند و در آغاز جنگ وظایف و مسئولیت‌ها تفکیک نشده بود، مسئله گرفتن اسیر یا به دست آوردن غنائم حالت روانی طبیعی خاصی داشت. هر فرد یا گروه رزمنده سعی می‌کرد اسراء و غنائم را به خود اختصاص دهد. در این موضوع، یگان‌های ارتشی دچار مشکلاتی شده بودند. شرایط ویژه حاکم نیز طوری بود که فرماندهان ارتشی مجبور بودند تمایلات رزمندگان غیرارتشی را بیشتر مراعات کنند. بدین لحاظ، معمولاً اسراء و غنائم از طریق رزمندگان غیرارتشی تخلیه می‌گردید. نمونه آن را در عملیات میمک نیز مشاهده می‌کنیم. در گزارشی که تیپ ۱ زرهی به لشکر ۸۱ زرهی داده، چنین گفته است:

«از ساعت ۱۰:۰۰ روز ۱۹ دی ماه ۵۹ تا ساعت ۲۰:۰۰ همان روز، تعداد ۶۳ نفر اسیر عراقی توسط این قرارگاه به استانداری ایلام تخلیه گردید، تعدادی از پرسنل مجروح دشمن بدون اطلاع این قرارگاه به بیمارستان ایلام تخلیه شده‌اند. چند نفر اسیر هم گویا به وسیله افراد غیرمسئول از جمله یک نفر اسیر به وسیله بخش‌داری صالح‌آباد به ایلام تخلیه گردیده است.»

در پیام دیگری که تیپ ۱ زرهی در اوایل روز ۲۰ دی ماه ارسال نمود، گزارش داد: «گردان ۱۲۳ مکانیزه ۸ نفر از افراد دشمن را به اسارت گرفته، ولی آقای حیدری آنها را بدون اطلاع تیپ به ایلام تخلیه کرده است.»

بالأخره در گزارش‌های نهایی عملیات روز ۱۹ دی ماه، تیپ ۱ زرهی اعلام کرد تا ساعت ۲۲:۰۰ گروه‌های رزمی ۲۱۷ و ۱۹۵ در منطقه میمک به هدف‌های خود دست یافته و تبادل آتش توپخانه جریان دارد. در محور سد کنجان چم نیز، گروه رزمی ۲۲۲ تانک به پیشروی خود برای تصرف هدف تعیین‌شده در حوالی سد کنجان چم ادامه می‌دهد. ضمناً در گزارش‌های پایانی روز ۱۹ دی ماه، تعداد اسراء ۶۳ نفر و غنائم جنگی نیز ۸ دستگاه تانک منهدم شد و سه دستگاه تانک سالم اعلام گردید. بنابراین، روز اول نبرد میمک در حالی به پایان رسید که در قسمت شمالی جبهه موفقیت عناصر تیپ بسیار خوب بود و یگان‌های حمله‌ور توانسته بودند قسمت بیشتر ارتفاعات میمک را از اشغال دشمن آزاد سازند. ولی نیروهای دشمن از تمامی آن ارتفاعات به غرب خط مرز عقب رانده نشده بودند. در قسمت جنوبی منطقه نبرد و در محور کنجان چم، ابتدا پیشروی نسبتاً خوب بود، ولی با شهید شدن ستوان نظری، یکی از افسران فرمانده گردان ۱۲۳ مکانیزه، اختلالی در پیشروی گروه رزمی ۲۲۲ ایجاد شد و قسمتی از عناصر این گروه رزمی که در سمت چپ (شرق) به طرف سد پیشروی می‌کرد، نتوانست منطقه را نگه دارد و مجبور به عقب‌نشینی به مواضع اولیه خود گردید. اما در قسمت غربی، ارتفاعاتی که از دشمن بازپس گرفته شده بود، نگهداری شد. با شروع تاریکی شب، آرامش نسبی میدان نبرد را فراگرفت. نیروهای حمله‌ور از حرکت بازایستادند و نیروهای دشمن نیز در مواضعی که در اختیار داشتند باقی ماندند. در نتیجه، نیروهای هر دو طرف متخاصم به انتظار آن بودند که فردا چه خواهد شد. در آغاز روز دوم نبرد، توپخانه دشمن شدیداً فعال شد و تمام منطقه نبرد را به زیر آتش گرفت. در این روز، برای اولین بار آثاری از استعمال گلوله‌های گاز سمی شیمیایی به وسیله نیروهای متجاوز عراق در منطقه سد

کنجان چم مشاهده شد. بعد از روشن شدن هوا، هواپیماها و هلی کوپترهای دشمن برتری هوایی را به دست گرفتند و به یگان‌های ما حمله کردند.

فرمانده تیپ ۱ زرهی دستور داد گردان‌ها به حمله خود ادامه دهند و هدف‌های تعیین شده را از وجود نیروهای دشمن پاک نمایند. در اجرای این دستور، در محورهای تلاش اصلی و فرعی، گردان‌ها تلاش کردند پیشروی کنند. اما انبوه آتش‌های زمینی و هوایی دشمن به آنها اجازه نمی‌داد سرعت چندانی داشته باشند. فرمانده گردان ۱۹۵ که در قسمت حساس منطقه تلاش می‌کرد، از فرمانده تیپ درخواست کرد واحد احتیاط را به منطقه آن گردان اعزام کند تا آن گردان بتواند به پیشروی خود ادامه دهد. اما قبل از آنکه فرمانده تیپ ۱ بتواند حمله عناصر تیپ را به دور بیاندازد، نیروهای دشمن در ساعت ۹:۳۰ پاتک خود را در هر دو منطقه میمک و سد کنجان چم آغاز کردند. یک واحد زرهی دشمن از سمت پاسگاه نی خزر در جنوب غربی میمک شروع به حمله به یگان‌های ما کرد. حرکت واحدهای زرهی و مکانیزه دشمن با پشتیبانی و پوشش هوایی همراه بود. ولی در این زمان، پشتیبانی هوایی و هوانیروز نیروهای ما کارایی چندانی نداشت. چنانکه فرمانده تیپ ۱ گزارش داد دو فروند از سه فروند هلی کوپتر رزمی تیم هوانیروز مأمور به این تیپ حاضر به کار نبوده و قادر به پرواز نمی‌باشد. درخواست نمود این تیم سریعاً تقویت شود. اما لشکر ۸۱ نیز امکانات چندانی نداشت. لذا به تیپ ۱ زرهی پاسخ داد برای خنثی کردن حمله زرهی و هوایی دشمن از مقدرات موجود یگان‌های رزمی استفاده شود.

گرچه پاتک اول دشمن در منطقه میمک نسبتاً شدید بود، ولی با مقاومت و پایداری که نیروهای ما از خود نشان دادند، موفق شدند مانع پیشروی عناصر دشمن به سمت میمک شوند. در ساعت ۱۲:۳۰ شکست پاتک اول دشمن قطعی شد و فرمانده تیپ آن را به لشکر گزارش داد که بر اساس آن، نیروهای دشمن مجبور به عقب‌نشینی به سمت غرب شدند. فرمانده گردان ۲۱۷ تانک نیز در ساعت ۱۲:۴۵ اطلاع داد تانک‌های دشمن که به جلو آمده بودند، به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی می‌کنند. در این ساعات از مرحله عملیات، هلی کوپترهای تیم هوانیروز نیز در منطقه نبرد فعال شدند و به تانک‌ها و نفربرهای دشمن حمله کردند. این امر سبب تقویت روحیه پرسنل یگان‌های ما گردید و فرمانده گردان ۱۹۵ با احساس خوشحالی گزارش داد هلی کوپترهای ما به نحو احسن در منطقه میمک اجرای آتش می‌کنند. در این موقع که دشمن متوجه فعالیت هلی کوپترهای ما شد، هواپیماهای خود را به منطقه

نبرد اعزام کرد و میگ‌های عراقی به هلی‌کوپترهای ما حمله کردند و توانستند یک فروند هلی‌کوپتر کبرا را مورد هدف قرار دهند. اما هلی‌کوپتر موفق به فرود اضطراری شد و خلبانان آن سالم به زمین نشستند.

نبرد دلاوران تیپ ۱ زرهی با نیروهای دشمن متجاوز در بعدازظهر روز ۲۰ دی‌ماه به شدت ادامه یافت. رزمندگان ما تلاش می‌کردند تمام منطقه هدف تعیین‌شده را از وجود دشمن پاک کنند و حداقل منطقه پاسگاه‌های حلاله و نی‌خزر را در غرب ارتفاعات میمک تصرف و تأمین نمایند. اما دشمن دومین پاتک خود را در حدود ساعت ۱۵:۰۰ از سمت پاسگاه نی‌خزر اجرا کرد. این عمل دشمن سبب رکود و می‌توان گفت وحشت بعضی از فرماندهان گردید، زیرا در شرایطی که یگان‌ها ما هنوز موضع دفاعی مناسب اشغال نکرده بودند، خنثی کردن پاتک دشمن تهدید جدی برای آنها به وجود می‌آورد. ولی خوشبختانه پاتک دشمن با اجرای آتش‌های سنگین توپخانه خنثی گردید و نیروهای دشمن که به جلو آمده بودند، با به جا گذاشتن مقداری جنگ‌افزار و مهمات، مجبور به عقب‌نشینی شدند. با خنثی شدن پاتک دشمن، گردان ۱۹۵ از جناح شمال غربی هدف خود را دور زد و آن را اشغال کرد. یک گروهان تانک دشمن که در این قسمت از منطقه نبرد پاتک کرده بود، تعداد قابل ملاحظه‌ای از خودروهای زرهی خود را بر جای گذاشت و فرار نمود. هفت دستگاه تانک و دو دستگاه نفربر سالم به غنیمت این گردان درآمد و تعدادی نیز آسیب دیده یا منهدم شده در منطقه باقی ماند. بدین ترتیب، در جناح شمالی منطقه نبرد، یعنی در ارتفاعات میمک، نیروهای ما موفق شدند هدف‌های تعیین‌شده را تصرف و تأمین نمایند. اما در قسمت جنوبی منطقه در حوالی سد کنجان‌چم نیروها ما نتوانستند موضعی را که در روز ۱۹ دی‌ماه اشغال کرده بودند، نگه دارند و بر اثر فشار شدید دشمن و به کار بردن گلوله‌های گاز سمی علیه نیروهای ما، گروه رزمی ۲۲۲ به مواضع قبل از آغاز این عملیات عقب‌نشینی کرد و به پدافند در آن مواضع پرداخت.

روز دوم نبرد میمک نیز به پایان رسید و تاریکی شب رکود و سکوتی در منطقه نبرد ایجاد کرد. فرمانده تیپ ۱ زرهی دستور داد یگان‌ها در منطقه هدف اشغال‌شده دفاع دورادور برقرار کنند و مواضع خود را مستحکم سازند و آماده برای مقابله با پاتک‌های احتمالی دشمن باشند.

لازم به یادآوری است که منطقه میمک برای حکومت و ارتش عراق حائز اهمیت ویژه‌ای بود، زیرا حکومت عراق ادعای مالکیت آن را داشت و اصولاً یکی از بهانه‌های عمده حکومت عراق برای آغاز جنگ تحمیلی، گرفتن این منطقه از ایران بود. حکومت عراق این منطقه را به نام

سیف سعد می‌نماید و از نظر اهمیت یک گردان مستقل تانک را به نام آن منطقه و سیف سعد نام‌گذاری کرده بود. البته شاید علت نام‌گذاری سیف سعد به این منطقه موضوع دیگری مانند یک شخصیت ویژه عراقی بوده باشد، اما به هر حال، تعیین نام ویژه برای این منطقه به هر دلیلی که بوده باشد، اهمیت خاص آن منطقه را برای حکومت عراق نشان می‌دهد. بدین لحاظ، منطقه میمک برای حکومت عراق دارای یک اهمیت ویژه سیاسی احتمالی بود و حکومت عراق از دست دادن این منطقه را شکستی خفت‌بار برای خود می‌دانست. گرچه این موضوع در ایران و محافل بین‌المللی انعکاس ویژه‌ای نداشت، زیرا سوابق تاریخی بین ایران و عراق درباره این منطقه آنچنان مهم جلوه‌گر نشده بود تا جنبه بین‌المللی پیدا کند. در حالی که درباره مسئله ارون‌درو، موضوع جنبه بین‌المللی پیدا کرده بود. با توجه به اهمیت سیاسی و اجتماعی میمک برای حکومت عراق، ارتش عراق ملزم بود به هر صورتی که باشد، این منطقه را از نیروهای ایرانی بازپس بگیرد. بنابراین، پاتک‌های مداوم خود را در روزهای بعد نیز ادامه داد و برای این نبردها، نیرویی در حدود یک لشکر به این منطقه وارد کرد. ضمن اینکه طبق اطلاعات تأیید شده‌ای که به نیروهای ما رسید، فرماندهان مسئول به دلیل از دست دادن میمک، به شدت مجازات شدند و بعضی از آنان اعدام گردیدند. بر اساس تدبیر کلی دشمن در تلاش برای بازپس‌گیری، در روز سوم نبرد یعنی در ۲۱ دی‌ماه نیروهای عراقی از جناح شمال غربی پاتک دیگری را اجرا کردند. در ساعت ۷:۱۵ گردان ۱۹۵ مکانیزه ما را که در آن جناح گسترش داشت، تحت فشار قرار دادند. نیروی حمله‌ور دشمن دو گردان تانک برآورد گردید و این برآورد نشان می‌داد که واحد زرهی جدیدی از نیروهای عراقی وارد این منطقه شده است.

حمله نیروهای دشمن به تدریج شدیدتر شد و تا ساعت ۸:۳۰ نیروهای دشمن در تمام جبهه میمک با نیروهای ما که فقط شامل یک گردان مکانیزه و یک گردان تانک بودند و آنها هم استعداد رزمی چندانی نداشتند، درگیر شدند. فرمانده گردان ۲۱۷ تانک (سرگرد خوارزمی) در ساعت ۸:۳۰ گزارش داد با عناصر دو گردان تانک دشمن در رزم نزدیک درگیر شده و سنگر به سنگر با دشمن می‌جنگد. دشمن تلاش می‌کند از سمت چپ (جنوب غربی) وارد ارتفاعات میمک شود، ولی نیروهای ما مقاومت می‌کنند. سرگرد پیاده کرون‌دی فرمانده گردان ۱۹۵ مکانیزه نیز گزارش داد یک گروهان تانک دشمن به مواضع نیروهای ما نزدیک شده، اما به وسیله نیروهای ما، دچار مشکلاتی گردیده است.

در حدود ساعت ۰۹:۰۰ روز سوم نبرد، اطلاع حاصل شد که نیروهای دشمن علاوه بر حمله جبهه‌ای میمک، در جناح شمالی و از طرف رودخانه تلخاب و تنگ بیجار نیز فعالیت را آغاز کرده‌اند. یک واحد زرهی دشمن که حدود یک گردان برآورد می‌گردید، در جنوب رودخانه تلخاب به حرکت درآمده است. با وجود این تهدیدات خیلی شدید، روحیه رزمندگان ما فوق‌العاده خوب بود. فرمانده گردان ۱۹۵ مکانیزه در ساعت ۰۹:۵۰ اعلام کرد احتمال موفقیت صد در صد است و جای نگرانی نیست، اما فشار دشمن هر لحظه شدیدتر می‌شد و آتش‌های سنگین توپخانه دشمن، منطقه گسترش یگان‌ها ما به ویژه گردان ۱۹۵ مکانیزه را به شدت می‌کوبید. ولی با همه تلاشی که دشمن در سومین پاتک خود به کار برد، موفقیتی به دست نیاورد و با تحمل تلفات سنگین، مجبور به عقب‌نشینی گردید و نیروهای ما (گردان ۲۱۷ تانک و ۱۹۵ مکانیزه) از حدود ساعت ۱۰:۰۰ پاکسازی بقیه منطقه هدف را آغاز کردند و در ساعت ۱۱:۰۰ فرمانده گردان ۱۹۵ گزارش داد: «پرچم ایران بر فراز بلندترین قله میمک برافراشته شد.»

گردان ۲۱۷ تانک نیز گزارش داد منطقه آب‌گرم را تصرف کرده و به قسمت انتهایی منطقه هدف رسیده است.

با وجود اینکه دشمن با مقاومت سرسخت نیروهای ما مواجه شد، ولی احتمالاً به علت فشار شدید که از طرف مقامات رده بالای ارتش عراق و احتمالاً شخص صدام حسین به فرماندهان عراقی وارد می‌گردید، آنها دست از لجاجت برای بازپس گرفتن از نیروهای ما برنداشتند و با وجود عقب‌نشینی یگان‌های زرهی دشمن، آتش توپخانه انبوه دشمن همچنان بر روی یگان‌های ما فرو ریخته می‌شد. به نظر می‌رسید دشمن می‌خواهد با انهدام نیروهای ما به وسیله آتش توپخانه، مقاومت را از سر راه واحدهای پیاده نظام خود بردارد و یگان‌های پیاده خود را برای اشغال مجدد منطقه میمک روانه سازد. لازم به یادآوری است که تا این موقع، که روز سوم نبرد بود، هیچ نیروی تقویتی برای واحدهای ما اعزام نشده بود و تیپ ۱ زرهی با همان دو گردانی که قسمتی از توان رزمی خود را نیز در نبرد سه روزه از دست داده بود، در منطقه میمک می‌جنگید. کمبود نیرو به قدری شدید بود که فرمانده گردان ۱۹۵ درخواست نمود یک واحد بسیجی برای پوشش قسمتی از منطقه نبرد آن گردان اعزام شود، ولی این امر نیز به سادگی امکان‌پذیر نبود. تنها کمکی که در ساعات حساس نبرد به یاری گردان‌های رزمنده می‌شتافت، چند فروند هلی‌کوپتر بود. در این باره نیز باید گفت اثرات روانی پرواز هلی‌کوپترهای جنگنده

بیش از اثرات رزمی آنها بود. در ساعت ۱۳:۰۰ روز سوم نبرد، فضای منطقه نبرد در کنترل پرنده‌های رزمی ما بود و هواپیماها و هلی کوپترهای ما به پرواز درآمدند و ضرباتی به دشمن وارد ساختند. در پناه این پشتیبانی هوایی، گردان‌های رزمی موفق شدند تمام منطقه هدف مربوطه را اشغال و از وجود دشمن پاک سازند. اما دشمن همچون مار زخم‌خورده ناآرام بود و به خود می‌پیچید و به طرف نیروهای ما حمله می‌کرد. بر این اساس، در ساعت ۱۴:۰۰ روز سوم نبرد، پاتک دیگری را آغاز کرد و یک واحد زرهی دشمن از سمت جنوب غربی و از طرف پاسگاه نی خزر به ارتفاعات میمک حمله کرد. این بار منطقه تهدید اصلی دشمن جناح جنوبی و منطقه گسترش گردان ۲۱۷ تانک بود. فرمانده تیپ احساس خطر جدی کرد و از لشکر درخواست نمود هرگونه پشتیبانی هوایی و هوانیروز مقدور را برای انهدام یا عقب راندن واحد زرهی دشمن به منطقه نبرد میمک اعزام کند. به یگان احتیاط که یک تیم گروهانی تانک و یک گردان اسمی پیاده بود دستور داد سریعاً به منطقه نبرد میمک حرکت کند و گردان ۲۱۷ تانک را یاری نماید. نیم ساعت بعد، یعنی در ساعت ۱۴:۳۰، هلی کوپترهای رزمی ما وارد منطقه نبرد شدند و به تانک‌های دشمن یورش بردند. در این نبرد، یک فروند هلی کوپتر مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و خلبان آن سروان شمشادیان زخمی گردید. با گسترش وضعیت نبرد، حضور یک تیپ زرهی دشمن در این نبرد تشخیص داده شد. دلاوران جانباز ما با حداکثر توان خود نبرد می‌کردند. در این نبرد، سروان حاتم، فرمانده یکی از گروهان‌های گردان ۱۹۵ مکانیزه شهید شد. یک دستگاه تانک گردان ۲۱۷ تانک به دره‌ای سقوط کرد و استوار زنگنه فرمانده تانک شهید گردید. یگان احتیاط تیپ که از عناصر گردان ۲۲۲ تانک بود، در ساعت ۱۵:۱۰ به منطقه نبرد گردان ۲۱۷ تانک رسید و آماده برای شرکت در مبارزه جهت دفاع از حیثیت و شرف ملی و مملکتی ما گردید.

افرادی مانند ستوانیار میری با جنگ‌افزارهای ضدتانک به تانک‌های مهاجم دشمن یورش بردند و تانک‌های دشمن را یکی پس از دیگری منهدم ساختند.

نبرد خونینی بین نیروهای مدافع میهن اسلامی ما با نیروهای متجاوز عراق جریان یافت. فرمانده تیپ در ساعت ۱۶:۰۰، وضعیت را چنین گزارش داد: «جنگ شدیدی بین نیروهای خودی و دشمن به شدت ادامه دارد و ۵۰ تا ۶۰ دستگاه تانک دشمن از بین رفته و پاتک دشمن در هم کوبیده شده و آنها را به خاک و خون کشیده‌اند. افسران و درجه‌داران و سربازان ما با نثار خون از مملکتشان دفاع کردند. امضاء: سرهنگ ۲ اسماعیل سهرابی.»

پاتک پنجم دشمن نیز که به نظر می‌رسد شدیدترین پاتک وی بود، در حدود ساعت ۱۶:۰۰ درهم کوبیده شد و نیروهای دشمن با دادن تلفات سنگین به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کردند. توپخانه دشمن همچنان به فروریختن انبوه آتش بر روی یگان‌های ما ادامه می‌داد، در حالی که توپخانه ما در آن منطقه، فقط یک گردان ۱۵۵م و دو آتشبار ۱۳۰م (-) و ۱۷۵م (-) بود که از سد کنجان‌چم تا منطقه میمک را در منطقه‌ای به عرض بیش از ۵۰ کیلومتر پشتیبانی می‌کرد. با وجود این، بررسی گزارش‌ها چنین نشان می‌دهد که فرماندهان یگان‌های رزمی، شکایتی از کمبود آتش‌های توپخانه نداشتند. با شکست پاتک پنجم دشمن، هواپیماها و هلی‌کوپترهای دشمن مجدداً فعال شدند و به حالت انتقام‌جویانه به واحدهای ما حمله کردند. اما این تلاش مذبوحانه دشمن نیز تأثیری در اراده خلل‌ناپذیر فرماندهان یگان‌های ما برای نگهداری میمک ایجاد نکرد. گردان‌های عمل‌کننده تلاش کردند تا آخرین حد امکان، ارتفاعات میمک را از وجود دشمن پاک کنند و حتی المقدور به خط مرز نزدیک شوند. اما دشمن نیز هنوز دست از لجاجت برنداشته بود و با هر امکانی که برایش مقدور بود، سعی می‌کرد روح مبارزه‌جویی کاذب خود را عرضه کند. برای این منظور، عناصر پیاده و زرهی و مکانیزه دشمن از مسافت‌های دور، حرکاتی انجام می‌دادند و تظاهر به حمله یا آماده شدن برای حمله می‌کردند. این گونه فعالیت‌های دشمن با اجرای آتش‌های سنگین توپخانه همراه بود.

روز سوم نبرد که با حوادثی خونین همراه بود، با شکست دو پاتک سنگین دشمن و پیروزی درخشان نیروهای ما به پایان رسید. طبق معمول با شروع تاریکی شب، سکوتی مبهم میدان نبرد را فراگرفت. در حالی که هنوز بیم موج و حمله دشمن به کلی از میان نرفته بود. برآورد می‌شد نیروهای متجاوز عراق فردا نیز موج حمله خود را به سمت رزمندگان ما روانه خواهند ساخت. برای آماده بودن جهت دفع این حملات احتمالی دشمن، فرمانده تیپ به یگان‌های رزمنده دستور داد به هر نحو مقدور، مناطق تصرف‌شده را مستحکم کنند و موانع و میدان مین برقرار سازند و برای دفاع آماده باشند. از طرفی فرمانده تیپ احساس کرد نیروهای رزمنده آن تیپ در مدت سه روز نبرد فعال و بدون دریافت هرگونه تقویت و پشتیبانی از لشکر، تا حدودی توان رزمی خود را از دست داده‌اند و چنانچه دشمن در روزهای آینده نیز با لجاجت بخواهد میمک را بازپس بگیرد، ممکن است این یگان‌ها برای مقابله با دشمن با مشکلاتی مواجه گردند. لذا برای آگاه کردن لشکر از وضعیت، نامه‌ای بدین شرح به لشکر ارسال نمود.

«از روز شروع تک تاکنون، این یگان با دادن تلفات پرسنلی نسبتاً زیاد توانسته پاتک سنگین دشمن را دفع نماید و مسلماً در روزهای آینده نیز مواجه با این پاتک‌ها خواهد بود و با این نیروی خسته و تحلیل رفته، دیگر نمی‌توان انتظار ادامه را داشت و نیاز به تقویت با استعداد یک گردان پیاده داریم، چون دشمن منطقه میمک را به هیچ وجه رها نمی‌کند، واقعاً منطقه قتلگاه بعضی‌ها شده و باز هم مجدداً سعی می‌کند از هر طرف نفوذ کند. امضاء: سرهنگ ۲ اسماعیل سهرابی»

اما همان‌گونه که بارها یادآور شده‌ایم، توانایی نیروهای ما همان بود که از آغاز جنگ به هر منطقه نبرد اختصاص داده شده بود و لشکر ۸۱ زرهی یگان دیگری در اختیار نداشت تا برای تقویت تیپ ۱ زرهی بفرستد. بدین لحاظ، درخواست فرمانده تیپ ۱ زرهی برای اعزام یک گردان تقویتی بدون جواب ماند و چون فشار دشمن همچنان بر عناصر تیپ ادامه داشت، فرمانده تیپ در روز ۲۲ دی ماه نیز با ارسال پیامی به شرح زیر درخواست خود را تکرار نمود.

«با توجه به درگیری سه شبانه‌روز، پرسنل تیپ بدون خواب و استراحت با دشمن درگیر بوده، به منظور جلوگیری از کاهش توان رزمی تیپ و حفظ موفقیت‌های کسب‌شده، استدعا می‌شود به هر نحوی که ممکن است این تیپ را تقویت نمایند. امضاء: سرهنگ ۲ اسماعیل سهرابی»

نظر به اینکه لشکر ۸۱ هیچ‌گونه امکانی برای تقویت تیپ ۱ نداشت، از قرارگاه عملیاتی غرب درخواست کرد اقدامی به عمل آید، تا حدود یک هزار نفر افراد پاسدار و بسیجی به منطقه میمک اعزام شود و در تقویت تیپ ۱ زرهی قرار گیرد. اما بررسی اسناد و مدارک چنین نشان می‌دهد که این درخواست از مرحله مکاتبه فراتر نرفت و عناصری برای تقویت تیپ ۱ زرهی به منطقه میمک اعزام نشد و تیپ الزاماً با همان مقدرات موجود خود به نبرد ادامه داد و حتی همان گردان پیاده جدیدالتأسیس اعزامی از ستاد مشترک نیز در میدان نبرد کارایی قابل ملاحظه‌ای از خود نشان نداد و هنگامی که به علت فشار شدید دشمن، فرمانده تیپ مجبور شد این گردان را که در احتیاط تیپ نگه داشته شده بود، به منطقه نبرد بفرستد، سربازان این گردان به وحشت افتادند و منطقه نبرد را ترک کردند.^۱ در نتیجه، این گردان اعزام‌شده از خارج از منطقه نبرد نیز کمکی به عملیات تیپ نکرد. دو گردان رزمنده تیپ به فرماندهی سرگرد

۱. گردان ۷ پیاده سماجا خود کمک نمود. به طوری که فرمانده گروهان ۲ آن شهید و فرمانده گروهان ۳ مجروح شدند. پرسنل کادر این گردان داوطلب بودند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

زرهی خوارزمی و سرگرد پیاده کروندی مجبور شدند با همان یگان سازمانی خود در مقابل عناصر یک لشکر دشمن مقاومت کنند.

روز ۲۱ دی ماه و سومین روز نبرد پایان یافت. فرمانده تیپ آخرین وضعیت را در ساعات پایانی این روز چنین گزارش داد:

«درگیری در منطقه کاهش یافته، یگان‌های خودی تحکیم روی هدف‌ها را ادامه می‌دهند. فقط دشمن به طور پراکنده مواضع خودی را به زیر آتش توپخانه قرار می‌دهد که شدیداً مقابله و خنثی می‌شود. دستور مراقبت‌های لازم به یگان‌ها ابلاغ شد و در مورد احتمال تک شبانه یا نزدیکی‌های صبح دشمن نیز، به یگان‌ها ابلاغ شد تا پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورند. امضاء: سرهنگ ۲ اسماعیل سهرابی»

روز ۲۲ دی ماه و چهارمین روز نبرد میمک آغاز شد. اولین فعالیت دشمن در ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب مشاهده شد و عناصر پیاده دشمن تلاش کردند با استفاده از تاریکی شب، به مواضع نیروهای ما نزدیک شوند، ولی فعالیت دشمن کشف و خنثی گردید و در ادامه آن، چند حرکت جزئی دشمن مشاهده شد که با اجرای آتش توپخانه متوقف گردید. فرمانده تیپ در ساعت ۰۶:۰۰ منطقه را نسبتاً آرام اعلام کرد. اما این حالت آرامش قبل از طوفانی بود که از ساعت ۰۷:۰۰ آغاز شد و دشمن در طول این روز، پاتک متناوب اجرا کرد و آخرین تلاش‌های خود را برای بازپس گرفتن میمک به کار برد. فعالیت نیروهای دشمن در آغاز عملیات روز جاری، بر این بود که نیروهای ما را به طرف خود جلب کنند و آنها را وسوسه برای تعقیب نمایند تا بدین طریق، نیروهای ما از مواضع نسبتاً آرایش‌شده بیرون بیایند و وارد دشت غربی میمک شوند و بعد نیروهای دشمن از زمین و هوا به آنها حمله کنند و آنها را نابود سازند. اما فرمانده تیپ دستور حمله صادر نکرد و ادامه دفاع از مواضع را تأکید نمود.

در نتیجه، این حيله دشمن کارساز نشد و از حدود ساعت ۰۹:۲۰ پیشروی پیاده نظام دشمن از زمین‌های ذوعارضه در حوالی پاسگاه هلاله در شمال و نی‌خزر در جنوب آغاز شد و توپخانه دشمن به شدت مواضع نیروهای ما را به زیر آتش گرفت. هلی‌کوپترهای دشمن نیز بر فراز منطقه نبرد به پرواز درآمدند و خطر حمله هوایی دشمن نیز احساس شد. به نظر رسید که دشمن قصد دارد با حداکثر توانایی خود به میمک حمله کند. در این شرایط، تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی هیچ‌گونه امکانی برای اعزام نیروهای تقویتی نداشت و تنها روزنه امید نیروی هوایی و یگان هوانیروز بود. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی به تیم هوانیروز کرمانشاه دستور داد هر چند فروند

هلی کوپتر که در توان دارد در پشتیبانی تیپ ۱ زرهی قرار دهد. فرمانده تیپ ۱ زرهی نیز به گردان توپخانه کمک مستقیم دستور داد با حداکثر حجم آتش خود منطقه هلاله و نی خزر را به زیر آتش بگیرد. حوادث گزارش شده چنین نشان می دهد که از حدود ساعت ۱۰:۰۰، نبرد شدیدی بین نیروی ما و دشمن در غرب میمک درگرفت. نیروهای دشمن با تهاجمی وسیع تر از روزهای قبل به صورت پیاده و مکانیزه و تانک به مواضع یگان های ما نزدیک شدند. توپخانه های هر دو طرف با حداکثر حجم آتش مواضع یکدیگر را می کوبیدند، اما مسلماً برتری آتش با دشمن بود. زیرا توپخانه ما نسبت به وسعت منطقه استعداد چندانی نداشت، ولی با هر توانی که بود، دلاوران ما شجاعانه مقاومت می کردند و ضربات سنگین خود را بر دشمن وارد می ساختند. دشمن در حدود ساعت ۱۱:۰۰، به آخرین تلاش دست زد و تظاهر به پیاده کردن نیرو با هلی کوپتر در داخل مواضع نیروهای ما نمود. البته درباره صحت این گزارش نمی توان نظری قطعی داد، ولی این امر حداقل نشانه ای از لجاجت دشمن برای به دست آوردن پیروزی بود. به توپخانه خودی دستور داده شد محل فعالیت هلی کوپترهای دشمن را به زیر آتش بگیرد. بر اثر این آتش ها یا عوامل دیگر، یک فروند هلی کوپتر دشمن مورد اصابت قرار گرفت و سرنگون گردید. اما تلاش دشمن برای پیشروی به سمت میمک همچنان لحظه به لحظه بیشتر می شد و هلی کوپترهای رزمی دشمن به گردان ۲۱۷ تانک ما حمله کردند و دو دستگاه تانک این گردان را منهدم نمودند. فرمانده گردان ۲۱۷ تانک وضعیت را بسیار خطرناک اعلام کرد و اظهار داشت نیروهای دشمن از طرف نی خزر در حال پیشروی هستند. فرمانده یگان احتیاط نیز در ساعت ۱۲:۰۰ گزارش داد تلفات خیلی زیاد است. گردان ۱۹۵ مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت و تلاش دشمن به نقطه اوج خود رسید، اما در مقاومت رزمندگان دلیر ما خللی ایجاد نشد و همچنان به مبارزه سرسختانه و شجاعانه با دشمن ادامه دادند و قدمی از مواضع تصرف شده عقب نشینی نکردند. بالأخره از حدود ساعت ۱۲:۲۰، آثار شکست پاتک دشمن ظاهر شد و فرمانده گردان ۲۱۷ تانک که تحت فشار شدید دشمن قرار داشت، گزارش داد پاتک دشمن در حال دفع شدن است. با وجود این، دشمن سرسختی نشان می داد و به احتمال زیاد، فشار فرماندهان رده بالای ارتش عراق در پشت سر نیروهای دشمن بود. بر این اساس، تلاش هوایی دشمن همچنان ادامه یافت و پیاده نظام دشمن بار دیگر تلاش کردند از سمت هلاله و نی خزر (شمال و جنوب میمک) وارد ارتفاعات میمک شوند. گزارش حوادث نشان می دهد که در نبرد این روز، نیروی هوایی ما نتوانست از تیپ ۱ زرهی پشتیبانی کند و بدین سبب، فرمانده تیپ ۱

زرهی در ساعت ۱۳:۲۵ در یک نامه شکایت گونه به لشکر اظهار داشت از ساعت ۱۰:۰۰ روز جاری درخواست هواپیماهای اف ۱۴ برای پوشش هوایی منطقه و فراری دادن هواپیماهای دشمن درخواست شده، ولی تاکنون این پشتیبانی انجام نگرفته است. بالأخره در حدود ساعت ۱۳:۳۰ پاتک اول دشمن از شدت خود افتاد، ولی کاملاً متوقف نگردید. حتی عناصری از دشمن موفق شدند یک موضع دیده بانی توپخانه ما را در یکی از قله های غرب میمک تصرف نمایند، اما نتوانستند آن را نگه دارند. نبرد روز جاری (۲۲ دی ماه) با شدت وضعفی متغیر همچنان ادامه یافت. زمانی نیروهای دشمن از حرکت باز می ماند و بعد از چند دقیقه، بار دیگر و احتمالاً با فشار شدید فرماندهان به حرکت در می آمدند و تظاهراتی می کردند. طبعاً در آن شرایط حساس، هرگونه فعالیت دشمن برای نیروهای ما می توانست اثرات روانی منفی بیش از حد طبیعی داشته باشد و این امر سبب ارسال گزارش های نسبتاً حساسی می شد. به هر حال، از ساعت ۱۴:۰۰ فعالیت دشمن نسبتاً فروکش کرد، ولی هواپیماها و هلی کوپترهای دشمن به تلاش خود ادامه دادند و توپخانه دشمن نیز همچنان آتش سنگین خود را بر روی مواضع یگان های ما می ریخت و سبب ناراحتی یگان های ما می شد.

در حالی که در نبرد روز ۲۲ دی ماه، عناصر هوایی دشمن خیلی فعال بود، عناصر پشتیبانی هوایی و هلی کوپتر ما غیرفعال بود. به نظر می رسد در این روز، عناصر هوایی از تیپ ۱ زرهی پشتیبانی نکردند.

با وجود کاهش تلاش دشمن در بعدازظهر روز ۲۲ دی ماه، این تلاش به کلی متوقف نگردید و تا غروب آن روز به تناوب ادامه یافت که مرکز اصلی تلاش از سمت جنوب و حوالی پاسگاه نی خزر و آب گرم بود. اما در قسمت شمال میمک، گروه رزمی ۱۹۵ موفق گردید چند تپه دیگر را به تصرف خود درآورد و پرچم سه رنگ ایران را بر فراز غربی قله میمک به اهتزاز درآورد. نیروهای عراقی در ساعت ۱۶:۰۰ آخرین تلاش خود را به کار بردند، تا شاید قبل از شروع تاریکی بتوانند در خط مقاومت نیروهای ما رخنه کنند. این حمله دشمن نیز با پشتیبانی هوایی هواپیماهای عراق همراه بود و هواپیماهای عراقی مواضع نیروهای ما را بمباران کردند. به نظر می رسد این عملیات دشمن در بعضی از یگان های ما تأثیر منفی گذاشت و یکی از فرماندهان گزارش داد عده ای از افراد نیروهای خودی عقب نشینی می کنند.^۱ حمله هوایی دشمن به منطقه عقب تیپ ۱ زرهی در دشت لیک (شرق میمک) اجرا شد، ولی در این حمله، یک فروند هواپیمای

۱. سابقه نداشته است. آن هم در روزهای آخر پیروزی. «سرتیپ ستاد سهرابی»

دشمن مورد اصابت موشک زمین به هوای سه‌سهند^۳ قرار گرفت و سرنگون گردید.^۱ آخرین تلاش دشمن نیز در ساعت ۱۷:۰۰ با شکست مواجه شد و فرمانده تیپ اعلام کرد پاتک دشمن دفع گردید و گردان‌های ۲۱۷ و ۱۹۵ که در تلاش اصلی مقاومت بودند، گزارش دادند نیروهای دشمن به سمت غرب عقب‌نشینی می‌کنند و یگان‌های خودی کنترل کامل منطقه نبرد میمک را به دست گرفته‌اند. گردان ۲۲۲ تانک نیز که در منطقه سد کنجان‌چم عمل می‌کرد، گزارش داد یک فروند هلی‌کوپتر دشمن را منهدم کرد و تمام سرنشینان آن که به نظر می‌رسید افراد پیاده بودند، نابود ساخت. بالأخره سپاهی تاریکی شب کنترل تمام منطقه نبرد را به دست خود گرفت و حرکت نیروهای هر دو طرف را متوقف ساخت. چهارمین روز نبرد میمک که با تلاش مداوم در تمام روز جریان داشت، در حالی به پایان رسید که رزمندگان دلیر تیپ ۱ لشکر ۸ زرهی توانستند پاتک دشمن را با ۱۲ ساعت نبرد دلاورانه با شکست مواجه سازند و مناطقی را که در روزهای قبل از اشغال دشمن آزاد کرده بودند، نگه دارند و حتی مواضع جدیدی را نیز تصرف نمایند، اما نقطه ضعف نیروهای ما در عملیات این روز عدم پشتیبانی هوایی و هوانیروز بود. با شکست آخرین تلاش دشمن برای بازپس‌گیری میمک از نیروهای ما، به علت تلفات سنگین و بی‌نتیجه‌ای که نیروهای عراقی متحمل شده بودند، فرماندهی ارتش عراق از ادامه تلاش مذبوحانه برای عقب راندن نیروهای ما از میمک صرف‌نظر کرد و از روز ۲۳ دی‌ماه و بعد از چهار روز نبرد مداوم خونین نیروهای عراق در غرب ارتفاعات میمک و در حوالی خط مرز مواضع پدافندی را مستحکم نمودند و به دفاع در مقابل ادامه پیشروی نیروهای ایران پرداختند.

اما تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی نیز بیش از آنچه که در روزهای اول در این منطقه به دست آورده بود، نتوانست پیشروی کند تا مناطق بیشتری را از اشغال نیروهای دشمن آزاد سازد. در نتیجه، عناصر این تیپ موفق نشدند نیروهای عراقی را به غرب خط مرز شناخته‌شده عقب برانند و الزاماً در دامنه غربی ارتفاعات میمک حوالی پاسگاه‌های نی‌خزر و هلاله متوقف شدند و مواضع پدافندی آرایش دادند و به دفاع پرداختند. بنابراین، از روز ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۹، حالت پدافندی در نیروهای هر دو طرف برقرار شد و طبق معمول، تبادل آتش توپخانه و گاهی حملات هوایی و هلی‌کوپتر جریان یافت. فرمانده تیپ ۱ زرهی آخرین وضعیت منطقه نبرد میمک را در ۲۳ دی‌ماه چنین اعلام کرد:

۱. چون ارتفاعش کم بود، توسط ۲۳م منهدم شد. فرمانده قبضه توسط فرمانده تیپ ۱ تشویق و از درجه گروهبان دومی به گروهبان یکمی ارتقاء یافت. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۱- از اولین روز نبرد تاکنون، یگان‌های خودی ارتفاعات میمک را کاملاً به تصرف خود درآورده و پاکسازی نمودند و در سمت راست (شمال) در بلندترین قله میمک پرچم ایران برافراشته شد.

۲- یگان‌ها پس از تصرف هدف توانسته‌اند پاتک‌های سنگین دشمن را دفع و آخرین پاتک او را در ساعت ۱۷:۰۰ روز ۵۹/۱۰/۲۲ خنثی نمایند.

۳- در محور مهران (منطقه سد کنجان‌چم) دشمن در روی ارتفاعات کله‌قندی در ساعت ۱۷:۳۰ روز ۵۹/۱۰/۲۲، توسط دو فروند هلی‌کوپتر نیرو پیاده کرد که به وسیله گردان‌های ۲۲۲ تانک و ۱۲۳ مکانیزه در هم شکسته شد و در حال حاضر، درگیری‌های پراکنده ادامه دارد.

بدین ترتیب، منطقه هدف تصرف شده در میمک تثبیت گردید و نیروهای ما موفق شدند منطقه‌ای را به وسعت حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع^۱ در غرب دشت لیک بین رودخانه تلخاب در شمال و رودخانه خوش در جنوب را از اشغال دشمن رها سازند و اولین حمله موفقیت‌آمیز را در طول قریب چهار ماه جنگ تحمیلی اجرا نمایند.

عملیات میمک گرچه در مقیاس جنگ تحمیلی بین دو ارتش ایران و عراق در جبهه‌ای به عرض بیش از هزار کیلومتر یک عملیات محدودی بود و منطقه‌ای که از اشغال دشمن آزاد شد، در مقایسه با بیش از ده هزار کیلومتر منطقه اشغال شده به وسیله ارتش متجاوز عراق منطقه بسیار کوچکی محسوب می‌شد، اما اثرات روانی این عملیات فوق‌العاده بیشتر از جنبه‌های ارضی آن بود. زیرا همان‌گونه که گفته شد، این عملیات اولین حمله موفقیت‌آمیز نیروهای ایران در یکی از حساس‌ترین منطقه نبرد از نظر حکومت عراق بود و همان‌گونه که گفتیم، یکی از چند ادعای اصلی حکومت عراق برای تحمیل جنگ به ایران، گرفتن منطقه میمک بود که حکومت عراق ادعای اراضی آن را داشت و قبل از آغاز جنگ عمومی با توسل به قدرت نظامی آن را اشغال کرده بود و حال که نتوانسته بود در مقابل تهاجم متقابل نیروهای ایران آن منطقه را نگه دارد، این امر یک شکست فاحش نظامی و سیاسی و روانی برای حکومت و ارتش عراق محسوب می‌شد و حکومت عراق را بیش از پیش به این فکر می‌انداخت که هرچه سریع‌تر و قبل از آنکه نتیجه جنگ به افتضاح بیشتری برای عراق بیانجامد با توسل به مراجع بین‌المللی

۱. البته با تصرف میمک، دشت‌های اطراف آن تا حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر مربع نیز در کنترل خودی قرار گرفت. مرزهای بین ایران و عراق در آن منطقه، زمین هموار بود و موضع مناسبی جهت پدافند نبود. «سرتیپ ستاد سهرابی»

حکومت ایران را به پای میز مذاکره بکشاند و جنگ را از طریق سیاسی پایان دهد. اما حکومت ایران اعلام کرده بود تا آخرین سرباز عراقی سرزمین ایران را تخلیه نکند، پیشنهاد هیچ گونه مذاکره‌ای را مورد بررسی قرار نخواهد داد و حکومت عراق نیز آن شهادت سیاسی را نداشت که سریعاً نیروهای خود را از خاک ایران بیرون ببرد. در نتیجه، شرایط جنگ روز به روز پیچیده‌تر می‌شد و تلفات و خسارات سنگینی که به طرفین و به ویژه به ایران وارد می‌گردید، امکان حل مسئله جنگ را مشکل‌تر می‌کرد. این مشکلات آنچنان شدید شد، در حالی که قریب ۷ سال از طول جنگ می‌گذشت، ولی هیچ راه حل قابل اجرایی برای پایان جنگ که خواسته‌های هر دو طرف را به طور نسبی برآورد کند امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسید.

نکته‌ای را که لازم است درباره عملیات میمک یادآوری نمود، عدم حضور سپاه پاسداران در این نبرد بود. با وجود اینکه از زمان شروع اختلافات مرزی ایران و عراق، عناصر سپاه پاسداران در تمام میدان‌های نبرد حضور داشتند و در حدود توان رزمی خودی نقش فعالی ایفا می‌کردند، ولی در عملیات میمک اشاره‌ای به حضور سپاه پاسداران در میدان نبرد نشده بود و فقط تعدادی از افراد ایل خزل به عنوان نیروی بسیج عشایری در این نبرد شرکت داشتند که آنها نیز در زمان اجرای عملیات، چندان فعال نبودند و حتی در بعضی موارد، نتیجه کار آنان مثبت نبود. درباره حضور سپاه پاسداران در منطقه میمک، فقط در پایان روز ۲۳ دی‌ماه، اطلاعیه‌ای از سپاه پاسداران به تیپ ۱ داده شد که یک گردان شناسایی دشمن از مندلی به طرف زرباطیه حرکت نموده است، که صرف‌نظر از چگونگی این خبر، این موضوع می‌تواند به نوعی حضور عناصر سپاه پاسداران را در این منطقه نشان دهد.

وضعیت کلی میدان نبرد در ۲۳ دی‌ماه را تیپ ۱ زرهی چنین اعلام کرد:

«در ساعت ۱۴:۲۰، آتش سنگین توپخانه خودی بر روی مواضع دشمن در اطراف

هلاله اجرا شد و تلفات سنگینی وارد کرد.»

یگان‌های خودی به تحکیم هدف ادامه می‌دهند و در ساعات مختلف، یگان‌های خودی زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشتند. در اثر آتش دشمن به موضع توپخانه خودی، یک نفر از افراد گردان توپخانه شهید و دو نفر زخمی شدند و دو دستگاه خودرو منهدم گردید. دشمن در اطراف نی‌خزر و انجیره به تقویت نیروهای خود ادامه می‌دهد.

بعد از اینکه نیروهای هر دو طرف ایران و عراق در منطقه نبرد میمک به حالت پدافندی درآمدند و عناصر پیروز تیپ ۱ زرهی مرحله آفندی را با موفقیت به پایان رساندند، بار دیگر رکود

میدان نبرد سبب ایجاد خستگی و فرسودگی روانی پرسنل می‌شد و افراد از فرماندهان می‌خواستند نیروی تقویتی برای منطقه بیاید و قسمتی از بار مسئولیت منطقه را به عهده بگیرد، فرماندهان نیز این خواسته را به رده‌های بالاتر منعکس می‌کردند. اما هیچ رده‌ای امکان واگذاری نیروی دیگر نداشت، زیرا تمام توان موجود نیروهای مسلح ایران در میدان‌های نبرد درگیر بودند. برای روشن شدن وضعیت نیروهای خودی، نامه‌ای را که لشکر ۸۱ زرهی در پاسخ درخواست تیپ ۱ زرهی فرستاده است، عیناً نقل می‌کنیم:

«از ستاد لشکر ۸۱ زرهی به فرماندهی تیپ ۱ زرهی

با توجه به اینکه تیپ به مقدمات و امکانات لشکر کاملاً واقف بوده، مع الوصف تقاضای تعویض یگان‌ها را می‌نماید. در حال حاضر، اکثر یگان‌ها بایستی تعویض شوند، ولی به علت نبودن یگان مانوری (به صورت ذخیره) امکان‌پذیر نمی‌باشد، علی‌هذا ضمن رسیدگی به معایب و مشکلات یگان‌ها، سعی شود با ایراد سخترانی و تلاش و جایگزین نمودن وسایل و پرسنل و رفع گرفتاری‌ها نسبت به حل این‌گونه مسائل اقدام شود. ضمناً از نیروی زمینی تقاضای یگان به منظور کمک و احیاناً تعویض پرسنل به کرات شده است، به محض اینکه یگان در اختیار لشکر قرار گیرد، سعی خواهد شد که نسبت به رفع این قبیل اشکالات اقدام شود.^۱

امضاء: فل ۸۱ زرهی: سرهنگ ستاد باوندپور»

و اما علاوه بر اینکه مشکل کمبود نیرو وجود داشت، همان نیروهایی نیز که در منطقه نبرد بودند دارای مشکلات و کمبودهای فراوانی بودند که به عنوان نمونه، وضعیت تیم هوانیروز مأمور به تیپ ۱ زرهی را که فرمانده تیپ اعلام کرده است، ملاحظه می‌کنیم:

«از فرمانده تیپ ۱ به فرمانده لشکر ۸۱ زرهی

در حال حاضر، یک فروند هلی‌کوپتر مجهز به موشک تاو و دو فروند هلی‌کوپتر غیرمجهز به تاو در منطقه تیپ موجود است. هلی‌کوپتر مجهز به تاو و یک فروند از

۱. البته گردان ۱۱۹ مکانیزه در سازمان تیپ ۱ بود که از تاریخ ۵۹/۸/۱۵ با جابه‌جایی قرارگاه تیپ ۲ لشکر ۸۱ و واگذاری منطقه سومار به تیپ ۲ و جابه‌جایی قرارگاه تیپ ۱ به صالح‌آباد، فرمانده لشکر می‌توانست از محور سومار، گردان ۱۱۹ را به منطقه تیپ ۱ بفرستد، زیرا منطقه تیپ ۲ محدود بود و گردان‌های ۱۶۳ پیاده مشهود و ۲۹۰ تانک و... می‌توانستند آن محور را حفظ نمایند. اما لشکر ۸۱ و تیپ ۲ لشکر ۸۱ با اجرای عملیات عاشورا، این گردان را تقریباً منهدم و سبب از دست دادن توان رزمی‌اش شده بودند.

هلی کوپترهای غیرمجهز به تاو خلبان ندارند. بنابراین، فقط یک فروند از دو فروند هلی کوپتر پشتیبانی این تیپ قادر به پرواز می‌باشد.

امضاء: سرهنگ ۲ اسماعیل سهرابی»

از نظر پشتیبانی هوایی نیز، روز به روز وضعیت نیروهای ما ضعیف‌تر می‌شد و نیروی هوایی ما نمی‌توانست به طور مؤثر از عناصر نیروی زمینی پشتیبانی کند که برای روشن شدن این وضعیت پیام زیر را که فرمانده لشکر ۸۱ زرهی در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ به قرارگاه عملیاتی نیروی زمینی در غرب فرستاده است، عیناً بیان می‌کنیم:

«برابر گزارش تیپ ۱، با توجه به نیاز شدید منطقه به پشتیبانی نزدیک هوایی، از تاریخ ۵۹/۱۰/۲۱ تاکنون (۱۳۵۹/۱۰/۲۹) هیچ‌گونه پشتیبانی نزدیک و پوشش هوایی از یگان مذکور به عمل نیامده است. در مورخه ۵۹/۱۰/۲۲، هلی‌کوپترهای هوانیروز به علت نداشتن پوشش هوایی هیچ‌گونه فعالیت عملیاتی و رزمی انجام ندادند.

امضاء: سرهنگ باوندپور»

به هر حال، به علت مشکلات کلی کمبود نیرو که برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، گله و شکایت‌ها و درخواست‌های تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ زرهی نیز مانند همه یگان‌ها از روی کاغذ فراتر نرفت و نتیجه عملی به بار نیاورد. این تیپ مانند سایر یگان‌ها مجبور شد با همان عناصری که نبرد آفندی میمک را انجام داده بود و تلفات و خساراتی نیز به آن وارد گردیده بود و دشمن مقابل او برای مقابله با ادامه پیشروی نیروهای ما نیروهای بیش از پیش تقویت‌شده وارد منطقه کرده بود، منطقه را نگه دارد و از دستاورد خود پاسداری کند. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی نیز جز فرستادن نامه‌های مهیج، هیچ‌گونه امکانی برای یاری دادن به این تیپ نداشت. لذا در ۲۷ دی ماه، نامه‌ای به شرح زیر برای تیپ ۱ ارسال کرد^۱:

«رزمندگان عزیز تیپ ۱ همه می‌دانند که ارتفاعات میمک به همین سادگی‌ها تصرف نشده، خون‌ها ریخته شد و عزیزانی را از دست دادیم. به پاس شهدای به خون خفته به پا خیزید و با مستحکم نمودن مواضع خود، ارتفاعات میمک را به سان دژی درآورید که هیچ‌گاه دشمن مزدور کافر نتواند قدمی به جلو بگذارد.

۱. سرهنگ باوندپور در این تاریخ در معیت فرمانده نیرو به کشور کره شمالی و یا به تهران رفته بود برای آمادگی اعزام به مسافرت. «سرتیپ ستاد سهرابی»

میمک خون بها و میعادگاه مردان دلیر و سرزمین شجاعان شهید باقی خواهد ماند. فرماندهان در هر رده موظفند پرسنل عزیز خود را با هدایت در ایجاد مواضع حفظ و به عظمت شاهکار تصرف میمک واقف نمایند.

از دست دادن یک وجب از میمک، خون ریخته شهیدانمان را به هدر خواهد داد.
امضاء: سرهنگ باوندپور»

بالأخره در سایه مقاومت و پایمردی رزمندگان دلیر تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، وضعیت پدافندی نیروهای ما در منطقه میمک و سد کنجان چم کاملاً تثبیت شد و نیروهای دشمن از ادامه تلاش برای بازپس گرفتن میمک ناامید شدند و اجباراً پاتک‌های خود را موقتاً متوقف ساختند و به پدافند ادامه دادند. در نتیجه، نبرد پدافندی شامل تبادل آتش توپخانه و اعزام گشتی‌های رزمی، دستبرد و عملیات نفوذی به وسیله نیروهای هر دو طرف متخاصم جریان یافت و نبردهای جدیدتری بار دیگر از روز ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. در آن روز، نیروهای عراقی خواستند با غافلگیر کردن نیروهای ما به منطقه میمک حمله کنند. بدین منظور، در ساعت ۳:۴۵ روز ۱۳ بهمن، نیروهای دشمن از طرف پاسگاه هلاله و نی خزر شروع به پیشروی کردند و پیاده نظام دشمن موفق شد در منطقه هلاله تا نزدیک مواضع نیروهای ما پیشروی کند. ولی پاسداری افراد تیپ ۱ زرهی از دستاورد خود در نبرد میمک سبب گردید دشمن این بار نیز شکست بخورد و به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نماید. اما این حمله دشمن اثرات روانی منفی در فرماندهان یگان‌ها و تیپ ۱ زرهی داشت و آنها مصرّاً درخواست کردند حداقل یک گردان رزمی به کمک آنها فرستاده شود که طبق معمول، انجام این درخواست امکان‌پذیر نبود. تنها کاری که نیروی زمینی و قرارگاه عملیاتی غرب می‌توانستند انجام دهند دادن نظریات نصیحت‌گونه و غیرقابل اجرا بود که در این باره، به ترتیب سلسله مراتب به تیپ ۱ زرهی ابلاغ شد با استفاده از پرسنل و امکانات موجود خود، فوراً یک یگان احتیاط تشکیل دهد و پرسنل آن را از افسران و پرسنل غیردرگیر مانند پست مهندسی و خدمات پادگان و قرارگاه تأمین نماید. جالب توجه است که نه تنها کمکی برای تیپ ارسال نشده بود، در پایان همین پیام دستوری، چنین اضافه شده بود:

«ضمناً برابر تدبیر نیروی زمینی، حفظ ارتفاعات میمک امری حیاتی است. لازم است تا آخرین توان نسبت به تثبیت و انهدام دشمن اقدام گردد.»

به نظر می‌رسد بالاخره در رده‌های بالاتر تلاشی برای اعزام نیروی تقویتی به منطقه میمک صورت گرفت و ۸۶ نفر از افراد بسیج عشایری ایلام به وسیله استاندار ایلام جمع‌آوری و به منطقه نبرد اعزام شد. سپاه پاسداران نیز گروهی از بسیج عشایری مشهد را آماده کرد تا به منطقه میمک اعزام کند. لشکر ۸۱ زرهی نیز به آخرین امکان خود دست زد و ۴۰ نفر از افراد خدمات پادگان و پست مهندسی پادگان اسلام‌آباد غرب و آموزشگاه گروهبانی را برای تقویت تیپ ۱ زرهی اعزام نمود که جز ایجاد مشکلات توفیقی برای تیپ نداشت. بدین ترتیب، یک تیپ زرهی با نیرویی در حدود یک گروهان پیاده بدون تجهیزات تقویت گردید!^۱ همین ضعف توان رزمی و عدم تقویت کافی سبب شد که تیپ ۱ زرهی نتوانست از موقعیتی که به دست آورده بود استفاده کند و پیشروی را حداقل تا خط مرز ادامه دهد و افتخار وصول اولین واحد ما به خط مرز را نصیب خود سازد. در نتیجه، قسمتی از منطقه نبرد میمک در شرق خط مرز شناخته شده در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند و حتی قسمتی از دامنه غربی ارتفاعات میمک به ویژه در شمال شرقی پاسگاه نی‌خزر (تپه ۵۴۰) در اشغال دشمن باقی ماند. نظر به اینکه این تپه در این منطقه حساس بود، لشکر ۸۱ زرهی به تیپ ۱ دستور داد در اولین فرصت مناسب تک کند و آن تپه را تصرف نماید.

نظر به اینکه تصرف ارتفاعات میمک به وسیله تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی حساسیت عملیاتی ویژه‌ای به وجود آورد و نگهداری آن برای نیروهای ما حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای بود، به ویژه اینکه در همین دوره عملیاتی، یعنی در نیمه دوم دی‌ماه، تعرض متقابل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در خوزستان و دو نبرد کرخه کور و شمال آبادان با عدم موفقیت مواجه گشته بود، نگهداری منطقه تصرف شده میمک می‌توانست اثرات روانی و سیاسی بیش از جنبه نظامی آن داشته باشد. بدین سبب، تمام رده‌های فرماندهی تیپ ۱ تلاش می‌کردند در نگهداری میمک وظیفه خود را در حد توانایی خود انجام دهند، تا چنانچه این منطقه نیز مانند خوزستان دوباره به وسیله دشمن اشغال شد، حداقل از نظر ظاهر قضیه، مسئولیتی متوجه آنان نباشد. برای این منظور، تقویت‌هایی اعزام شد که در بالا یادآوری گردید. مسلماً آن تقویت‌ها اثری در توان رزمی تیپ ۱ زرهی نداشت و آن را بالاتر نمی‌برد. برای پی بردن به روحیه حاکم بر فرماندهان در آن زمان عملیات میمک، خلاصه گزارش فرمانده لشکر ۸۱ زرهی را که

۱. خیر، اجرا نشده است. «سرتیپ ستاد سهرابی»

به قرارگاه عملیاتی نیروی زمینی در غرب فرستاده است بیان می‌کنیم. در این گزارش، فرمانده لشکر چنین نوشته است:

- «از لحظه تک دشمن به ارتفاعات میمک، لشکر اقدامات زیر را انجام داده است:
- ۱- ضمن گزارش وضعیت به قرارگاه عملیاتی درخواست پشتیبانی هوایی شد.
 ۲. به تیپ ۱ دستور داده شد با استفاده از امکانات موجود خود، حمله دشمن را خنثی کند.
 ۳. به تیپ دستور داده شد از گردان ۷ پیاده ستاد مشترک حداکثر استفاده را بنماید.
 ۴. با استانداری ایلام هماهنگی شد حدود ۱۰۰ نفر از افراد ایل خزل را به کمک تیپ ۱ اعزام کند.
 ۵. برای اعزام هلی‌کوپتر با تیم هوانیروز، هماهنگی شد.
 ۶. با رده عقب لشکر هماهنگی شد حدود ۱۰۰ نفر پرسنل آماده کند و به منطقه تیپ ۱ اعزام نماید.^۱
 ۷. برای اعزام هواپیماهای مورد نیاز جهت پشتیبانی پیگیری مداوم به عمل آمد.
 ۸. به تیپ دستور داده شد میدان مین لازم را برقرار سازد.
 ۹. به تیپ دستور داده شد حتی‌الامکان از یگان مستقر در منطقه سد کنجان‌چم برداشت کند.
 ۱۰. دستور داده شد از توپخانه پشتیبانی تیپ حداکثر استفاده به عمل آید.
 ۱۱. در مورد اعزام حداقل یک گردان پیاده برای تقویت یک قرارگاه عملیاتی غرب مکاتبه شد.
 ۱۲. با توجه به اینکه یگانی آماده در اختیار لشکر نبود که به کمک یگان‌های مستقر در ارتفاعات میمک اعزام نماید، مع الوصف هر تلاشی به منظور دفع تک دشمن به عمل آمد.
- امضاء فرمانده لشکر ۸۱: سرهنگ ستاد باوندپور»
- از دیدگاه نظامی، تحلیل مواد ۱۲ گانه بالا خود می‌تواند کاملاً وضعیت نیروهای ما را در آن برهه از زمان روشن نماید، لذا ما آن را به تحلیل‌گران وامی‌گذاریم.

۱. انجام نشد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

حمله را که دشمن در ۱۳ بهمن برای بازپس گیری میمک آغاز کرده بود، در روز ۱۴ بهمن نیز ادامه داد و نیروهای دشمن با اجرای آتش های انبوه توپخانه تلاش کردند نیروهای ما را از مواضع خود بیرون برانند، اما رزمندگان دلاور تیپ ۱ قدمی به عقب برنگشتند و چون کوهی استوار پایمردی کردند و تلاش های دشمن را خنثی نمودند و حتی در قسمت شمالی منطقه و حوالی پاسگاه هلاله، گردان ۱۹۵ مکانیزه تیپ ۱ زرهی به طرف دشمن پیشروی کرد و قلی دیگر از ارتفاعات میمک را تصرف نمودند.

در روز ۱۵ بهمن ماه، سنگین ترین نبرد توپخانه میدان کارزار را فراگرفت. توپخانه دشمن با حداکثر آتش خود تمام منطقه حتی دشت لیک در شرق تپه های میمک را به زیر آتش گرفت و تلفات قابل ملاحظه ای به دسته خمپاره انداز ۱۹۵ مکانیزه وارد کرد. نیروهای دشمن بار دیگر آنچنان به مواضع این گردان نزدیک شدند که رزم نزدیک با جنگ افزار سبک مانند تفنگ و تیربار بین دلاوران مواضع میهن اسلامی ما با افراد دشمن متجاوز درگرفت و واحدهای زرهی و مکانیزه دشمن سه بار از مواضع خود به طرف مواضع نیروهای ما به حرکت درآمدند که با ایجاد سد آتش در مقابل آنها مجبور به توقف و عقب نشینی به مواضع قبلی خود گردیدند. اما این فشار دشمن اثرات روانی خود را تا حدودی ظاهر کرد و در فرماندهان یگان های ما ایجاد تردید برای ادامه مقاومت و نگهداری میمک نمود. چنانکه فرمانده تیپ ۱ زرهی به لشکر ۸۱ گزارش داد، با توجه به تقویت های فوق العاده و سماجت دشمن جهت بازپس گیری میمک، چنانچه حداقل یک گردان پیاده و یک گردان توپخانه برای تقویت تیپ ۱ زرهی اعزام نشود، تصور نمی رود منطقه میمک نجات یابد. ضمناً فرمانده تیپ اضافه نمود هلی کوپترهای خودی دو بار به منطقه نبرد اعزام شدند، ولی کارایی جدی نداشتند.

به نظر می رسد فرماندهی رده بالای ارتش عراق تصمیم گرفته بود به هر قیمتی شده منطقه میمک را از نیروهای ما بازپس بگیرد. برای وصول به این هدف، به واحدهای عراقی مستقر در منطقه میمک فشار می آمد تا حمله کنند و نیروهای ما را منهدم یا عقب برانند. به همین جهت، حمله ای را که نیروهای عراقی در ۱۳ بهمن ماه^۱ آغاز کرده بودند و در روزهای ۱۴ و ۱۵ بهمن آن

۱. در روز ۵۹/۱۱/۱۲ فرمانده قرارگاه غرب (قرارگاه مقدم نذاجا) به منطقه تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ آمد. می خواست از نزدیک سنگرها و مواضع خط مقدم را بازدید نماید، لذا فرمانده تیپ در معیت ایشان به منطقه گروه رزمی ۱۹۵ (شمال غربی میمک) رفتند. مشاهده گردید تعدادی از مواضع خالی از نفرات بود. سؤال شد چرا؟ گفتند فرمانده گردان قبل از رفتن به مرخصی، تعداد بیشتر از از حد نصاب سربازان را به مرخصی اعزام نمود. فرمانده تیپ با نگرانی گفت: "هرچه زودتر از سایر مواضع برداشت و مواضع و سنگرهای مقدم را از پرسنل کامل نمایند." البته اقداماتی هم شد، لیکن به علت کمبود نیرو و

را ادامه داده بودند، در روز ۱۶ بهمن نیز ادامه یافت. در اولین دقایق بعد از نیمه شب ۱۶ بهمن ماه، نیروهای پیاده زرهی دشمن از محور پاسگاه نی خزر حمله را آغاز کردند و با استفاده از تاریکی شب موفق شدند تا تیررس جنگ افزار سبک به مواضع گردان ۲۱۷ تانک تیپ ۱ زرهی نزدیک شوند. بدین سبب، در حوالی آب گرم نی خزر رزم نزدیک بین نیروهای ما و نیروهای دشمن درگرفت و توپخانه دشمن با سنگین ترین آتش خود، یگان های رزمی را پشتیبانی نمود. اما این حمله شبانه دشمن در ساعت ۰۲۳۰ متوقف گردید و عناصر تیپ ۱ زرهی موفق شدند در چهارمین روز نبرد نیز با همان توان ضعیف و تضعیف شده خود در این زور آزمایی با تکیه بر نیروی ایمان و فداکاری، بر دشمن برتر پیروز شوند. اما بار دیگر فرمانده تیپ به لشکر اعلام کرد دو گردان رزمی موجود در این منطقه نبرد (۲۱۷ تانک و ۱۹۵ پیاده) نیاز به تقویت دارند و تیپ فاقد هرگونه امکان تقویتی است. در گزارش بعدی، فرمانده تیپ اظهار نمود به علت فشار شدیدی که به نیروهای موجود وارد می شود نگهداری منطقه مورد تهدید جدی قرار گرفته است و یک گردان توپخانه ما پاسخ گوی متقابل آتش دشمن نمی باشد. بالاخره لشکر ۸۱ اولین اقدام تقویتی را شروع کرد و دستور داد ۵ قبضه توپ ۱۵۵ میلی متری خودکشی به منطقه نبرد میمک اعزام

مجروح شدن فرمانده گروهان و تخلیه آن به عقب جبهه و شهادت سرگروهان گروهان در آن روز، اقدامات کاملاً مؤثر نبود، لذا در این موقعیت ارتش بعث عراق بعد از نیمه شب ۵۹/۱۱/۱۳ با یگان های نیرو مخصوص به منطقه مزبور تک نمود و ارتفاع کله قندی ۶۷۰ در عمق منطقه را تصرف نمود. با این کار، دشت لیک و تنگ بینا زیر دید نیروهای عراق قرار گرفت و باعث جابه جایی مواضع توپخانه و خمپاره اندازها و سایر مواضع گردید. دشمن بلافاصله با چندین دستگاه لودر، بیل مکانیکی و وسایل مهندسی دیگر، شروع به احداث جاده ای نمود که تانک هایشان را به ارتفاع کله قندی ۶۷۰ بیاورد تا بدینوسیله بتوانند با آتش سنگین تانک ها عملیات را ادامه دهند، لیکن توسط تیپ ۱ این فرصت به ارتش عراق داده نشد و با هر تدبیری ارتفاع مزبور توسط قوای خودی اشغال و در تعاقب نیروهای دشمن تلفات و خسارات فراوانی به آنها وارد شد. برای تصرف ارتفاع ۶۷۰ تدابیر و تلاش هایی صورت گرفت، از جمله فرمانده تیپ با قرار گرفتن در هلی کوپتر جت رنجر جهت هدایت تیم هوانیروز به هدایت عملیات می پرداخت. متأسفانه در این موقعیت، خلبان شمشادیان و تیمش از منطقه تیپ ۱ تعویض شده بودند و دسترسی به خلبان شجاعی چون شمشادیان نبود، لذا پس از تقاضاهای مکرر تیپ ۱ از لشکر، یک تیم از هوانیروز به سرپرستی خلبان شیروودی به منطقه تیپ ۱ آمد. در جلسه توجیهی جهت بازپس گیری ارتفاع ۶۷۰ و مأموریتی که به تیم هوانیروز داده شد، خلبان شیروودی گفت: "هدف برای ما شناخته نیست." فرمانده تیپ در جواب پاسخ داد: "خودم همراه تیم پروازی به عملیات می آیم." بالاخره پس از مطرح نمودن و بحث و گفتگو فرمانده تیپ ۱ و فرمانده تیم هوانیروز، خلبان شیروودی گفت: "کار ما نیست." فرمانده تیپ ۱ مایوسانه گفت: "من این تیم را برای عملیات روی ارتفاع ۶۷۰ خواستم، لیکن می گوید کار ما نیست؟! پس برگردید محل اولیه خود به سرپل ذهاب." پس از ناامید شدن از عملیات تیم هوانیروز، به فکر چاره جویی از طرق دیگر شده با بکارگیری آتش مستقیم تانک ها (تیغه زنی) و انبوه آتش توپخانه و یورش سریع به مواضع دشمن در ارتفاع مزبور، بالاخره تیپ موفق شد با وارد کردن شکست سنگین به دشمن، در سرتاسر میمک مستقر گردد. ناگفته نماند در موقع فرار نیروهای دشمن از میمک و تعاقب آنها، تیم هوانیروز اعزامی از سرپل ذهاب که هنوز برنگشته بود، به دشمن فراری یورش برده و بسیاری از آنها را از بین برد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

شود که دو قبضه آن در ساعت ۱۰:۰۰ روز ۱۶ بهمن به سمت میمک اعزام گردید. ضمناً لشکر به تیپ‌های دیگر دستور داد در منطقه عملیاتی مربوطه، تظاهر به تک‌کنند تا فشار دشمن به تیپ ۱ کمتر شود.

نبرد روز ۱۶ بهمن با سرسختی دشمن برای بیرون راندن نیروهای ما از مواضع مقدم خود و مقاومت دلیرانه رزمندگان ما در آن مواضع تا ساعت ۱۸:۰۰ آن روز ادامه یافت. یک واحد زرهی دشمن موفق شد در جناح شمالی و در کرانه رودخانه تلخاب به پهلوی مواضع یگان‌های ما نفوذ کند، ولی با اجرای آتش توپخانه و ضدتانک مجبور به عقب‌نشینی گردید. در سایر نقاط نیز، حمله عناصر دشمن درهم شکست. اما هرقدر این حملات دشمن تکرار می‌شد و ادامه می‌یافت، به علت نرسیدن نیروی تقویتی و وارد شدن تلفات و خسارات بیشتر به یگان‌های خودی، نگرانی از سرنوشت این نبرد یک‌ماهه در فرماندهان یگان‌های ما شدیدتر می‌شد و درخواست کمک می‌کردند. ولی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در آن زمان تقریباً به کلی فاقد هرگونه امکانات، علاوه بر آنچه که در میدان‌های نبرد گسترش داشتند بود. لذا درخواست‌های «هل من ناصر» فرماندهان غالباً بی‌جواب می‌ماند. با وجود این، سنگرهای خود را حفظ می‌کردند و به دشمن متجاوز اجازه نمی‌دادند موفقیت‌هایی را که در آغاز جنگ به دست آورده بود، تکرار کند. بالأخره بنا به حکم آیه قرآن کریم: «إِن تَنْصُرَ اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ: اگر شما به خداوند کمک کنید، خداوند نیز به شما یاری خواهد داد و قدم‌های شما را استوارتر خواهد ساخت» با یاری خداوند درهم کوبنده ستمگران و با استقامت و پایداری رزمندگان دلیر تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، دشمن این بار نیز از تلاش‌های خود نومید شد و بعد از چهار روز پیکار مداوم، مجبور به توقف در همان مواضع قبلی در غرب میمک گردید. بدین ترتیب، حضور رزمندگان پرتوان ما در ارتفاعات میمک تثبیت شد. اما نبرد به کلی متوقف نگردید و نیروهای دشمن تحت فشار فرماندهان رده بالاتر دست از ادامه تلاش برنداشتند و نبرد فرسایشی را علیه عناصر تیپ ۱ زرهی همچنان ادامه دادند، زیرا آنها متوجه شده بودند که قدرت و توان رزمی نیروهای ما در طول یک ماه نبرد خونین نه تنها تقویت نگردیده، بلکه به علت تلفات و خسارات مداومی که بر این یگان‌های ما وارد می‌شد، طبعاً حجم آتش و سایر امکانات آنها کاهش می‌یافت و نیروهای دشمن که طبعاً افراد متخصص و ورزیده‌ای بین آنها بود، می‌توانستند قدرت نیروهای ما را ارزیابی کنند و به کاهش آن پی ببرند. به عنوان نمونه، طبق گزارشی که فرمانده تیپ ۱ در ۱۹ بهمن ماه داد، اظهار نمود از ۶ قبضه توپ یک آتشبار توپخانه

فقط یک قبضه آن حاضر به کار و فعال بوده است. با توجه به اینکه فقط یک گردان توپخانه ۳ آتشباری و ۲ آتشبار تقویتی در تمام منطقه ۶۰ کیلومتری تیپ ۱ از میمک تا سد کنجان چم گسترش داشت، کم شدن آتش ۵ قبضه توپ در یک منطقه نبرد کاملاً احساس می‌شد و دشمن می‌توانست به نقطه ضعف ما پی ببرد. شاید همین‌گونه نقاط ضعف‌ها، سبب وسوسه فرماندهان یگان‌های دشمن برای ادامه تلاش جهت عقب راندن نیروهای ما از میمک می‌گردید. برای این منظور، در روز ۱۹ بهمن و بعد از دو روز رکود نسبی، نیروهای دشمن بار دیگر حمله جدیدی به منطقه میمک کردند. این بار سعی کردند از جناح شمال غرب هلاله و غرب تنگ بینا، ارتفاعات میمک را دور بزنند و منطقه عقب عناصر تیپ ۱ را در دشت لیک تهدید نمایند، تا نیروهای ما را مجبور به ترک مواضع و عقب‌نشینی سازند. این عملیات دشمن از ساعت ۰۱۳۰ شروع شد که با پشتیبانی قوی آتش توپخانه توأم بود، نیروهای دشمن در ساعت ۰۸۳۰ موفقیتی موضعی به دست آوردند و یک پست دیده‌بانی را اشغال کردند و در خط مقاومت گردان ۱۹۵ مکانیزه نیز دشمن شکاف ایجاد کرد و تهدید خطرناکی برای مواضع آن گردان ایجاد گردید. فرمانده تیپ تقدم آتش‌های توپخانه و هلی‌کوپترهای رزمی را به منطقه شمالی داد و با تمام توان، سعی شد رخنه دشمن در مواضع خودی سد گردد و پست دیده‌بانی از دشمن بازپس گرفته شود.

نبرد به مرحله بحرانی خود نزدیک شده بود و خطر از دست دادن موفقیتی که با تلاش یک ماهه یک تیپ زرهی به دست آمده بود، کاملاً جدی شد، به نحوی که در تمام رده‌ها این خطر احساس گردید.

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی اجباراً دستور داد گردان ۱۶۳ پیاده مستقر در منطقه نبرد سومار که برای بازسازی به پادگان اسلام‌آباد غرب برگردانده شده بود، فوراً به منطقه نبرد میمک حرکت کند و در تقویت تیپ ۱ زرهی قرار گیرد. لشکر با پیگیری مداوم تلاش کرد این گردان را حداکثر تا پایان شب ۱۹ بهمن ماه به منطقه نبرد میمک وارد کند، زیرا فرمانده تیپ ۱ گزارش داد در نبرد ۱۲ ساعته روز جاری، توان رزمی نیروهای خودی فوق‌العاده کاهش یافته، به نحوی که ممکن است خط مقاومت نیروهای خودی در هم شکسته شود و دشمن وارد منطقه مواضع نیروهای خودی گردد.

بالأخره این بار نیز خداوند قادر متعال رزمندگان ما را یاری کرد و عناصر تیپ ۱ زرهی موفق شدند در ساعات پایانی روز ۱۹ بهمن ماه، فعالیت‌های آفندی دشمن را متوقف سازند و ضربات

سختی به آنان وارد نمایند و ۱۲ نفر از افراد دشمن را به اسارت بگیرند. علاوه بر آنها، دو نفر از افراد دشمن نیز به نیروهای ما پناهنده شدند. در نبرد این روز، هلی کوپترهای رزمی ما در سه دوره زمانی به واحدهای دشمن حمله کردند و ضربات تخریبی مادی و روانی قابل ملاحظه‌ای بر دشمن وارد ساختند. با آغاز تاریکی شب، بار دیگر آرامش نسبی منطقه نبرد را فراگرفت و رزمندگان خسته ولی با اراده ما ضمن تحکیم و تثبیت مواضع خود برای ادامه نبرد پنج‌روزه در روز بعد آماده شدند.

فرمانده تیپ ۱ زرهی آخرین وضعیت منطقه نبرد را تا ساعت ۲۲۳۰ روز ۱۹ بهمن چنین اعلام کرد:

«در ساعت ۱۶۰۰، آخرین پرواز هلی کوپترها انجام و ضرباتی به دشمن وارد گردید. با تلاش فوق‌العاده پرسنل تیپ، کلیه رخنه‌های دشمن مسدود، در سمت راست (شمال) میمک نسبت به انهدام و بیرون راندن دشمن از روی ارتفاعات کله‌قندی و دو قبضه تیربار ضد‌هوایی دشمن مستقر در روی آن و پست دیده‌بانی دشمن تلاش شد، ولی به علت کمبود نیرو، عقب راندن دشمن از پست دیده‌بانی ارتفاع کله‌قندی مقدور نشد و رزم نزدیک با جنگ‌افزارهای کالیبر کوچک ادامه دارد.»

تلاش تیپ بر این بود حداقل مناطقی را که در نبرد روز ۱۹ دی‌ماه تصرف کرده بود، نگه دارد و چون در نبرد روز ۱۹ بهمن‌ماه، یک تپه از آن منطقه را از دست داده بود، در روز ۲۰ بهمن‌ماه، فرمانده تیپ به گردان ۱۹۵ مکانیزه دستور داد به هر ترتیب که مقدور باشد، ارتفاع کله‌قندی را از دشمن بازپس بگیرد.^۱ این گردان با جانبازی افراد خود موفق شد تا ساعت ۱۰۰۰ روز ۲۰ بهمن، این مأموریت را انجام دهد و خط مقدم منطقه نبرد را به همان محلی بکشاند که در نبرد ۱۹ دی‌ماه به دست آورده بود. اشغال کامل ارتفاع کله‌قندی در ساعت ۱۲۴۰ به پایان رسید و فرمانده تیپ در گزارش ساعت ۱۴۳۰، ضمن اعلام موفقیت اظهار داشت نیروهای دشمن از این نقطه به حالت فرار و عقب‌نشینی درآمده و تعدادی از افراد دشمن نیز به اسارت رزمندگان ما درآمده و یک دستگاه بولدوزر دشمن به غنیمت گرفته شد. در گزارش ساعت ۱۸۰۰، فرمانده تیپ اعلام کرد:

۱. سرتیپ ۲ محمود کروندی: ساعت ۱۱ شب ۵۹/۱۱/۱۳، فرمانده محترم تیپ جناب سرهنگ سهرابی (درجه آن زمان) تلفنی بنده را پس از ۳ روز مرخصی احضار کرد. پس از حضور اظهار داشتیم نگران نباشید، ارتفاعات را ظرف ۲۴ ساعت بازپس خواهیم گرفت. این مهم انجام شد. فرمانده محترم تیپ نیز پشتیبانی هوایی لازم را انجام دادند. آتش توپخانه خودی به دیدبانی ستوان وظیفه حلمی سرشت نیز بسیار شدید بر مواضع دشمن وارد شد.

«پس از تلاش و نبرد بی‌امان پرسنل قهرمان تیپ، خط تماس (با دشمن) در وضعیت قبلی تثبیت شد و یگان‌ها مشغول تهیه مواضع و تحکیم هدف می‌باشند.»

بدین ترتیب، دومین مرحله نبرد میمک که از روز ۱۳ بهمن‌ماه با حمله نیروهای تازه‌نفس دشمن برای بازپس‌گیری میمک از نیروهای ما آغاز شده بود، بعد از هشت روز نبرد بی‌امان و مقاومت دلیرانه رزمندگان ما به نفع نیروهای ما پایان یافت. تیپ ۱ زرهی توانست با همان یگان‌های تابعه خود که قبل از این نبرد در اختیار داشت، بدون هیچ‌گونه تقویت و پشتیبانی اضافی، اعم از زمینی و هوایی، در مصاف یک ماهه با دشمنی چند برابر قوی‌تر از خود دست و پنجه نرم کند و این نبرد را با پیروزی نهایی بر دشمن به پایان برساند و منطقه را که در اوایل دهه سوم دی‌ماه ۱۳۵۹ تصرف و تحکیم کرده بود، نگه دارد.

جالب اینکه بعد از گذشت سخت‌ترین مراحل نبرد و دشوارترین روزها برای یگان‌های تیپ ۱ زرهی، در روز ۲۰ بهمن‌ماه، اولین یگان تقویتی که یک گروهان از گردان ۱۸۲ پیاده تیپ ۸۴ پیاده بود، به منطقه عملیاتی میمک وارد شد و زیر امر تیپ ۱ زرهی قرار گرفت. فرمانده تیپ دستور داد این گروهان در محور صالح‌آباد - سرنی مستقر شد تا بر حسب نیاز وارد منطقه نبرد گردد. از ساعت ۱۶۰۰ روز ۲۰ بهمن‌ماه، عناصر گردان ۱۶۳ پیاده نیز وارد صالح‌آباد شدند و به دستور فرمانده تیپ ۱ زرهی در محور سرنی مستقر گردیدند. با شکست تلاش‌های بی‌نتیجه یک ماهه نیروهای دشمن برای بازپس‌گیری منطقه میمک و ورود نیروهای تقویتی حداقل یک گردان پیاده برای نیروهای ما، وضعیت نیروهای هر دو طرف متخاصم در طرفین خط تماس در دامنه غربی ارتفاعات میمک بین پاسگاه هلاله و نی‌خزر تثبیت شد. نیروهای هر دو طرف در طرفین این خط به حالت پدافندی درآمدند و حکومت متجاوز عراق اجباراً اولین شکست در جنگ تحمیلی را قبول نمود و به سختی طعم تلخ این شکست را چشید و آن را تحمل کرد و در مقابل، نیروهای ما اولین شاهد پیروزی را در مبارزه با دشمن متجاوز در آغوش گرفتند و آن را نگهداری کردند. طبق اسناد در دسترس، این شکست برای ارتش عراق آنچنان سخت و ناراحت‌کننده بود که حاکم جاه‌طلب عراق را به خشم آورد و دستور مجازات سخت فرماندهان شکست‌خورده، از جمله فرمانده تیپ ۲ لشکر ۲ پیاده کوهستانی که این منطقه را از دست داده بود، صادر کرد.

در این نبرد یک ماهه، تلفات سنگینی به نیروهای دشمن وارد شد. دشمن در مراحل مختلف عملیات، عناصر چهار تیپ از لشکرهای ۷ و ۸ پیاده را وارد میدان کارزار نمود که

هیچ یک از این تیپ‌ها موفق به بازپس گرفتن میمک از یک تیپ ما نشدند و با دادن ۱۶۴ نفر اسیر (۳ نفر افسر، ۱۸ نفر درجه‌دار، ۱۴۳ نفر سرباز) و از دست داد ۱۳ دستگاه تانک^۱ و دو دستگاه نفربر و تعداد زیادی خودرو و تجهیزات دیگر که سالم به دست رزمندگان ما افتاد و ده‌ها وسایل سنگین و صدها تجهیزات دیگر و هزاران نفر کشته و زخمی، مجبور به قبول این شکست گردید.

اما این موفقیت بدون فداکاری و جانبازی به دست رزمندگان ما نیامد. در این نبرد، از افراد تیپ ۱ زرهی، ۳ نفر افسر، ۱۱ نفر درجه‌دار و ۱۵ نفر سرباز جمعاً ۲۹ نفر شهید و ۶ نفر افسر، ۶۴ نفر درجه‌دار و ۸۲ نفر سرباز جمعاً ۱۵۲ نفر زخمی گردیدند. خوشبختانه این خون‌های ریخته شده جوانان میهن اسلامی ما به هدر نرفت و اولین قدم‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای عقب راندن نیروهای متجاوز عراق از مناطق اشغالی جنگ تحمیلی با موفقیت برداشته شد و پیامد آن موفقیت‌های مهم‌تری گردید که سبب بیرون رانده شدن نیروهای متجاوز از سرزمین مقدس ما شد. بنابراین، لازم است به روح آن رادمردانی که شجاعانه در ارتفاعات میمک جان خود را فدا کردند، درود بفرستیم.

۱. ۶۰ دستگاه تانک و نفربر دشمن منهدم شد و ۱۷ دستگاه، سالم تخلیه گردیدند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

یادداشت‌هایی از خاطرات تعدادی از رزمندگان در عملیات میمک

توجه: این یادداشت‌ها خلاصه‌برداری شده و مطالب مشابه حتی المقدور حذف گردیده است.

۱- سرگرد زرهی علی اصغر خوارزمی فرمانده گردان ۲۱۷ تانک

از اوایل جنگ و بعد از حمله ناموفق^۱ گردان ۲۱۷ تانک برای بازپس‌گیری میمک در دوم مهرماه ۱۳۵۹، فرمانده تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی (سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی) قصد حمله به میمک و عقب راندن نیروهای اشغالگر از آن منطقه را داشت. به همین جهت، بررسی‌ها و شناسایی‌ها برای این عملیات به طور مداوم در جریان بود و اقدامات آمادگی در حدود مقدمات موجود تیپ انجام می‌شد. برای شرکت در این عملیات، حدود ۳۰۰ نفر^۲ از افراد ایل خزل منطقه ایلام نیز اعلام آمادگی کرده بودند.

از نظر یگان‌های تیپ ۱ زرهی، فقط امکان وارد عمل کردن گردان‌های ۲۱۷ تانک و ۱۹۵ مکانیزه در میمک وجود داشت، زیرا سایر یگان‌های زیر امر تیپ در قسمت‌های دیگر منطقه مسئولیت تیپ درگیر بودند. برای آماده کردن گردان‌های یادشده، حدود دو ماه تلاش شد و آموزش‌های ویژه متناسب با شرایط منطقه به افراد داده شد و حاصل این دو ماه تلاش به تهیه طرح عملیاتی میمک منتهی گردید. اساس طرح چنین بود که گردان‌های ۱۹۵ مکانیزه و ۲۱۷ تانک، با ترکیب کردن قسمتی از یگان‌ها به صورت گروه رزمی درآمدند. ابتدا بایستی تلاش اصلی خود را با استفاده از نیروی پیاده نظام وارد عمل می‌کردند. در این مرحله، از نیروهای بسیج عشایری نیز استفاده می‌نمودند و این افراد عشایر که آشنایی کامل به منطقه میمک داشتند، ابتدا با عملیات نفوذی شبانه به مواضع دشمن نزدیک می‌شدند و نقاط سرکوبی را تحت کنترل خود می‌گرفتند.

تا قبل از شروع عملیات، اقلام عمده تدارکاتی به ویژه مهمات به نزدیک منطقه نبرد حمل شد و انبار گردید. گروه رزمی ۲۱۷ تانک (-) شامل یک گروهان تانک و نفربرهای یک گروهان پیاده مأموریت داشت پس از پیشروی عناصر پیاده و پاکسازی جاده منتهی به شرق میمک، به وسیله دسته مهندسی مأمور از محور سرنی، دشت سه‌کوران، میمک، حرکت کند و پس از عبور از جاده منحصر به فرد، قسمتی از تپه‌های میمک را در منطقه واگذاری تصرف نماید.

۱. عملیات پاسگاه سنگی کاملاً موفقیت‌آمیز بود. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. حداکثر ۲۰۰ نفر بودند، زیرا وقتی سلاح آنها تبدیل به ۳- شد، فقط ۲۰۰ قبضه توزیع گردید. «سرتیپ ستاد سهرابی»

بعد از شروع عملیات، مرحله یکم طرح با موفقیت انجام شد و تا حوالی ظهر روز ۱۹ دی ماه، مواضع مقدم نیروهای دشمن به اشغال رزمندگان پیاده ما درآمد و بعد گروهان تانک عبور از خط کرد و پیشروی را ادامه داد. در این موقع، هلی کوپترهای خودی و توپخانه پشتیبانی مؤثری از گروه رزمی ۲۱۷ تانک کردند و این گروه رزمی تا حدود ساعت ۱۸۰۰، موفق شد هدف تعیین شده را تصرف نماید. لازم به یادآوری است که یک گروهان از این گروه رزمی در احتیاط بود که در نبرد قبلی، ۱۶ نفر از بهترین درجه داران خدمه تانک های آن گروهان شهید و یا مجروح شده و از صحنه نبرد خارج گردیده بودند. لذا این گروهان از نظر خدمه تانک کمبود زیاد داشت. به نحوی که، فرمانده گردان از کارایی این گروهان قطع امید داشت. اما هنگامی که ضرورت عملیاتی ایجاب کرد، گروهان تانک احتیاط وارد عمل شود، این گروهان با شهادت و کارایی تحسین برانگیزی، با دشمن متجاوز وارد نبرد شد و این عمل متهورانه این گروهان در موفقیت روز اول نبرد بسیار مؤثر بود.

نظر به اینکه در مرحله طرح ریزی برای پاتک های احتمالی دشمن بعد از تصرف میمک به وسیله نیروهای ما، پیش بینی کافی به عمل آمده بود، هنگامی که از آغاز روز دوم نبرد هلی کوپترهای دشمن به گردان ما حمله کردند، ما آمادگی کافی برای پاسخگویی داشتیم و بعد از حمله هلی کوپترها، پاتک عناصر زمینی دشمن با پشتیبانی آتش های سنگین توپخانه و خمپاره انداز شروع شد و دشمن به طور متناوب، پنج پاتک سنگین در روزها و ساعت های مختلف انجام داد که با پایمردی رزمندگان دلیر ما، همه پاتک های دشمن خنثی گردید.

عوامل مهمی که در این موفقیت به ما یاری کردند عبارت بودند از: به کار بردن اصول جنگ در مرحله طرح ریزی و اجرا، متانت و قاطعیت تصمیم فرمانده تیپ در مقابل فشار مقامات بالاتر و خواسته های زبردستان، احساسات تهییج شده پرسنل یگان های ارتش، ژاندارمری^۱ و عشایر منطقه، شجاعت رزمندگان ما به ویژه خلبانان هلی کوپترها، پشتیبانی مردمی اهالی استان ایلام و دقت کافی در برآوردهای ستادی و تهیه طرح متناسب با شرایط وضعیت زمین، استعداد، نیروهای خودی و استعداد نیروهای دشمن.

۱. ژاندارمری شرکت نداشت. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲- سرگرد زرهی ستاد عبدالعلی فیروزی

بعد از تهاجم اولیه نیروهای متجاوز عراق و عقب‌نشینی عناصر تیپ ۸۴ پیاده [خرم‌آباد] مستقر در منطقه مهران به سمت شرق، یک گروهان تانک ام ۴۷ و یک گروهان سوارزرهی، یک دسته خمپاره‌انداز ۱۲۰م^۱ از عناصر تیپ ۸۴ به طرف شمال مهران و حوالی صالح‌آباد عقب‌نشینی کردند. بعد از تثبیت وضعیت در میدان‌های نبرد، این یگان‌ها در همان منطقه زیر امر گردان ۲۲۲ تانک تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی قرار گرفتند و تحت فرماندهی من درآمدند. مسئولیت پدافند در شمال مهران به من واگذار شد، ولی مدتی بعد، عناصر تیپ ۸۴ به منطقه آن تیپ که در شمال دهلران گسترش داشت اعزام شدند و به جای آنها یک گردان پیاده جدیدالتأسیس که در ستاد مشترک تشکیل شده بود، در تقویت گردان ۲۲۲ تانک قرار گرفت. بعد از تکمیل گسترش پدافندی و اخذ تماس دیده‌بانی با دشمن و تنظیم تیر آتش‌های توپخانه و خمپاره به مواضع وی، عملیاتی نفوذی و گشتی رزمی را در منطقه مسئولیت گروه رزمی آغاز کردیم و ضربات مداوم به دشمن وارد نمودیم.

حدود ۱۰ روز قبل از آغاز عملیات میمک، من به قرارگاه تیپ ۱ زرهی احضار شدم و درباره طرح عملیاتی میمک توجیه گردیدم. اساس آن مبنی بر تلاش اصلی یگان‌های مستقر در غرب صالح‌آباد و منطقه نبرد میمک و تلاش فرعی در منطقه مهران به وسیله گروه رزمی ۲۲۲ تانک بود. مأموریت گروه رزمی ۲۲۲ تانک پیشروی به سمت ارتفاعات حوالی سد کنجان‌چم و تصرف و نگهداری آن ارتفاعات در حد مقدور بود. بنابراین، حمله اصلی در منطقه میمک بود و در منطقه مهران، هدف اصلی درگیر کردن قسمتی از نیروهای دشمن و منحرف کردن آنها از هدف اصلی نیروهای ما بود.

من (فرمانده گردان) بعد از مراجعت به قرارگاه گردان، افسران را فقط با مأموریت گروه رزمی ۲۲۲ آشنا کردم تا طرح اصلی کشف نشود. دستور دادم یگان‌ها در ظرف مدت یک هفته برای حمله آماده شوند. از آن زمان، اقدامات شناسایی و طرح‌ریزی و آمادگی در عناصر گروه رزمی آغاز شد.

نظر به اینکه گردان ۱۲۳ مکانیزه تیپ ۱ زرهی نیز در منطقه عملیاتی مهران در زیر امر من قرار داده شد و این گردان در مواضع پدافندی گسترش داشت، مأموریت پدافندی این گردان

۱. یک آتشبار ۱۳۰م (-) با ۴ قبضه «سرتیپ ستاد سهرابی»

به عناصری از ژاندارمری و سپاه پاسداران واگذار شد.^۱ این گردان از مأموریت پدافندی رها گردید، تا در عملیات آفندی شرکت نماید. بنابراین، برای اجرای آفند در منطقه سد کنجان چم، گردان ۲۲۲ تانک و گردان ۱۲۳ مکانیزه منظور گردید. با ترکیب عناصر این دو گردان، سازمان رزمی مناسب داده شد و مأموریت‌ها به شرح زیر تعیین گردید:

الف- گروه رزمی ۱۲۳ مکانیزه یگان اصلی حمله‌کننده با مأموریت‌های زیر:

(۱) گروهان دوم مستقر در ارتفاعات زیل در همان منطقه حمله کند و دشمن را از تمام قسمت‌های آن ارتفاعات عقب براند.

(۲) گروهان سوم مستقر در ارتفاعات کانی‌سخت به سمت کرانه غربی رودخانه کنجان چم حمله کند.

(۳) گروهان سوم تانک مستقر در غرب رودخانه کنجان چم حمله گروهان‌های مکانیزه را پشتیبانی نماید و در تحکیم هدف وارد عمل گردد.

(۴) گروهان یکم در احتیاط گروه رزمی ۱۲۳ کاربرد آن بنا به دستور فرمانده گروه رزمی ۲۲۲ مهران.

ب- گروه رزمی ۲۲۲ تانک مأموریت اصلی پدافند

(۱) گروهان یکم تانک - پدافند در مواضع

(۲) گروهان سوم گردان ۷ پیاده پدافند در مواضع

(۳) یگانی به استعداد ۶۰ نفر از باقیمانده عناصر تیپ ۸۴ پدافند در مواضع^۲

(۴) یگانی به استعداد ۵۰ نفر از گروهان دوم گردان ۱۲۳ مکانیزه پدافند در مواضع

(۵) یک گروهان ژاندارمری پدافند در مواضع^۳

(۶) عناصری به استعداد ۸۱ نفر از سپاه پاسداران^۴

(۷) یک گروهان از گردان ۷ پیاده احتیاط گروه رزمی ۲۲۲ مهران

۱. خیر، به گردان ۷ سماجا واگذار شد. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۲. در آن زمان یگان‌های تیپ ۸۴ پیاده به جزء آتشبار ۱۳۰م (-)، به یگان اصلیشان یعنی تیپ ۸۴ برگشته بودند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۳. استعداد یگان ژاندارمری در منطقه مسئولیت تیپ ۱ یک گروهان بود که دو دسته آن در کانی‌سخت و شورشیرین و محور انجیره بکار گرفته شده بودند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

۴. در عملیات شرکت ننمودند. فقط در دشت مثلثی جنب ارتفاعات زیل پدافند می‌نمودند. «سرتیپ ستاد سهرابی»

پ- گروه رزمی پارسا به عنوان احتیاط تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی شامل یگان‌های زیر:

(۱) گردان ۷ پیاده ستاد مشترک (منهای دو گروهان)

(۲) گروهان دوم گردان ۲۲۲ تانک

با فرارسیدن زمان شروع عملیات آفندی میمک، حمله در ساعت ۶:۲۰ روز ۱۹ دی‌ماه با کلمه رمز «یاالله» شروع شد. ابتدا گروهان سوم گردان ۱۲۳ مکانیزه پیشروی کرد و تا حوالی ارتفاعات مشرف به سد کنجان‌چم جلو رفت و موفقیتی به دست آورد. اما گروهان دوم این گردان نتوانست ارتفاعات زیل را از وجود دشمن پاک کند. فرمانده این گروهان ستوان یکم نظری در این موقع شهید شد و اختلالی در عملیات این گروهان ایجاد گردید و گروهان یکم گردان ۱۲۳ ادامه مأموریت گروهان دوم را بر عهده گرفت، ولی گردان ۱۲۳ نتوانست حمله را در سمت شرق به طرف جنوب ادامه دهد، در نتیجه، در محور شرقی، حمله از دور افتاد و با فرا رسیدن شب، گروهان‌های حمله‌ور در این محور، به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کردند.

اما گروهان سوم گردان ۱۲۳ نیز که در محور پیشروی مربوطه موفقیتی به دست آورده بود، به علت توقف و بعد عقب‌نشینی یگان سمت چپ خود از این جناح، احساس خطر کرد. برای تقویت او، گروهان پیاده از گردان ۷ که در احتیاط گروه رزمی بود، در تقویت گروهان سوم مکانیزه قرار داده شد. نیروهای دشمن که ابتدا غافلگیر شده بودند، بعد از فرا رسیدن شب، موقعیت خود را بهبود بخشیدند و احتیاط خود را وارد منطقه نبرد کردند. به نحوی که در ساعت ۰۴۳۰ روز ۲۰ دی‌ماه، اولین پاتک خود را آغاز نمودند. نظر به اینکه تمام عناصر گروه رزمی مهران درگیر شده بودند و یگان احتیاطی باقی نمانده بود و یگان‌های ما در حمله روز قبل تلفاتی داده و تا حدودی فرسوده شده بودند، نتوانستند در منطقه تصرف‌شده، پاتک دشمن را خنثی کنند و اجباراً قسمتی از مواضع تصرف‌شده را رها کردند و عقب‌نشینی نمودند. نیروهای دشمن با ادامه پاتک در روز سوم نبرد، نیروهای ما را به مواضع قبل از شروع این عملیات عقب راندند و حالت پدافندی قبلی مجدداً برقرار گردید.

نقاط ضعف مهم این عملیات، در دسترس نبودن نیروی کافی به ویژه یگان احتیاط، اجرای حمله با همان یگانی که در مواضع پدافندی گسترش داشت و بالأخره کمبود فوق‌العاده افسران فرمانده در یگان‌ها بود. به نحوی که بعد از شهید شدن ستوان یکم نظری، فرماندهی گروهان وی به یک افسر وظیفه واگذار شد و او نتوانست فرماندهی کند. الزاماً فرماندهی این گروهان به سرگروهان آن محول گردید و او نیز نتوانست عملیات گروهان را هدایت کند و

بالآخره یکی از افسران گروهان دیگر برای سرپرستی این گروهان تعیین شد و این تعویض مداوم فرماندهی، عملاً سبب عدم کارایی آن گروهان گردید.

نتیجه نهایی عملیات گروه رزمی مهران در عملیات میمک آن بود که گرچه این گروه رزمی نتوانست مأموریت خود را در این نبرد انجام دهد، ولی با درگیر کردن قسمتی از نیروهای دشمن در منطقه نبرد مهران، توانست عملیات یگان‌های تک اصلی خود را در منطقه میمک تسهیل نماید. بنابراین، حداقل قسمتی از منظوره‌های کلی این عملیات را برآورد نمود.

۳- سرتیپ ۲ پیاده ستاد محمود کروندی، فرمانده گروه رزمی ۱۹۵ پیاده^۱

در راستای انجام طرح‌ریزی و اجرای عملیات میمک، من با درجه سرگردی گردان را پس از بازسازی در پادگان اسلام‌آباد، به سمت منطقه تجمع حرکت دادم. اول از همه، مهمات را به جلو فرستادم. در گردنه قلاجه، یکی از ماشین‌های مان افتاد توی دره، چون که جاده تنگ و باریک بود.

به هر حال، ما گردان را از قلاجه به سمت ایلام حرکت دادیم و رفتیم به مهران و میمک و گنجوان یا نخجیر. در آنجا، پدافند نیروی هوایی توپ ضدهوایی مستقر کرده بود که بعداً به عنوان منطقه سرنی معروف شد.

ما جعبه شنی درست کردیم، یعنی منطقه دشمن را با گل و خاک و اینها شبیه‌سازی می‌کردیم و به سربازها نشان می‌دادیم که آقا! این ارتفاع همان ارتفاعی است که الان رویش ایستاده‌ای. بعد به او می‌گفتیم که این ارتفاع همینه و این هم راه‌هایش است که از این طرفه (البته اطلاعات هم قبلاً مسیرها را بررسی و شناسایی کرده بود)، راه‌های نفوذیش اینجاست، سنگرهای عراقی اینجاست، تو خودت اینجایی و از این راه باید بروی، این مقدار زمان طول می‌کشد تا بخواهی اینجا برسی؛ حواست باشد، چون کوله‌پشتی داری، مسلسل داری حمل می‌کنی و تشکیلات دیگر، زمانت به این شکل است. در اینجاها باید استراحت کنی، نکند یک نفس بروی با دشمن روبه‌رو بشوی، نفست می‌گیرد. آموزش‌های لازم که باید به اینها بدهیم و نیز غذا را کی و کجا بخورند و این مطالب. مثلاً من وقتی که نفرات را در منطقه جمع کرده بودم و می‌خواستم نظر این رزمنده‌ها را به خودم جلب کنم، به فرمانده تیپ گفتم: آقا! ما این سربازهای مان اگر دستشان زخمی بشود، جایی نداریم ببریم آنها را پانسمان کنیم. ما اینجا

۱. خاطرات سرتیپ ۲ کروندی از سوابق موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» برداشت گردیده است.

بهداری نداریم. باید کسی باشد اینها را پانسمان کند. یک جایی باید باشد. پایگاه امدادی باید درست کنیم و اگر نداریم یک ماشین از شهر بگیریم و دکتر از شهر بیاوریم، یا لااقل یک بهیار بگیریم. چون واقعاً نبود و کم بود. بعدش گفتم: از واحدهای دیگر، یک تعدادی نفرات پزشکیار را لباس سفید بپوشانید و یکی یک قرص تقویتی به اینها بدهید، بیایند اینجا و رزمنده‌ها را معاینه کنند تا اینها این طور احساس کنند و بگویند که اگر ما فردا به جنگ برویم و مجروح شویم، کسی را داریم که به ما رسیدگی کند.

به هر حال، آمادگی رزمی ما کم بود. یک گروهان تانک که از گروه رزمی ۲۱۷ به ما داده بودند، خوب درخشدند. خوشبختانه در تیپ ۱، هنر خوب جنگیدن، که لازمه‌اش داشتن یک فرمانده و رهبر خوب، آموزش کافی، اطلاعات قوی و پشتیبانی مؤثر و سایر عوامل است، وجود داشت. این را اعتقاد دارم. به خاطر اینکه نیروهایی شامل دو تیپ و یک گردان زرهی عراقی روبه‌روی ما قرار گرفته بودند که ما با توکل به پروردگار عالم، با دو گروه رزمی به آنها حمله کردیم و موفق شدیم.

حجت الاسلام ناطق نوری (رئیس وقت مجلس شورای اسلامی) در روز هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۹، به منطقه گنجان آمد. من ایشان را بردم که ارتفاعات میمک را ببیند. به ایشان گفتم: حاج آقا! عشق من آنجاست، آن میمک! که ایشان برگشت به من گفت: عشقت به خدا باشد. من گفتم: خدا است، ولی این را باید بگیرم. ایشان گفت: کی؟ گفتم: نمی‌دانم (ولی دو سه روز دیگر عملیات شروع می‌شود). گفتم: به مجلس که رفتید، صدایش آنجا درمی‌آید و خارج هم می‌رود، بسیار مهم است.

اغلب شب‌ها در این دو گروه رزمی، من و سرگرد خوارزمی با هم برای اجرای عملیات کنکاش می‌کردیم. ما شبانه‌روز منطقه میمک را شناسایی می‌کردیم. آن هم شناسایی اطلاعاتی و عملیاتی روی مواضع و نیروهای عراقی. خوب هم آموزش می‌دادیم. پشتیبانی هم می‌کردند. البته حرفه من اطلاعاتی بود. روحیات عراقی‌ها را خوب می‌شناختم. می‌دانستم که آنها اهل لهو و لعبند و اهل جنگ نیستند و حوصله هم ندارند. در آنجا ما عناصری از ایل خزل را داشتیم که افرادی بسیار ورزیده، جنگنده و عاشق میمک بودند. آنها واقعاً به ما کمک کردند. ایل خزل برای راهنمایی مسیرها، خیلی به ما کمک کردند. چون آنها دشت‌ها و کوه‌ها را خوب می‌شناختند. میمک یک مجموعه ارتفاعات بزرگ است.

قبل از اجرای عملیات، در تنگ بینا و جلوترش در دشت لیگ، مقدار زیادی مهمات را داده بودیم که ذخیره کنند. حتی وقتی که مرحوم باوندپور - فرمانده لشکر - به من گفت: کروندی! تو چرا این کار را کردی؟ تله اش نکرده باشند؟ من به او گفتم: نه آنجا آماده است. ستوانی به نام چوگان سرپرست آنجا بود. بررسی منطقه عملیات انجام شده بود.

دو نفر از فرمانده گروهان هایم در روز اول عملیات شهید شدند که خدا روحشان را شاد بکند. من این دو فرمانده گروهان هایم را از دست دادم. یکی از آنها ستوان یکم صادق پورشانی فرمانده گروهان ۱ گردان ۱۹۵ مکانیزه بود که در دشت لیگ، یک خمپاره توی سنگرش خورد که خودش و سربازش شهید شدند. یکی دیگر از فرماندهان گروهانم به نام ستوان یکم محمود حاتم فرمانده گروهان ۳ گردان ۱۹۵ مکانیزه بود که در روز سوم عملیات (میمک) به شهادت رسید.

ما یک افسری هم داشتیم به نام قزاقی که هر وقت می آمد به منطقه روی زمین یک لوبیا می کشید و می گفت که این نی خزر، این هلاله است و این کجا است و کجا... و شروع می کرد به تشریح منطقه.

در این عملیات، ما دو گروهان چریک فرستادیم. برای اولین بار بود که ما روی خودروهای نیشان این دو گروهان مسلسل ضد هوایی کار گذاشته بودیم و می توانم ادعا کنم که برای اولین بار بود که چنین ابتکاری را در یگان های رزمی به خرج داده بودیم. استاندار ایلام هم خیلی به ما کمک می کرد. دوم اینکه وقتی که ما نیروها را می فرستادیم پشت ارتفاعات، به خاطر اینکه دو تانیرو با هم درگیر نشوند، حدود ۲۰۰ متر پارچه قرمز رنگ را از استانداری ایلام گرفته بودیم که یک تعدادی از سربازهایمان را دور سر و بازوهایشان را با نوار پارچه ای قرمز رنگی بستیم که اگر یک وقت حمله شروع شد، اینها با هم درگیر نشوند. این کار بسیار خوب را ما انجام دادیم. عملیات شبانه را با این نیروهای چریکی پوشاندیم.

ارتفاعات میمک در روز ۱۳۵۹/۶/۱۸ توسط عراقی ها به اشغال درآمد. یک مقام بلند پایه عراقی گفته بود که اگر ایرانی ها ارتفاعات میمک را بگیرند، من کلید بغداد را به آنها خواهم داد. لکن عراقی ها غافل از این بودند، نیروهای ایرانی با روحیه بالا و با اطلاعات کامل دارند با آنها می جنگند. من قبل از انقلاب، با آنها کار کرده بودم و آنها را خوب می شناختم و روحیاتشان را می دانستم که چگونه است. می دانستم عراقی ها در روزهای پنجشنبه و جمعه به

لهو و لعب می‌پردازند و اصلاً اهل عملیات و جنگ نبودند. من هم روز جمعه را برای انجام عملیات انتخاب کردم که آنها یا در منطقه نباشند و یا در خواب باشند.

ساعت ۰۶۲۰ صبح روز جمعه نوزدهم دی‌ماه سال ۱۳۵۹ حمله را آغاز نمودیم و رفتیم جلو. خوشبختانه زمانی که من در گروه رزمی بودم، یک ضبط صوت را به کار گرفته بودم که تمام هدایت عملیات مرا ضبط کند. ستوان یکم محمود حاتم (فرمانده گروهان ۳ گردان ۱۹۵ مکانیزه) وقتی که به کمرکش کوه در ارتفاعات میمک رسید، پشت یک سنگ گیر کرد و با بی‌سیم به من گفت: کروندی! من نمی‌توانم بالا بروم و آن مسلسل‌ها را که آن بالا مستقر هستند بزنم (مسلسل‌های عراقی آتش پر حجمی داشتند و بچه‌های ما را درو می‌کردند). من به او گفتم: جناب حاتم! اگر بالا بروی و شهید بشوی افتخار بزرگی برای خانواده‌ات است و اگر پشت این سنگ باشی، مرگ تدریجی داری و اگر بیایی عقب الی‌الابد برای خانواده‌ات یک ننگی را بجا می‌گذاری. یک دفعه سرهنگ ۲ ستاد اسماعیل سهرابی (فرمانده وقت تیپ ۱) آمد روی خط (بی‌سیم) و گفت: حاتم! صحبت کروندی را گوش بده. بعدش ستوان حاتم به من گفت: کروندی! هر وقت رفتم و شهید شدم، این پرچم ایران را به رویم بکش. کروندی! یک اسلحه کلاشینکف ساق کوتاه برات گیر آوردم. من هم بهش گفتم: دستت درد نکند. مواظب باش روی مین نروی. او رفت و بعد از ظهر همان روز شهید شد. جنازه این شهید را که من دیدم هیچ آثاری از ترکش در بدنش نبود.

به هر حال، ما ارتفاعات میمک را تصرف کردیم. در ساعت ۱۳۳۰ روز ۱۹/۱۰/۱۳۵۹، محاسب خمپاره ۱۲۰ رفته بود بالای ارتفاعات میمک و بلندترین نقطه این ارتفاعات را گرفته بود. من گزارش کردم که: «بلندترین نقطه میمک به وسیله رزمندگان اسلام فتح شد» و «پرچم ایران بر فراز بلندترین قله میمک برافراشته شد.» در روز اول این عملیات، ما یکی دو نفر شهید دادیم.

ناگفته نماند که هم‌زمان با یورش گروه رزمی ۱۹۵ به قسمت شمالی میمک، گروه رزمی ۲۱۷ به فرماندهی سرگرد خوارزمی نیز در جنوب میمک، ارتفاعات مورد نظر خود را تصرف نمود.

در صحنه عملیات، هنگامی که برادران نظامی ایثارگری و رشادت از خود نشان می‌دادند، مزدوران عراقی شروع به پیاده نمودن نیرو به وسیله هلی‌کوپتر روی میمک نمودند. به وسیله موشک تاو استوار امیریان، هلی‌کوپتر سقوط کرد. هم‌زمان در دشت لیک، هواپیماهای عراقی

به هلی کوپترهای ایران حمله بردند. هلی کوپترهای ایرانی ضمن درگیری با هلی کوپترهای در حال پرواز عراق به طرف هواپیماهای عراقی نیز تیراندازی می نمودند. تانک‌ها در صحنه نبرد به یکدیگر تیراندازی می کردند. در این هنگام، یک موشک سام به طرف یک هواپیمای عراقی روانه شد و دقیقاً موشک به درون لوله آگزوز هواپیما رفته و موجب سقوط آن شد، خلبان آن نیز هلاک گردید. گروه رزمی ۱۹۵ در این عملیات حدود ۱۳ نفر شهید و ۵۰ نفر زخمی و یک نفر اسیر داد و در عوض، بیش از ۲۰۰ نفر از نفرات عراقی کشته و حدود ۷۰ نفر اسیر و غنائم بی شماری به دست رزمندگان اسلام افتاد. در عملیات، علل پیروزی را می توان مرهون زحمات فرماندهی تیپ، رؤسای ارکان مربوطه، به خصوص رکن سوم (سرکار سروان مهدی رسولی که چند سال بعد شهید شد) و ایثارگری های پرسنل شهید، به خصوص سروان شهید حاتم و ستوان یکم پورشیبانی دانست.

اصل وحدت فرماندهی، اصل تأمین، اصل آمادگی، اصل صرفه جویی در قوا، اصل هدف، اصل غافلگیری در حمله اصولی بوده که موفقیت در عملیات را سبب گردید. واحدهای توپخانه نقش حساس و اساسی را اجرا نمودند. هوانیروز نقش بسیار ارزنده ای در اجرای عملیات داشت. ارتباط و مخابرات در سطح ممتاز خودنمایی کرد. پرسنل کاردان گروه رزمی هماهنگ به پیش می رفتند. از پرسنل پدافند هوایی ۲۳م کاملاً بهره برداری گردید. تقریباً تخلیه بیماران و رساندن آذوقه و مهمات در آن شرایط سنگین کاملاً خوب اجرا شد.

عملیات میمک به مدت سه یا چهار روز، یعنی از نوزدهم تا بیست و چهارم دی ماه سال ۱۳۵۹، به طور انجامید. ما میمک را تثبیت کردیم. عراق را هم کنار زدیم. انبوهی از جنازه های عراقی آنجا بود که من رفتم و گفتم: با اینها چه کار بکنیم؟ استاندار ایلام یک لودر به ما داد و زمین را کردند و همه جنازه ها را در آنجا خاک کردند. عراقی ها شاید ۱۵۰۰-۱۰۰۰ نفر کشته دادند (این اغراق نیست).

بعد از تثبیت میمک، در اول بهمن ماه سال ۱۳۵۹، بنده با معاونم رفتیم به مرخصی. هنوز چند روز از مرخصی ام نگذشته بود که سرهنگ ۲ ستاد سهرابی (فرمانده وقت تیپ ۱ لشکر ۸۱) به من زنگ زد و گفت که سریع خودت را برسان میمک. وقتی که من به منطقه آمدم، دیدم عراقی ها ارتفاعات میمک را اشغال کرده اند. به فرمانده تیپ گفتم نگران نباش، پس می گیریم. شبی که رسیدم به منطقه، سرگرد علیپور در پای ارتفاع میمک در آنجا گیر کرده بودند. تیپ ما به عراقی ها حمله کردند و ما ۴ روز درگیر عملیات و مبادله آتش بودیم. جناب سروان متقی،

حقیقتاً توپخانه‌اش برای ما کار کرد. حقیقتاً هوانیروز به ما کمک کرد. خلبان شمشادیان هم آنجا بود که من به او گفتم: یحیی! برو بالا، رادار مندلی شما را بگیرد و هواپیمای عراقی بیاید ما بزنیمش. یک هواپیمای میگ ۲۳ عراقی را من با چشم خودم دیدم که با سه‌پند زدند و خلبانش را دستگیر کردند و کمک خلبانش هم کشته شد.

عراقی‌ها که از تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۵۹ پاتک‌های مستمر و بی‌وقفه‌ای را برای اشغال مجدد ارتفاعات میمک شروع کرده بودند، ما به حمد و کمک پروردگار و با مقاومت و رشادت بچه‌ها، در روز نوزدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۹، مجدداً ارتفاعات میمک را از چنگال عراقی‌ها خارج ساختیم و به آنان مسلط شدیم.

همین حرکتی که ما در اینجا داشتیم، گردان ۲۱۷ هم همین‌طور، جناح راست را ما باید تصرف می‌کردیم و جناح چپ را آنها. در نتیجه، این ارتفاعات در روز مقرر تصرف و ما در عملیات میمک پیروز و موفق شدیم.

۴- از خاطرات سرهنگ ستاد پرویز خلف‌بیگی

بعد از آغاز جنگ، من به همراه عده‌ای از افسران ستاد مشترک به منطقه عملیات غرب مأمور شدم. در بیستم مهرماه، خود را به لشکر ۸۱ زرهی معرفی کردم. به دستور لشکر، در اختیار تیپ ۱ زرهی آن لشکر قرار گرفتم و به عنوان معاون گردان ۱۱۹ مکانیزه مشغول انجام وظیفه شدم. ولی چون فرمانده گردان ۱۹۵ مکانیزه مجروح و بستری بود، من از فرمانده تیپ درخواست کردم مرا هم به گردان ۱۹۵ مأمور نماید تا به همراه یکی از افسران مأمور از ستاد مشترک که سرگرد محمود کروندی بود، به عنوان معاون آن گردان انجام وظیفه نمایم. درخواست من مورد تصویب فرمانده تیپ قرار گرفت و به اتفاق سرگرد پیاده کروندی به منطقه صالح‌آباد ایلام حرکت کردیم و در سرنی خود را به گردان ۱۹۵ معرفی نمودیم. در آن موقع، این گردان در حدود ۱۸ کیلومتری شرق میمک مواضع پدافندی اشغال و در حال پدافند بود.

بعد از بررسی‌هایی که انجام گرفت، منطقه میمک برای اجرای یک عملیات آفندی مناسب تشخیص داده شد. این منطقه به طول تقریبی ۱۵ و عرض ۵ تا ۸ کیلومتر بود که با شیب تند از طرف ایران به داخل خاک عراق ادامه می‌یافت و به علت بریدگی‌های زیاد در ارتفاعات، حرکت خودروها به جز در دو جاده موجود غیرمقدور بود.

به منظور بهبود وضعیت آموزش پرسنل، منطقه‌ای در حوالی آبادی کنجوان که مشابه منطقه میمک بود، جهت اجرای آموزش‌های رزمی انتخاب شد. حدود یک ماه طرح عملیات

میمک در آن تمرین گردید. هم‌زمان با اجرای آموزش‌ها، اقدامات عملی رزمی نیز با اعزام گروه‌های گشتی رزمی و شناسایی به عمل می‌آمد و وضعیت دشمن بررسی می‌گردید. نتایج کلی این شناسایی آن بود که نیروهای دشمن احتمال حمله ما را بسیار ضعیف می‌شمارند و به همین جهت، شب‌ها توجه چندانی به مراقبت از منطقه ندارند.

ضمناً مناطق مین‌گذاری شده دشمن مشخص گردید و مسیرهای پیشروی مناسب برای نیروهای خودی انتخاب شد. همچنین معلوم گردید یک واحد زرهی دشمن در غرب میمک و در اطراف جاده اصلی مستقر است که احتمالاً یگان احتیاط وی می‌باشد.

علاوه بر اعزام گروه‌های گشتی، فرماندهان گروهان‌ها و گردان‌ها نیز کراراً منطقه نبرد را شناسایی کردند و راه‌های کار مناسب برای حمله را ارزیابی نمودند که نتیجه نهایی این فعالیت‌ها تهیه طرح عملیاتی میمک بود. نکات مهم این طرح این بود که حمله با پیاده نظام آغاز شود. برای این منظور، ۲۰۰ نفر از افراد عشایر منطقه با ۳۰۰ نفر پرسنل نظامی مجهز به سلاح سبک، با یک راه‌پیمایی شبانه به مواضع دشمن نزدیک شوند و از دو جناح به آنها نفوذ نمایند و نیم ساعت قبل از طلوع آفتاب، درگیری با دشمن آغاز شود و با طلوع آفتاب، یگان‌های تانک و مکانیزه حمله سریع را آغاز کنند و با الحاق با عناصر پیاده نظام، دشمن را منهدم و منطقه هدف را تصرف و در آن پدافند نمایند.

عملیات طرح‌ریزی شده از غروب روز پنج‌شنبه ۱۸ دی‌ماه آغاز شد و بعد از انجام مراحل نهایی آمادگی، حرکت به سمت خط عزیمت آغاز گردید. دلیل انتخاب شب جمعه برای حمله این بود که منطقه میمک به شهرهای مندلی و زرباطیه و حتی بغداد نزدیک بود. تعدادی از افراد نظامی یگان‌های عراقی مستقر در میمک در آن شب، برای مرخصی به آن شهرها می‌رفتند و توان رزمی نیروهای عراقی کاهش می‌یافت.

حرکت گروه رزمی ۱۹۵ در محور شمالی و جنوبی به فرماندهی ستوان حیدرزاده (بعداً در منطقه جنوب شهید شد) و ستوان چوگان آغاز شد و عناصر گروه رزمی از دهانه تنگ بینا عبور کردند و وارد دشت لیک شدند.

عناصر پیاده که زودتر حرکت کرده بودند، در ساعت ۰۶۲۰ با دشمن درگیر شدند و در ساعت ۰۶۴۰ یگان‌های زرهی و مکانیزه نیز به نزدیکی مواضع مقدم دشمن رسیدند. گروه رزمی ۲۱۷ تانک به فرماندهی سرگرد خوارزمی از محور سرنی - سه‌کوران پیشروی می‌کرد و گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه در دو ستون، ستون اول به فرماندهی سروان حاتم (در این عملیات

شهید شد^۱) از محور تنگ بینا - جاده جهاد پیشروی کرد و ستون دوم به فرماندهی ستوان یکم پورشیانی (در این عملیات شهید شد^۲) از محور تنگ بینا - دشت لیک حمله نمود. عکس العمل توپخانه دشمن در نیم ساعت اول حمله نیروهای ما نسبتاً سبک بود، ولی بعد از آن، منطقه میمک، سرنی و تنگ بینا زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت. اما در این موقع، یگان‌های ما از آن تنگ‌ها گذشته بودند و جای نگرانی نبود.

در حدود ساعت ۰۹۰۰ اولین روز حمله، در حالی که عناصر پیاده در مواضع عقب دشمن درگیر شده بودند، ولی یگان‌های زرهی و مکانیزه هنوز به آنها نرسیده و الحاق حاصل نشده بود. زیرا از محل خط عزیمت تا هدف، حدود ۱۰ کیلومتر مسافت بود و طی این مسافت مدتی زمان می‌گرفت. در همین هنگام، پنج فروند هلی‌کوپتر دشمن به تانک و نفربرهای ما حمله کرد، ولی با آتش انبوه ضدهوایی یگان‌های ما، هلی‌کوپترهای دشمن نتوانستند ضربتی بزنند و مجبور به فرار از منطقه نبرد شدند. بعد از آن، هلی‌کوپترهای ما نیز وارد میدان کارزار شدند. تا عصر روز اول نبرد، گروه رزمی ۲۱۷ تانک موفق به شکستن خط مقاومت اصلی دشمن در منطقه خود گردید و با عناصر نفوذیافته پیاده خودی الحاق حاصل شد. اما در قسمت شمالی منطقه، گروه رزمی ۱۹۵ با مقاومت سرسختانه دشمن مواجه گردید و این گردان نتوانست هدف خود را تصرف کند.

صبح روز دوم نبرد احتیاط تیپ در منطقه گروه رزمی ۱۹۵ وارد عمل شد که با همکاری گروهان سروان حاتم، قسمتی از خط پدافندی دشمن شکسته شد و به تدریج تمام مقاومت‌های دشمن در هم شکست و با عناصر پیاده خودی ارتباط برقرار گردید. در این نبرد، خلبانان هلی‌کوپترهای ما به ویژه سروان یحیی شمشادیان (بعداً در مهرماه ۶۱ در عملیات مسلم‌بن عقیل شهید شد) فوق‌العاده شهادت و فداکاری از خود نشان دادند. بالأخره با تلاش و فداکاری کلیه رزمندگان شرکت‌کننده در این نبرد، منطقه میمک از اشغالگران نیروهای متجاوز عراقی خارج شد و به تصرف نیروهای ما درآمد.

۱. سروان محمود حاتم به بالای ارتفاعات میمک رسید. خود او و یگان تحت امرش خوب جنگیدند و موفقیت‌های خوبی کسب نمودند. ایشان در بعدازظهر روز سوم عملیات به فیض شهادت نائل گردید. روحش شاد.

۲. ستوان یکم پورشیانی در دهانه تنگ بینا و دشت لیک قبل از رسیدن به میمک به فیض شهادت نائل شد و لذا گروهان مزبور برابر طرح عملیاتی نتوانست پیشروی نماید. سپس دستور داده شد ضمن تأمین سمت راست با یک دسته سایر قسمت‌های گروهان به ارتفاعات میمک رفته و گروهان سوم را تقویت نماید.

در این نبرد، از پرسنل گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه، ۱۳ نفر شهید و ۵۰ نفر مجروح شدند و یک نفر نیز اسیر گردید که در مقابل آن صدها نفر از افراد دشمن کشته و ۷۰ نفر از آنان به اسارت نیروهای ما درآمدند.

۵- سرگرد پیاده صالح زهی افسر عملیات گردان ۱۹۵ مکانیزه

من در عملیات میمک به عنوان معاون لجستیکی گردان ۱۹۵ انجام وظیفه می کردم. برای حمله به میمک گردان های ۲۱۷ تانک و ۱۹۵ مکانیزه با عده ای از عشایر خزل و گاواس آماده شدند. بعد از تکمیل مرحله طرح ریزی، حمله در ۱۹ دی ماه آغاز شد. گروه رزمی ۱۹۵ مکانیزه با مقاومت شدید دشمن مواجه شد و در روز اول نبرد، ستوان پورشبانی فرمانده یکی از گروهان ها شهید گردید. ولی به هر حال، این گردان نیز در روز اول عملیات قسمتی از هدف خود را اشغال کرد و ما شبانه موفق شدیم بدون مشکلاتی، تدارکات لازم را به خط مقدم نبرد برسانیم. پیشروی گردان ۱۹۵ در روز دوم ادامه یافت و قسمت بیشتر منطقه هدف تصرف گردید. در روز سوم نبرد، پاتک های سنگین دشمن به منطقه گردان ۱۹۵ اجرا شد. در همین نبردها، سروان حاتم فرمانده گروهان دیگر نیز شهید شد و ستوان ۳ ابوالفضل قنبری به جای آن شهید فرماندهی گروهان را بر عهده گرفت. از جمله افراد گردان که در این نبرد، فوق العاده بودند استواریکم بخشعلی امیریان تیرانداز موشک تلو (ضدتانک) بود که با منهدم کردن چند دستگاه تانک دشمن، سبب ایجاد وحشت در واحدهای رزمی دشمن گردید.

این عملیات به مدت یک هفته همچنان فعال بود و دشمن چندین پاتک اجرا کرد که همه آنها خنثی گردید. در یکی از این پاتک ها، دشمن موفق به اشغال ارتفاع کله قندی شد، ولی در عملیات بعدی مجبور به تخلیه آن گردید.

بعد از چند روز رکود نسبی، در ۱۳ بهمن ماه نیروهای عراقی برای بازپس گرفتن میمک حمله کردند. حمله نیروهای عراقی با پیشروی دو گروهان کماندو به ارتفاع کله قندی آغاز شد و ارتفاع کله قندی به تصرف نیروهای عراقی درآمد. در نتیجه، مواضع نیروهای ما در میدان دید و تیر دشمن قرار گرفت.

این نبرد دوم به مدت شش روز ادامه یافت، تا اینکه در ساعت ۵۵:۱۱ روز ۱۹ بهمن ارتفاع کله قندی بار دیگر به تصرف نیروهای ما درآمد. با بازپس گرفتن ارتفاع کله قندی از نیروهای عراقی، دشمن مجبور به عقب نشینی به مواضع قبلی خود گردید و نیروهای ما کاملاً بر منطقه میمک مسلط شدند.

۶- ستوان سوم علی اکبر میری جمعی گردان ۲۱۷ تانک (فرمانده تانک فرماندهی)^۱

من در طول جنگ (تا زمان مصاحبه در اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) سه درجه تشویقی گرفتم و از درجه گروهان یکمی به درجه ستوان سومی ارتقاء یافته‌ام. قبل از جنگ، من مکانیسین تانک ام ۶۰ بودم، ولی دوره آموزشی فرماندهی تانک را طی کرده بودم. بعد از آغاز جنگ، داوطلب شدم که در روی تانک انجام وظیفه کنم.

در عملیات میمک، با تعدادی تانک به سمت دشمن حرکت کردیم. در مسیر حرکت، ابتدا با ارتفاعات سخت مواجه شدیم، ولی از آنها بالا رفتیم و با ۶ دستگاه تانک، حمله را به دشمن

۱. علی اکبر میری در حین عملیات خوارزم ستوانیار ۲ بود. خاطره‌ای که عیناً مشاهده شده عنوان می‌کنم:

در یکی از پاتک‌های دشمن، فرمانده گروه رزمی خوارزم، سرگرد خوارزمی که در حال گزارش دادن وضعیت عملیات به فرمانده تیپ ۱ بود و از پاتک سنگین دشمن می‌گفت، یک دفعه به فرمانده تیپ گفت: من در محاصره دشمن قرار گرفته‌ام و دیگر صحبتی نمود و هرچه فرمانده تیپ او را صدا نمود، جوابی نشنید. آخرین صحبتش خداحافظی بود. فرمانده تیپ بسیار ناراحت شد تا اینکه بعد از حدود ۱۰ تا ۲۰ دقیقه ستوانیار ۲ میری در چانل فرمانده گردان صحبت نمود و خطاب به فرمانده با دادن شعار که ما پیروزیم و این بزدل‌های ترسو دشمن در حال شکست هستند، آسوده خاطر باشید ما پیروزیم، به دنبال این صحبت صدای ستوانیار میری در شبکه پیچید که به تعداد راننده دستور داد بروند. این تانک‌هایی که از دشمن جا مانده و خدمه‌های آنها فرار کرده‌اند را بیاورند. لذا خدمه تانک‌های خودی رفتند روی تانک‌های اول و دوم و آنها را به طرف منطقه خودی آوردند. خدمه‌های تانک‌های عراقی وقتی دیدند تانک‌های اول و دوم حرکت نمودند و نمی‌دانستند خدمه‌های آنها ایرانی هستند، از داخل نیزارها و دره‌ها خود را به تانک‌های بعدی ستون رسانیدند. حال ستونی از تانک‌های دشمن به طرف خودی حرکت می‌نمود که تانک اول و دوم، خدمه‌هایش از ما بودند و پنج تانک بعدی که به دنبال آنها در حرکت بودند، خدمه‌هایشان عراقی بودند و تمام سلاح‌های ضدتانک و تانک‌های خودی، ستون را رصد می‌کردند. ستوانیار ۲ میری می‌گفت: به تانک اول و دوم که خودی هستند شلیک نکنید و از تانک سوم به بعد که خدمه‌هایشان عراقی هستند، شلیک کنید. در حالی که نیروهای خودی می‌گفتند همه ستون از تانک اول تا آخر عراقی هستند. بالاخره با تلاش فراوان، به وسیله هلی‌کوپترها و سلاح‌های ضدتانک، تانک‌های سوم به بعد را منهدم و دو دستگاه اول و دوم سالم به دست نیروهای خودی به غنیمت گرفته شد که فرمانده تیپ درجه ستوان سومی را در شبکه بی‌سیم به عنوان تشویق ستوانیار ۲ میری ابلاغ نمود. چند روز بعد آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان به منطقه آمد و روی ارتفاعات میمک رفتند. فرمانده تیپ ۱، ستوانیار میری را صدا زد و این داستان را با حضور وی برای آیت‌الله طاهری تعریف نمود. پس از صحبت‌های فرمانده تیپ، ستوانیار میری سایر خدمه‌های تانک خود را صدا زد و آنها را قسم داد هنگامی که این اتفاق افتاد من چند گلوله داشتم؟ و آنها گفتند هیچی! و از زبان خود این گونه توضیح داد: وقتی ستون تانک‌های دشمن روبه‌روی ما پیشروی می‌نمود، من با سرعت به روبه‌روی آن ستون تاختم. دشمن که این جسارت را دید، فکر کردند ستونی از تانک‌های خودی دنبال من می‌باشد. ستون متوقف و خدمه‌های آن فرار نمودند. اگر غیر از این بود، من می‌ایستادم یا عقب می‌رفتم، در این صورت شکست ما حتمی بود. من را به یاد شعر سعدی انداخت:

آن منم در میان خاک و خون بینی سری
روز میدان کانکه بگریزد به خون لشکری

آن نه من باشم در میان جنگ بینی پشت من
کانکه جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند

آغاز نمودیم. در منطقه پیشروی یگان ما، فقط یک راه مناسب برای حرکت تانک‌ها وجود داشت که آن هم به وسیله نیروهای عراقی مین‌گذاری شده بود، ولی این مین‌ها با فداکاری ستوان وظیفه قنبری، فرمانده دسته مهندسی و تعدادی از سربازان یگان او برداشته شد و پیشروی تانک‌ها ادامه یافت. اما یک دستگاه تانک نقص فنی پیدا کرد و یک دستگاه نیز با مین دشمن برخورد نمود. در نتیجه، فقط چهار دستگاه توانست به پیشروی ادامه دهد. نظر به اینکه مسیر حرکت در میدان مین دشمن باریک بود، تانک‌ها به صورت ستون حرکت می‌کردند. در این هنگام، یک تانک دیگر نقص فنی پیدا کرد و فقط سه دستگاه تانک باقی ماند و ما هم با همین سه دستگاه تانک به سنگرهای دشمن حمله کردیم. اما عکس‌العمل دشمن شدید بود و ما مجبور شدیم تانک‌ها را در حفاظ قرار دهیم. یکی از تانک‌های ما سنگر عراقی‌ها را به زیر آتش گرفت و آن را منهدم کرد و مانع از سر راه ما برداشته شد. بعد از چند متر پیشروی، با تانک‌ها و نفربرهای عراقی مواجه شدیم. نبرد بین تانک‌های ما با تانک‌های عراقی آغاز شد. در این زورآزمایی تانک‌ها، موفقیت با ما بود. اما با بررسی منطقه، متوجه شدیم که یک واحد بزرگ زرهی و مکانیزه دشمن به طرف نیروهای ما می‌آیند. از گردان و تیپ درخواست پشتیبانی کردیم، هلی‌کوپترها به یاری ما آمدند. خلبان یکی از آنان ستوان یکم شمشادیان بود. با برقراری ارتباط با هلی‌کوپترها، محل تانک‌های عراقی به آنان نشان داده شد و هلی‌کوپترهای ما به تانک‌های دشمن حمله کردند و چند دستگاه از آنها را منهدم نمودند. بعد از مراجعت هلی‌کوپترها، نبرد تانک به تانک بار دیگر شروع شد و ما با همان سه دستگاه تانک خود، توانستیم جلو پیشروی تانک‌های دشمن را بگیریم. اما دشمن برای عقب راندن ما سماجت می‌کرد تا اینکه گروهان یکم تانک به فرماندهی سروان پاکزاد به کمک ما آمد و با دلاوری افراد این گروهان، موفق به عقب راندن دشمن شدیم. در این عملیات، سرگرد خوارزمی فرمانده گردان شایستگی فوق‌العاده‌ای در رهبری گردان از خود نشان داد. با رسیدن تاریکی شب، ما در مسیر رودخانه‌ای متوقف شدیم. اما آن قدر خسته بودیم که حتی نتوانستیم برای واحد نگهبان بگذاریم. خوشبختانه، در آن شب، باران نسبتاً شدیدی بارید و هوا خیلی سرد شد و احتمال حمله دشمن ضعیف گردید. در آن شب، خودرو مهمات ما مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت، یک نفر شهید و مهمات آتش گرفت. اما باران سبب شد که قسمتی از مهمات ما سالم بماند.

صبح روز دوم برای ادامه پیشروی، عملیات آغاز شد. ابتدا با مواضع آرایش شده دشمن برخورد کردیم، ولی مقاومت را از میان برداشتیم و چند نفر از افراد دشمن را به اسارت گرفتیم. یکی از اسراء در بازجویی گفته بود که نیروهای عراقی از استعداد ضعیف نیروهای ایران مطلع بودند و یگان کوچکی را به جلو فرستاده بودند تا در آغاز روز دوم نبرد، تمام افراد نیروهای ایرانی را اسیر یا نابود سازند. ولی این یگان عراقی بر اثر باران و شدت سرما، به پناهگاهی پناه برده بود که گرفتار نیروهای ایرانی گردید.

بعد از تصرف کامل میمک به وسیله رزمندگان ما، دشمن چندین پاتک برای بازپس گیری آن منطقه اجرا کرد که تمام آنها با شکست مواجه گردید. بعد از تصرف کامل میمک، جاده اصلی مواصلاتی نیروهای عراقی که در موازات غرب تپه میمک کشیده شده بود، در زیر میدان دید و تیر نیروهای ما قرار گرفت و ما در این جاده، تلفات و خسارات سنگینی به نیروهای عراقی وارد کردیم.

یکی از پاتک‌های مهم دشمن به وسیله سروان شمشادیان، خلبان هلی کوپتر کشف و به ما اطلاع داده شد. او هنگام پرواز ملاحظه کرد به هلی کوپترش تیراندازی می‌شود. با بی سیم گفت: تانک‌های دشمن از دو جناح به طرف مواضع نیروهای ما در حال پیشروی هستند. این اطلاع فوق العاده مفید واقع شد و ما را از غافلگیری نجات داد. اما در همین پرواز، به هلی کوپتر او گلوله خورد و مجبور شد منطقه را ترک کند. بعد از آگاه شدن از پاتک دشمن، نبرد شدید تانک با تانک، بین تانک‌های ما و تانک‌های دشمن درگرفت. در این نبرد، شهید ستوانیار کرمی تلاش فوق العاده‌ای کرد. نبرد آنچنان فعال بود که مهمات تانک‌های ما تمام شد و افراد ایل خزل نیز که با سلاح سبک به صورت پیاده نظام با ما هم‌رزم بودند، مهماتشان تمام شد. تانک‌های ما هنوز مهمات کالیبر کوچک داشتند، به افراد پیاده دادیم و خود نیز با سلاح سبک با دشمن وارد نبرد شدیم. چند نفر از فرماندهان تانک عراقی را کشتیم. این امر سبب وحشت عراقی‌ها گردید و مجبور به عقب‌نشینی و فرار شدند و ما چند تانک عراقی را که خدمه آن کشته شده بود، ولی تانک سالم بود، به غنیمت گرفتیم.

۷- ستوانیار دوم علی خواجه‌زاده از پرسنل گردان ۲۲۲ تانک

گردان ۲۲۲ تانک در منطقه عملیاتی مهران مستقر بود و یگان ما در حوالی روستای گلان مهران گسترش داشت. در روز ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹، که عملیات میمک آغاز شد، من به عنوان خدمه تانک ارکان گردان به گروهان دوم تانک مأمور شدم (توضیح اینکه این گردان به عنوان

احتیاط تیپ ۱ زرهی بود). این گردان به فرماندهی سرگرد پارساپور (فرمانده یگان احتیاط) و فرمانده گروهانی سروان سلیمانی از منطقه مهران به مقصد میمک حرکت کرد و حوالی ظهر روز اول نبرد به شرق ارتفاعات میمک رسید. در این موقع، عناصر تیپ ۱ در حال پیشروی بودند. در روز بیستم دی ماه، نیروهای دشمن پاتک کردند. به دستور فرمانده تیپ، یگان ما که احتیاط تیپ بود، وارد عمل شد. یگان ما از منطقه گسترش واحدهای جلو خودی عبور کرد. در این منطقه، گردان ۲۱۷ تانک و گردان ۷ پیاده سماجا با دشمن درگیر بودند. من در بررسی منطقه تانک خود متوجه شدم تانکهای دشمن در حدود ۱۵۰۰ متری جلو ما قرار دارند و به طرف نیروهای ما می آیند. تانک ما در این هنگام، تیراندازی به طرف دشمن را آغاز کرد و تانکهای دیگر ما نیز شروع به تیراندازی کردند و تعدادی از تانکهای دشمن را از کار انداختند. بعد از انهدام چند تانک دشمن، بقیه ادوات زرهی دشمن شروع به عقب نشینی کردند.

این نبرد تا نزدیکی غروب آفتاب ادامه یافت. بعد از عقب نشینی تانکها، پیاده نظام ما برای بررسی و شناسایی به جلو اعزام شدند و دو تانک دشمن را که در شکاری باقی مانده بود پیدا کردند و آنها را با آپی جی ۷ منهدم کردند. ما شبانه تجدید تدارک مهمات کردیم و برای ادامه نبرد در روز بعد آماده شدیم.

ساعت ۰۹:۳۰ روز سوم نبرد پاتک دیگری از دشمن آغاز شد که با اجرای آتش سنگین توپخانه همراه بود. ضمناً در شب قبل، عناصر مهندسی نیروهای عراق مواضع بسیار خوبی تهیه کرده بودند. ما با تصرف آن مواضع، می توانستیم با تیر مستقیم تانکهای دشمن را هدف قرار دهیم. بعد از آغاز پاتک دشمن، به ما دستور داده شد در موضع خود پدافند کنیم.

گروهان تانک ما فقط پنج دستگاه تانک داشت که چهار دستگاه جمعی گروهان دوم گردان ۲۲۲ تانک و یک دستگاه تانک جمعی گروهان ارکان همان گردان بود که من فرماندهی آن تانک را بر عهده داشتم. گروهان ما در سمت چپ (جنوب) می جنگید و ستوان سوم بنی عامریان یکی از فرماندهان دسته تانک بود. پاتک دشمن خیلی شدید بود و دشمن توانست از ۵ دستگاه تانک ما، ۴ دستگاه آن را از کار بیاندازد که از جمله تانک خود من بود که مورد اصابت موشک دشمن قرار گرفت و من مجروح شدم و گلوله گذار تانک نیز که سرباز پیمانی حمید حسینی بود به شدت زخمی شد، ولی دو نفر خدمه دیگر (راننده و توپچی) آسیب چندانی ندیدند. ما از داخل تانک آسیب دیده خود بیرون آمدیم و من به عقب تخلیه و به

بیمارستان اعزام شدم. در بیمارستان شنیدیم که بالأخره برادران رزمنده ما توانسته بودند پاتک دشمن را خنثی کنند و منطقه میمک را که دو روز قبل تصرف کرده بودند، نگه دارند.

۸- استوار یکم بخش علی امیریان جمعی گردان ۱۹۵ مکانیزه

من گروهان دسته موشک انداز ضدتانک تاو بودم. دسته ما روز قبل از آغاز نبرد میمک در تنگ بینا مستقر گردید. هنگامی که در ساعت ۰۶:۲۰ روز ۱۹ دی ماه حمله آغاز شد، واحد ما به طرف دشت هلاله پیشروی کرد. در مسیر پیشروی، با میدان مین دشمن برخورد کردیم و اجباراً در دامنه ارتفاعات متوقف شدیم. گروهانی که در سمت راست (شمال) ما پیشروی می کرد و فرمانده آن سروان پورشبانی بود، او نیز مجبور به توقف گردید. در نتیجه، در آن روز، ما نتوانستیم پیشروی کنیم. در حالی که عناصر دیگر حمله‌ور ما در سمت جنوب پیشروی کرده و قسمتی از هدف را تصرف نموده بودند. شبانه به ما دستور دادند به هر نحو که مقدور باشد، باید فردا صبح پیشروی کنیم. سروان حاتم فرمانده گروهان گفت اگر ما نتوانیم مأموریت خود را انجام دهیم، نتیجه زحمات همه افراد تیپ به هدر خواهد رفت. او این جمله را گفت: «انسان باید بمیرد اما به نام و نه به ننگ.» این جمله او در رزمندگان از جمله من اثر گذاشت (توضیح اینکه این افسر شجاع در همین نبرد شهید شد). بالأخره ما در روز دوم پیشروی کردیم و ضربات سختی به دشمن وارد نمودیم و مقداری پیشروی کردیم، اما بار دیگر به میدان مین دشمن برخورد کردیم که تانک‌های دشمن بر روی آن آتش داشتند. اما به لطف پروردگار ما توانستیم از آن میدان نیز عبور کنیم و ضربات شکننده‌ای بر تانک‌های عراقی وارد سازیم. بالأخره یگان ما نیز توانست قسمتی از هدف خود را تصرف کند. ولی روز سوم پاتک دشمن بر منطقه ما شروع شد و نیروهای دشمن از سه طرف به یگان ما حمله کردند. سروان حاتم به من گفت یک ارتفاع کله‌قندی در دست دشمن است که از آن نقطه آتش خود را به روی ما هدایت می‌کند. از من خواست با آتش دسته موشک او را پشتیبانی کنم تا او پیشروی کند و آن تپه را از اشغال دشمن آزاد سازد. این عمل انجام شد، اما در همین زمان، آن افسر شجاع شهید گردید. بعد از شهید شدن سروان حاتم، فرماندهی منطقه گروهان وی را به من دادند. در یکی از ساعات نبرد، متوجه شدیم که هلی‌کوپترهای دشمن در جناح شمالی ما نیرو پیاده می‌کنند. من به سمت آنها تیراندازی کردم و یک هلی‌کوپتر دشمن را با موشک تاو زدم. بعد از انهدام این هلی‌کوپتر و سرنشینانش، عناصری از یگان ما به منطقه فرار نیروهای دشمن حمله کردند. افراد دشمن که وحشت کرده بودند، از منطقه نبرد فرار کردند.

روز بعد نیز بار دیگر نیروهای عراقی به منطقه گسترش ما پاتک کردند. من یک قبضه موشک انداز تاو را در موضع مستقر کردم، ولی محل ما را دشمن کشف کرد و با آتش توپ تانک ما را به گلوله بست. ما مجبور شدیم تغییر موضع بدهیم. بعد از استقرار در موضع جدید، دیدم یک دستگاه بولدوزر دشمن در حال سنگر کردن است، آن را هدف قرار دادم و منهدم کردم. بعد به طرف تانک‌های دشمن آتش گشودیم و چند دستگاه از آنها را هدف قرار دادیم و زدیم. بقیه تانک‌های دشمن از مهلکه فرار کردند، در حالی که تعدادی از تانک‌های خود را به جای گذاشته بودند. در شب ۲۲ دی ماه نیز، بار دیگر دشمن پاتک کرد. سرگرد طالبیان که در آن موقع معاون گردان بود، به من گفت بهتر است دسته موشک تاو به جلو برود و در ارتفاع کله‌قندی مستقر گردد. با وجود اینکه این دستور چندان منطقی نبود، من با چند نفر سرباز به بالای تپه رفتم. افراد ما کمی وحشت‌زده بودند. ولی من گفتم به هر قیمت شده این منطقه را که با نثار خون بهترین فرزندان این آب و خاک به دست آورده ایم باید نگه داریم. بعد از اینکه من با تعدادی از سربازان در بالای تپه مستقر شدم، یک خمپاره دشمن در منطقه ما منفجر گردید و من مجروح شدم. چون آمبولانس در منطقه موجود نبود، با نفربر به عقب تخلیه شدم که متأسفانه در بین راه، آمبولانسی که برای تخلیه من آمد، با همان نفربر که من در آن بودم، تصادف کرد و دو نفر سرباز شهید شدند و پای یک سرباز نیز شکست. این حادثه برای من دردآورتر از درد خودم بود، بالأخره من به بیمارستان کرمانشاه تخلیه شدم.

پیوست ۴

نمونه مصاحبه با اسرای دشمن و

دستور عملیاتی دشمن در عملیات میمک

به روایت کتاب شمشیر پیروزی*

* کیانی، سورنا، سرگرد زرهی، شمشیر پیروزی، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اجا، ۱۳۸۳.
توضیح: به منظور افزایش ارزش محتوایی کتاب، مطالب این قسمت از منبع مذکور انتخاب و به این کتاب اضافه گردید.
(ویراستار، سرتیپ ۲ صادقی گویا)

در این فصل از کتاب، ترجمه متون مصاحبه با سه تن از اسرای دشمن^۱ و همچنین دستور عملیاتی شماره (۶) ارتش عراق در عملیات میمک آورده شده است. این مدارک در آن زمان توسط فرمانده تیپ به آقای مهندس اصغر ابراهیمی اصل، استاندار وقت ایلام [جهت ترجمه]، تحویل داده شد. ایشان نیز اسناد مذکور را جهت ترجمه به آقای فجرک که از عناصر اطلاعاتی سپاه پاسداران ایلام بود، سپردند، اما پس از مدتی، تنها متون ترجمه شده به تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی تحویل گردید؛ لیکن اصل مدرک که به زبان عربی است، همراه با کالک و پیوست‌های مربوطه، نزد عناصر اطلاعات سپاه پاسداران ایلام باقی مانده و تاکنون به ارتش عودت داده نشده است. خوانندگان پس از مطالعه مطالب ایرادشده توسط اسرای دشمن و همچنین بررسی اسناد و مدارک و دستوراتی که توسط نیروهای تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه از اسرای بلندپایه عراقی کشف و ضبط گردید، درخواست یافت که تأثیر پیروزی‌های عملیات میمک بر روی نیروهای متجاوز، چه اندازه عمیق بوده است و ارتش عراق جهت اشغال مجدد این ارتفاعات، چقدر سعی نموده و چه میزان نیروی رزمی را به کار گرفته است. بدین ترتیب، ابعاد عظمت این عملیات برای خوانندگان روشن خواهد شد.

لازم به ذکر است که جهت حفظ اصالت اسناد و مدارک از اعمال هرگونه تصحیحات دستوری بر روی متون آنها خودداری گردیده است.

مصاحبه با اسرای جنگی^۲

۱- جاسم عبدالجوده که در جبهه میمک به اسارت نیروهای خودی درآمد، چنین گفت:

صبح روز ۱۹۸۱/۲/۸ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۱/۱۹ هـ. ش) همه سربازان سلاح را انداختیم و به طرف عراق فرار کردیم تمام موشک‌ها و توپخانه‌ها ماند برای ایرانی‌ها. در این روز تا پاسگاه هلاله با پا فرار کردیم. حدود ۳۰ کیلومتر پراکنده فرار کردیم. وقتی رسیدیم، غروب بود و همه خسته و مرده. در همان حال فرمانده تیپ جدید گفت همین حالا حمله می‌کنید. فرمانده گردان قبول نکرد و گفت همه کشته شده‌اند فردا صبح می‌برمشان. وقتی به هلاله رسیدیم سربازان عراقی می‌گفتند این غضب الهی بود و حق با ایرانیها بود که عده زیادی از ما کشته شدند وگرنه شکست ما توجیه ندارد.

۱. به منظور رعایت اختصار در مطالب کتاب، تنها مصاحبه سه تن از اسیران عراقی از بین اسرای دشمن انتخاب و در این فصل آورده شده است. این نفرات در مرحله دوم عملیات میمک به اسارت نیروهای خودی درآمدند.

۲. البته این اسرا و دستورالعمل عراقی مربوط به مرحله دوم، یعنی بهمن‌ماه ۵۹ می‌باشد.

از هر ۱۵۰ نفر، بیش از ۳۰ الی ۴۰ نفر سالم نمانده بود و بقیه مجروح و یا کشته شده بودند. ارتش عراق می‌بیند که همه کشته شده‌اند، به خانواده‌ها می‌گوید مفقودالثر هستند. یا تابوت خالی می‌فرستد و یک نماینده ارتش همراه تابوت می‌رود به آن شهر یا روستا و جنازه را با تابوت به زیر خاک می‌کند.

در اوایل جنگ یک شعار بود بدین معنی «هزار هزار سلام به صدام به این فتح و پیروزیمان» بعد سربازان این شعار را بدین شکل تبدیل کردند «هزار هزار مبارک به خواری و هلاکتان.» سروان کمال یکی از افسران ما روزی ما را جمع کرد و در سخنرانی خود شنیدن رادیو ایران را ممنوع اعلام کرد.

شنیده‌ام که افسران اردنی و فلسطینی در سوسنگرد هستند و به عراقی‌ها کمک می‌کنند و در ارتش از مصریها و فلسطینی‌ها برای رانندگی استفاده می‌شود.

آن شب ما خسته و کوفته در هلاله ماندیم. همان شب سلاح گرفتیم و ساعت ۵ صبح روز (۱۹۸۱/۲/۹ م مطابق با ۲۰ بهمن ۱۳۵۹ ه. ش) با ماشین ما را به قسمت دیگر میمک بردند و در آنجا یک گروهان ۲۵۰ نفری رنجر به نام «نعمان» بود، ما رفتیم تا به کمک نعمان به ایرانی‌ها هجوم کنیم. بهتر بگویم تیپ ما استعدادش یک گروهان بیشتر نبود و یک گردان نیروی مخصوص از تیپ ۳۳ نیروهای مخصوص در آنجا حضور داشت. فرمانده نیروهای مخصوص سروانی بود که با مسلسل پشت پای پیاده‌ها می‌زد و می‌گفت، اگر نروید می‌زنم. او از بعضی‌ها بود، خودش در عقب ایستاده بود.

آتش توپخانه ایران از صبح روی ما شدت گرفت. فرمانده گروهان (جاسم) اولین کسی بود که آنروز کشته شد. هنگامیکه بالای تپه رفتیم، دیدیم اجساد بسیار زیادی از نیروهای مخصوص که قبلاً کشته شده بودند در آنجا افتاده بود. فرمانده گروهان گفت جنازه سروان جاسم را ببرید. من و یکی دیگر جنازه وی را پایین بردیم هنوز به پایین تپه نرسیده بودیم که دیدیم همان افسر تیری به دهانش خورد و با حالت دو به عقب می‌آید. تیراندازی زیاد شد وقتی سربازان ما دوباره با جنازه‌ها روبرو شدند پا به فرار گذاشتند. در پایین تپه افسران رنجر بودند و با تیر می‌زدند ما دو نفر گفتیم که بهتر است تسلیم شویم چون در غیر این صورت کشته می‌شویم.

تمام آن تیپ و نیروهای مخصوص تا ۱۲ ظهر همه از بین رفته و یا مجروح شدند. ما در داخل سنگر ماندیم، ایرانیها آمدند ما را گرفتند و با خود بردند. بعد به ما غذا دادند و استقبال کردند.

در روز (۱۹۸۱/۲/۷ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۱/۱۸ هـ. ش) از وزیر دفاع تلگرافی برای ما خواندند که میمک فقط یک قسمت کوچکش در دست ما نیست. آنها به ما دروغ گفتند در حالیکه ما می‌دیدیم که هیچ چیزی از میمک دست ما نبود. در آن روزها هواپیماها با وجود درخواست شدید فرمانده لشکر به کمک ما نیامدند.

چیزی که برای ما عجیب است این بود که حتی ما جسد یک ایرانی را ندیدیم، چرا که فوراً به هر ترتیب که شده آنها را می‌برند. مهمتر اینکه ایرانیها کشته نمی‌شوند! سربازان عراقی روحیه جنگ ندارند جز ترس از افسران بعثی که آنها از عقب ما را می‌زنند.

بزرگ محلی که بعثی است محل را برای سربازان و خانواده‌ها زیر نظر دارد. وی خود مختار محل است و امضای او معتبر و برای همه‌جا لازم است. هرکس سه روز نباشد، حکم اعدام او غیباً صادر و بعد از کشته شدن روی تابوتش می‌نویسند «ترسو».

تعجب من این است که پیاده‌های ایرانی نه از هواپیما و نه از توپ و نه از تانک نمی‌ترسند، با هم‌دلی و مردانگی جلو می‌آیند و می‌جنگند. رفیقم می‌گفت در یک بیمارستان بودم که در آنجا مجروح ایرانی بود. شب از خواب بلند شد عکس صدام را زیر پایش گذاشت و خرد کرد.

۲- اسیر دیگری در مورد وضعیت جبهه میمک چنین گفت:

در تاریخ (۱۹۸۱/۱/۱۵ میلادی مطابق با ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ هـ. ش) تیپ ۱۹ از لشکر ۷ پیاده سلیمانی به طرف قصرشیرین حرکت و مدت ۱۵ روز در قصرشیرین توقف می‌نماید. در تاریخ (۱۹۸۱/۲/۴ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۱/۱۵ هـ. ش) از مرخصی برگشتم. تیپ ما از قصرشیرین به میمک رفته بود.

در تاریخ (۱۹۸۱/۲/۵ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۱/۱۶ هـ. ش) صدام از هوا به جبهه میمک می‌آید و در غازانه (شهرکی در ۳۰ کیلومتری میمک) اقامت می‌گزیند.

در هجوم اول ایران یعنی (۱۹۸۱/۱/۸ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۰/۱۹ هـ. ش) یک تیپ عراق کاملاً از بین رفت و ما را فراخواندند تا میمک را بگیریم. ما در خانقین و قصرشیرین در احتیاط و ذخیره بودیم. برای پس گرفتن میمک، تیپ ۳ پیاده تیپ ۳۹ پیاده، دو گردان از تیپ ۱۹، یک تیپ کامل زرهی، یک گردان نیرو مخصوص و یک گردان توپخانه که بین گردان‌های دیگر پخش شده بود، شرکت داشتند.

خوف صدام برای گرفتن میمک ترس از تهدید بغداد بود، زیرا از میمک تا بغداد ۱۶۰ [۱۲۰] کیلومتر است. اکثر سربازان عراقی از خوف حمله اولی فرار می کردند هرکس را می فرستادند شبها فرار می کرد، هرکس هم فرار می کرد ارتش دستور داشت او را بکشد.

در تاریخ (۸ و ۱۹۸۱/۱/۹ م مطابق با ۱۹ و ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ هـ. ش) تمامی نیروهای مخصوص و تیپهای بالا متلاشی شده و شکست خوردند. تعداد کشته‌ها به قدری بود که روی زمین پخش شده و کشته‌ها را جمع نمی کردند. در غازانه ۲۴ نفر را که حاضر نبودند به جبهه بیایند، تیرباران کردند. فرمانده سپاه ۱ به نام طه شکرچی دستور تیرباران آنها را داد.

در حمله اول که ایران میمک را گرفت و یک تیپ متلاشی شد، شایع است که فرمانده آن تیپ را به بغداد برده و کشتند. ارتش عراق از شکستهای میمک بسیار روحیه اش متزلزل شد، زیرا کشته و مجروح بی حد و حصری بر جای گذاشت. حکومت عراق گفته من سه جا را می خواهم میمک، زین القوس و شط العرب را.

این اسیر در ادامه مصاحبه گفت: به خدا قسم نیروهای ما همه خانه‌ها را خالی کردند اما هرکس یک کبریت هم برد کشته شد. در سوسنگرد یک نفر یک چکمه مردانه خیلی گران پیدا کرد و پوشیده بود. هر جا می رفت گلوله همانجا می آمد. گفتم پدر سوخته تا زمانیکه این پوتین پای توست ما را به کشتن می دهی. گفت: نه، دوستش دارم تا بالآخره یک گلوله توپ خورد و تکه تکه شد. نیروهای مخصوص هم که در سوسنگرد دست به غارت زدند، همین ضربه‌های سخت را خوردند و درو شدند. در قصر شیرین حتی کلیدهای برق و لوله‌های فاضلاب و پنجره‌ها را نیز بردند.

اوایل جنگ که تازه شروع شده بود، مردم شهرها و قراء مرزی عراق از ترس خانه‌هایشان را خالی کردند اما بعد که فهمیدند ایرانیان مرزها و شهرها را نمی زنند، برگشتند.

۳- اسیر دیگری چنین گفت:

یک گردان تانک و یک تیپ کامل در فتح اول میمک از بین رفت. ما در پشت جبهه بودیم. من از گردان ۳ تیپ ۳۹ لشکر ۷ سلیمانیه بودم. بعد ما را به جای یکان شکست خورده آوردند. به قدری در میمک کشته شدند که میمک را «وادی الشهداء» نام نهادند. در پاتکی که در روز (۱۹۸۱/۱/۱۹ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ هـ. ش) عراق انجام داد، این بار کشته‌ها بیشتر از دفعه اول بود و بزرگترین ضربه را از توپخانه خوردند. در عرض ۵ روز جنازه‌ها در آنجا متعفن شده بودند افسران کشته شده را بردند ولی سربازان را نه، چون روحیه عراقیها از این شکست

تضعیف شده بود. تابوتهای بسیاری را ترتیب دادند به نام شهدا که در بعضی ها فقط یک پا و یا یک دست بود و داخل بعضی ها چیزی نبود.

وقتی جنازه ها و تابوت ها را به بغداد می بردند، زنان ریختند و عکس صدام و پرچم عراق را که روی تابوت ها بودند پاره کردند.

در تاریخ (۱۹۸۱/۲/۶ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۱/۱۷ ه. ش) از بغداد تا خانقین ۳۰ پاسگاه بازرسی و کنترل گذاشته بودند تا اگر کسی فرار کرد او را بگیرند. البته ۲۴ نفر را گرفته و مو ابرو و سیل و ریش آنها را تراشیده و به غازانه آوردند همان روز صدام آمد. طه شکرچی گزارش داد و همه را تیرباران کردند.

صدام سخنرانی کرد و گفت حمیتان چی شده و چرا سرزمینتان را از دشمن نمی گیرید و چرا فرار می کنید، علت آوردن ما به عقب برای همین بود که صدام برای ما سخنرانی کند. وقتی صدام سخنرانی کرد اگر کسی کف نمی زد و یا با انگشت علامت (V) نشان نمی داد، امید مرگ داشت.

در هجوم دوم (۱۹۸۱/۲/۷ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ ه. ش) دستور آمد تیپ ۳۹ به غازانه عقب نشینی کند، بعد افسر ما برایمان سخنرانی کرد و غذای خوب داد، روحیه داد تا دوباره حمله کنیم، ۲۴ نفر را جلوی ما لخت کردند و با شورت، اولی را شکرچی کشت. سپس بقیه را هم کشتند. یکی از آنها به صورت طه شکرچی تف انداخت و صدام هم ناظر بود. بعد ما را به پاسگاه هلاله که اکنون اسم عربی روی آن است برگرداندند.

یک تیپ ما را آوردند برای پشتیبانی از یک گردان رنجر که ایران آنها را می زد. گردان ۱ ما خیلی پیشروی کرد. ما از نیروهای مخصوص هم جلو زدیم و حمله کردیم. ایرانیها سد شدند، می خواستیم جاهایی را که ایرانیها گرفته بودند پس بگیریم. وقتی ما که گردان ۳ بودیم جلو رفتیم، گردان ۱ را که قبلاً جلو رفته بود جز افسران بقیه کشته شده بودند. تیپ ۱ در همان روز و شب هشتم نابود شد فرمانده گروهان تیر خورده بود و فریاد می زد بین ما خائن هست، بین ما خائن هست. شب بسیار سردی بود، وقتی ما دیدیم گردان ۱ تار و مار شده ما نیز که بسیار خسته بودیم، عقب نشینی کردیم و همه پاهایمان باد کرده بود.

ساعت ۱ بعد از نیمه شب سروان به ما دستور داد، حمله کنید. آنقدر تاریک و درهم و برهم بودیم که عراقی ها داخل سنگر ایرانیها شده بودند و همدیگر را می زدند به هم تیراندازی می کردند. نه فرماندهی بود و نه بی سیم. آنها می ترسیدند که در مورد زمین سربازان عراقی را

توجیه کنند، چون فکر می‌کردند سربازان پناهنده می‌شوند، لذا سربازان هیچ‌جا را نمی‌شناختند. افسر گروهان ما شیعه بود و او نیز از برنامه و نقشه بی‌خبر بود. معمولاً اطلاعات را به افسران شیعه نمی‌دادند. درصد افسران سنی ۸۰ درصد و افسران شیعه ۱۵ درصد است و معمولاً از افسران شیعه در کردستان استفاده می‌کنند. عراق تبلیغ می‌کند که کردها کافر هستند و تحریک می‌کند برای کشتن آنها.

ما پیشروی کردیم و گردان ۱ که جلو بود منهدم شد. وقتی ایرانیها جلو آنها را سد کردند، در هنگام برگشت شروع کرد اشتباهی به کشتن ما، در آن شب (۱۹۸۱/۲/۸ م مطابق با ۱۳۵۹/۱۱/۱۹ هـ.ش) که تا ۲ بعد از نصف شب عملیات طول کشید، آنقدر از هم کشتیم که دیگر کسی گوش به فرمانده نداد و عقب نشستند. آن شب آنقدر کشته و مجروح شدند که حد ندارد. نه وسایل پانسمان بود نه برانکارد برای حمل زخمی‌ها و مرده‌ها. صبح روز هشتم (نوزدهم بهمن‌ماه) هنگام روشنایی، ایرانی‌ها بر ما مسلط بودند، حتی با نارنجک می‌توانستند ما را بکشند و کشتار سخت ما باز شروع شد. فرمانده گردان یکم سرهنگ ۲ خلف کشته شد. سرهنگ خلف خیلی بدجنس بود او در مرکز لشکر بود و کاری به جنگ نداشت وقتی ما از غازانه آمدیم، گفت: من برای قادسیه صدام می‌خواهم بجنگم و همان شب هم کشته شد.

خاطرات سرلشکر وفیق السامرای از عملیات میمک

سرلشکر وفیق السامرای^۱ در صفحه ۷۰ کتاب خاطرات خود (حطام البوابه الشرقیه) که توسط «عدنان قارونی» به زبان فارسی ترجمه شده و به وسیله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تحت عنوان ویرانی دروازه شرقی انتشار یافته است، در صفحه ۱۱۵ در خصوص عملیات میمک چنین اظهار می‌دارد:

روز ۱۹۸۱/۱/۴ میلادی^۲ نیروهای ایرانی حمله به منطقه میانی [جبهه] را در دو محور آغاز کردند. در محور اول به طرف تپه مهم و استراتژیک «سیف سعد»^۳ واقع در جنوب «مندلی»

۱. نویسنده این کتاب سرلشکر معارض عراقی وفیق السامرای از اهالی سامرای عراق است. وی در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از درجات پایین در دستگاه اطلاعات نظامی ارتش عراق (بخش ایران) فعالیت خود را شروع و به تدریج مراحل ترقی را طی کرد و به درجه سرلشکری رسید، روندی که به اعتراف تلویحی خود وی، لازمه ویژگی برجسته روانی - شخصیتی اوست. وی در روزهای پایانی سال ۱۹۹۴ از عراق خارج شد و به معارضیه علیه رژیم حاکم بر عراق پیوست.

۲. [صحیح آن برابر ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۹ روز ۱۹۸۱/۱/۹ می‌باشد (ویراستار).]

۳. همان‌گونه که قبلاً هم گفته شد، دشمن منطقه میمک را «سیف السعد» می‌نامید.

حرکت کردند و موفق شدند قله‌های این ارتفاعات را در جبهه‌ای به طول دوازده کیلومتر به تصرف خود درآورند و نیروهای ما را به طرف دامنه‌های ارتفاعات عقب برانند. این مسئله سبب شد تا نیروهای ما تحت فشار مستمر قرار گیرند و فرمانده تیپ دوم پیاده که مأمور دفاع از این قله‌ها بود یعنی سرهنگ ستاد «محمدجواد الخفاجی» اعدام گردد. وی یکی از بعثی‌های قدیمی بود که آموزش‌های لازم برای فرماندهی یگان‌های رزمی را ندیده بود. رسته‌اش مخابرات بود، مدتی در استخبارات عمومی بغداد کار می‌کرد و سپس به عنوان وابسته نظامی به پاکستان اعزام شد. اعدام او یک اقدام ستمگرانه بود.

حمله‌های تلافی‌جویانه‌ای که نیروهای ما، از جمله لشکر هفتم پیاده انجام دادند، وضعیت ارتفاعات را تغییر نداد. این لشکر به تمرین‌های زیادی برای عبور از اروندرود و محاصره آبادان دست زده بود.

نیروهای ایرانی موفق شدند نیروهای ما را از محور گیلانغرب به عقب برانند. ولی موفقیت‌هایی که در این جبهه حاصل شد، به اندازه موفقیت‌های نیروهای ایرانی در منطقه سیف سعد نبود.

بکلی سری شخصاً مفتوح فرمائید در دستورات شفاهی تغییر داده نشده است

نسخه ۲۹ از ۳۰ نسخه
قرارگاه تیپ دو پیاده
منطقه نی خزر و مختصات ۸۳۱۰
شماره اعلام وصول ح / ۴۱/۸
۳/۲۴۰۰ / کانون الثانی ۱۹۸۱
(برابر با ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۹ مترجم)

دستور عملیاتی شماره (۶)

مدارک مورد مراجعه

نقشه‌ها: بدره - مندلی - ایلام ۱:۱۰۰/۰۰۰

۱- وضعیت

الف- دشمن

به پیوست الف نشریه شماره ۴ اطلاعات مراجعه شود.

ب- نیروهای خودی

یکم: قرارگاه تیپ ۳۹، گردان ۳ تیپ ۳۹، یک گروهان کماندو از تیپ ۳۹، یک گروهان کماندو از تیپ ۲، گردان ۱ تیپ ۲، یک گروهان تانک از گردان تانک شرجیل، گردان ۱۲ تانک (منهای یک دسته) مواضع دفاعی را در مختصات‌های ۸۱۲۱ - ۸۱۲۰ و ۸۰۱۳ - ۸۳۱۰ اشغال نمایند.

دوم: تیپ ۳ پیاده در ساعت ۱۸۳۰ روز «ر» از مختصات ۷۹۱۳ با یک گردان پیاده به منطقه تاکتیکی مهم واقع در شبکه ۸۵۱۷ و با یک گردان نیروی مخصوص به منطقه دیده‌بانی ۸۳۱۸ و یک گروهان پیاده و یک گروهان تانک (منهای دو دسته) و همچنین عناصری از موشک‌های ضدتانک به منطقه واقع در ۸۳۲۰ به منظور دفع و انهدام عناصر دشمن که از دره چکبوره به مختصات ۸۷۲۳ پیشروی نموده تک خواهد نمود. همچنین نیروهای مرکب از یک گروهان کماندو و همچنین یک گروهان تانک ناقص (منهای دو دسته) باضافه موشک‌های ضدتانک به طرف تقاطع واقع در شبکه ۸۳۱۵ به منظور تأسیس

پایگاهی برای حمایت جناح چپ یگان‌های تیپ پیشروی خواهند نمود و این عناصر وصول دو دسته تانک را به هدف گردان پیاده کماندو در شب یکم تا آغاز روشنایی روز (۱+ر) و پایان اشغال هدف‌های دفاعی جناح چپ در شبکه‌های ۸۶۱۶ و ۸۶۱۵ تأمین می‌نماید. سوم: لشکر ۶ زرهی و لشکر ۱۲ زرهی و لشکر ۸ پیاده اقدام به تک‌های محدود و فعالیت‌های آفندی و همچنین سپاه ۲ اقدام به ارسال پیام‌های بی‌سیم فریبنده در جبهه شمالی خواهد نمود.

چهارم: مدیریت هواپیمایی ارتش تعدادی هلی‌کوپتر مسلح را به منظور انهدام ادوات زرهی اختصاص خواهد داد.

پنجم: تعدادی هواپیمای شکاری به منظور پشتیبانی عملیات زمینی واگذار خواهد شد.

پ- یگان‌های زیر امر و جدا شده

زیر امر:

گردان ۱ تیپ ۳۹ پیاده

گردان ۵ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص

گروهان ۲ گردان ۷ تانک

دو گروه موشک تاو

سه گروه موشک میلان

شش گروه مالتوتکا

سه دستگاه توپ ۱۰۶ مم

پشتیبانی مستقیم گردان ۴۷ توپخانه صحرایی منهای دو آتشبار

آتشبار ۳ گردان ۳۷ توپخانه صحرایی

در پشتیبانی توپخانه منطقه منهای آتشبار ۲ گردان ۴۷

توپخانه صحرایی آتشبار ۳ گردان ۳۷ توپخانه صحرایی

گروهان ۱۳ مهندس صحرایی منهای یک دسته

زیر امرش قرار می‌گیرد از ساعت ۱۸۰۰ گردان ۳ تیپ ۲ پیاده

روز ۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۹

از زیر امر ۳ تیپ جدا می‌شود

گردان ۱۲ تانک منهای یک دسته

گردان ۱ تیپ دو پیاده

گروهان کماندوی تیپ ۲

یک گروهان مکانیزه از گردان ۱۱ مکانیزه

۲- مأموریت

تیپ ۲ پیاده (منهای دو گردان) همراه با یگان‌های زیر امر در ساعت ۱۹۳۰ روز «ر» پیشروی به مواضع دشمن واقع در شبکه‌های ۸۷۱۱-۸۷۱۲-۸۷۱۴ تک نموده و دشمن را منهدم و بیرون می‌راند و اشغال مواضع تاکتیکی مهم را در مختصات ۸۷۱۱ و امتداد آن را در اولین شب کامل نموده و اشغال سایر قسمت‌های هدف را قبل از آغاز روشنایی روز (۱+ر) به اتمام می‌رساند.

۳- اجراء

الف- وضعیت کلی: تک در دو جبهه به شرح زیر اجرا می‌شود.

یکم: جبهه اول

گردان ۳ تیپ ۲ پیاده از مختصات ۸۴۱۳ پیشروی و به منطقه تاکتیکی مهم واقع در مختصات ۸۷۱۱ تک نموده و تپه واقع در شبکه ۸۶۱۲ و ۸۵۱۲ را تصرف، تا تک گردان ۱ تیپ ۳۹ پیاده را در خلال پیشروی آتش روی جاده تأمین نماید.

گردان ۱ تیپ ۳۹ پیاده در ساعت ۲۰۳۰ روز «ر» به مواضع دشمن واقع در شبکه‌های ۸۷۱۳ و ۸۷۱۴ تک نموده، دشمن را منهدم و عقب می‌راند. ضمناً وظایف واگذاری را قبل از روشنایی روز (۱+ر) به پایان رسانده، وصول گروهان ۲ تانک (منهای دو دسته) را به منطقه هدف‌های قبل از روشنایی روز (۱+ر) تأمین می‌کند.

دوم: جبهه دوم

گردان ۱ تیپ ۳۹ در ساعت «ک» تک و اشغال هدف‌های تیپ را کامل نموده، همچنین وصول دو دسته تانک را به هدف‌ها، قبل از روشنایی روزی که حمله آغاز شده تأمین می‌نماید.

ب- گروه رزمی گردان ۳ تیپ ۲

یکم: سازمان رزمی

زیر امر

۳ گروه موشک میلان

۲ گروه موشک تاو

۲ گروه موشک مالیوتکا

یک گروه موشک استرلا از آتشبار ۸۵ ضد هوایی

آتشبار ۲ گردان ۴۷ توپخانه صحرایی

در پشتیبانی مستقیم

در پشتیبانی توپخانه منطقه منهای آتشبار ۲ گردان ۴۷ توپخانه صحرایی
یک دسته از گروه ۱۳ مهندسی صحرایی

دوم: وظیفه

(۱) جبهه اول در ساعت ۱۹۳۰ روز «ر» از مختصات ۸۴۱۳ پیشروی و به منطقه تاکتیکی مهم در ۸۷۱۱ و ۸۷۱۲ تک نموده تپه واقع در شبکه‌های ۸۶۱۲ و ۸۵۱۲ را به منظور حمایت از پیشروی گردان ۱ پیاده تیپ ۳۹ در جاده تأمین می‌نماید و دشمن را منهدم و از منطقه مزبور به عقب می‌راند و قبل از روشنایی روز (۱+ر) وظایف مربوطه را به پایان می‌رساند.

(۲) جبهه دوم - احتیاط

پ- گروه رزمی گردانی ۱ تیپ ۳۹ پیاده

یکم: سازمان رزمی

زیر امر

گروهان ۲ از گردان ۷ تانک

یک دسته خمپاره‌انداز از آتشبار ۵ سبک

۴ گروه موشک مالیوتکا

۳ قبضه توپ ۱۰۶ مم

یک دسته استرلا از آتشبار ۸۵ ضد هوایی

آتشبار ۳ گردان ۳۷ توپخانه

در پشتیبانی مستقیم

در پشتیبانی توپخانه منطقه منهای آتشبار ۳ گردان ۳۷ توپخانه صحرایی
یک دسته از گروهان ۱۳ مهندسی صحرایی

دوم: وظیفه

(۱) جبهه اول: در ساعت ۲۰۳۰ روز «ر» پیشروی و به مواضع دشمن واقع در شبکه ۸۷۱۳ و ۸۷۱۴ تک نموده، دشمن را منهدم و از آن بیرون می‌نمایند و وظایف محوله را قبل از روشنایی (۱+ر) به پایان رسانده و به وصول گروهان تانک (منهای دو دسته) به منطقه هدف‌های مربوطه قبل از روشنایی روز (۱+ر) و استقرار یگان مزبور در داخل مواضع حفر شده به وسیله گردان، در خلال شب به منظور سد پاتک احتمالی ادوات زرهی دشمن تا لجمن کمک می‌نماید.

۲) جبهه دوم: در ساعت «ک» پیشروی نموده، اشغال هدف‌های تیپ را در جناح چپ کامل و وصول دو دسته تانک را به هدف‌های مربوطه قبل از روشنایی روز حمله، تأمین می‌نمایند.

ت- گردان ۵ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص

یکم: سازمان رزمی

زیر امر یک دسته خمپاره‌انداز از آتشبار ۱۷ سبک

در پشتیبانی مستقیم یک آتشبار از گردان ۷۸ توپخانه صحرایی

در پشتیبانی توپخانه منطقه منهای آتشبار از گردان ۷۸ توپخانه صحرایی

دوم: وظیفه احتیاط عمومی تیپ به منظور مقابله و پیش‌گیری از وضعیت‌های غیرقابل

پیش‌بینی.

سوم: موقعیت

در مرحله یکم در مواضع دفاعی کنونی گردان ۳ تیپ ۲ در شبکه ۸۳۱۰ و در مراحل

بعدی، تک یگان‌های گردان ۳ تیپ ۲ و گردان ۱ تیپ ۳۹ را به طرف هدف‌های مربوطه

دنبال می‌نماید.

ث- گروهان ۲ گردان ۷ تانک

یکم: زیر امر گردان ۱ تیپ ۳۹ قرار می‌گیرد.

دوم: وظیفه

۱) جبهه یکم: گروهان ۲ زرهی (منهای دو دسته) از مواضع فعلی خود واقع در

شبکه ۸۲۱۰ به طرف مواضع دشمن در شبکه‌های ۸۷۱۳ و ۸۷۱۴ که اشغال این

مواضع به وسیله گردان ۲ تیپ ۳۹ به پایان رسیده، قبل از روشنایی روز (۱+ر) پیشروی

نموده و مواضع حفرشده در خلال شب از سوی گردان مذکور را به منظور سد پاتک

احتمالی ادوات زرهی دشمن اشغال می‌نماید.

۲) جبهه دوم: دو دسته تانک باقیمانده در مواضع کنونی در مختصات ۸۲۱۰ به

طرف هدف‌های تیپ در جناح چپ پیشروی و پس از اشغال هدف‌ها، قبل از روشنایی

روز تک مواضع حفرشده در خلال شب از سوی گردان ۱ تیپ ۳۹ را به منظور سد پاتک

احتمالی ادوات زرهی دشمن اشغال می‌نماید.

ج- توپخانه

یکم: توپخانه صحرایی (در پشتیبانی تمام منطقه)

- (۱) آتشبار ۲ گردان ۴۷ توپخانه صحرایی در پشتیبانی مستقیم گردان ۳ تیپ ۲
- (۲) آتشبار ۳ گردان ۳۷ توپخانه صحرایی در پشتیبانی مستقیم گردان ۱ تیپ ۳۹
- (۳) یک آتشبار گردان ۷۸ توپخانه صحرایی در پشتیبانی مستقیم گردان ۵ تیپ ۳۲

نیروی مخصوص

- (۴) آتشبار ۱ گردان ۴۷ توپخانه صحرایی
- (۵) آتشبار ۳ گردان ۷۶ توپخانه صحرایی
- (۶) آتشبار ۱ گردان ۱۶ توپخانه صحرایی
- (۷) آتشبار ۲ گردان ۱۶ توپخانه صحرایی
- (۸) یک آتشبار از گردان ۷۷ توپخانه صحرایی (در پشتیبانی تمام منطقه)
- (۹) یک آتشبار به اضافه یک دسته از گردان ۵۳ توپخانه متوسط
- (۱۰) یک دسته توپخانه متوسط ۱۳۰ م از گردان ۸۱ توپخانه متوسط
- (۱۱) دو دسته ... ؟ (نامعلوم - مترجم)

دوم: توپخانه سبک

- (۱) یک دسته از آتشبار ۵ سبک (زیر امر گردان ۱ تیپ ۳۹)
- (۲) یک دسته از آتشبار ۱۷ سبک (زیر امر گردان ۵ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص)

سوم: هدف یاب

- (۱) دسته صوت (در پشتیبانی تمام منطقه)
- (۲) دسته رادار سامبلین

چهارم: پدافند هوایی

جنگ افزارهای پدافند هوایی موجود در منطقه تیپ به شرح زیر اختصاص می یابد:

(۱) قرارگاه تیپ ۲ پیاده:

یک دسته شلیکا از آتشبار ضد هوایی ۸۵ م مستقل

یک دسته ۵۷ م از آتشبار ۶ گردان ۵۸ ضد هوایی

(۲) گردان ۳ تیپ ۲ پیاده:

یک گروه استرلا از آتشبار ۶ ضد هوایی ۸۵ م

(۳) گردان ۱ تیپ ۲ پیاده:

یک گروه استرلا از آتشبار ۶ ضدهوایی ۸۵م

چ- مهندسی

گردان ۱۳ مهندسی صحرایی (منهای یک دسته) بنا به درخواست به شرح زیر انجام

می‌دهد:

(۱) پاک کردن میدان مین

(۲) ایجاد مواضع دفاعی صحرایی

(۳) ایجاد جاده و مرمت آنها

(۴) به شرح زیر اختصاص می‌دهد:

(الف) یک دسته مهندسی صحرایی در پشتیبانی گردان ۳ تیپ ۲ پیاده

(ب) یک دسته مهندسی صحرایی در پشتیبانی گردان ۱ تیپ ۳۹ پیاده

(ج) چهار دستگاه بولدوزر تعیین که یگان‌های گروه رزمی گردان ۱ تیپ ۳۹

پیاده را دنبال نماید تا در طول شب و قبل از روشنایی روز (۱+ر)، مواضع تانک‌ها را

حفر نمایند و یک دستگاه بولدوزر نیز در نزدیکی قرارگاه تیپ به منظور استفاده در

مواقع اضطراری باقی بماند.

ح- دستورات هماهنگی

یکم: زمان‌ها

۱- ساعت «س» گردان ۳ تیپ ۲ ساعت ۱۹۳۰ روز «ر»

۲- ساعت «س» گردان ۱ تیپ ۳۹ ساعت ۲۰۳۰ روز «ر»

۳- ساعت «ک» از سوی قرارگاه لشکر ۲ تعیین خواهد شد.

پیوست «ب»

پیوست «ج»

دوم: خط عزیمت

سوم: خطوط حد

چهارم: منطقه تجمع

پنجم: مناطق آرایش و صورت‌بندی

ششم: طرح آتش

هفتم: جو

- ۱- یک قسمت هواشناسی به فرارگاه تیپ ۲ واگذار می‌شود.
 - ۲- یک قسمت هواشناسی به فرارگاه گردان ۳ تیپ ۲ واگذار می‌شود.
 - ۳- یک قسمت هواشناسی به فرارگاه گردان ۱ تیپ ۳۹ واگذار می‌شود.
- هشتم: هر سرباز گردان ۳ تیپ ۲ و گردان ۱ تیپ ۳۹ تعداد ۱۰ کیسه شنی با خود حمل نماید.
- نهم: اشغال عارضه تاکتیکی واقع در ۸۷۱۱ بنا به دستور در ارجحیت یکم و تحکیم آن قبل از روشنایی روز (۱+ر) ضروری است.
- دهم: تأمین خط عزیمت یگان‌های تک‌کننده و مسیرهای حرکت گردان ۳ تیپ ۲ و گردان ۱ تیپ ۳۹ در جلوه کنونی جلویی منطقه نبرد بایستی با اعزام گشتی‌های رزمی برقرار شود.
- یازدهم: پس از اشغال هدف‌ها به وسیله گردان ۱ تیپ ۳۹ پیاده، لازم است که سریعاً تانک‌ها را گردند تا مواضع تهیه‌شده از سوی یگان‌های تک‌ور را قبل از روشنایی روز (۱+ر) به منظور سد پاتک عناصر زرهی و مکانیزه دشمن اشغال نمایند.
- دوازدهم: وسایل تحکیم هدف و مین‌ها و مهمات و بولدوزرها هرچه سریع‌تر به جلو انتقال یابند تا سریعاً پس از اشغال هدف به تحکیم آن بپردازد.
- سیزدهم: ضروریست که جنگ‌افزارهای ضدتانک قبل از روشنایی روز (۱+ر) در مواضع مستحکم روی هدف مستقر گردند.
- خ- پزشکی
- یکم: مجروحین به نقطه جمع‌آوری مجروحین واقع در منطقه عبدالله سالم در مختصات ۷۳۰۷ تخلیه می‌شوند.
- دوم: یگان ۱۳ بهداری صحرایی، ایستگاه امداد پزشکی و پانسمان جلویی را در منطقه لجمه واقع در شبکه ۶۳۲۲ تأسیس نماید.
- سوم: مجروحین سخت و شدید به بیمارستان مندلی تخلیه می‌شوند.
- چهارم: مرکز جراحی جلویی در منطقه درجان تشکیل می‌شود.
- پنجم: مجروحین شدید از منطقه لجمه به وسیله هلی‌کوپتر به بیمارستان نظامی بعقوبه تخلیه می‌گردند.

د- تعمیر و نگهداری

یکم: مسئولیت تعمیر و نگهداری ضایعات خط اول با گروه تعمیر و نگهداری تیب است.
دوم: نقطه جمع‌آوری لشکر در ترساق.
سوم: خودروها، ادوات زرهی، توپخانه خسارت‌دیده از نقطه جمع‌آوری لشکر به مندلی (فرماندهی لشکر ۱۲ زرهی) تخلیه می‌شوند.
چهارم: از طریق لشکر ۲ گروه‌های تعمیر و نگهداری جلویی سیار به منظور تخلیه سریع وسایل خسارت‌دیده به جلو بدره - مندلی اعزام خواهد شد.

۴- امور اداری

الف- مهمات

یکم: کلیه یگان‌ها انواع مهمات مورد نیاز خط اول و دوم را دریافت نمایند.
دوم: نقطه مهمات (انواع مهمات) در نزدیکی پاسگاه کنترل بدره - سیف سعد (منطقه میمک) واقع در مختصات ۸۷۶۴ تأسیس شود.
سوم: نقطه جلو مهمات به منظور واگذاری مهمات در حالات اضطراری در شبکه ۷۳۰۰ تأسیس گردد.
چهارم: کلیه مهمات از ذخایر بدره دریافت می‌گردد و فوراً یگان‌ها مهمات مورد نیاز خود را برآورد نمایند.
پنجم: یک نفر افسر از طرف لشکر ۲ تعیین و به منظور سرپرستی نقطه مهمات، گمارده شده است.

ب- سوخت

یکم: باک کلیه خودروها و همچنین کلیه بشکه‌های سوخت را پر نمایند.
دوم: یگان‌ها سوخت مورد نیاز خود را از پمپ بدره و مندلی تأمین نمایند.
سوم: نقطه سوخت سیار برای مواقع اضطراری تشکیل شده و در مواقع لزوم استفاده شود.

پ- آب

یکم: کلیه قمقمه‌ها و بشکه‌ها با استفاده از خودروهای تانکر آب پر شود.
دوم: یگان‌ها آب مورد نیاز خود را از نقطه آب بدره و مندلی تأمین نمایند.
سوم: نقطه آب در ترساق تأمین شده در مواقع اضطراری از آن استفاده نمایند.

ت- خواروبار

یکم: جیره جنگی را برای ۷۲ ساعت دریافت نمایند.
دوم: پس از پایان اشغال هدف‌ها، یگان‌ها مستقیماً خواروبار فاسدشدنی را دریافت و طبخ نمایند.
سوم: یگان‌ها خواروبار فاسدشدنی و فاسدنشدنی را از انبارهای مندلی و بدره دریافت کنند.

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- موقعیت

یکم: قرارگاه جلویی لشکر ۲ در ترساق
دوم: قرارگاه اصلی لشکر ۲ در بدره
سوم: قرارگاه عقبی لشکر ۳ در جسان
چهارم: قرارگاه متحرک تیپ ۲ پیاده در شبکه ۸۴۱۲
پنجم: قرارگاه جلویی تیپ ۲ پیاده در شبکه ۸۳۱۰
ششم: قرارگاه تیپ ۳ پیاده در پاسگاه هیله (هلاله) در ۷۷۱۷
هفتم: قرارگاه تیپ ۳۹ پیاده در شبکه ۸۳۱۰
هشتم: قرارگاه تیپ گارد جمهوری در لجمه در مختصات ۶۳۲۲

ب- ارتباطات

یکم: در مواقع تماس با دشمن سکوت رادیویی رعایت گردد.
دوم: در موقع برقراری تأمین، ارتباط باسیم و بی‌سیم بین قرارگاه و یگان‌های مقدم تأکید می‌گردد.
سوم: از اساس رمز و کدها به هنگام استفاده از وسایل بی‌سیم استفاده گردد و از مخابره و ارسال پیام به صورت کشف خودداری گردد.
چهارم: گروهان قرارگاه تیپ و مخابرات تیپ به شرح زیر اقدام نمایید:
(۱) تعدادی وسایل ارتباطی بی‌سیم را به عنوان احتیاط مشخص نمایید.
(۲) تعداد کافی باطری پیش‌بینی نمایید.
(۳) گروه‌های سیم‌کش در پشت یگان‌های تک‌ور باشند و به سرعت شبکه ارتباط باسیم را برقرار کنند.

پیوست ۴: نمونه مصاحبه با اسرای دشمن و... / ۳۱۹

پیوست «د»

اعلام وصول نمایید.

فرمانده تیپ ۲ پیاده - سرهنگ ستاد سالم قاسم عمر

پیوست‌ها:

پیوست «الف» اطلاعات

پیوست «ب» کالک

پیوست «ج» طرح آتش

پیوست «د» دستورات مخابرات

یگان و سازمان	دستور عملیاتی شماره ۶ همراه با پیوست «الف» و «ب»	پیوست «ج»	پیوست «د»
گردان ۳ تیپ ۲	۱	۱	۱
گردان ۱ تیپ ۳۹	۲	۲	۲
گردان ۵ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص	۳	۳	۳
گروهان ۲ گردان ۷ تانک	۴	۴	۴
گروهان ۴ گردان ۵ تانک	۵	-	-
گردان ۴۷ توپخانه صحرائی	۶	۵	۵
آتشبار ۱۳ سبک	۷	-	-
آتشبار ۸۵ ضد هوایی	۸	-	-
آتشبار ۶ گردان ۵۸ ضد هوایی سبک	۹	-	-
گروهان ۱۳ مهندسی صحرائی	۱۰	-	۷
نامفهوم	۱۱	-	۸
قرارگاه جلویی لشکر ۲	۱۲	۷	۹
قرارگاه اصلی لشکر ۲	۱۳	۸	۱۰
قرارگاه تیپ ۳ پیاده	۱۴	۹	۱۱
قرارگاه تیپ ۳۹ پیاده	۱۵	۱۰	۱۲
قرارگاه تیپ گارد جمهوری	۱۶	۱۱	۱۳
فرماندهی تیپ	۱۷	۱۲	۱۴
معاونت تیپ	۱۸	۱۳	۱۵
نامفهوم	۱۹	۱۴	۱۶
نامفهوم	۲۰	۱۵	۱۷
نامفهوم	۲۱	۱۶	۱۸
نامفهوم	۲۲	۱۷	۱۹
نامفهوم	۲۳	۱۸	۲۰
گروهان مخابرات تیپ	۲۴	۱۹	۲۱
پرونده	۲۵-۲۶	۲۰-۲۱	۲۲-۲۳
محله جنگ	۲۷-۲۸	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵
احتیاط	۲۹-۳۰	۲۴-۲۵	۲۶-۲۷

بکلی سری شخصاً مفتوح فرماید

پیوست «الف» به دستور عملیاتی شماره ۶

گزارش اطلاعاتی شماره ۴ سال ۱۹۸۱ میلادی

نقشه‌های مورد استفاده / بدره - مندلی - زرباطیه - ایلام ۱/۱۰۰۰۰۰

۱- گسترش یگان‌های دشمن

الف- پیاده

اولاً: نیروهای دشمن در منطقه شامل دو گردان پیاده، یکی از آن دو گردان مکانیزه ۱۹۵ (بی ام پی ۱) از تیپ ۱ زرهی لشکر ۸۱ و دیگری شامل داوطلبین، پاسدار و افراد ژاندارمری می‌باشد.

ثانیاً: گسترش یگان‌های دشمن به شرح زیر:

(۱) گردان پیاده در مختصات‌های ۸۵۱۷ و ۸۴۱۶ و ۸۴۱۷

(۲) یک گروهان پیاده در ۸۵۱۵ و ۸۶۱۲ و ۸۶۱۳

(۳) یک گروهان پیاده در ۸۳۱۸

(۴) دو دسته پیاده در ۸۷۱۳

(۵) یک گروهان پیاده در ۸۷۱۲

(۶) قرارگاه گردان مکانیزه در ۸۵۶۱۶۲

ثالثاً: مواضع پیاده در دامنه ارتفاعات عقبی که قسمت وسط آن را مستحکم نموده است.

ب- زرهی

نیروهای زرهی دشمن در منطقه شامل گردان ۲۱۷ تانک که به شرح زیر در منطقه

گسترش یافته است:

یکم: یک دسته تانک در مختصات ۸۶۱۶

دوم: یک گروهان تانک در مختصات ۸۷۱۲

سوم: یک دسته تانک در مختصات ۸۵۱۷

چهارم: یک گروهان تانک در مختصات ۹۰۱۵

پنجم: دو دسته تانک در مختصات ۸۵۱۶ و ۸۸۱۳

ششم: نامفهوم

پ- توپخانه

- یکم: ۳ قبضه توپ خودکشی در ۹۰۱۵
- دوم: بین ۶ الی ۸ قبضه توپ ۱۵۵م خودکشی
- سوم: ۳ قبضه توپ ۱۳۰م
- چهارم: مناطق احتمالی توپخانه در ۹۴۱۲-۹۲۱۰-۹۲۰۹-۹۰۱۵-۸۶۱۹-۸۷۲۳
- پنجم: دو قبضه موشک انداز بدون عقب نشینی در ۸۷۲۳ و ۹۴۱۲
- ششم: ۸ قبضه خمپاره انداز ۱۲۰م در ۸۳۱۸ و ۸۶۱۵
- هفتم: دیده بان های توپخانه در ۸۵۱۷-۸۶۲۰-۸۴۲۳-۸۵۱۵-۸۳۱۶-۸۶۲۳-۸۵۱۸
- ت- جنگ افزار ضد هوایی
- جنگ افزارهای ضد هوایی استرلا- توپ های ۵۷م و ۳۷م در مختصات های ۹۰۱۳ و ۹۱۱۴ و ۸۶۱۲ و ۰۴۰۴ مستقر هستند.
- ث- جنگ افزارهای ضدتانک
- جنگ افزارهای ضدتانک از نوع تاو- دراگون در مواضع یگان های پیاده وجود دارد که راه ها و دره های نفوذی و مورد استفاده تانک ها را پوشانیده است.
- ج- میادین مین
- ایجاد میادین مین از سوی دشمن تأیید نمی گردد و فقط احتمال می رود که در جلو مواضع خود، میادین مین احداث نموده باشند.

۲- فعالیت های دشمن

- الف- اجرای آتش توپخانه به طور پراکنده بر روی یگان ها و قرارگاه ها به منظور وارد ساختن تلفات و خسارات
- ب- اجرای کمین در دره ها و زمین های گسسته منطقه به منظور وارد ساختن تلفات و ضایعات
- ت- اجرای شناسایی و اعزام گشت های محدود در منطقه به منظور یافتن و مشخص ساختن میادین مین
- ث- قطع جاده های منطقه و به خصوص در منطقه دیده بانی ۸۳۱۸ به منظور وصول خودروها و جنگ افزارهای ضدتانک و سایر نیروها
- ج- تهیه موانع مستحکم در ارتفاعات عقب و اختفای آن
- ح- کوشش به منظور به دست آوردن تجهیزات و وسایل عراقی به ویژه وسایل شخصی

خ- به کار بردن گلوله‌های منور در طول شب که نشان می‌دهد دشمن فاقد آموزش شبانه است.

د- کاربرد تانک‌ها در مواضع جلویی

۳- روش‌های جنگی دشمن

الف- دشمن از گروه‌ها و دسته‌های پیاده عشایر در جلو یگان‌های خود و از پاسداران به عنوان تقویت در عقب عناصر ارتش استفاده می‌نماید.

ب- دشمن به هنگام تک و تصرف هدف از دره‌ها استفاده نموده و با حالت پدافندی از داخل دره‌ها عبور می‌نماید.

ت- پشتیبانی عملیات آفندی با حجم زیاد آتش با به کار گرفتن علیه توپخانه‌های موجود
ث- دشمن در نبرد و درگیری با یگان‌های خودی از اصول جنگ‌های نامنظم پیروی می‌نماید.

ج- دشمن در مورد جنگ و عملیات شبانه آموزش نداشته و ضعیف است کما اینکه در تمام طول شب گلوله‌های منور به کار می‌برد.

۴- هدف‌های دشمن

الف- تقویت و استحکام پیروزی در منطقه (منطقه میمک - مترجم) و گسترش مناطق اشغال شده

ب- انجام اقدامات سریع بدون توجه به نتایج بعدی

ت- حفاظت و نگهداری مناطق اشغالی با حفر و ایجاد مواضع مستحکم برای نفرات و تانک‌ها

ث- پیشروی پس از تجدید سازمان یگان‌های خود به طرف جناح چپ مواضع دفاعی با ادوات زرهی و اشغال کامل منطقه میمک و اشغال پاسگاه‌های نی‌خزر و هلاله

۵. روحیه دشمن

الف- در نتیجه خسارات وارده به دشمن در درگیری گذشته و همچنین در نتیجه اثرات آتش توپخانه خودی روحیه دشمن متوسط است.

ب- دشمن از لحاظ خواروبار در مضيقه است.

ت- دیده بان های جلو دشمن به علت اینکه مدت طولانی در منطقه بوده اند تقاضای تعویض می نمایند.

ث- پرسنل دشمن به علت محدودیت مرخصی ناراحتند.

افسر استخبارات تیپ ۲ پیاده

سرگرد ستاد: نشون زندن یونس

پیوست ۵

اسامی فرماندهان و افسران عمل کننده

تیپ ۱ لشکر ۸۱ در عملیات میمک

به روایت کتاب شمشیر پیروزی*

* کیانی، سورنا، سرگرد زرهی، شمشیر پیروزی، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اجا، ۱۳۸۳.
توضیح: به منظور افزایش ارزش محتوایی کتاب، مطالب این قسمت از منبع مذکور انتخاب و به این کتاب اضافه گردید.
(ویراستار، سرتیپ ۲ صادقی گویا)

اسامی فرمانده و افسران عمل کننده قرارگاه و گروهان قرارگاه تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرهنگ ۲	پیاده ستاد	اسماعیل سهرابی	فرمانده تیپ ۱ لشکر ۸۱
۲	سرگرد	زرهی ستاد	محسن سفیری	معاون و ریاست ستاد تیپ ۱ لشکر ۸۱
۳	سرگرد	پیاده	رزمجو	رئیس رکن ۱ تیپ ۱ زرهی
۴	سرگرد	پیاده	الله‌مراد شادرام	رئیس رکن ۲ تیپ ۱ زرهی
۵	سروان	زرهی ستاد	مهدی رسولی	رئیس رکن ۳ تیپ ۱ زرهی
۶	سروان	ترابری	یوسف اسماعیلی	رئیس رکن ۴ تیپ ۱ زرهی
۷	سرگرد	مخابرات	فتح‌الله ارشاد	افسر مخابرات تیپ ۱ زرهی
۸	سرگرد	مخابرات	محمدزاده	افسر تهیه و تنظیم کننده دستورات مخابراتی و ارتباط (به تیپ مأمور شده بود)
۹	سروان	مهندس	سیف‌الله ارجمند	فرمانده گروهان سوم گردان ۴۳۴ مهندسی
۱۰	ستوان ۲	مخابرات	علی‌آبادی	فرمانده دسته مخابرات تیپ ۱ زرهی
۱۱	ستوان یکم	سررشته‌داری	محمد اصغری	سرپرست نقطه آماد تیپ ۱ زرهی
۱۲	ستوان یکم	پزشک (وظیفه)	محمد رضا امامی‌فر	سرپرست گروهان بهداری تیپ ۱ زرهی
۱۳	سروان	اردنانس	منصور شهبازی	فرمانده گروهان تعمیر و نگهداری تیپ ۱ زرهی
۱۴	ستوانیار ۲	پیاده	پورقباد	سرپرست گروهان قرارگاه تیپ ۱ زرهی

سرگرد زرهی ستاد محسن سفیری در ابتدا رئیس رکن سوم لشکر ۸۱ زرهی بودند و از تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۱ به عنوان معاون تیپ ۱ زرهی منتصب شدند. قبل از ایشان سرهنگ ۲ علی‌اکبر سهرابی سمت معاونت تیپ را به عهده داشتند.

اسامی فرماندهان و افسران ستاد گردان ۱۲۳ مکانیزه در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرگرد	پیاده	ابوالقاسم رضایی	فرمانده گردان ۱۲۳ پیاده مکانیزه
۲	سرگرد	پیاده	رضا منفرد	معاون گردان ۱۲۳ پیاده مکانیزه
۳	ستوان یکم	پیاده	محمدی	فرمانده گروهان یکم
۴	ستوان یکم	پیاده	کیومرث نظری	فرمانده گروهان دوم
۵	ستوان یکم	پیاده	گودرزی	فرمانده گروهان سوم
۶	استوار یکم	پیاده	مصطفی کوهی	رکن ۱ گردان
۷	استوار یکم	پیاده	دوستی	رکن ۲ گردان
۸	سروان	پیاده	اکبر پایدار	رکن ۳ گردان
۹	—	—	—	رکن ۴ گردان

اسامی فرماندهان و افسران ستاد گردان ۱۹۵ مکانیزه در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرگرد	پیاده	محمود کروندی	فرمانده گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه
۲	سرگرد	پیاده	ناصر طالبیان	معاون گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه
۳	سرگرد	پیاده	پرویز خلف بیگی	کمک و مشاور فرمانده گردان
۴	ستوان یکم	پیاده	صادق پورشیانی	فرمانده گروهان یکم
۵	ستوان یکم	پیاده	بحرینی	فرمانده گروهان دوم
۶	ستوان یکم	پیاده	محمود حاتم	فرمانده گروهان سوم
۷	ستوان یکم	پیاده	اسدی	فرمانده گروهان ارکان
۸	استوار یکم	پیاده	زینال نژاد	رکن ۱ گردان
۹	استوار یکم	پیاده	منوچهر سرباز وطن	رکن ۲ گردان
۱۰	سرگرد	پیاده	پرویز صالح زهی	رکن ۳ گردان
۱۱	ستوان یکم	پیاده	لطفعلی محبی	رکن ۴ گردان

پس از شهادت ستوان یکم پیاده صادق پورشیانی در اولین روز عملیات، ستوان یکم پیاده ابوالفضل قنبری به فرماندهی گروهان یکم گمارده شد. وی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۲ در اثر اصابت ترکش خمپاره مجروح گردید و هم اکنون در زمره جانبازان ارتش جمهوری اسلامی ایران می باشد.

اسامی فرماندهان و افسران ستاد گردان ۲۱۷ تانک در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرگرد	زرهی ستاد	علی اصغر خوارزمی	فرمانده گردان ۲۱۷ تانک
۲	---	---	---	معاون گردان ۲۱۷ تانک
۳	ستوان یکم	زرهی	عبداللهی پاکزاد	فرمانده گروهان یکم تانک
۴	ستوان یکم	زرهی	ضیایی	فرمانده گروهان دوم تانک
۵	ستوان یکم	زرهی	یدالله عسگری	فرمانده گروهان سوم تانک
۶	سرگرد	زرهی	عبدالله رحیمی	فرمانده گروهان ارکان
۷	---	---	---	رکن ۱ گردان
۸	سروان	زرهی	مهدی یلی نژاد	رکن ۲ گردان
۹	سروان	زرهی	منصور رزاقی	رکن ۳ گردان
۱۰	سروان	زرهی	محمد مداری	رکن ۴ گردان

اسامی فرماندهان و افسران ستاد گردان ۲۲۲ تانک در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرهنگ ۲	زرهی ستاد	عبداللهی فیروزی	فرمانده گردان ۲۲۲ تانک
۲	سرگرد	زرهی	بهمن پارساپور	معاون گردان ۲۲۲ تانک
۳	سروان	زرهی	ابراهیم حزینی	فرمانده گروهان یکم تانک
۴	سروان	زرهی	صادق سلیمانی	فرمانده گروهان دوم تانک
۵	ستوان یکم	زرهی	فریدون نامداری	فرمانده گروهان سوم تانک
۶	ستوان یکم	زرهی	بهرام مینایی مقدم	رکن ۱ گردان
۷	ستوان یکم	زرهی	یحیی شریعتی	رکن ۲ گردان
۸	سروان	زرهی	کمال الدین ساعدی	رکن ۳ گردان
۹	سروان	زرهی	محمد حاتمی فر	رکن ۴ گردان

اسامی فرماندهان و افسران ستاد گردان ۳۹۶ توپخانه در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرگرد	توپخانه	حمید گمرکیان	فرمانده گردان ۳۹۶ توپخانه
۲	سرگرد	توپخانه	رهبر آراسته	معاون گردان ۳۹۶ توپخانه
۳	سروان	توپخانه	شیرمحمد محمدی	فرمانده آتشبار یکم
۴	ستوان یکم	توپخانه	علی متقی (کمری)	فرمانده آتشبار دوم
۵	سروان	توپخانه	ارسلان اصلانی	فرمانده آتشبار سوم
۶	سروان	توپخانه	علاءالدین احمدی	فرمانده گروهان ارکان
۷	ستوان سوم	توپخانه	ابراهیم گدازگر	رکن ۱ گردان
۸	استوار یکم	توپخانه	منصوری	رکن ۲ گردان
۹	سروان	توپخانه ستاد	محمد زارعی	رکن ۳ گردان
۱۰	سروان	توپخانه	خسرو هدایتی	رکن ۴ گردان
۱۱	ستوان یکم	توپخانه	ماشاءالله نوروزی	دیده بان
۱۲	ستوان سوم	توپخانه	علی نعمتی تاجر	دیده بان
۱۳	ستوان سوم	توپخانه	سبزه علی سبزه ای	دیده بان

یک آتشبار ۱۳۰م (-) از گردان ۳۹۹ توپخانه تحت فرماندهی سرگرد توپخانه حسین تشکری گروه رزمی ۲۲۲ تانک (تک پشتیبان) را در منطقه کنجان چم پشتیبانی آتش می نمود. در عملیات میمک، علاوه بر گردان ۳۹۶ توپخانه یک آتشبار کاتیوشا، یک آتشبار ۱۷۵ م و یک آتشبار ۱۰۵م نیز یگان های رزمی را با اجرای آتش های خود، پشتیبانی می نمودند.

اسامی فرماندهان و افسران ستاد گردان ۷ پیاده سماجا در عملیات میمک

ردیف	درجه	رسته	نام و نشان	سمت
۱	سرهنگ ۲	پیاده	علی علیپور	فرمانده گردان ۷ پیاده سماجا
۲	سرگرد	پیاده	اوره‌ای	معاون گردان
۳	ستوان ۱	پیاده	علی اکبر حدادی	فرمانده گروهان یکم
۴	ستوان ۱	پیاده	منوچهر مشهدی علی اکبری	فرمانده گروهان دوم
۵	سروان	پیاده	کمال خالقیان	فرمانده گروهان سوم
۶	ستوان یکم	پیاده	احمد احمدی	ارکان ۱ و ۲
۷	سرگرد	پیاده	اسکندری	رکن ۳ گردان
۸	سروان	سررشته‌داری	احمدزاده	رکن ۴ گردان

این گردان از کارکنان ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که داوطلب حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی شده بودند، تشکیل یافته و جهت شرکت در عملیات، زیر امر تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه قرار گرفته بود.

به علت کمبود نیروهای انسانی لازم، ستوان یکم احمد احمدی در این گردان مسئولیت انجام امور ستادی در خصوص ارکان ۱ و ۲ را به عهده داشت.

تقدیر از برجستگان عملیات میمک

هرچند عموم افسران، درجه داران، سربازان و نیروهای مردمی (عشایر ایل خزل) شرکت کننده در این عملیات تا حد توان به خلق ایثار، فداکاری و رشادت در راه حفظ استقلال میهن و مجد و عزت دین مبین پرداختند، اما بر حسب وظیفه اخلاقی خود را ملزم دانستم که با توجه به اسناد و مدارک موجود، در خصوص کارکنانی که در این عملیات شایستگی بیشتری را از خود نشان داده اند به اختصار ذکری به میان آورم:

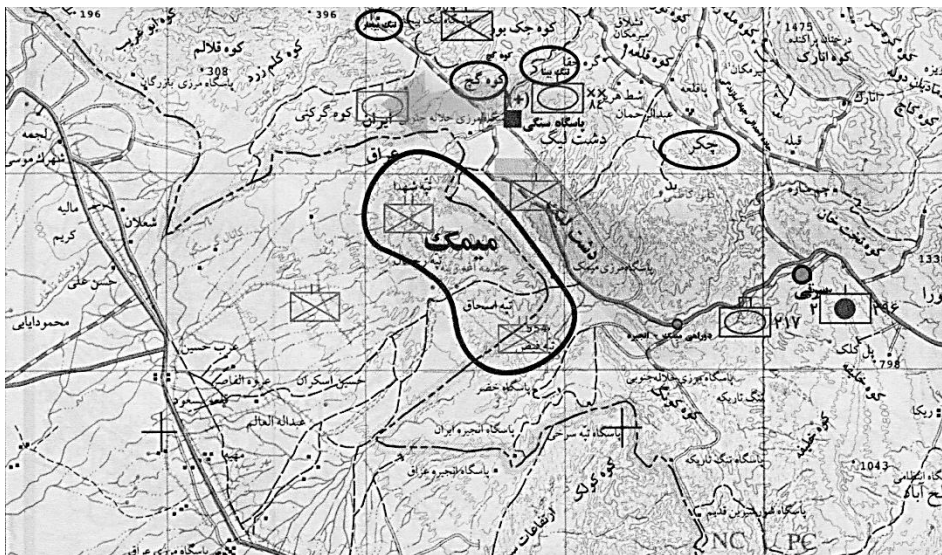
در این قسمت جای دارد از تلاش های صادقانه و فداکاری های کم نظیر فرمانده و ستاد تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، فرماندهان گردان های رزمی، فرماندهان گروهان ها و آتشبارهای عمل کننده، خلبانان شجاع هوانیروز، دیده بان های مقدم توپخانه، فرمانده گروهان بهداری، فرمانده گروهان تعمیر و نگهداری، فرمانده رسد آماد، نماینده مردم ایلام در مجلس شورای اسلامی^۱، افسر عقیدتی سیاسی و رابط بین تیپ و ایل خزل^۲ و سرپرست عشایر ایل خزل^۳ و عشایر رزم آوری که در جریان عملیات پیروزمندانه میمک درس ایثار و مقاومت و مردانگی را برای آیندگان این مرزوبوم به یادگار گذاشتند و در این راستا، تعدادی از نامبردگان به شهادت رسیده و عده ای هم جانباز شدند، یاد نماییم.

۱. آقای اسدالله عالی پور نماینده وقت مردم ایلام در مجلس شورای اسلامی بود.

۲. ستوان دوم وظیفه علی کرم محمدیان جمعی تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه بود. وی که از عشایر ایل خزل می باشد، پس از ترخیص از خدمت مقدس سربازی نقش رابط و هماهنگ کننده بین تیپ ۱ زرهی و عشایر ایل خزل را ایفا نمود و در جریان عملیات میمک تلاش چشمگیر و مؤثری را در این راستا به عمل آورد.

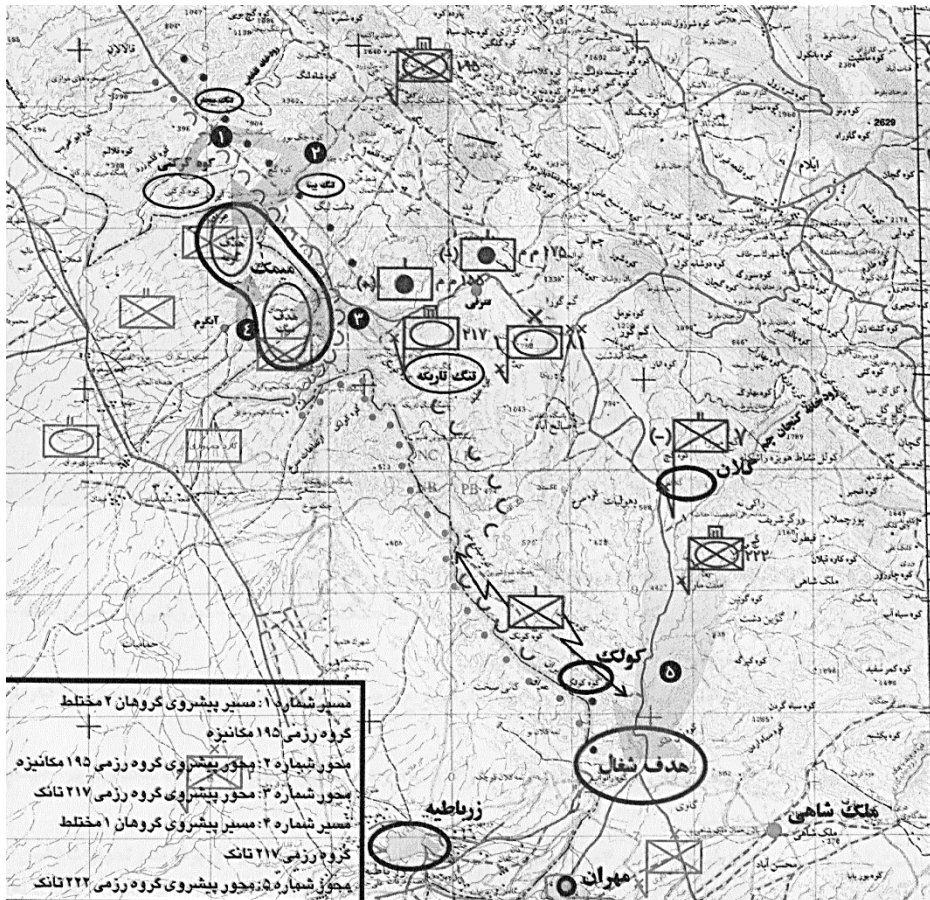
۳. آقای محمد چمن آرا در جریان عملیات میمک سرپرستی عشایر ایل خزل را به عهده داشت.

نقشه‌ها^۱



محل استقرار و محور پیشروی نیروهای خودی در عملیات پاسگاه سنگی

۱. منبع: کیانی، سورها، سرگرد زرهی، شمشیر پیروزی، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اجا، ۱۳۸۳



محل استقرار نیروهای دشمن و خودی و محورهای پیشروی یگان‌های تابعه
 تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی در عملیات میمک

نمایه

ارتفاعات کانی سخت، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۶،
۷۷، ۸۱، ۱۰۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۹۶، ۲۴۰،

۲۸۳، ۲۴۸

ارتفاعات کولک، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳،
۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۸۱، ۲۴۹

ارتفاعات گچ، ۱۶۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷،
۱۸۸

ارتفاعات ورزنو، ۱۱

ارجمند: سیف‌الله؛ سروان مهندس، ۱۲۴،

۱۸۰، ۳۲۶

ارشاد: فتح‌الله؛ سرگرد، ۱۳۹، ۳۲۶

اروند رود، ۲۵۷، ۳۰۸

اسدی: سپاهی، ۲۲۸

اسفندیاری: فریدون؛ سرهنگ، ۲، ۲۲۴

اسکندری: سرگرد، ۱۷۹، ۳۳۰

اسکندری: گروهان یکم، شهید، ۲۲۳

اسکوئی: استوار، شهید، ۲۲۰، ۲۲۱

اسلام‌آباد غرب، ۲۰، ۳۷، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۹،

۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۳، ۲۱۱، ۲۱۲،

۲۲۹، ۲۴۴، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۸۵

اسماعیلی: یوسف؛ سرهنگ، ۱۷۹، ۱۷۹، ۲۱۷،

۳۲۶

اصغری: محمد؛ ستوان یکم، ۲۲۰، ۳۲۶

اصلانی: ارسلان؛ سروان، ۳۲۹

اصلانی مقدم: مصطفی؛ ستوان دوم، ۱۸۴

امامی فر: محمدرضا؛ ستوان یکم پزشک،

۱۷۹، ۲۱۸، ۳۲۶

آ

آبادان، ۲، ۳۱، ۱۷۴، ۲۱۷، ۲۷۱، ۳۰۸

آذربایجان غربی، ۳۰، ۳۲

آراسته: رهبر؛ سرگرد، ۳۲۹

ا

ابراهیمی: اصغر؛ استاندار ایلام، ۱۰۷، ۲۴۲،

۳۰۲؛ دیدبان، ۲۲۸

احمدزاده: سروان، ۳۳۰

احمدی: احمد؛ ستوان یکم، ۳۳۰؛

علاءالدین؛ سروان، ۳۲۹

ارتفاع کله قندی، ۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۷۲،

۱۹۶، ۱۹۷، ۲۲۲، ۲۶۶، ۲۷۷، ۲۹۳،

۲۹۸، ۲۹۹

ارتفاع ۳۱۲، ۱۷۳

ارتفاع ۳۱۳، ۸، ۱۵۷

ارتفاع ۴۰۵، ۸، ۱۵۷، ۱۷۳، ۱۷۶

ارتفاع ۶۷۰، ۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۷۲،

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵

ارتفاعات چگر، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۱۶۴،

۱۶۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸

ارتفاعات خلیفه، ۱۱، ۱۸، ۲۳

ارتفاعات ذیل، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۲۴،

۲۵، ۲۷، ۲۸، ۶۴، ۲۲۳، ۲۸۳، ۲۸۴

ارتفاعات علی‌گره‌زد، ۳۹

امیری: بهروز؛ ستوان دوم، ۲۱۳

امیری: حجت‌الله؛ ستوان دوم، ۲۱۰

امیریان: بخشعلی؛ استوار یکم، ۲۲۲، ۲۸۸،

۲۹۸، ۲۹۳

اندیمشک، ۳۲

اوره‌ای: سرگرد، ۳۳۰

ایل خزل: عشایر، ۶، ۱۷، ۲۰، ۷۰، ۱۵۹،

۱۷۰، ۱۷۷، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲،

۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۳۵، ۳۳۱

ایلام، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۴۸، ۶۱، ۶۳،

۶۴، ۷۰، ۸۵، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۶۴،

۱۶۵، ۱۶۹، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۵،

۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸،

۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۵،

۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۵۴،

۲۷۱، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۷،

۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۳۱

پ

پادگان ابوذر، ۶۳، ۶۴، ۶۷

پارساپور: بهمن؛ سرگرد، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸،

۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۷۹، ۲۱۹،

۲۹۷

پاسگاه سنگی، ۱۶۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴،

۱۸۵، ۲۲۲

پاطاق: گردنه، ۴۸، ۶۱

پاکزاد: عبدالعلی؛ ستوان یکم، ۱۶۷، ۱۶۸،

۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۱،

۲۱۲، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶،

۲۹۵

پایکار: اکبر؛ سروان، ۱۷۹

پورشانی: صادق؛ سروان، شهید، ۱۷۳،

۱۹۸، ۲۲۱، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۲، ۳۲۷

پورقباد: ستوانیاردوم، ۳۲۶

ت

تانک ام-۴۷ ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۴،

۱۸۷، ۱۸۸، ۲۸۲

ترساق: منطقه، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۸۵، ۲۴۱،

۳۱۷، ۳۱۸

تشکری: حسین؛ سرگرد، ۳۲۹

تکمیل: عبدالله؛ سروان، ۱۷۹

تلخاب: رودخانه، پاسگاه، ۱۵، ۲۱، ۲۲، ۷۲،

۱۰۸، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۸۲، ۲۲۷،

۲۲۹، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۷۵

تنگ بیجار، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۵،

۷۲، ۱۶۴، ۲۱۷، ۲۳۸، ۲۵۸

ب

باباخانی: عبدالجبار؛ ستوان یکم، ۲۱۰

باباخانی: محمدعلی؛ ستوان دوم، ۲۲۶

باوندپور: ابراهیم؛ سرهنگ، ۷، ۴۷، ۵۲، ۵۷،

۵۹، ۶۲، ۶۷، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۵۶، ۲۳۲،

۲۴۲، ۲۵۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲،

۲۸۷

بحرینی: ستوان یکم، ۱۸۳، ۳۲۷

بسیج عشایری، ۷، ۷۰، ۷۷، ۲۲۴، ۲۴۶،

۲۶۷، ۲۷۱، ۲۸۰

بغداد، ۱۷۱، ۲۸۷، ۲۹۱، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸

حاتمی: هوشنگ؛ ستوان دوم، ۱۸۴

حدادی: علی اکبر؛ ستوان یکم، ۳۳۰

حیدری: رحیم؛ سروان، ۱۸۴

حیدری: فریدون؛ ستوان سوم، ۱۹۲

خ

خالقیان: کمال؛ سروان، ۳۳۰

خانقین: شهر، ۴۸، ۸۵، ۳۰۴، ۳۰۶

خرِ ناصر خان، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۲۶

خرمشهر، ۲، ۳۱

خسروی، ۴۸

خلف بیگی: پرویز؛ سرهنگ، ۱۷۹، ۲۱۹

۲۹۰، ۳۲۷

خواجeh زاده: علی؛ ستوانیاردوم، ۲۹۶

خوارزمی: علی اصغر؛ سرگرد، ۷، ۱۰۲، ۱۰۴

۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴

۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲

۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱

۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۳

۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۶۶، ۱۷۹

۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۰۸

۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۲۹

۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۸۰

۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۵

خوزستان، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۲۷۱

د

درویشی: شیخ مراد؛ ستوان یکم، ۲۰۵، ۲۱۴

دریک: لطف الله؛ ستوان دوم، ۲۲۲

دزفول، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶

تنگ بینا: محور، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵

۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴

۲۵، ۲۸، ۷۲، ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۵۰، ۱۵۱

۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۸۲، ۱۸۳

۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۲۸، ۲۳۰

۲۳۱، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۷۶، ۲۸۷، ۲۹۱

۲۹۲، ۲۹۸

تنگ تاریکه، ۸۱، ۱۶۴، ۱۹۶، ۲۱۴، ۲۱۵

تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی: اکثر صفحات

تیپ ۲ زرهی لشکر ۸۱، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۵۶

۵۹، ۶۱، ۷۶، ۷۸، ۸۸

تیپ ۲۳ نوهده، ۳۲، ۱۸۴

تیپ ۳ لشکر ۷۷ پیاده، ۳۹، ۴۱

تیپ ۸۴ پیاده، ۳، ۳۰، ۳۴، ۳۹، ۵۳، ۷۸، ۸۹

۱۵۲، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۴، ۱۸۷

۱۸۸، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۳

تیم اطلاعات نظامی، ۳۷، ۳۸

ج

جعفری: عبدالعلی؛ ستوان یکم، ۱۹۳

چ

چمن آرا: محمد؛ از عشایر، ۱۳۳، ۳۳۱

چهارمله: منطقه، ۶۳، ۶۴، ۶۷

ح

حاتم: محمود؛ سروان، شهید، ۱۰۹، ۱۱۴

۱۱۶، ۱۲۲، ۱۷۳، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۵۹

۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳

۲۹۸، ۳۲۷

دشت لیک، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱،
 ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۷۲، ۷۳، ۱۳۴،
 ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۸۲،
 ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۳۰،
 ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۰، ۲۶۴، ۲۶۶،
 ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۹۱

دهلران، ۳۹، ۵۰، ۵۱، ۲۸۲
 دوسلک: ارتفاعات، ۳۲

ر

رزاقی: منصور؛ سروان، ۱۷۹
 رزمجو: سرهنگ دوم، ۳۲۶

رسولی: مهدی؛ سروان، سرتیپ شهید،
 ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۱۸،
 ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶،
 ۲۸۹، ۳۲۶

رضایی: ابوالقاسم؛ سرگرد، ۱۰۳، ۱۰۷،
 ۱۷۹، ۲۱۹، ۳۲۷

رودخانه تلخاب، ۲۵۸
 رودخانه خوش، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۳،
 ۲۶۶

ز

زارعی: محمد؛ سروان، ۱۷۹، ۳۲۹
 زالوآب: ارتفاع، ۱۶، ۱۷

زرباطیه: منطقه، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷،
 ۱۴۵، ۲۶۷، ۲۹۱، ۳۲۱

ژ

ژاندارمری، ۲، ۱۹، ۳۱، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۵،
 ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۱۰۰، ۱۶۳، ۱۶۹، ۲۲۸،
 ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۸۱، ۲۸۳،
 ۳۲۱

س

ساعدی: کمال الدین؛ سروان، ۱۷۹، ۲۱۹
 سبزه‌ای: سبزه‌علی؛ ستوان سوم، ۱۳۰، ۳۲۹
 سپاه پاسداران، ۲، ۲۰، ۲۸، ۸۷، ۱۶۵، ۱۶۸،
 ۱۸۴، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۷، ۲۷۱،
 ۲۸۳، ۳۰۲، ۳۰۷
 ستاد مشترک ارتش، ۱، ۲، ۱۶۹، ۲۳۹، ۲۴۴،
 ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۴،
 ۲۹۰، ۳۳۰

سرپل ذهاب، ۴۸

سرنی: محور، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶،
 ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷،
 ۲۸، ۴۸، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۷۲، ۸۵، ۸۸،
 ۹۱، ۱۰۰، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵،
 ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۸،
 ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸،
 ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸،
 ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲،
 سفیری: محسن؛ سرگرد، سرهنگ، ۱۰۴،
 ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۷۸، ۳۲۶
 سومار، ۴۸، ۵۶، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۱۶۳، ۱۶۷،
 ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۰۱،
 ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۶

سهرابی: اسماعیل؛ سرهنگ ۲، سرتیپ:

اکثر صفحات

ط

طالبیان: ناصر؛ سرگرد، ۱۷۹، ۲۱۹، ۲۹۹،

۳۲۷

طرح پشتیبانی آتش، ۳۳، ۴۱

طرح سد و موانع، ۸۰، ۸۱، ۹۲

طرح عملیاتی امین، ۳۷، ۵۲، ۵۹، ۷۱، ۲۴۰،

۲۴۴

طرح عملیاتی بدر، ۳۰، ۲۴۴

طرح عملیاتی خوارزم، ۷۰، ۲۱۱، ۲۴۷

ظ

ظهیرنژاد: سرتیپ، ۳۶

ع

عالی پور: اسدالله؛ نماینده مجلس، ۳۳۱

عبیری: محمدعلی؛ سرگرد، شهید، ۱۶۶،

۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۸، ۲۱۷، ۲۲۹، ۲۳۰

علی آبادی: ستوان دوم، ۳۲۶

علیپور: علی؛ سرهنگ ۲، ۷، ۱۳۳، ۱۴۰،

۱۶۹، ۱۷۹، ۲۱۹، ۲۸۹، ۳۳۰

عملیات پاسگاه سنگی، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳،

۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۳۰،

۳۳۳

عین خوش، ۳۲، ۳۹

ف

فتاحی نیا: قاسم؛ ستوان دوم، ۱۹۶

فرضی: مرادعلی؛ ستوان یکم، ۲۲۵

فرماندهی اروند، ۳۱

ش

شادرام: الله مراد؛ سرگرد، ۱۷۹، ۳۲۶

شاهمار: اسد؛ ستوان یکم، ۲۱۶

شکری: خیرالله؛ ستوان دوم، ۱۹۷، ۲۱۲

شمشادیان: یحیی؛ سرگرد خلبان، شهید،

۱۳۶، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۳،

۲۱۸، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۵۹، ۲۹۲، ۲۹۶

شهبازی: منصور؛ سروان، ۱۶۷، ۱۸۴، ۳۲۶

شورشیرین: رودخانه، پاسگاه، ۱۶، ۱۷، ۱۹،

۲۴، ۲۶، ۸۱، ۸۵، ۱۶۴، ۱۸۲، ۱۹۶،

۲۲۴، ۲۲۷، ۲۴۰

شینو: ارتفاع، ۶، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۳،

۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۸۵، ۱۰۴، ۲۲۹، ۲۵۱

ص

صابریان: منوچهر؛ سرتیپ ۲، ۱۹۱

صادقی گویا: نجاتعلی؛ سرتیپ ۲، ۱۵۰

۱۵۶، ۱۶۲، ۱۸۱، ۱۹۱، ۲۳۷، ۳۰۱،

۳۲۵

صالح آباد، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰،

۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۴۸، ۵۵، ۶۷،

۶۸، ۷۰، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۵، ۸۸، ۱۰۰،

۱۰۱، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۸۴، ۲۱۸،

۲۲۴، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴،

۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۷۸، ۲۸۲،

۲۹۰

صالح زهی: پرویز؛ سرگرد، ۲۹۳، ۳۲۷

فرماندهی مخصوص غرب در کردستان، ۳۰،

۵۳، ۳۹، ۳۳، ۳۲

فلاحی: اسماعیل؛ ستوان دوم، ۲۰۸

فیروزی: عبدالعلی؛ سرتیپ ۲، سرگرد، ۷،

۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۲۸،

۱۳۸، ۱۴۹، ۱۷۹، ۲۱۹، ۲۸۲

فیضی: محمد امین، از عشایر، ۲۲۸، ۲۳۴،

۲۳۵

ق

قرارگاه مقدم نزاجا در غرب، ۶، ۳۰

قصر شیرین، ۳۸، ۴۸، ۵۹، ۶۱، ۱۶۴، ۱۹۴،

۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۲۶، ۳۰۴، ۳۰۵،

قلاج: منطقه، ۱۴، ۳۷، ۵۳، ۶۱، ۲۴۴،

۲۸۵

قله شاهین: منطقه، ۶۶، ۶۷

قنبری: محمدرضا؛ سروان، ۱۷۳، ۱۹۹،

۲۰۱، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۲۷

ک

کاسه کاف: منطقه، ۱۵، ۲۴، ۲۵

کاسه گران: منطقه، ۴۸، ۶۶

کرمانشاه، ۳۲، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۱۰۱،

۱۸۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۳۹، ۲۴۴،

۲۶۲، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۳۰، ۳۳۱

کروندی: محمود؛ سرگرد، سرتیپ ۲، ۷،

۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷،

۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵،

۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،

۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹،

۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،

۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۵،

۱۴۷، ۱۴۸، ۱۷۹، ۲۱۹، ۲۳۵، ۲۵۷،

۲۶۲، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۳۲۷

کریم زاده: سرهنگ، ۶۷

کریمیان: خدارحم؛ ستوان یکم، ۱۸۴

کمری (متقی): علی؛ ستوان یکم، ۱۸۳،

۲۲۹، ۲۳۲، ۳۲۹

کنجان چم: منطقه، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵،

۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸،

۵۵، ۷۲، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۵۷، ۱۵۸،

۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۱۸، ۲۲۲،

۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹،

۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۰،

۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۲،

۲۸۳، ۲۸۴، ۳۲۹

کوه جک بور، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۳

کوه گچ، ۱۲، ۱۸، ۲۳

کیانی: سورنا؛ سرهنگ، ۱۵۰، ۱۸۱، ۳۰۱،

۳۲۵، ۳۳۳

گ

گدازگر: ابراهیم؛ ستوان سوم، ۳۲۹

گردان آماد و ترابری، ۳۷، ۳۸، ۳۹

گردان ۱۱۰ پیاده، ۳۸، ۳۹

گردان ۱۱۹ مکانیزه، ۳۷، ۱۶۲، ۲۹۰

گردان ۱۲۳ مکانیزه، ۷، ۳۷، ۷۴، ۷۷، ۱۰۰،

۱۰۳، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۹، ۱۹۳، ۲۱۷،

۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹،

۲۵۰، ۲۵۴، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۲۷

گردان ۲۴۷ تانک، ۳۷	گردان ۱۳۵ هوابرد، ۳۸، ۴۰
گردان ۲۵۰ تانک، ۳۸، ۴۰، ۵۶	گردان ۱۴۳ پیاده، ۳۸، ۲۱۰
گردان ۲۶۵ سوارزرهی، ۳۸، ۴۴	گردان ۱۶۳ پیاده، ۳۹، ۲۷۸، ۲۷۶
گردان ۲۸۵ تانک، ۳۸	گردان ۱۸۴ پیاده، ۳۸
گردان ۲۹۰ تانک، ۳۷	گردان ۱۹۵ پیاده مکانیزه، ۶، ۷، ۸، ۱۲، ۳۷،
گردان ۳۰۵ توپخانه ۱۵۵م، ۵۴	۷۰، ۷۷، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۵۷، ۱۶۲،
گردان ۳۱۱ توپخانه ۱۵۵م، ۳۸، ۴۰، ۵۶	۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۲،
گردان ۳۱۳ توپخانه ۱۵۵م، ۳۸، ۴۰، ۵۶	۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۱،
گردان ۳۱۵ توپخانه ۱۰۵م، ۳۸، ۴۰	۲۲۴، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۵،
گردان ۳۱۶ توپخانه پدافند هوایی، ۳۷، ۳۸،	۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۷۳،
۴۴، ۴۲	۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۳،
گردان ۳۱۷ توپخانه ۱۵۵م، ۳۸، ۴۴	۲۹۸، ۳۲۷، ۳۲۸
گردان ۳۳۱ توپخانه ۱۳۰م، ۳۸، ۴۰، ۵۶	گردان ۲۰۶ ژاندارمری مشکین شهر، ۳۸
گردان ۳۳۲ توپخانه ۱۳۰م، ۳۷، ۴۰، ۵۶	گردان ۲۱۱ تانک، ۳۸
گردان ۳۴۰ توپخانه ۱۵۵م، ۳۸، ۴۴، ۵۶	گردان ۲۱۵ تانک، ۳۸
گردان ۳۵۰ توپخانه ۱۵۵م، ۳۷، ۴۰، ۵۴،	گردان ۲۱۷ تانک، ۶، ۷، ۱۲، ۷۰، ۷۷، ۱۰۴،
۵۶	۱۰۵، ۱۴۴، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷،
گردان ۳۷۳ توپخانه ۱۵۵م، ۳۸، ۴۴، ۵۴،	۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶،
۵۶	۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰،
گردان ۳۷۴ کاتیوشا، ۷، ۱۲، ۳۸، ۴۰، ۵۵،	۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷،
۵۶	۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵،
گردان ۳۷۶ کاتیوشا، ۳۷، ۴۰، ۸۹، ۹۰	۲۲۶، ۲۳۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۷،
گردان ۳۸۶ توپخانه ۱۷۵م، ۳۷، ۳۸، ۴۰،	۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۹۰،
۹۰، ۵۴، ۵۶، ۸۹، ۹۰	۲۹۴، ۲۹۷، ۳۲۱
گردان ۳۹۶ توپخانه ۱۵۵م، ۷، ۳۷، ۴۴، ۵۵،	گردان ۲۲۲ تانک، ۷، ۷۴، ۷۷، ۱۰۰، ۱۲۳،
۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۱،	۱۲۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۹، ۱۹۳، ۱۹۶،
۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵،	۲۰۲، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۵، ۲۸۲،
۱۱۸، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰،	۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۶، ۲۹۷
۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲،	گردان ۲۴۴ تانک، ۱۸۴
	گردان ۲۴۶ تانک، ۳۷، ۳۸، ۳۹

۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶،	۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۶۲،
۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴،	۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۳۲۹،
۱۳۶، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹،	گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰م، ۳۷، ۴۰، ۷۷،
۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۳،	۸۰، ۸۹، ۱۷۹، ۳۲۹
۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۲۰۲،	گردان ۴۳۴ مهندسی، ۷، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۴،
۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۸۰،	۶۰، ۶۱، ۷۴، ۸۰، ۸۶، ۳۲۶
۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲	گردان ۴۹۵ مخبرات، ۳۷، ۳۸، ۳۹،
گروه رزمی ۲۲۲، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷،	گردان ۵۰۵ نگهداری، ۳۷، ۳۸، ۳۹،
۷۹، ۸۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵،	گردان ۵۰۶ بهداری، ۳۷، ۳۸، ۳۹،
۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۸، ۱۴۰،	گردان ۷ پیاده سماجا، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰،
۱۴۹، ۱۶۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸،	۱۰۰، ۱۴۰، ۱۶۹، ۱۷۹، ۲۱۷، ۲۱۹،
۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۸۲، ۲۸۳،	۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۷۲، ۲۸۳، ۲۸۴،
۲۸۶، ۳۲۹	۳۳۰
گروه ۴۴ توپخانه، ۵۴، ۵۶	گروه رزمی پارسا، ۲۸۴
گروهان ۸۱ دژبان، ۳۸، ۳۹	گروه رزمی کبیر، ۴۴، ۴۵، ۶۳
گمرکیان: حمید؛ سرگرد، ۷، ۱۰۶، ۱۲۵،	گروه رزمی ۱۹۵، ۸، ۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶،
۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷،	۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۹، ۹۰، ۹۶، ۱۰۰،
۱۴۸، ۱۷۹، ۲۱۸، ۳۲۹	۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷،
گیلانغرب، ۴۸، ۴۹، ۶۷، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۴۷،	۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵،
۳۰۸	۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱،
	۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹،
	۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵،
	۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲،
	۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲،
	۱۵۷، ۱۵۶، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۶۴، ۲۸۵، ۲۸۸،
	۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳
	گروه رزمی ۲۱۷، ۸، ۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶،
	۷۷، ۷۹، ۸۰، ۹۰، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳،
	۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲،
	۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰،

ل

لشکر ۱۶ زرهی، ۳، ۳۰، ۳۲، ۳۴
 لشکر ۲۱ پیاده، ۳، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۴۰
 لشکر ۲۸ پیاده، ۳۲
 لشکر ۶۴ پیاده، ۳۰، ۳۲، ۳۳
 لشکر ۷۷ پیاده، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۳۹
 لشکر ۹۲ زرهی، ۳، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۵۰

ن	م
ناصری: قربان؛ ستوان یکم، ۲۲۲	ماهشهر، ۳۱
ناطق نوری: حجت الاسلام، ۲۸۶	مجلس شورای اسلامی، ۲۸۶، ۳۳۱
نظری: کیومرث؛ سروان، شهید، ۲۲۱، ۲۲۳، ۳۲۷	محمدزاده: سرگرد، ۳۲۶
نعمتی تاجر: علی؛ ستوان سوم، ۳۲۹	محمدی: شیرمحمد؛ سروان، ۱۴۰، ۳۲۹
نفت شهر، ۱۶۳، ۲۰۲	محمدیان: علی کرم؛ ستوان دوم وظیفه، ۳۳۱، ۲۳۶، ۲۳۴
نوروزی: ماشاءالله؛ ستوان یکم، ۳۲۹	مرادزاده: استوار، ۱۸۸
نی خزر: منطقه، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۸۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۶۴، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۹، ۳۲۳	مرادی: عزیزالله؛ ستوان سوم، ۲۱۴
نیرو مخصوص، ۴۰، ۷۷، ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۱۷، ۳۰۴	مرادی عرب: محمد؛ سرگرد خلبان، ۱۸۰
نیروهای شبه نظامی، ۹، ۳۲، ۳۳، ۴۰، ۵۸، ۶۰، ۷۸، ۸۸	مشهدی علی اکبری: منوچهر؛ ستوان یکم، ۳۳۰
نیروهای مردمی، ۳۰، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۵۳، ۳۳۱	ملک شاهی: عشایر، ۱۹۵، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۱
نیروی دریایی ارتش، ۳۱، ۵۴	مندلی: شهر، ۴۸، ۸۵، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۴، ۲۶۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۷، ۳۰۹
	منصوری: استوار یکم، ۳۲۹
	منفرد: رضا؛ سرگرد، ۱۷۹، ۲۱۹، ۳۲۷
	مهران، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۹، ۶۱، ۶۷، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۹۳، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۶
	میان تنگ: منطقه، ۱۶۳، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶
	۱۸۸
	میری: علی اکبر؛ ستوان سوم، ۲۹۴
هدایتی: خسرو؛ سروان، ۳۲۹	

,۲۹۸,۲۸۷,۲۷۸,۲۷۶,۲۷۳,۲۷۰

۳۲۳,۳۱۸,۳۰۶,۳۰۳,۳۰۲

هوایمائی اف ۱۴ ۲۶۴

,۱۱۱,۱۰۴,۹۵,۷۹,۴۴,۳۲,هوانیروز,

,۱۴۶,۱۳۷,۱۳۲,۱۲۱,۱۲۰,۱۱۶

,۱۷۸,۱۷۵,۱۷۲,۱۷۰,۱۶۰,۱۵۲

,۲۱۷,۲۱۶,۲۱۵,۲۰۰,۱۹۸,۱۸۰

,۲۵۹,۲۵۵,۲۵۱,۲۴۸,۲۲۷,۲۱۸

,۲۸۹,۲۷۲,۲۶۹,۲۶۸,۲۶۵,۲۶۲

۳۳۱,۲۹۰

هلاله: دشت, ۶, ۸, ۹, ۱۰, ۱۲, ۱۵, ۱۶,

,۱۱۲,۱۰۹,۱۰۳,۸۵,۴۸,۲۳,۱۹,۱۸

,۱۳۸,۱۳۷,۱۳۳,۱۳۲,۱۲۸,۱۱۸

,۱۵۰,۱۴۸,۱۴۵,۱۴۳,۱۴۱,۱۴۰

,۱۶۷,۱۶۶,۱۶۴,۱۵۷,۱۵۳,۱۵۱

,۱۸۶,۱۸۵,۱۷۸,۱۷۵,۱۷۱,۱۶۸

,۲۲۷,۲۲۴,۲۲۲,۲۱۰,۲۰۹,۱۹۳

,۲۴۱,۲۳۸,۲۳۳,۲۳۲,۲۲۹,۲۲۸

,۲۶۷,۲۶۵,۲۶۲,۲۶۳,۲۵۶,۲۵۰



Meymak Operation

Colonel *Ahmad ahmadi*

Colonel *Ibrahim bavandpour*

War Cognizance Committee Of

Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi